کارگران

شماره دوازدهم | دوشنبه سیزدهم اردیبهشتماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی | بها: ده ریال

تجلی روح رستاخیز در کنگره پرشکوه کارگران ایران

برای رفع خستگی کوکاکولا بنوشید

کوکا کولا

صندوق پس انداز ملی
شماره
صندوق پس انداز بانک ملی ایران
من برای آینده درخشان خود پس انداز میکنم

روز جهانی کارگر

پریروز اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت ماه) روزجهانی کارگر بود که در وطن ما نیز کارگران عزیز جشن گرفتندو به بزرگداشتش برخاستند.

روز اول ماه مه که یک نشانگاه تقویم و تاریخ برای کارگران جهان است ، مانند اغلب روزهائی که درطی سال برای تجلیل و یاد آوری یک گروه خاص از انسانها ، نامگذاری شده‌اند ، یادآور خاطرات متفاوتی است از بر خورد طبقه کارگران جهان با محیط و مسائل زندگی مخصوصشان درطول تاریخ پیدایش این طبقه ....

مقصود اینست که روز اول ماه مه یادآور حوادث احیاناً خونین و تلخ و درعین حال مظهر به ثمر رسیدن مبارزاتی است که کارگران جهان برای بدست آوردن حق زندگی شرافتمندانه و امکانات عادلانه متحمل شده و درواقع سجل و شناسنامه نبرد زندگی طبقاتی خود را بدان نام و نشان به ثبت رسانیده است . درطی هر سال روزهائی هست فی‌المثل بنام « روزپدر » ، « روزمعلم » ، « روز ارتش » ، « روز دهقان » ، و ... و ...... و روزهای گوناگون دیگر ، که در هر یک از آن روز ها گروه ویژۀ آن روز مورد توجه جامعه قرار میگیرد و خودشان هم متوجه موجودیت خود شده و بخاطر می‌آورند که بعنوان یک گروه مشخص مورد توجه قرار گرفته‌اند و طبعاً باید بعلت همان مورد توجه قرار گرفتن ، نقش اساسی و اصیل خود را ایفا کنند...... بخاطرمی‌آوریم که جشن اول ماه مه « روزجهانی کارگر » در وطن ما بهنگامی برگزار میشود که از حوادث تلخ و احیاناً خونین دوران های مبارزات طبقاتی کارگران جهان ، چیزی جز یک شبح مبهم و فراموش شده درخاطره کارگران ما بنظر نمیرسد .... شاید به آسانی بتوان بخاطر آورد که درسالهای بعد از شهریور شوم ۱۳۲۰ ، بهانه های گوناگونی دستاویز استعمارگران سرخ و سیاه بوده که بدان مناسبتها گروههای مختلف مردم وطن ما را بزیر شعارهای شوم و نحس مبارزات طبقاتی و همکاری با بیگانگان جمع کرده و هر روز تحت عناوین رنگارنگ موجبات تفرقه و جدال و اغتشاشات در کشور ما فراهم می‌ساخته‌اند ...... شاید به آسانی بتوان بخاطر آورد که همان دستهای ناپاک ، افراد ناشناس و مشکوک ووابسته به بیگانه‌ها را داخل اجتماعات زحمتکشان بیگناه وطن ما کرده و دارو- دسته براه میانداخته‌اند و شاید آسانتر از آن بتوان بخاطر آورد که دایه‌های کاذب و دروغین که ادای مهربانی های مادر را در می‌آوردند هرگز حتی اجازه نمیدادند که قشرهای زحمتکشان و یا روشنفکران وطن ما یک قدم هم که شده بسوی هدف های مشروع وملی خود بجلو بروند ومحکوم بوده‌اند که همواره بصورت آلت دست تحریکات آن دایه نماها باقی بمانند .... بلی به آسانی میتوان چنین خاطره هائی را بخاطر آورد ......ولی اکنون که کارگران خوشبخت ما زیر پرچم رستاخیز ملت ایران یکی ازمراسم مخصوص کارگران جهانی را برگزار میکنند ، خوب احساس میکنند که مردان و زنان پیروزی هستند که پیروزی خود را فقط در سایه رهبری شاهنشاه آریامهر و همکاری و همگامی وسیع ملی بدست آورده‌اند و براستی که درمقیاس جهانی کارگری،نمونه بارزی از به ثمر رسیدن آرزوهای انسانی کارگران بشمار می‌آیند .... نمایندگان کارگران ما پریروز بهمین مناسبت و به موقعیت تشکیل کنگره بزرگ کارگری ایران در گروههای چندهزار نفری بحضور شاهنشاه آریامهر رهبر عالیقدر وطنمان رسیده و ضمن سپاسگزاری ازمراحم ومهربانی هـــای پدر تاجدارشان،ارادۀخلل‌ناپذیرشان را مبنی بر هرچه شکوفاتر ساختن اقتصاد ملی و دفاع ازمصالح ومنافع وطن عزیزشان ایران بعرض رهبر بزرگ رسانیدند و ثابت کردند که شاید تنها کارگرانی باشند که براستی جشن و سرور دارند و به چیزی بنام مبارزه طبقاتی و محرومیت طبقاتی نمی‌اندیشند .... کارگران وطن ما با اینگونه برگزار کردن روز جهانی کارگر نشان دادند که فقط درسایه تدابیر خیرخواهانه و انساندوستانه وصمیمانه و رهبری های ملی مبتنی بر فرهنگ و آرمانهای ویژه ملی میتوان به هدف‌های واقعی و انسانی رسید وثابت کردندکه بخوبی ارزش این پیروزیهای سیاسی واقتصادی و ایدئولوژیک ملی را میدانند . و ما نیز ضمن شادباش گوئی به کارگران عزیزمان و همه کارگران جهان آرزومند پیروزی اندیشه‌ های انساندوستی واقعی هستیم .

رستاخیز **کارگـــران**

نشریه حزب رستاخیز ملت ایران . این نشریه ماهی دوبار منتشر میشود

دوشنبه سیزدهم اردیبهشت ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی شماره دوازدهم

مدیر مسئول : محمد حسین کردبچه

نشانی : خیابان وصال شیرازی — چهارراه بزرگمهر

تلفن : ۶۶۶۰۴۴ — ۶۶۷۱۵۹ — ۶۴۰۷۹۹

هیئت تحریریه : ۶۶۳۷۵۵

در این شماره

تجلی روح رستاخیز، درسومین کنگره کارگران ایران

هفتـــــه گـــذشته ، باپیام شاهنشاه آریامهر ســــــومیـــن کنگـــــره کارگـــــران ایـــــــــران دراستادیوم یکصدهزار نفری آریامهر برگزارشد ، و دراین کنگره باشکوه مسائل و مطالب گوناگونی مطرح گردید . و در پایان قطعنامه‌یی ملهم از پیام شاهنشاه بتصویب رسید که در آن راه آینده کارگـــران ما در عصر رستاخیز مشخص شده است. «رستاخیز کارگران» بمناسبت برگزاری این کنگره ، هشت صفحه را اختصاص به مطالب آن داده است.

صفحات ۴ تا ۱۳
۹۰-۹۱

مسابقه دانش صنعتی

سرویس «حرفه وفن» مجله ، بمنظور پیشبرد هدفهای آموزشی وتکنیکی ، مسابقاتی را با نام « مسابقه‌دانش صنعتی » آغاز کرده است ، که‌شرح بیشتر چگونگی وبرگزاری و پرسش های مسابقه را درصفحه۲۲ مطالعه خواهید کرد .

خودساخته ها

او ، فرزند یک هیزم شکن بود ،...و شاید کسی نمی‌توانست پیش‌بینی کند که این پسر بی‌سادو این کارگر مزدور ، با کوشش وبکارگیری اندیشه واستعداد خود ، یک روز بتواند به کاخ ریاست جمهوری راه یابد ومیلیون ها برده را ازاسارت نجات بخشد ...او ، « ابراهام لینکلن » رئیس جمهوری معروف آمریکا بود...

صفحات ۲۸ و ۲۹

ساعتی درمیان خانوادۀ کارگر

دراینشماره گزارش گزارشگر رستاخیز کارگران را که به خانه آقای صادق زمانی رفته وساعتی رادر کنارخانوادۀاین کارگرشریف گذرانده ، مطالعه کنید... اعضای این خانواده از زندگی پرسعادت خود ، تفریح و سرگرمی ، و خواسته وآرزو ها یشان مطالب جالبی گفته‌اند.

درصفحات ۳۲ — ۳۳

روزنامه رستاخیز کارگران

روزنامه رستاخیز

در صفحات این شماره روزنامه رستاخیز کارگران خبرهای مربوط به کارگران و فعالیتهای حزب رستاخیز ملت ایران — خبرهای سندیکائی را مطالعه می کنید . بازار کار ازجمله صفحات خواندنی روزنامه رستاخیز کارگران برای کارگرانی است که جویای کارمیباشند.

صفحات ۴۴ تا ۵۵

شاهنشاه آریامهر:

اسم کارگر را که اسم شریفی است، باید حفظ کنید

شاهنشاه آریامهر خطاب به نمایندگان سراسر کشور، بیانات مهمی ایراد فرمودند..

پیش از ظهر روز شنبه گذشته (یازدهم اردیبهشت ماه) قریب پنجهزار نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور، بمناسبت روز کارگر در کاخ سعدآباد به حضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب شدند. در این شرفیابی که لوحه سپاس کارگران ایران تقدیم حضور شاهنشاه گردید، شاهنشاه آریامهر پس از استماع گزارش آقای امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی طی بیاناتی فرمودند:

برای بار دوم در بزرگداشت روز بین المللی کارگر شرکت میکنم و بیاد روز اول مه. آن خشونت‌ها و بی‌عدالتی‌هائی که موجود بود در آن روزها برخورد شدیدی ورقی در روابط کارفرما ها و کارگران گذشته پیش آمد که از آن روز به بعد همه کارگرهای جهان این روز را گرامی میدارند، ولی خوشبختانه در مملکت ما این روز را ما نه بیادگار برخورد و خونریزی جشن میگیریم. این یادگار، یادگار عشق و دوستی و تفاهم متقابل در سایه انقلاب شاه و ملت میباشد.

فلسفه انقلاب ما که امروز به ۱۷ اصل رسیده است و از روز اول هم شما کارگرها در صف اول فکر و هدفهای انقلاب ایران قرار داشتند. مثلا با سهیم شدن تا ۲۰ درصد منافع کارگاهها و بالاخره پارسال با اصل سیزدهم در سهیم شدن در سهام کارخانجات با چنان سرعتی بمرحله عالی انسانی و تمدن در اصل احترام گذاشتن به زحمتکشان و کارگران رسیده اید که بنظر کاریکه در جاهای دیگر دهها سال با زدوخورد و با اشکالات تا حدودی تأمین شده است در مملکت شما با تفاهم در این مدت کوتاه از سال ۱۳۴۱ باین طرف بدست آورده اید و این افتخارات باید باقی بماند، ولو اینکه الان شما سهام دار بشوید و در سود شریک بشوید، ولی اسم کارگر که خودش اسم شریفی است و در چندین سال پیش این کلمه را من استعمال کردم که شرافت ذاتی دارد،

این اسم را باید حفظ بکنید برای اینکه در یک جامعه متمدنی اگر اساس چرخش کار برمحور زحمت کشیدن و کار کردن نباشد آن جامعه مسلما محکوم به فنا است. یعنی حداکثر درآمد هم شما داشته باشید و در حداکثر رفاه هم که باشید، ایرانی در هر سمتی مخصوصاً در قسمت تولیدی که شما کارگرها بزرگترین مثل تولیدی هستید باید یک نوع انگیزه فردی یک نوع افتخار شخصی وملی باشد که آن موقع اقتصاد مملکت، تولیدات مملکت بحدی خواهد رسید که قابل رقابت خواهد بود در بازارهای بین المللی فکر بکنید که شاید تا ۳۰ سال دیگر مگر اینکه باز منابع جدیدی از نفت ومواد سوختنی پیدا شود، ولی قاعدتاً حساب بکنید که تا ۳۰ سال دیگر ثروت‌های نفتی مملکت ما تقریباً تمام بشود شاید مقداری برای مصارف داخلی بماند.

در آن روز زندگی فعلی ملت ایران و سطح زندگی فعلی را چه مشکل می‌شود نگاه داشت. با تولیدات صنعتی و یا تولیدات کشاورزی. تولیدات صنعتی شما باید قابل رقابت با سایر ممالک پیشرفته جهانی باشد والا محال است که بشود سطح زندگی فعلی را نگاه داشت. می‌بینیم ممالکی هستند در دنیا که حتی بدون ثروت‌های طبیعی مثل نفت وامثال آن روی اصل کار و عشق به کار ومهارت در کار بسطح زندگی‌ای رسیده‌اند که حقیقتاً قابل تحسین وقابل تقدیر ... هم باید خودمان را برای احتمالا چنین روزی حاضر بکنیم، یعنی هرروز در مهارت خودتان توانا باشید.

برای این کار مسابقه‌های گوناگونی گذاشتیم. مدارس متعددی ایجاد شده، بازهم بیشتر ایجاد خواهد شد واین باید برای فردفرد شما یک لذت شخصی باشد که بدانید کارتان در ردیف اول هست وبعد هم مهارت باشد، هم محصول زیاد. فقط در این شرط است که ما بتوانیم همینطور سطح زندگی خودمان را بخواست خدا روز بروز بالا ببریم. درمقابل حتماً باید مدیریت هم باپای مهارت شما بهتر بشود. در قسمت مدیریت هم ما باید توجه بکنیم و می‌کنیم وادامه خواهیم داد.

در قسمت‌های کارخانجات دولتی که تا ۹۹ درصد سهام آن ۴۹ درصد اول آن به کارگران و کارمندان همان کارخانه و مابقی آن به ملت ایران، یک درصد نگه می‌داریم فقط بخاطر مدیریت.

دولت دستور دارد که در مدیریت این نوع کارخانجات از هیچ فکر و اندیشه و مطالعه‌ای فروگذار نکند که بحداعلای مدیریت برسد. حتی فکرمی کنم اگر میان شما کسانی باشند که در کارخانه خودشان عیبی ونقصی رامشاهده بکنند مسلماً آن را گزارش بدهند، مسلماً آن را در حوزه حزبی خودشان مطرح بکنند حوزه حزبی حتماً مطلبی به مرکز منعکس بکند در کارخانجات غیردولتی هم همین طور کوشش

میتوانید بهمدیگر تبریک بگوئید که در مملکتی زندگی میکنید که هم شما قدر آنرا میدانید وهم آن مملکت قدر شما را

متن لوحه سپاس کارگران ایران به پیشگاه شاهنشاه آریامهر

پیشگاه‌مبارک اعلیحضرت همایون‌محمد رضا پهلوی آریامهرشاهنشاه ایران
به روزگاران برگزاری آئین شکوهمند بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی که نیم قرن سلطنت بردلها بوده است ، سپاس میلیون‌ها زن‌ومرد کارگر ایران زمین به خاکپای شهریاری باد کهبزنواندیشه های عالمانه ورهنمود های داهیانه‌اش رفاه‌مادی وارج معنوی برای کارگران این کهن سرزمین سرافرازارمغان داشته است. ۱۱ ارد یبهشت ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی.

لوحه سپاس کارگران ایران تقدیم شاهنشاه آریامهر شد . آقای امیرقلسم معینی وزیر کارو امور اجتماعی ،افتخارحضوردارد.

در بهبود مدیریت باید دائمی باشد. دراین بین مطلبی که باقی می‌ماندو باید ما برای آسایش بیشتر شما بآن فکر بکنیم ، قسمت‌تولید بیشتر و درآمد بیشتر باشما است ، ولی کمک به تهیه مسکن چه سازمانی و چه شخصی برای دوره‌های بازنشستگی شما ازمطالبی‌هست که حتماً همیشه مورد توجه ما بوده‌و خواهد بود. اگر تا بحال دراین امر پیش‌رفت کافی نشده است ، علتش واضح است. یکی نبودن مصالح ساختمانی سیمان مسلماً حتی آجر ، دوم نبودن کارخانجات خانه‌سازی . چون خانه وقتی به تعدادزیادی ساخته می‌شود ، باید پیش ساخته باشد که بشود به سرعت‌این خانه‌ها را سوار کردوآماده کرد ، ولی دراین صدد هستیم. کارخانجات متعدد پیش ساخته‌ای خریده شده ، سفارش داده شده‌و البته خواهند رسید. یک مطلب دیگری که جالب است‌وهمانطور که گفتم حرف حسابی را همیشه باید گوش داد ، شنیدم که دراین کنگره‌بعضی‌ها مطلبی‌راعنوان‌می کردند که شاید دولت دراخذ مالیات از تعاونی‌های کارگران باید تجدید نظربکندو فکرمی کنیم حرف حرف‌صحیحی است.

برای تثبیت هزینه زندگی‌مگر تورمی که یا از خارج بما تحمیل‌می‌شود یا تورمی که بهرصورت دراثر ترقی درهرنقطه دنیا پیش‌آمد می کند ، قدرت‌خریدهرچه برود بالا یک اثر تورمی بدون شک‌می‌گذارد ، ولی چندین چیز هزینه زندگی را تثبیت‌می کند ازهمه مهمتر خانه است‌و کرایه‌خانه که بآن اشاره کرده‌یم. دوم لوازم جاری زندگی است که این به‌سیل هر دکانی هرروزقیمت‌ها نوسان پیدا نکندو یک قیمت ثابتی در مغازه‌هاو در تعاونی‌ها به‌قیمت ماهی فروخته بشود که یک فامیل ایرانی ، حالا صحبت از کارگر می کنیم ، این حساب زندگیش باید روشن باشد. مخارج اصلی مخارج کرایه‌خانه‌است‌وتهیه مایحتاج زندگانی دارد..

سایر مطالب انقلاب ایران و هفده ماده آن برای شما تامین کرده ، یعنی مخارج تحصیلی تا انتهای دانشگاه‌مجانی است‌وسایر پیش‌بینی‌هائیکه کرده ازقبیل کمک به ارزاق. تا کی این کمک ادامه پیدا میکند تا موقعی که خانواده‌های ایرانی بآن حداقل درآمدی که برای یک‌مملکتی که وارد تمدن بزرگ خواهد شد مسلماً بآن حد رسیده باشد. تا آن‌موقع مسلماً باید در ارقام که فعلا بآن کمک می کنیم ، کمک ادامه داشته باشد که آن هم در تثبیت هزینه های زندگی اثرخیلی زیادی دارااست.

پس ما با یک روحیه قوی و مطمئن بآینده نگاه‌می کنیم ، برای اینکه تابحال که به گذشته نگاه می کنیم ، می‌بینیم بسیار گذشته دلپذیر و امیدبخش است. مسلماً آینده نمی‌تواند از گذشته کمتر امیدبخش باشد ، بخصوص که می‌بینیم سال بسال سطح فکر وسطح مهارت‌شما بطور خیلی محسوسی بالا می‌رود و شما مردم پرشور ، وطن‌پرست ، زحمتکش و ایرانیهای اصیل و خوبی هستید. بخواست خداوند متعال سالهای آینده چه سالهای عادی ، چه سالهائیکه کنگره خواهید داشت ، هردفعه درچنین جشنی بتوانید بهمدیگر تبریک بگوئید که درمملکتی زندگی می کنید که هم شما قدرآنرا می‌دانید و هم آن‌مملکت قدرشما را.

* پیش از بیانات شاهنشاه آریامهر، آقای امیر —

بقیه درصفحه ۹۰

پیام شاهنشاه آریامهر

سندیکاهای کارگری میباید با همفکری و همکاری صاحبان صنایع و کارخانه ها درجه بهره‌وری کار خود را چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت بیشتر و باز هم بیشتر کنند

اجرای اصل چهاردهم انقلاب

همراه با توسعه جدی تعاونیهای مصرف، قدرت خرید کارگران را حفظ و تثبیت میکند

پیام شاهنشاه آریامهر را، آقای امیراسداله علم وزیر دربار شاهنشاهی قرائت کرد.

تشکیل سومین کنگره کارگران ایران را به عموم کارگران ایرانی که نمایندگان آنها از سراسر کشور در اینجا گرد آمده‌اند شادباش می‌گویم.

اجتماع کارگران ایران، مظهر تجلی تازه‌ای از همبستگی استوار آنان در سازندگی ایران نیرومند و پیشرو امروز، و درعین حال مظهر همبستگی این گروه بزرگ مولد این کشور با دیگر گروه‌های سازنده و کوشای جامعهٔ ایرانی در راه تجدید بنای اقتصادی و اجتماعی مملکت و پی افکندن ایران شکوهمند فردا است. در ایران ما، امروزه بیان این واقعیت ما یه سربلندی است که همه نیروهای خلاقه کشور دست در دست یکدیگر و هماهنگ با یکدیگر در راه ساختمان کشوری بزرگ و سعادتمند تلاش می کنند و اتحاد آنها در این راه، اتحاد شرافتمندانه و آزادانهٔ مردمی است که عمیقاً به مسؤولیتهای ملی و اجتماعی و جهانی خویش، و به هدف مقدسی که فرا روی آنهاست آگاهی دارند. اینان مردمی هستند که تلاش آفرینندهٔ خویش را نه از روی اجبار، بلکه با نیروئی که از ایمان و اعتقاد به اصالت و افتخار کار و هدف سرچشمه می گیرد انجام می‌دهند. راز این پیروزی در این حقیقت نهفته است که امروز، کارگر ایرانی دیگر جدا از دولت و یا احتمالاً نیروئی در صف مقابل آن نیست، زیرا در اجتماع امروزی ایران که براساس انقلاب شاه و مردم پی ریزی شده و تناقضات اجتماعی در آن حل شده است، دولت خود پشتیبان سندیکاها و مدافع حقه آنهاست، و درعین حال منافع حقهٔ کارگر و کارفرما بهم پیوسته است. کارگر ایرانی امروز از قوانینی چنان مترقی برخوردار است که اگر هم مشابه آنها را در قسمتی از دیگر جوامع پیشرفته جهان بتوان یافت، مسلماً مترقی‌تر از آنها در هیچ جا نمی‌توان یافت. در ایران امروز، نه تنها کوششی پیگیر در جهت پیشرفت شرائط مادی و تأمین رفاه زندگی طبقه کارگر بکار می رود، بلکه بموازات آن، کارگر ایرانی احساس می کند که از حداعلای حیثیت انسانی برخوردار است زیرا در جامعهٔ نوین ایران، انسان فقط ابزاری در خدمت پیشرفتهای ضروری صنعتی و مادی نیست بلکه نیروی آفریننده‌ای برخوردار از حداکثر شخصیت و اصالت معنوی و اجتماعی است. این شرافت و اصالت انسانی بنیاد اخلاقی همه اصلاحاتی است که در زمینه های مختلف و همه‌جانبهٔ مادی و معنوی در مملکت ما انجام می گیرد.

تشکیل این کنگره کارگری سراسری کشور، فرصت مناسبی برای کارگران ایرانی است تا پیروزیهای اقتصادی ایران امروز و درجهٔ شرکت و همکاری خود را در حصول این پیروزیها آگاهانه مورد ارزیابی قرار دهند و چگونگی اتحاد گسترده‌تری را چه از نظر فکری و چه از لحاظ عملی، در پی ریزی موفقیتهای آینده بررسی کنند.

در راه ایفای این تلاش پرافتخار، سندیکاهای کارگری می باید با همفکری و همکاری صاحبان صنایع و کارخانه ها درجه بهره‌وری کار خود را چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت بیشتر و باز هم بیشتر کنند، تا از این راه نه تنها سطح تولید کشور را بالاتر ببرند، بلکه درعین حال درآمد بیشتری را نیز برای خود کارگران تأمین نمایند. اجرای جامع و کامل اصل سهیم شدن کارگران در سود کارگاه‌های صنعتی و تولیدی، و نیز اجرای اصل سیزدهم انقلاب دائر بر توسعهٔ مالکیت واحدهای تولیدی، و تشویق کارگران به آموختن مهارتهای فنی و حرفه ای، و گسترش مسابقات مهارت فنی کارگران و برنامه های آموزش حرفه ای، برای رسیدن بدین هدف کاملاً ضروری است. از طرفی دیگر اجرای اصل چهاردهم انقلاب که مانع از نوسان بی رویهٔ قیمتها شده است، همراه با توسعهٔ جدی تعاونیهای مصرف، قدرت خرید کارگران را حفظ و تثبیت می کند.

صاحبان صنایع وظیفه دارند برای حل مسائل مربوط به مدیریت و بهره‌وری، سازمانهای مخصوصی بوجود آورند تا از طریق همکاری دولت و صنایع و سازمانهای کارگری، رابطهٔ درآمد کارگران با بهره‌وری کار ماهیت علمی بخود می گیرد، و از طریق این همکاری اقتصادی و اجتماعی و تولیدی، هدف برابری سرانهٔ صنعتی در کشور ما با تولید سرانهٔ صنعتی در ممالک کاملاً پیشرفته، تحقق یابد.

توفیق عموم شرکت کنندگان در سومین کنگره کارگران ایران، و موفقیت کامل کنگره را در بررسی مطالبی که در دستور کار دارند، و اخذ نتایج مثبت و ثمربخش از این بررسیها را خواستارم.

کارگران ایرانی

درادای احترام به رضاشاه بزرگ و تقدیم سپاس

به شاهنشاه آریامهر درصف اول جای دارند

در ۱۳ سال گذشته در ایران، مترقی ترین، انسانی ترین و عادلانه ترین قوانین و مقررات کار تصویب و اجراء گردیده است

اجتماع بزرگ شما هنگامی برگزار میشود که مردم ایران در سراسر این سرزمین بزرگ، پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری شاهنشاهی پهلوی را جشن میگیرند. طبیعی است که کارگران در این بزرگداشت تاریخی. در این ادای احترام به رضاشاه بزرگ و تقدیم سپاس به شاهنشاه آریامهر درصف اول جای دارند زیرا پیدایش نیروی کار امروزی شکل گرفتن هویت کارگری در ایران وبازگرداندن احترام به کارخلاقه وسازنده همزمان بابنیانگذاری شاهنشاهی پهلوی بوجود آمده وبه صورت یکواقعیت زندگی ملی مادرآمده است.

این حقیقتی است که بزرگترین ثروت هر کشور نیروی کار آن است. پنجاسال پیش، این بزرگترین ثروت ملی نمیتوانست در زمینه‌ای آفریننده بکارگرفته شود مردم ما کارگران وروستائیان مالکان آن نمی‌یافتند که حتی بخشی کوچک از استعدادها وتوانهای طبیعی خود رادرخدمت بمیهن بکارگیرند.

درچنان شرایطی بود که رضاشاه بزرگ، فرماندهی ایران را برعهده‌گرفتند. هیچ کس فراموش نکرده است که این رویداد مهم از مشیت الهی ومتکی براراده میلیونها زحمتکش ایرانی بود که زیرپرچم ناسیونالیسم ایرانی وبه‌فرماندهی سردار بزرگ ایران متحد شدند.

بزرگترین خدمت شاهنشاهی پهلوی به‌میهن خویش، از نوزنده کردن پیوند شاه‌وملت بود پیوندی که مؤثرترین نیروی سازنده تاریخ ما و نگهبان استقلال وتداوم هویت ملی ایران بوده وهست. در پرتو این پیوند منافع وحقوق عادلانه هرگروه اجتماعی تنها باتوجه به‌منافع وحقوق تمامی ملت مفهوم می‌یابد. در پرتو این پیوندلطمه‌زدن بمنافع وحقوق عادلانه هرگروه اجتماعی، لطمه‌زدن بمنافع وحقوق تمامی ملت ایران است.

از این دیدگاه ودر پرتو این فلسفه بود که انقلاب شاه‌وملت شکل گرفت— انقلابی که مهمترین سلاح آن تفاهم ونزدیکی است و نه‌عناد وتجزیه. این انقلاب، برخلاف بسیار انقلابهای دیگر، یکپارچه کردن‌ملت را هدف قرارداده بودنه تقسیم آن را به گروههای متخاصم ومتضاد.

شما کارگران ایرانی، بهتر از هرکس وهرگروه دیگر وبا عمقی ناشی از تجربه مستقیم روزانه انقلاب شاه وملت‌را درک میکنید. مشارکت کارگران در سودویژه کارگاه‌ها یکی ازنخستین اصول انقلاب‌شاه‌وملت بود.

اما این گام مهم وحیاتی، درواقع، نخستین گام بود. در ۱۳ سال‌گذشته وبه شکرانه همکاری وهمگامی‌خود شما در ایران مترقی‌ترین، انسانی‌ترین، وعادلانه‌ترین قوانین و مقررات کار تصویب واجراءگردیده است. آنچه‌را کارگران دیگر کشورها پس ازدهه های متمادی تحمل مرارت ومشقت هنوز به‌تمامی‌بدست نیاورده‌اند کارگران ایران در پرتو انقلاب‌شاه‌وملت هم‌اکنون دارا هستند.

تأمین وحفظ منافع حقوق عادلانه کارگران، مسیری‌است که حرکت در آن حتی برای یک لحظه‌متوقف نمیشود کارگران ما هم‌اکنون، به نسبت‌تولید ناخالص‌ملی، یکی ازبالاترین سطحهای دستمزد را در جهان دارند زیرا بخلاف بسیاری کشورها ایران برخورداراز یک‌فرماندهی صحیح اجازه نداده است که فشارهای تورمی‌ورکود رونق‌زندگی اقتصادی‌اش را تهدید کند وسطح زندگی وامنیت اشتغال کارگران را در خطر افکند.

دوستان‌عزیز

درسالی که‌گذشت‌گام های بزرگ تازه‌ای در راه توزیع عادلانه‌تر ثمرات پیشرفت اقتصادی ایران برداشته شد. اجرای همه اصول انقلاب بطور مستقیم یاغیرمستقیم، در جهت همین هدف بزرگ بوده‌است. آموزش وتغذیه‌رایگان، بهداشت رایگان وجلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمتها همگی به‌بالابردن سطح زندگی‌خانواده‌های کارگری کمک کرده‌است ومیکند. آموزش رایگان تاعالی‌ترین سطحها، به‌فرزندان شما امکان میدهد که از فرصتهای مساوی برای تجلی وپرورش استعدادهای‌خود بهترین بهره‌ها را بگیرند.

اصل سیزدهم انقلاب در موردگسترش مالکیت صنعتی در مدت بسیار کوتاهی از موفق‌ترین اصول انقلاب بوده‌است. کارفرمایان که صاحب سرمایه‌هستند و مدیران که باکاروکوشش خود رونق به‌صنعت مملکت می‌دهند یکسان‌و باآغوش‌باز ازاصل سیزدهم استقبال کرده‌اند. بدیهی‌است کارگری که خود صاحب سهم می‌شود تلاشی افزونتر خواهدداشت ودر حفظ ماشین‌آلات وسرمایه کوشش بیشترخواهد نمود. اجرای این اصل علاوه برآنکه حیثیت اجتماعی وشأن ومنزلت کارگر را درجامعه بالا خواهد برد باتوزیع عادلانه‌تر درآمدها قدم مؤثر دیگری است که‌در جهت رفاه اجتماعی برداشته میشود . همانطورکه اطلاع دارید تامهرماه دوهزار وپانصدوسی وهفت شاهنشاهی حداقل سیصدوبیست واحد تولیدی مشمول (چه‌در بخش خصوصی که می‌بایستی چهل‌ونه درصداز سهام خود را عرضه کنند وچه‌در بخش عمومی که نودونه درصد سهام خود را عرضه‌خواهند کرد) درطول این‌مدت سهام مربوطه را به کارگران‌واحد خودسپس به‌سایر کارگران وکشاورزان وعامه‌مردم عرضه خواهند کرد.

در سال‌گذشته ودرمدتی کمتر از هشتماه نودواحد تولیدی سهام خود را عرضه کـــرده‌اند که‌درشصت‌وچهار واحد آن سی‌وسه هزار ونهصد وشصت ویک نفر از کارگران بااستفاده از وام مربوطه ششصدوهشتادوشش هزار وهفتصد وهفتادونه سهم خریداری نمودند. از این چشمگیرتر تعداد سهامی‌است که همین کارگران به‌صورت نقدی خریداری ووجوه آن را پرداخته‌اند. تعداد سهام نقدی یکصدوپنجاه‌و یکهزار وپانصدوپنجاه‌ودوسهم میباشد. میخواهم برضرورت افزایش تولید وبهبود سطح کارآئی تکیه کنم. در ۱۳ سال گذشته، سطح کارآئی درصنایع‌ایران‌وبازده‌هرواحد کار به‌میزان‌قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

این را مدیون چندین‌عامل هستیم ازجمله— بکارگرفتن وسائل وروشهای نو، افزایش سطح مهارت کارگران، بهبود سطح مدیریت وتجربه بیشتردر زمینه سازماندهی صنعتی و بازرگانی.

بااین حال افزایش بازده کاروارتقای سطح کارآئی، باتوجه به رشد کلی اقتصاد کشور، نمیتواند شمارا که خواستار جهش های هرچه‌سریع تر کشور خود هستید، کاملا راضی کند. طبیعی است که کارگران مامیبایست‌خواستار بدست‌آوردن عالی‌ترین سطح کارآئی درچارچوب تازه‌ترین امکانات‌فنی وتشکیلاتی درزندگی تولیدی‌باشند.

کارگرایرانی، بابرخورداری از بهترین امکانات اجتماعی واقتصادی وتازه‌ترین وسائل وروشهای تولیدی میبایست سطح کارآئی خود را باسرعتی بیشتر افزایش دهد وبه رشدسریع تراقتصادملی بیش ازپیش کمک کند.

یقین‌دارم بررسی راههای رسیدن به‌سطحی‌بالاتر از کارآئی از زمره مسائل عمده‌ای است که‌درکنگره بزرگ‌شما مطرح خواهدبود. کارگرایرانی در عصررستاخیزمیتواند و میخواهد که‌در هرمقایسه بین‌المللی عالی‌ترین مقام را از نظر تولیدداشته باشد. امکانات بسیاری برای رسیدن به‌این هدف‌هم‌اکنون وجود داردوتأمین وعرضه امکانات تازه از وظایف‌دولت‌و کارگاههای تولیدی واتحادیه‌های کارگری است. کار بیشتر برای ایران نیرومندترومرفه‌تر.... این‌است رهنمود همه‌ما درتلاش ملی‌مان برای رسیدن به تمدن بزرگ‌وتحقق آرمانهای‌بزرگ‌شاهنشاهمان.

کامیابی کنگره‌بزرگ‌شما وفردفرد کارگران ایران‌را خواستارم.

تجلی روح رستاخیز در کنگره پرشکوه کارگران ایران

صفحات ویژه سومین کنگره کارگران ایران

راهنمایان

یک گروه هشت نفری از دختران عزیزک گرد راهنمائی شرکت کنندگان در سومین کنگره کارگران ایران را بعهده داشتند که با ظرافت وادب خاص زنانه میهمانان کنگره را راهنمائی می کردند. جالب توجه اینجاست که هرروز لباسهای متحدالشکلی- بلوزودامن و کراوات ـــ بپوشیدند و برای تنوع بخشیدن بیشتر رنگ لباس آنها نیز تغییرمیکرد.

یکی دیگر از وظایف آنها این بود که پیشنهاد های شرکت کنندگان را به هیئت رئیسه تقدیم کنند.

در دهکده المپیک هنگام صرف ناهاربا آنها گفتگوئی داشتیم که بطورخلاصه میتوان گفت ازاینکه درسومین کنگره کارگران ایران شرکت جسته بودند بشدت خوشحال بنظـــر میرسیدند وآرزوداشتند نتیجه این کنگره بسیار موفقیت آمیز و پربار باشد.

اسامی دختران : منیجه فارسی جانی، بتول حاجی جانی-ساه رز کشاورزحداد-هما کلهری-طاهره زنجیر-مرضیه امیراصلانی-پوران آشوری زاده-مریم توعی بیجارئ.

استفاده ازوقت تنفس برای صرف ناهارواستراحت، بهترین فرصت برای ادای فرائض وگزاردن نمازاست ....ودراین ساعات، شرکت کنندگان در کنگره در هوای لطف بهاری، و بر روی چمن های استادیوم آریامهر پیشانی بر درگاه خدای یگانه سگذاشتند، وباسپاس ازآنچه در پرتوانقلاب شاه وملت نصیب شده، بقای سلطنت و دوام سلطنت شهریاری را مسئلت میکردند که با رهبری داهیانه خویش، ثبات وامنیت وخوشبختی را به این کشورباز گردانیده است.

با پیام شاهنشاه آریامهر، پیش ازظهر روز دوشنبـــه ، هفتم اردیبهشت ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی، درحضور آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر، دبیر کل حزب رستاخیزملت ایران و رئیس شورایعالی سازمان کارگران ایران، سومین کنگره کارگران ایران گشایش یافت.

درمراسم گشایش کنگره چندتن ازوزیران کابینه، نمایندگان مجلسین سنا وشورا ومقامات بلند پایه مملکتی، حضور داشتند، و در تمام جلسات، نمایندگان کارگران چند کشورخارجی که بهمین مناسبت دعوت شده بودند، شرکت داشتند.

تقي زنوزي
کرج

حسن سالاروند
تهران

جلال کاشفی
مازندران

عباس میرزائی
نماینده مجلس شورا یملی

محمدزارعی
کردستان

نمایندگان خارجی عبارت بودند از کشور-های مصر، شوروی، یوگسلاوی، لهستان، تایلند، سنگال، ترکیه، پاکستان، فرانسه، بنگلادش و رومانی

از کشورهای رومانی، لهستان، یوگسلاوی و شوروی هریک دونفر واز کشورهای دیگر یک نفر نماینده در کنگره حضور داشت.

پیش از تشکیل کنگره نمایندگان کارگران در آرامگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر حضور یافتند، و با نثار تاج های گل، به بنیانگزار ایران نو، ادای احترام وسپاس کردند. در آغاز جلسه کنگره آقای محمد صادقی به عنوان رئیس سنی جلسه انتخاب شد و با رسمیت یافتن جلسه، آقای اسدالله علم وزیر دربارشاهنشاهی پیام شاهنشاه آریامهر به سومین کنگره کارگران ایران را قرائت کرد. (پیام شاهنشاه آریامهر در صفحه ۲ مجله چاپ شده است)

آنگاه برای انتخاب رئیس جلسات کنگره اخذ رأی به عمل آمد که در نتیجه آقای هادی الهی رئیس هیات مدیره سندیکای شماره یک صنعت نفت اهواز و رئیس سازمان کارگران این شهر به این سمت انتخاب شد. سپس برای انتخاب دونواب رئیس و چهار منشی رأی گرفته شد و در نتیجه آقای تقی زنوزی رئیس سازمان کارگران کرج و آقای شهرام صلواتی رئیس سازمان کارگران ساری وهمچنین خانم ها زهرا فرهنگیان وفاطمه کیومرثی وآقایان عباس احمدی و شعبانی به ترتیب به عنوان نواب رئیس ومنشی ها انتخاب شدند.

آنگاه آقای امیرعباس هویدا نخست وزیرو دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران، سخنانی خطاب به شرکت کنندگان در سومین کنگره کارگران ایران ایراد کردند (سخنان آقای نخست وزیر در صفحه ۷ مجله چاپ شده است)

پس از آن آقای فرج الله ابکاری رئیس سازمان کارگران ایران، پس از تشکر از حضور میهمانان در کنگره، ضمن گزارشی از فعالیت-های سازمان کارگران ایران در فاصله دومین و سومین کنگره اظهار داشت:

همانطور که استحضار دارند نمایندگان کارگران و مسئولان سندیکاها و اتحادیه های کارگری حاضر در جلسه که عضو کنگره می باشند نمایندگان بیش از سه میلیون کارگران کارگاههای تولیدی و صنعتی سراسر کشوربوده که برابر اساسنامه فعلی سازمان کارگران ایران و برطبق دعوت برای رسیدگی به دستور ومسائلی که در سومین کنگره کارگران ایران مطرح میشود شرکت نموده اند باید به استحضار برسانم که سازمان کارگران ایران یکی از پدیده های ارزنده انقلاب شاه و ملت است که درسال ۱۳۴۶، ۵ سال پس از انقلاب ایران بوجود آمد، یعنی زمانیکه کشور ما با آهنگی سریع به سوی صنعتی شدن میرفت و برتعداد کارگران کارگاههای تولیدی وصنعتی روز بروز اضافه میشد کارگران احساس نمودند که باید

خستگی واستراحت

دختران راهنما، که از بین خواهران عزیز کارگر انتخاب شده بودند در جریان برگزاری کنگره، انجام وظیفه را با خوشروئی آمیخته، در حالیکه خستگی مفرطی برآنان مستولی میشد... چنان خستگی، که گاه، آنها را خواب می ربود خوابی کوتاه، اما همراه با بیداری....

دارای تشکیلات منظم و متحد باشند تا بتوانند مسائل و مشکلات خود را در این تشکیلات مطرح و برای حل وفصل آن اقدام نمایند.

شاهنشاه آریامهر پیامی به کنگره فرستادند که این پیام خطوط اساسی کار کنگره و برنامه-های آینده سازمان کارگران ایران را روشن کرد.

در پیام شاهنشاه آریامهر برای تقویت و گسترش سندیکاها با تشکیل اتحادیه تعاونیهای مرکزی کارگران ایران، نظارت درسود سهیم کردن کارگران، تشکیل کمیته ملی مسابقات مهارت فنی و انتصاب والاحضرت همایون ولایتعهد به ریاست عالیه کمیته ملی مسابقات مهارت فنی اوامر لازم صادر فرمودند.

کنگره دوم با تغییراتی دراساسنامه سازمان کارگران و انتخاب اعضای شورای عالی و اعضای هیئت اجرائی به کارخود پایان داد و چون با پیام شاهنشاه آریامهر خط مشی سازمان کارگران روشن شده بود سازمان کارگران ایران با تمام قوا و نیروی خود در اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر به شرح زیر کوشش نمود:

آقای ابکاری آنگاه کوششهای سازمان کارگران را دراجرای اوامرملوکانه بیان داشت

پس ازگزارش آقای ابکاری نماینده کارگران سراسرکشور یک یک پشت تریبون قرار گرفتند، و ضمن سخنان خود، مسائل کارگری، خواستها و پیشنهادهای خود را مطرح ساختند.

(سخنان نمایندگان کارگران، در فوق العاده مخصوصی که رستاخیز کارگران در روزهای برگزاری کنگره منتشر می ساخت، چاپ شد.)

جلسات سومین کنگره کارگران بمدت سه روز ادامه یافت، و در پایان جلسه روز سوم، با توجه به نتیجه گیری بحث ها و بررسی هائی که کمیته های مختلف برروی مسائل گوناگون انجام دادند، قطعنامه پیشنهادی مطرح، و مورد تصویب اعضای کنگره قرارگرفت.

درمتن وحاشیه کنگره

اگر سالن وزنه برداری مجموعه ورزشی آریامهر، دوسال پیش درجریان بازیهای آسیائی و پس از آن، بارها زورآزمائی قهرمانان ما را

لطفاً ورق بزنید

برای کسب افتخار و سربلندی ایران ، نظاره کرده بود ، درجریان برگزاری کنگره کارگران، مایه های سربلندی و افتخارهای دیگر را هم شاهد گردید . اینبار کارگران بودند که در اجتماع دو هزار نفری خود ، درحالی که گروهی از نمایندگان کارگران کشورهای خارجی را در کنار خود داشتند با تشریح دگرگونیها و پیشرفتهائی که درجامعه کارگری ایران پدید آمده است ، و با برشمردن گامهائی که در راه تأمین رفاه کارگران برداشته شده است، موجی از غرور و افتخار ، درفضای سالن برانگیختند.

احساسات وشعرخوانی

بقول شاعر آزادهٔ ایران هرنکته بجای [illegible] . صبح روز افتتاح کنگره، یکی [illegible] ، به [illegible] معنی [illegible] [illegible] و احساسات [illegible] و شعرخوانی [illegible] ، [illegible] خود ، وقت کنگره را که بایی بایی [illegible] استماع پیام و رهنمودهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر بود ، میگرفتند . این شعر بعدری [illegible] نامه صبر و زیر [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] این حد عصبانی و با چهرهٔ برافروخته ، دیده بود به وی حتی عصبانیت معینی هم نتوانست قصیده بلند شاعر را به قطعه و یا غزلی کوتاه تبدیل کند و [illegible] چهره‌ای برافروخته وزیر کار میخوانیم که ای [illegible] [illegible] !

افزایش تعداد نمایندگان

کنگره سوم نسبت به دو کنگره گذشته ، از نظم ، عظمت و شکوه بیشتری برخوردار بود . تعداد کارگران شرکت کننده درسومین کنگره ازمرز دو هزار نفر گذشت حال آنکه عده شرکت‌کنندگان در کنگره دوم ، از ۱۲۰۰ تن تجاوز نمیکرد. افزایش تعداد کارگران شرکت کننده نشانه تحولاتی است که درفاصله برگزاری کنگره دوم وسوم نصیب طبقه کارگر شده است وآنان را به تشکل درسندیکا های کارگری و گسترش تشکیلات اتحادیه ها وسندیکا های صنفی ترغیب کرده است.

بازار تبریک وبوسه گرم بود

کارگرانی که ازشهر های مختلف ایران به کنگره آمده بودند در اولین ساعات ورود و اسکان در دهکده المپیک ، به دیدار دوستان کارگر می شتافتند . صحبت ها همه پیرامون مسائل کارگری دورمیزد . بازار بوسه و تبریک کم گرم بود . تبریک و بوسه بخاطر اجرای اصل سیزدهم انقلاب و فروش سهام کارخانجات به کارگران . و پرسش ها همه اینکه ؛ آیا سهام واحد آنان عرضه شده است ؟ ، آیا همه سهام فروش رفته است ؟ ، آیا موفق بخرید سهام شده‌اند ؟ آیا راضی هستند ؟ ... [illegible] همه [illegible] [illegible] میکرد.

همه روزنامه نویسها ، مثل هم هستند

نماینده کارگران سنگال که درجلسات کنگره با لباس محلی کشورش ظاهر میشد ، در مصاحبه مطبوعاتی ، که یکشب پیش از تشکیل کنگره برگزار شد ، کت وشلوار پوشیده بود و وقتی دید صحبت ها دارد به درازا میکشد با خنده گفت : همهٔ روزنامه نویس ها وخبرنگاران جهان مثل هم هستند ، همه میخواهند در همان برخورد اول ، همه چیز را بدانند ! ... و افزود : اجازه دهید مقداری از مطالب را هم برای کنگره بگذارم ... و با این سخن ، بقول خودش ، خود را راحت کرد.

رئیس سازمان کارگران

سومین کنگره کارگران ایران ، در دومین روز برپائی و در چهارمین جلسه کارخود رئیس سازمان کارگران رابرگزید.

پس از رسمیت یافتن جلسه ، مخبر کمیته بررسی اساسنامه ، گزارش این کمیته راقرائت کرد ، و پس ازشور و بحث پیرامون مواد اساسنامه سازمان کارگران ایران اساسنامه جدید بتصویب رسید.

برای انتخاب رئیس سازمان کارگران ایران ، اخذ رأی به‌عمل آمد و درنتیجه آقای فرج‌الله ابکاری به‌عنوان رئیس سازمان کارگران برگزیده‌شد.

رستاخیز کارگران ، ضمن تبریک ، موفقیت آقای ابکاری را در خدمت به کارگران و نیل به هدف‌های سازمان کارگران آرزو می کند ، و تردید نیست اینکه که سازمان کارگران فصل جدیدی از فعالیت‌های سازنده خود را آغاز کرده است با تلاش وکوشش ، راهی را که منطبق با شرایط و عصر رستاخیز ملت ایران است ، خواهد پیمود و همبستگی و وحدت نظر کارگران را برای خدمت به شاهنشاه آریامهر و میهن عزیز همچنان استحکام خواهد بخشید. موفقیت همه کارگران عزیز آرزوی‌ماست.

فوق العاده سومین کنگره کارگران ایران

« رستاخیز کارگران »، که ارگان کارگری حزب رستاخیز ملت ایران است، و پیوسته آینه یی روشن و منعکس کننده اندیشه ها و خواست‌های کارگران کشور است، در روزهای سه‌شنبه، چهارشنبه و پنج‌شنبه هفته گذشته (هفتم، هشتم و نهم اردیبهشت‌ماه) که سومین کنگره کارگران ایران برگزار می‌شد، همه روز فوق‌العاده‌یی در چهارصفحه حاوی مطالبی که در کنگره مطرح میگردید و مطالب جنبی کنگره، انتشار داد، که با استقبال بی نظیر نمایندگان کارگران روبروشد.

دراینجا بازهم از استقبال خواهران و برادران شریف کارگر از نشریه مخصوص خودشان صمیمانه سپاسگزاری می کنیم.

گزارش آخرین جلسه را در صفحات ۹ و ۱۰ و مطالعه فرمائید

ابراهیم حسن خبال ، نماینده کارگران مصر :

امیدوارم برگزاری این کنگره راه گسترش همکاری بین سازمان‌های کارگری ایران و مصر را هموارتر سازد.

نماینده مصر

نماینده تایلند

عضو کنفدراسیون کارگران تایلند :

میخواهیم ازتجربیات سودمند کارگران ایران، دررفع مشکلات ومسائلی که داریم بهره مند شویم.

همانطور که میدانند ، گروهی از نمایندگان کنفدراسیون وسازمانهای کارگری کشورهای جهان ، به دعوت سازمان کارگران ایران ، برای شرکت ، درسومین کنگره کارگران کشورما ، که ازهفتم تا نهم این ماه برگزارشد ، به تهران آمدند . روزقبل ازتشکیل کنگره ، فرصتی پیش آمد که گزارشگران مطبوعات و رادیو تلویزیون ایران ، با گروهی از کارگران خارجی شرکت کننده در کنگره ، به گفتگو نشینند . در این گفتگو ، نمایندگان کارگران یوگسلاوی ، سنگال ، مصر و تایلند ، زمینه همکاریهای ثمربخش ایران را با کشورهای خویش ، و نیز روابط حسنه وحسن تفاهم کاملی را که این کشورها بطورمتقابل ، با ایران دارند تشریح کردند ، و با اشاره به رشد سریع اقتصادی کشور ما ، وگامهای سریعی که تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه آریامهر ، در راه توسعه صنایع و گسترش فعالیت واحدهای صنعتی و تولیدی ایران برداشته شده است ، ازپیشرفتهائی که نصیب جامعه کارگری ایران گردیده ستایش کردند و این دگرگونیهای سازنده را شگفتی انگیز وافتخارآفرین خواندند.

دراین مصاحبه میلان ولجاسویچ ، عضو کمیته روابط خارجی کنفدراسیون کارگران یوگسلاوی ، ضمن ابراز خرسندی از مسافرت به کشورما ، وفرصتی که برای آشنائی نزدیک با کارگران ایرانی پیدا کرده است ، به روابط مودت آمیز وگسترش همکاریهای اقتصادی و تجاری بین دو کشوراشاره کرد

«دوسان دروین جاکوویچ » عضو هیئت رئیسه کنفدراسیون کارگران یوگسلاوی نیز که ازسوی کشورش برای شرکت در کنگره کارگران ایران به تهران آمده بود ، فعالیت کنفدراسیون کارگری یوگسلاوی را تشریح کرد و افزود : بهبود زندگی ، بهزیستی و تأمین رفاه جامعه کارگری ، ازجمله هدفهائی است که ایران و یوگسلاوی آنرا درسرلوحه برنامه های خود قرار داده‌اند و کوشش میکنند تا هر روز گام تازه‌ای در راه اعتلای زندگی و رفاه هرچه بیشتر طبقه کارگر برداشته شود.

«ابراهیم ولیدوف » نماینده کنفدراسیون کارگران سنگال نیز درسخنان خود به روابط دوستانه دو کشور ایران وسنگال اشاره کردو گفت ابراز علاقه ومحبت ومهمان نوازی برادران کارگر ایرانی بحدی در من تأثیر گذاشته است که در کشور شما احساس بیگانگی نمیکنم.

«ابراهیم دایدوف » که دبیر تشکیلاتی کنفدراسیون کارگری سنگال ودبیر کل فدراسیون کارکنان بانکها وشرکت‌های بیمه این کشوراست ، درپاسخ به گزارشگر رستاخیز کارگران که پرسید توسعه همکاریهای اقتصادی وفنی بین دو کشورچه اثری درزندگی جامعه کارگری ایران وسنگال برجای خواهد نهاد گفت:

— کشور شما در حال سرمایه گذاری و اجرای چند طرح اقتصادی وصنعتی در سنگال است ، با اجرای این طرحها وبرنامه‌ها ،منابع کار تازه‌ای ایجاد میشود که طبعاً اولین کسانی که از منابع تازه کار واثرات آن برخوردار میشوند کارگران اند ومن امیدوارم همانطور که در همه زمینه‌ها ، همکاریهای صمیمانه‌ای بین ایران وسنگال موجود است و روز بروز نیز بسوی توسعه وگسترش پیش میرود ، همکاری بین سازمانهای کارگری دو کشور نیز وارد مرحله تازه‌ای شود.

ابراهیم حسن خبال نماینده کارگران مصر نیز در گفتگوی خود با خبرنگاران زمینه‌های

نمایندگان کنفدراسیون وسازمانهای کارگری کشورهای جهان ،درسومین کنگره کارگران ایران

بازتابی گسترده

از پیشرفت‌های کارگری ایران در محافل کارگری جهان

نمایندگان کارگران کشورهای خارج ،بادقت ،لحظات کنگره رادنبال کردند. وبا برداشت‌های سودمند،به کشورخود بازگشتند.

نماینده بنگلادش

نماینده یوگسلاوی

نماینده پاکستان

دوستی و همکاریهای اقتصادی وفرهنگی بین ایران ومصر را مورد بررسی قرار داد وافزود خوشبختانه بموازات گسترش همکاری بین سازمانهای فرهنگی واجتماعی دو کشور، تماس و همکاری بین سازمانهای کارگری ایران ومصر نیز ازچندی پیش شروع شده است و کارگران دو کشور ، پیشرفتهایی را که نصیب جامعه کارگری طرفین میشود با علاقمندی دنبال میکنند و امیدوارم که برگزاری این کنگره راه گسترش همکاری بین سازمانهای کارگری ایران ومصررا هموارترسازد.

«بین کورواویتون» عضو کنفدراسیون کارگران تایلند که بعنوان نماینده کارگران کشور خود در کنگره کارگران ایران شرکت کرد، درپاسخ به پرسش خبرنگاران، تشکیلات کنفدراسیون کارگری تایلند را تشریح کرد و گفت در کنفدراسیون کارگران تایلند از سی صدیکاو. ۲۰ هزارعضو تشکیل شده است ووی حامل پیام دوستی دویست هزار کارگر تایلندی برای برادران کارگرایرانی است. اوافزود:

ما خواهان همکاری وتماس مستمر با سازمانهای کارگری ایران هستیم تا بتوانیم از تجربیات سودمند برادران خود ،دررفع مشکلات ومسائلی که داریم بهرمندشویم.

. این نمایندگان که نخبگان وتجربه‌داران مسائل کارو کارگری در کشور خود می‌باشند، دراولین روزو روزهای دیگر کنگره کارگران، هریک طی سخنانی با اشاره به روابط دوستانه و همکاری‌های صمیمانه دولت ایران و سازمان کارگران با محافل کارگری جهان، از این دعوت تشکر کردند و چنین گفتند ...

سخنان آقای نظیر احمدناز نماینده اتحادیه‌های کارگری پاکستان.

آقای رئیس، میهمانان و نمایندگان محترم، از اینکه بمن فرصت داده‌اید که با خواهران و برادران خود صحبت کنم، صمیمانه تشکر می کنم. من افتخار دارم که بدینوسیله تبریکات میلیون ها کارگر پاکستان و فدراسیون کارگران پاکستان را بشما ابلاغ نمایم. کشور بزرگ شما و کشورما پیوندهای مشترك فرهنگی و تاریخی و آرمانهای مشترکی دارند. همچنین هدفهای اقتصادی وسیاسی و اجتماعی ما مشابه است.

ما همیشه از برادران بزرگ ایرانی خود انتظار راهنمائی دوستانه داریم. تحت رهبری و راهنمائی خردمندانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر تغییرات انقلابی بسیاری در کلیه جنبه‌های مختلف زندگی شما روی داده است. ما کارگران پاکستانی بخاطر این موفقیتهای بزرگ بشما درود و تبریک می گوئیم، یکبار دیگر از شما تشکر می کنم و برای این کنگره آرزوی موفقیت می نمایم.»

سخنان نماینده کارگران رومانی

آقای میخائیل گوران که از طرف شورای مرکزی اتحادیه عمومی کارگری رومانی به سومین کنگره کارگران ایران دعوت شده، ضمن سخنان خودگفت :«این وظیفه دلپذیر بعهده من محول گردیده است که گرمترین تبریکات اتحادیه مذکور و تمام کارگران کشور را بشما کارگرانی که در این کنگره شرکت کرده‌اید، ابلاغ نمایم.

آقای میخائیل گوران در پایان سخنان خودگفت: اجازه میخواهم بعنوان نشانه‌ای از دوستی،هدیه‌ای راکه کار صنعتگران وکارگران رومانی‌است. بعنوان یادبود به‌این کنگره تقدیم نمایم.

سخنان عضو هیات رئیسه اتحادیه کارگران ترکیه

آقای«ارمان‌ارچلیک» عضو هیات رئیسه اتحادیه کارگران ترکیه نیز دردومین جلسه کنگره بزرگ کارگران ایران طی‌سخنان گفت:

شمابرادران کارگرایرانی در سالهای‌اخیر از لحاظ اقتصادی واجتماعی به‌موفقیت و پیشرفتهای زیادی‌نائل شده‌ایدواین کنگره بمن این‌فرصت راداد که‌از نزدیک این‌موفقیت‌ها رامشاهده‌نمایم.

من‌ایمان کامل‌دارم که کارگران ایرانی درآینده نیزبه موفقیتهای روزافزونی نائل خواهندشد.

همانطور که حضار محترم اطلاع دارند، کارگران ایران وترکیه باهمدیگر دوستو برادرندوپایه واساس این‌دوستی وبرادری، در زمان دورهبر بزرگ،یعنی رضاشاه کبیر واتاتورك پی‌ریزی‌شده‌است

سخنان نماینده کارگران جمهوری عربی‌مصر

آقای حسن حنبال که بعنوان نماینده کارگران کشور دوستما،مصر در این کنگره شرکت کرده بود، طی‌سخنانی اظهارداشت: میخواهم احساسات عمیق خودم را در مورد ایران وبرادران‌ایرانیم‌ابراز دارم واز صمیم قلب میگویم که‌دراین کشور بیش‌ازهر کشور دیگر مورد لطف ومرحمت مردم، بخصوص کارگران قرارگرفتم. کشور شما و کشور ما در گذشته همکاری‌های زیادی بایکدیگرداشته‌اند وامروزه کمکهای ایران به‌مصر دارای اعتبار وارزش فراوانی است، بخصوص ازنظرهمکاری‌های‌صنعتی،

وی سپس به‌روابط دو کشوراشاره کرد و گفت : کشور ایران‌در لحظات خطیر و نیازمندیهای مصر درکمال سخاوت ودلسوزی بیاری مصر شتافت

سخنان رئیس هیات‌نمایندگی اتحادیه کارگران یوگسلاوی

آقای «دوزاندومن‌جاکوبج» نماینده کارگران کشور یوگسلاوی که برای شرکت در سومین کنگره کارگران ایران به تهران آمده بود، دریکی‌ازجلسات سه‌روزه این کنگره طی‌سخنانی اظهارداشت:

بسیار خوشوقتم که‌این فرصت بمن داده شده تا درکنگره عظیم کارگران ایران سخن‌بگویم وموقع را غنیمت شمارم واز طرف کارگران وکنفدراسیون واتحادیه‌های یوگسلاوی که‌حدود ۶میلیون نفرعضو دارد، موفقیت‌این کنگره راآرزونمایم.

سپاس سومین کنگره کارگران ایران

به پیشگاه شاهنشاه آریامهر

تلگرام معروضه سپاس سومین کنگره کارگران ایران به پیشگاه شاهنشاه آریامهر

سومین کنگره کارگران ایران با شرکت ۶۵۳ نفر از نمایندگان کارگران، دبیران و رؤسای سندیکاها و اتحادیه های کارگران سراسر کشور از روز سه شنبه هفتم تا پنجشنبه نهم اردیبهشت ماه سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی در تهران برگزار شد.

با تجلیل از اندیشه های عالمانه رهبر بزرگ انقلاب، شاهنشاه آریامهر که در طول ۳۵ سال شاهنشاهی پر افتخار، جامعه کارگری کشور را مرهون عنایات و الطاف خویش فرموده اند با اعتقاد راسخ باین اصل مسلم که در گذرگاه انقلاب تاریخی شاه و ملت کارگران این مملکت بیش از هر طبقه ای از دست آورد های انقلاب بهره گرفته، و به عالی ترین حقوق انسانی توفیق یافته و در بلند ترین پایگاه حیثیت اجتماعی موضع گرفته اند، از دومین شاهنشاه دودمان پهلوی تجلیل مینماید. کنگره همچنین با تجدید میثاق مقدسی که همواره با خدای خویش در نگهداشت عظمت نظام شاهنشاهی، احترام به قانون اساسی و پایداری انقلاب شاه و ملت بسته است بار دیگر آمادگی میلیونها کارگر شریف این مملکت را در ایثار خون خود بعنوان تضمین باروری، و برومندی نهال آزادی و حریت مملکت و ملت اعلام میدارد.

کنگره ضمن اینکه در مقابل عظمت افکار و اعمال بنیان گذار ایران نو اعلیحضرت رضا شاه کبیر سر تعظیم فرود میآورد معتقد است که در مقابل اینهمه مهر و عطوفت شاهنشاه آریامهر می بایست کارگران کشور در فراگیری دانش حرفه ای و کسب مهارت های شغلی، و افزایش بهره وری کار به تلاش و کوشش خود بیافزایند.

— بپاس عنایات و توجهاتی که در طول نیم قرن شاهنشاهی پهلوی خاصه در زمان سلطنت شاهنشاه آریامهر به جامعه کارگری مبذول گردید.

— بپاس صدور فرمان اجرای اصول چهارم و سیزدهم انقلاب شاه و ملت که بنیاد های زندگی مادی و حیثیت و اعتبار معنوی کارگران کشور را در جهت رفاه و نیکبختی گرایش داد.

— بپاس اوامر مستمر و مؤکدی که در جهت حفظ و حمایت از نیروی کار از راه تصویب قوانین مترقی کار و تامین اجتماعی و پیشبرد هدفهای توسعه صنعتی همواره از سوی رهبر داهی انقلاب شرفصدور مییابد.

— بپاس صدور فرمان تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران و اراده ایکه در جای گیری کارگران بصف مقدم پیوستگان باین رسالت مقدس تاریخی صادر فرموده اند.

— بپاس موضع و مکان والا و شایسته ای که کارگران ایران در نتیجه ارشادات [illegible] رهبر بزرگ خویش در کلیه انجمنهای دمکراتیک ایران و مجلس قانونگذاری و مجامع منطقه ای و بین المللی کار بدست آورده اند.

و بپاس تمامی مهر و عطوفتی که رهبر بزرگ ملت و پاسدار شاهنشاهی با عظمت مملکت به میلیونها زن و مرد کارگر این کشور مبذول میگردد.

بتقدیم سپاس بخاکپای مقدس شهریار دادگستر ایران شاهنشاه آریامهر مفتخر میگردد.

عکسی از نخستین جلسه شورایعالی سازمان کارگران ایران، هنگام اخذ رأی

وزیر کار و امور اجتماعی گفت:

من و همکارانم با تمام قوا و توان همواره آماده خدمت به شما کارگران و سربازان این مرز و بوم هستیم

در آخرین جلسه، رئیس کنگره، از «رستاخیز کارگران» قدردانی کرد

[illegible] جلسه کنگره [illegible] کارگران ایران [illegible] و صبح [illegible] کار خود را آغاز کرد [illegible] وزیر کار و امور اجتماعی [illegible] کارگران [illegible] و [illegible] کارگری [illegible] کشورهای [illegible] و [illegible] شورای [illegible].

[illegible] جلسه آقای امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی [illegible]:

سخنان جناب آقای امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی

آقای امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی در سومین کنگره کارگران ایران [illegible]:

[illegible] سومین کنگره کارگران ایران [illegible] شاهنشاهی پهلوی [illegible] و [illegible] این کنگره [illegible] همه خواهران و برادران [illegible] شده در کنگره تبریک میگویم. و [illegible] اطمینان [illegible] که از طرف شما در [illegible] کنگره [illegible] مشود تا سر حد امکان [illegible] معمول [illegible].

[illegible]

وزیر کار و امور اجتماعی افزود: [illegible] شاهنشاه آریامهر در پیام سومین کنگره کارگران ایران فرموده اند، [illegible] و [illegible] برای [illegible] امور [illegible] می [illegible].

وزیر کار گفت: پیام شاهنشاه آریامهر به کنگره سوم مبین این حقیقت است که بدوران رستاخیز، شما کارگران سراسر کشور بحد فراوان [illegible] ارزش و اعتبار رسیده.

مسلما مطالب ارزنده و پرارزشی که [illegible] کارگران مملکت بزبان آوردند و [illegible] و پیشنهاداتی که عنوان کردند [illegible] دقیق و صحیح از سومین کنگره کارگران ایران با دو کنگره گذشته [illegible] مشخص میشود که کارگران عصر رستاخیز تا چه حد از رشد و قدرت فکری برخوردار شده اند و از این رو پیشنهاد مینمایم که مطالب عنوان شده در این کنگره را بصورت مجموعه ای تنظیم نموده صدر آن پیام شاهنشاه آریامهر را زینت بخش آن [illegible].

وزیر کار [illegible] گفت: [illegible] فرصت [illegible] است که اشاره کنم همانطور که جناب آقای نخست وزیر عنوان کردند کارگران ایران در حقیقت در [illegible] شاهنشاهی پهلوی دارای [illegible] و [illegible] تاریخ [illegible]

بقیه در صفحه ۹۰

آقای هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران در یک مصاحبه اختصاصی با رستاخیز کارگران گفت

پیام شاهنشاه

سومین کنگره کارگران، نشان دهنده پیمان جاوید کارگران به آرمانهای فرمانده بزرگ خود شاهنشاه آریامهر بود.
«رستاخیز کارگران» ومسئولان واحد های تولیدی باید کارگران نمونه رامعرفی کنند

خطاب به سومین کنگره کارگران، گویای بهترین کلام‌ها وراهنمائی ارزنده برای پیشبرد هدفهای انقلاب بود

آقای امیر عباس هویدا نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران در پایان کار سومین کنگره عظیم کارگران طی گفتگوئی با نمایندگان مجله رستاخیز کارگران از برگذاری این کنگره و نتایجی که از آن بدست آمد، اظهار رضایت کردند.

آقای هویدا اظهار داشتند: شور و هیجان نمایندگان کارگران در این کنگره یکبار دیگر نشان دهنده پیمان جاوید خود با آرمان‌های فرمانده بزرگ خود شاهنشاه آریامهر بود. در این کنگره نظریات بسیار جالبی ارائه شد و گفت و شنودهائی در سطحی بسیار عالی و منطقی صورت گرفت.

از این جهت باید بگویم که کنگره با کارنامه‌ای موفق بکار خود پایان داد.

من امیدوارم اعضای جدید شورایعالی سازمان کارگران بتوانند نکاتی را که در قطعنامه منعکس شده است بمنظور تأمین هرچه بیشتر خواستهای کارگران بطور صحیح و دقیق بمورد اجرا درآورند.

آقای هویدا در پاسخ این سؤال که چه انتظاری از کارگران دارند، گفتند:

—بنظر من مهمترین نکته‌ای که در پیام شاهنشاه آریامهر منعکس بود و در این کنگره مطرح شد، بازدهی کار است و خوشبختانه یکی از مواد قطعنامه‌ایکه بتصویب رسید به این موضوع اختصاص یافته است تا رابطه‌ای بین دستمزد و بازدهی کار بوجود آید و مسلماً لازم است برای تحقق بخشیدن به این امر از همفکری و معاضدت یکایک کارگران و کارفرمایان بهره گرفته شود.

آقای نخست وزیر، اضافه کردند که بسیاری از مسائل از جمله مسکن و گسترش هر چه بیشتر خدمات درمانی کارگران جزو وظایف شورایعالی کار است که به یمن این سوز از امکانات موجود و امکاناتی که بعداً فراهم خواهد شد، حداکثر استفاده را برای تحقق بخشیدن به این خواسته ها به عمل خواهد آورد.

آقای هویدا در پاسخ سؤال دیگری که پرسیده شد آیا برای کارگران کشور که گروه عظیم و فعالی را تشکیل میدهند از طریق مجله مربوط به خودشان پیامی دارند، گفتند:

پیام شاهنشاه خطاب به سومین کنگره کارگران گویای بهترین کلامها و راهنمائی ارزنده برای پیشبرد هدفهای انقلاب بود.

من فکر میکنم که کارگران بایستی هر روز بیش از روز گذشته فعالیت کنند، بازدهی خود را افزایش دهند و وظیفه مهمی را که در حرکت حرکتهای اقتصادی مملکت و انقلاب شاه و ملت بعهده دارند بهرو بهتر ادا نمایند. کارگر عصر رستاخیز

بقیه در صفحه ۹۰

آقای هویدا، نخست‌وزیر، به پرسشهای نویسندگان رستاخیز کارگران شاهرخ تویسرکانی و محمد جعفر فتحی‌زاده پاسخ میگویند.

شورایعالی سازمان کارگران، باردیگر امیرعباس هویدا را به ریاست شورا برگزید

آقای هویدا، نخست‌وزیر، و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران و رئیس شورایعالی سازمان کارگران، در نخستین جلسه این شورا گفت:

کارگران امروز سازندگان ایران فرداهستند

پس از [illegible] سومین کنگره کارگران ایران، اولین جلسه شورای عالی سازمان کارگران به ریاست سنی آقای محمدباقر [illegible] تشکیل شد. در ابتدای این جلسه نسبت به انتخاب رئیس شورای عالی سازمان اخذ رای بعمل آمد و اعضاء شورای عالی به اتفاق آراء آقای هویدا [illegible] کل حزب رستاخیز ملت [illegible]

[illegible] آقای هویدا [illegible] را ادامه داد و [illegible] عبدالله [illegible] و صمد سعیدی یوسفی را به سمت نواب رئیس وفرامرز پنهانی و خانم حوریه اسلامی را بسمت منشی انتخاب کرد.

[illegible] اساسنامه [illegible] انتخاب ده نفر [illegible] کارگری، اقتصادی، اجتماعی وحقوقی اخذ رأی بعمل آمد و این افراد انتخاب شدند:

1. آقای حسنعلی مهران
2. آقای محمود شاباك
3. آقای عبدالله جوانشیر
4. آقای دکتر منوچهر [illegible]
5. خانم [illegible]
6. خانم [illegible]
7. آقای محمد محمدی
8. آقای ناصر یوسفی زاده
9. آقای دکتر محمد علی [illegible]
10. آقای هوشنگ میرانی

آنگاه رئیس سازمان کارگران ده نفر از [illegible] انجمن های [illegible] کارگر را که بایستی براساس بند ه ماده ۴ اساسنامه سازمان کارگران به عضویت شورای عالی سازمان پذیرفته شوند به این شرح معرفی کرد:

ابراهیم آقازاده - ابوالقاسم آرام — علی [illegible] محمد زرین [illegible]

[illegible]

حسنعلی مهران [illegible] محمود شاباك [illegible] محمد [illegible] حسن [illegible] عبدالله [illegible] حسن [illegible] محمد [illegible] حلال محمد [illegible] حسن [illegible] فاطمه [illegible] حسن [illegible] حسن مجد الاسرائی.

سپس آقای هویدا نخست وزیر و [illegible] حزب رستاخیز ملت ایران طی [illegible]

بقیه در صفحه ۹۱

کارگرانی که شیر ماست وکره ما را فراهم میکنند

داستان شیری که میخوریم، از پستان گاو تا سر سفره شما...

۹ میلیون و ۷۵۰ هزار لیتر شیر تولید این کارخانه بود.

عکسها و اسلایدها از: علی رهبر

[illegible]

تصمیم به خدمت و پیشرفت

[illegible]

تأمین رفاه مصرف کننده

[illegible]

آنها همچنین می‌گویند: از نظر کمکهای اولیه تقاضای آمبولانس و بهیار و پزشک کرده‌اند تا در صورت لزوم و در صورت بروز حادثه‌ای به کمکشان بشتابند.

از کمبودهایشان نیز سخن می‌گویند: از شرکت تعاونی مصرف که قرار است برایشان ساخته شود چون کارگران اکنون از شرکت تعاونی دیگری استفاده می‌کنند و برای تهیه مایحتاج خود حواله می‌گیرند ولی آنان میخواهند که شرکتی از خود و با سرمایه خود داشته باشند که نیازهایشان را برطرف کند.

مسکن و ورزش

فعالیت شرکت تعاونی مسکن نیز از جمله خواسته‌های آنهاست

کارگران شیر پاستوریزه باشگاه ورزشی کوچکی دارند که تقاضای گسترشش را میکنند آنها همچنین انکار نمی‌کنند که مسئولان کارخانه در فکر ساختن باشگاه بزرگتری هستند ولی تأکید می‌کنند با امکانهای بهتر ورزشی، می‌توانند در عرصه ورزش کشور درخشش بیشتری داشته باشند در حالیکه ورزشکاران اکنون فقط در سطح کشتی آزاد و فرنگی و همچنین وزنه‌برداری درخشش دارد. در میان کارگران از قهرمانانی چون محمدولی شیخی، علی کرم حسن‌پور و چند نفر دیگر نام برده می‌شود.

* تقاضاهای کارگران این کارخانه
آمبولانس و بهیار
شرکت تعاونی مصرف

سربازان فداکار وطن

کارگران کارخانه شیرپاستوریزه درمقابل از زندگی خوب در این سالها نیز سپاسگزار هستند، از غذایی که به‌آنان داده می‌شود و فقط ده درصد قیمت‌آن را می‌پردازند. آنان از تحصیل مجانی فرزندانشان درسایه انقلاب شاه‌وملت حرف می‌زنند، از گسترش مالکیت صنعتی، و همهٔ اینها را ستایش می‌کنند. آنان که خود را سربازان فداکار وطن بشمار می‌آورند، نیک می‌دانند که تمام اصول انقلاب شاه‌وملت وآنچه که در این سالها انجام شده درجهت زندگی بهتر آنانست.

آنان انکار نمی‌کنند که‌می کوشند تولید بیشتر وعرضه جنس،باکیفیت بهترداشته باشند، یک‌آمار که‌نمودارقسمتی از کوششهای آنهاست از هرسخنی گویاتراست.

تولید شیر ½ لیتری کارخانه که در سال ۲۵۳ رقمی بالای ۲۵ میلیون و پانصدهزار عدد بود، در سال ۲۵۳۴ (سال‌گذشته) به نزدیکی مرز ۳۰ میلیون رسید. تولیدشیر ¼ لیتری از ۱۲۵ میلیون‌شیشه در همانسال به بیش از ۱۴۳ میلیون رسید وتولید شیرپاکتی نیز درسال ۲۵۳۴ نسبت به سال ۲۵۳۰، ۳۰۰ درصد وماست صد درصد افزایش یافت.

این آمارها از کار و کوشش آنها سخن می‌گویند و همانطور که خود کارگران عنوان می‌کنند، سخت کوشی آنان در واقع پاسخ به مواهبی است

لطفاً ورق بزنید

کارگرانی که شیر، ماست و کره ما را فراهم می‌کنند

[illegible] کارخانه شیر پاستوریزه تهران، گذشته از [illegible] که در [illegible] کشور [illegible] ورود مردم را نیز به مصرف لبنیات پاستوریزه تشویق کرد.

که نصیبشان شده است. آنان می‌خواهند مرزهای عدم امکان را زیرپا بگذارند. می‌گویند: کوشش ما فقط می‌تواند نشان‌دهنده تشکر ما باشد.

با کارگران زیادی سخن گفته‌ایم. همه حرفهای مشابهی دارند، حتی مشابه کارگرانی که در دیگر کارخانه‌ها کار می‌کنند، حرفها همه یکیست، بطوری که تصور می‌کنم فقط یکنفر سخن میگوید وآن نیز اینطور که: خوشحال است، در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کند. همین کافیست، نمی‌توانم خوشحالیم را که با قطره اشکی درهم آمیخته است پنهان کنم. نشئه لذت آنچه که دیده‌ام وشنیده‌ام در حال عجیبی نگاهم داشته، کارخانه را ترک می‌کنم درحالی که هنوز به آنهامی‌اندیشم به کارگرانی که حق بسیاری به‌گردن همگان دادند.

ارزش شیر

شیر باارزشترین ماده‌غذایی است که تقریباً دارای تمامی مواد لازم برای رشد و ادامه زندگی بشراست، بانگرشی کوتاه به تاریخچه مصرف شیردردنیا متوجه این واقعیت می‌شویم که در زمانهای بسیار دور نیزشیر وبه‌طور کلی لبنیات ازمواد غذایی مهم مردم بوده است. وهمین پیدایی مشتقات نیز نشانه اهمیتی است که بشر برای آن قائل است.

برای نشان دادن ارزش شیر به عنوان یک‌ماده غذائی کامل همین بس که این ماده غذای کاملی برای نوزادان است و تمام مواد را برای ادامه زندگی ورشدونمو کودک داراست.

از نظر بین الملل نیز میزان مصرف روزانه مواد لبنی هرنفر در یک کشور نشانه‌ای از وضع اجتماعی آن کشور وهمچنین مبین سلامت افراد وپیشرفت بهداشت آن جامعه است.

کارگاه آسترا

گسترش صنعت شیردر ایران وایجاد وتوسعه کارخانه‌های شیروتولید فراورده‌های سالم، رشد سطح تغذیه وبهداشت جامعه ما را در ربع قرن اخیرمی‌رساند.

گاو داری ودامپروری وتولید وعرضه شیرو فرآورده‌های لبنی در ایران تا پیش از سال ۲۵۰۵ بصورت سادەترین وابتدائی ترین شکل آن بوضعی غیر بهداشتی وخارج از روشهای متداول امروزی رواج داشت ولی درسال ۲۵۰۶ همگام با توجه وتمایل روز افزونی که مردم تهران به مصرف شیروسایرفراورده‌های آن نشان دادند، فکر ایجاد واحد تهیه وتوزیع شیر بشکلی نسبتاً بهداشتی تر ازشرایط قبلی، تأسیس کارگاه لبنیات سازی آسترا درخیابان فردوسی تهران به مرحله عمل نزدیک شد وبه دنبال این کارگاه چند کارگاه مشابه نیز تأسیس شد.

دراواخرسال ۲۵۰۷ صنعت شیر در ایران امکانات مدرن تر و کاملتری یافت، دراین زمان کارخانه نسبتاً مدرنی درجوادیه تهران تأسیس شد که روزانه حدود پنج تن شیر خام را به فرآورده‌های لبنی پاستوریزه تبدیل وبه‌بازار عرضه می کرد. این واحد مدرن که کارخانه شیر پاستوریزه آلفا نامیده می‌شد با دراختیار داشتن دستگاههای خامه‌گیری، پاستوریزه کردن‌شیر، بطری پرکنی و ماشینها وانبارهای پنیرسازی مدتها محصولات خودرا به‌مشتریان عرضه می‌کرد وتا سالهای ۲۵۱۷ یا ۱۸ با ظرفیت ۱۵ تن شیر در روز به فعالیت خود ادامه میداد وسپس عملیات این کارخانه متوقف شد.

* کارخانه شیر پاستوریزه

درسال ۲۵۱۳ اقدامهای سازمان برنامه‌و وزارت بهداری با همکاری یونیسف منجربه تهیه طرح ایجاد کارخانه شیر پاستوریزه تهران شدوسرانجام پس ازسه‌سال این طرح جامه عمل پوشید ودر آبانماه سال ۲۵۱۶ کارخانه‌شیر پاستوریزه تهران با ظرفیت اولیه ۵۰ تن در روز به دست مبارک اعلیحضرت همایون‌شاهنشاه آریامهر گشایش یافت.

احداث وبهره برداری از کارخانه شیر پاستوریزه تهران که مهم وسرمایه‌ای بود که از یک سو رسته تحول درصنعت دامداری کشور را فراهم ساخت وازسوی دیگر مردم را به‌مصرف [illegible] پاستوریزه تشویق کرد.

شماره‌های ماست‌بندی

تا پیش‌از عرضه محصولات کارخانه شیر پاستوریزه تهران بیشتر جمعیت تهران مشتری محصولات لبنی مغازه‌های ماست‌بندی و شیر فروشان دوره‌گرد بودند وگسترش شهر عرضه و تقاضا را با مشکلات بسیاری روبرو می‌ساخت و پس ازهمیشه احتیاج به یک سیستم صحیح توزیع که متناسب باگسترش سریع پایتخت کشورمان بود حس می‌شد و از سوی دیگر محصولات لبنی نیز بدون درنظرگرفتن نکات بهداشتی عرضه می‌شد، امـا پس‌از ورود محصولات کارخانه شیر پاستوریزه تهران به بازارمردم نیز با استقبال خود ازمحصولاتی که با امکانات جدید تهیه می‌شد. توجه خود را به رعایت بهداشت و استفاده از موادغذائی سالم و مطمئن نشان دادند، این توجه و علاقمندی عمومی متضمن بالارفتن مصرف شیر و درنتیجه رونق گرفتن‌دامداری شد، چرا که بالابردن میزان تولید کارخانه متناسب با تقاضای مردم توسعه هر چه بیشتر دامداریهای کشور را نیز به‌دنبال داشت. به این ترتیب دامداریهائی که درابتدا از چند راس‌گاو بومی تشکیل می‌شد، به‌تدریج به‌صورت واحدهای مدرن بهداشتی درآمد که با دراختیار داشتن گاوهای اصیل از نژادهای شیری‌داخلی‌وخارجی بهبود چشمگیری در کیفیت و کمیت شیر آنها بوجود آمد. البته در این رهگذر کمکهای بلاعوض دولت را نیز به دامداران نمی‌توان نادیده‌گرفت به این ترتیب با تشویق دولت بخش‌خصوصی توانست به دامداری علاقه بیشتری نشان‌دهد و نشانه آن گاوداریهای موجود تهران است.

اکنون تنها درحومه تهران بیش ازیکصدو پنجاه گاوداری وسیع و مدرن وجود دارد که در اکثر آنها از بهترین روشهای فنی و بهداشتی نگهداری گاو استفاده می‌شود، تعداد گاوهای ۷۹ دامداری طرف قرارداد با کارخانهٔ شیر پاستوریزه تهران حدود ۲۲ هزار رأس است که دارای حدود ۱۸ هزارراس گاودوشا هستند. بـــا احتساب میزان شیر دهی هر رأس گاو شیری که به طورمتوسط در هر دوره شیـر دهی (۳۰۰ روز) درسال حدود ۵۴۰۰ کیلواست، مجموع شیر گاو های شیری‌گاوداریهای طـرف قرارداد کارخانه شیر پاستوریزه تهران درسال نزدیک به ۹۷ میلیون کیلوگرم میشود و تقریباً میزان تـولیدشیـر روزانه این گاوداریهـا حدود ۲۶۰ هزار کیلواست.

شیراز هنگامی که در پستان گاو است تا وقتی که به سرمیز صبحانه شما قرارمی‌گیرد مراحل مختلفی را طی می کند. در دامداریها

شیردوشی بیشتر بدون دخالت دست و با استفاده از دستگاههای خود کار انجام می‌گیرد و شیر دوشیده‌شده در سالن شیردوشی بلافاصله از طریق لوله های شیشه‌ای مخصوص از دستگاه های سرد کننده عبور می کند و تا ۵ درجه سانتیگراد خنک می‌شود و سپس وارد مخازن ذخیره مخصوص می‌شود.

این شیر بلافاصله بوسیله تانکر های دو جداره مخصوص حمل شیر به کارخانه شیر

پاستوریزه تهران حمل میشود، در کارخانه شیر پاستوریزه آزمایشهای لازم توسط آزمایشگاه به عمل می‌آید.

پس از اطمینان از سالم بودن شیر توسط دستگهای سرد کننده در کارخانه خنک شده و در مخازنی که قبلا شسته و استرلیزه شده اند نگهداری می‌شود و بعد از آن به قسمت پاستوریزه کردن ارسال می‌شود.

پاستوریزه کردن

شیر خام حتی اگر از گاو سالم دوشیده شود، احتمالا حاوی باکتریهای بیماری زا است و بایستی به خاطر رعایت بهداشت مصرف کننده، قبل از بسته بندی آزمایش شود و پاره‌ای کارها نیز بر روی آن انجام گیرد و در همین عملیات است که انواع میکربها و باکتریها از آن گرفته میشود.

عملیاتی که برای عاری ساختن شیر از آلودگی و میکرب انجام می‌گیرد پاستوریزه کردن نامیده می شود، این عملیات عبارتست از گرم کردن شیر تا درجه حرارت کافی و خنک کردن فوری آن به طوری که میکربهای بیماری زای موجود در شیر از بین برود و شیر با شرایط بهداشتی به دست مصرف کننده برسد.

در قسمت پاستوریزه کردن شیر کارخانه شیر پاستوریزه تهران، کارگر با تجربه‌ای ابتدا به کمک ماشین شیر را به سرعت تا ۷۲ درجه سانتیگراد گرم می کند و شیر ۱۶ ثانیه در همین حرارت میماند، کارگر سپس با استفاده از ماشینی که دراختیار دارد با سرعت آن را تا ۴ درجه سانتیگراد خنک می کند.

امروزه این روش بیشتر از سایر روشها مورد استفاده کارخانه های شیر در سراسر دنیاست زیرا با این طریق پاستوریزه کردن خصوصیات با ارزش و ترکیبهای گوناگون شیر بیشتر حفظ می‌شود.

شیر پاکتی، شیوه جدید

درسالهای اخیر دنیا با شیوه جدیدی برای عرضه شیر روبروست این شیوه استفاده از پاکت به جای شیشه است، کارخانه شیر پاستوریزه تهران نیز از چند سال پیش این شیوه را برگزیده است تا در عرضه شیر اطمینان بیشتری داشته باشد عرضه شیر در بسته بندی پاکتی مزایای بسیاری دارد که مهمتر از همه عدم احتیاج به برگشت ظرف شیر به کارخانه است. عرضه شیر پاکتی از سال ۲۵۳۰ آغاز شد و اکنون روزانه ۴۵ تن شیر در پاکتهای ربع لیتری به صورت هموژنیزه و پالاریزه بسته بندی و عرضه می‌شود.

پالاریزه در اصطلاح همان استریلیزه کردن شیر است، نحوهٔ پاله ریزه کردن شیر در کارخانه شیر پاکتی از این قرار است که شیر را با سرعت به درجه ۱۴۵ سانتی‌گراد می‌رسانند و سه ثانیه در این درجه حرارت نگاهمیدارند و سپس بلافاصله با افت فشار و درجه حرارت در محیط دیگری آنرا تا حدود ۲۰ درجه خنک می کنند، شیر پس از این مرحله در بسته‌های مقوائی چهار وجهی توسط دستگاههای بسته‌بندی، آماده عرضه می‌شود.

کاغذی که در تهیه و ساخت پاکتهای مخصوص شیر مورد استفاده قرار می‌گیرد از لایه های مختلف تشکیل شده است، این لایه‌ها به‌ترتیب از خارج به داخل عبارتند از لایه پارافین، کاغذ، پلاستیک، آلومینیوم و پلاستیک، البته لایه‌های پلاستیکی عموما از نوع پلاستیک مخصوص بسته‌بندی مواد غدائی است.

اما تأمین شیر مورد نیاز دانش‌آموزان مدارس که به فرمان شاهنشاه آریامهر صورت گرفته است به دست کارگران سخت کوش کارخانه شیر پاستوریزه تهران سپرده شده است.

با صدور فرمان تاریخی همایونی در اول اسفندماه سال ۲۵۳۲ مبنی بر تغذیه رایگان فعالیت وسیع و گسترده‌ای برای تأمین شیر مورد نیاز مدارس تهران آغاز شد، اولین اقدام در این زمینه دعوت از کارخانه‌های شیر پاستوریزه خصوصی بود که این کارخانه‌ها نیز در پیشبرد این اصل انقلاب شاه و ملت کوشش بسیار کردند.

درهمین زمان کارخانه یکصدتنی شیر مدارس تهران نیز خریداری شد و کار نصب آن با سرعت بسیار و به دست کارگران و تکنسینهائی که خود در عصر شکوهمند انقلاب شاه و ملت به خوشبختی رسیده‌اند انجام گرفت. این کارخانه اکنون روزانه ۶۰۰ هزار پاکت ربع لیتری شیر استرلیزه به اداره کل آموزش و پرورش تهران برای توزیع بین دانش آموزان پایتخت تحویل می‌دهد.

کارخانه شیر پاستوریزه تهران که درسال ۲۵۱۶ شروع به کار کرد دائماً درحال گسترش است، این کارخانه در سال ۲۵۲۷، قسمتی از شرکت سهامی صنایع شیر ایران شد، و به دنبال آن کارخانه شیر پاستوریزه شیراز و عدل تبریز نیز بصورت واحدهای تابعه شرکت سهامی صنایع شیر ایران درآمدند.

کارخانه شیر پاستوریزه تهران اکنون روزانه با سه‌نوبت کار ۸ ساعته، انواع شیر شیشه‌ای پاکتی، ماست، دوغ، کره، بستنی و پنیر ایرانی و خارجی تولید می کند.

احتیاجهای دوران، بازهم فراتر از ظرفیت کنونی این کارخانه می‌رود به این ترتیب از سه سال قبل ایجاد یک واحد کارخانه شیر پاستوریزه به ظرفیت پانصد تن در روز برای دریافت شیر خام از دامداران و تبدیل آن به محصولاتی از قبیل شیر پاستوریزه بسته‌بندی شده در شیشه، بطری های پلاستیکی و کارتن‌های مقوائی و همچنین تهیه ماست و بسته‌بندی آن در لیوانهای پلاستیکی و ساخت کره در قالبهای یکصدگرمی ضروری تشخیص داده شد و به این ترتیب دوسال پیش کارخانه خریداری شد و کار نصب این واحد بزرگ سال گذشته ادامه داشت و بهره‌برداری از آن تا چندماه دیگر با همت کارگران و مهندسان کشورمان آغاز خواهد شد، که این واحد خود از مدرنترین واحدهای صنعت شیر در دنیاست، کارخانه شیر پاستوریزه تهران در طرح آینده خود کارخانه غذای کودک را نیز در نظر دارد، این کارخانه به زودی محصولات خود را به بازار عرضه می کند.

هدف از ایجاد کارخانه غذای کودک کمک به تغذیه اطفال بین ۶ تا ۳۰ ماهه و تأمین پروتئین مورد نیاز آنانست. ظرفیت تولید این کارخانه در ابتدای امر درحد غذای لازم برای تغذیه ۲۰ هزار کودک است که می‌توان میزان تولید آن را در آینده تا حد غذای پنجاه‌هزار کودک افزایش داد.

از: دکتر حیدرقلی عمرانی — رئیس هیأت مدیره ومدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی

«حرف ما، هم حق است و هم منطقی. روش کنونی مملکت ما منطبق با پیشرفت کاروان تمدن جهان وبراساس تأمین احتیاجات جامعه ومشروع این مملکت است وهیچکس نمیتواند منکر این حقیقت باشد»

از بیانات شاهنشاه آریامهر در سلام چهارم آبان ۵۴

به منظور آگاهی کارگران شریف کشور وسایر بیمه شدگان ازمزایای قانون تأمین اجتماعی وسایر کارگران، هرهفته ضمن گفتگو با آقای حیدرقلی عمرانی معاون تأمین اجتماعی وزارت رفاه اجتماعی و رئیس هیات مدیره ومدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، مواد قانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد وفلسفه وجودی هریک ازمواد را ضمن مقایسه باوضع گذشته وموارد مشابه در قانون بیمه های اجتماعی بازگو می کند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز می توانند نظرات و حتی انتقادات خود را طی نامه برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، وپاسخ خود را درهمین صفحه ملاحظه کنند.

در بحث های گذشته محدوده فعلی تأمین اجتماعی در ایران، براساس قانون تأمین اجتماعی مصوب تیرماه ۲۵۳۴ توضیح داده شد و موارد بیمه موضوع این قانون که عبارتست از حوادث و بیماری ها، بارداری، غرامت دستمزد، از کار افتادگی، بازنشستگی و بالاخره مرگ به ترتیب معرفی شد. اکنون میپردازیم به بیان قلمرو اجرائی این موارد:

بیمه بیماری

بیماریها وعوارض ناشی ازانواع حوادث که ضرورت عملیات درمانی را ایجاب میکند ونیز غرامت دستمزد یعنی وجوهی که بجای مزد یا حقوق در زمان بیماری و عدم توانائی موقت بیمه شده بادامه وظایف شغلی و انجام کار باو پرداخت میشود، در زمره مواردی است که در عرف بیمه های اجتماعی تحت عنوان بیمه بیماری عنوان میگردد.

[illegible]

[illegible]

کمکهای قانونی درقبال بیمه شدگان بین عوارض ناشی از حاملگی و بیماری دیده میشود [illegible] از غرامت دستمزد، چون در هر دو مورد یعنی بیماری و زمان معینی از دوران حاملگی، شخص بیمار یا باردار موقتاً قادر بکار نیست و در نتیجه عدم اشتغال بکار ممکنست از دریافت حقوق یا مزد محروم گردد. لاجرم دراین دو حالت با رعایت شرائط مقرر در قانون تأمین اجتماعی به بیمه شده غرامت دستمزد پرداخت میگردد (درمورد چگونگی پرداخت این کمک بموقع خود بحث خواهیم داشت).

دراینجا لازم است یادآور شود که اصولاً بیمه بیماری شامل دو جزء است، یکی موارد مربوط به کمکهای غیرنقدی و دیگری کمکهای نقدی. قسمت اول یعنی کمکهای غیر نقدی شامل مجموعه خدمات درمانی از قبیل درمان سرپائی و بستری در منزل و تحویل داروهای لازم و معالجات بیمارستانی و تشخیص طبی (آزمایشگاهی — رادیولوژی و امثال آن) و خدمات درمانی و ترمیمی مربوط به دندانپزشکی و همچنین مراقبت‌های پزشکی در مورد زایمان است. قسمت دوم از کمکهای موضوع بیمه بیماری عبارتست از کمک نقدی یا وجوهی که در زمان بیماری و عدم توانائی اشتغال بکار بطور موقت به بیمه شده‌ای که باین علت حقوق خود را دریافت نمیکند پرداخت میگردد.

بموجب ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی بیمه شدگان و افراد خانواده آنها از زمانی که مشمول مقررات این قانون قرار میگیرند در صورت مصدوم شدن براثر حوادث یا ابتلا به بیماری میتوانند از خدمات پزشکی استفاده نمایند ضمناً طبق ماده ۵۵ قانون تأمین اجتماعی خدمات درمانی در موضوع قانون مذکور بدو صورت مستقیم و غیر مستقیم انجام میگیرد. روش مستقیم ترتیبی است که بیمه شدگان و خانواده تحت تکفل آنها درموارد احتیاج بدرمان، مانند گذشته مستقیماً به پزشکان، بدرمانگاهها، به بیمارستانها و سایر امکانات درمانی سازمان تأمین خدمات درمانی مراجعه کنند واز خدمات درمانی برخوردار شوند. روش غیر مستقیم شیوه‌ایست که سازمان تأمین خدمات درمانی بمنظور استفاده از کلیه امکانات درمانی موجود در کشور، در کنار امکانات و تسهیلاتی که قبلاً وسیله سازمان بیمه‌های اجتماعی سابق تدارک و تجهیز شده است، بکار می‌بندد تا ازاین طریق برای بیمه شدگان و خانواده آنها آزادی انتخاب پزشک، درمانگاه و بیمارستان قائل گردد. دراجرای این ترتیب یعنی قبول آزادی عمل برای بیمه شده در انتخاب مرجع درمانی و استفاده ازخدمات درمانی قانون تأمین اجتماعی [illegible] قرارداده است که تعهدات درمانی [illegible] بیمه شدگان از طریق خرید خدمات درمانی انجام شود و [illegible] هریک از دو روش اشاره شده یعنی روش مستقیم و روش غیرمستقیم باید طبق آئیننامه‌ای که ظرف ششماه از تاریخ تصویب قانون تأمین اجتماعی (تیرماه ۲۵۳۴) به تصویب شورای فنی سازمان تأمین خدمات درمانی میرسد تعیین گردد. این آئیننامه در تاریخ ۲۵۳۴/۹/۲۳ به تصویب شورای فنی سازمان تأمین خدمات درمانی رسیده است و [illegible] مورد [illegible] تشریح [illegible] کرده‌ایم:

روش استفاده از درمان، انتخابی خواهد بود و مدت انتخاب استفاده از روش درمان آزاد یکسال است که برای این مدت بیمه شده مختار است فقط یکی ازدو روش مستقیم (درمانگاهی) و یا غیر مستقیم (انتخاب آزاد) را برگزیند، بدیهی است در پایان مدت میتواند در روش انتخابی خود تجدید نظر نماید.

بیمه شده موظف است انتخاب یکی از دو روش درمان مستقیم یا غیرمستقیم را بطور کتبی بسازمان تأمین خدمات درمانی اعلام نماید.

میزان و نحوه پرداخت فرانشیز (سهم مشارکت بیمه شده) و خدمات درمانی عیناً مانند سایر بیمه شدگان سازمان تأمین خدمات درمانی خواهد بود که در هربارمراجعه بپزشک و سایر مؤسسات درمانی نقداً ازطرف بیمه شده پرداخت خواهد شد.

بیمه شده میتواند فقط به پزشکان و داروخانه‌ها و بیمارستانها و سایر مؤسسات درمانی کشور که با سازمان تأمین خدمات درمانی همکاری دارند مراجعه کند.

بیمه شدگان مشمول روش آزاد درمانی برای پرکردن دندان و دندان مصنوعی و تعیین نمره عینک میتوانند منحصراً بدرمانگاههای سازمان مراجعه کنند.

بیمه شدگان میتوانند درصورت تمایل در بیمارستانهای اختصاصی سازمان بدون پرداخت [illegible] بستری شوند.

درصورتیکه بیمه شده مبتلا به بیماریهای روانی و یا بیماریهای مزمن و یا معالجات بستری درازمدت باشد منحصراً ازطریق بیمارستانهای اختصاصی سازمان و یا انجمن توانبخشی درمان خواهد شد.

توضیح اینکه اجرای آئین نامه درمان آزاد بترتیب مذکور درهرحال بصورت تدریجی و با توجه بامکانات درمانی در نقاط مختلف کشور خواهد بود.

بدیهی است بهمان نحو که در زمان قانون بیمه های اجتماعی سابق هم معمول بود چنانچه معالجه بیمار مستلزم انتقال او ازمناطق روستائی بشهر و یا از شهرستانی بشهرستان دیگر باشد سازمان تأمین خدمات درمانی ترتیب انتقال بیمار و معالجه اورا درمحل مورد نظر خواهد داد.

با اینکه رای گرفته ام راهم نمیدهند

وکیل محترم — اینجانب سالها درشرکتی استخدام بودم. چون مدیران شرکت عوض شدند و رؤسای جدید بدون هیچ مجوزی مرا بیرون کردند. [illegible] کار محل مراجعه نمودم و [illegible] شورای [illegible] آگاه و هیئت حل اختلاف موفق شدم رای بگیرم که هم حقوق [illegible] دریافت دارم و هم درصورتیکه [illegible] پرداخت مزایای اینجانب [illegible] خود بازگردم اکنون که یکماه ازصدور رای مذبور گذشته نیز با مراجعه بمحل کارخود موفق نشده‌ام ازنظر مدیران شرکت اطلاع حاصل نمایم. خواهشمندم بفرمائید رائی که گرفته‌ام چقدر معتبر بوده و چگونه باید اجرا شود.

اهواز — محسن — د

آقای محترم — برطبق ماده ۳۴ قانون متمم قانونی لایحه بیمه های اجتماعی کارگران مصوب ۱۳۴۲، «آراء قطعی صادره ازطرف شورای کارگاه و هیئت حل اختلاف لازم الاجراء بوده و بوسیله اجرای محاکم دادگستری بمورد اجرا گذارده خواهد شد» بنابراین آراء مزبور قانونی و معتبر است. لکن بمنظور اجرای رأی بدواً از دفتر هیئت حل اختلاف سؤال نمایید که آیا رأی صادره بکارفرمای شما نیز ابلاغ گردیده است یا خیر. درصورتیکه رأی ابلاغ و موعد آن نیز منقضی شده باشد می‌توانید از از دفتر همان هیئت درخواست نمائید که رأی صادره بمورد اجرا گذارده شود و چنانچه رأی معلق به‌این‌دو شرط است که شما با دریافت مزایا ترک کار نموده یا بدون دریافت آن و منحصراً با دریافت دستمزد و عقب‌افتاده بکارخود برگردید تصمیم خود را دراینمورد اتخاذ و درتقاضای خود مرقوم فرمائید — موفق باشید.

«آیاغرامت دستمزدم درست پرداخت میشود»

من کارگری هستم آهنگر در یکی از کارخانجات تولیدی انجام‌وظیفه مینمایم ۲ماه پیش پای اره‌برقی میخواستم آهنی را ببرم که ازدستم افتاد و درنتیجه اره بدستم خورد وآنرا پاره کرد. مرا به بیمارستان اعزام کردند بعداز دو روز در بیمارستان، ۲۰ روز برایم استراحت دادند درحالیکه دستم بخیه خورده و یکی از اعصاب آن بریده شده بود. بهرصورت بعد از این مدت مراجعه نمودم تا حقوق ایام استراحتم را بگیرم ولی ¼ حقوقم را کم کردند. آیا حقوق مرا باید تمام پرداخت میکردند یا همانطور که اقدام کردند. دراین باره مرا راهنمائی کنید.

تهران — م. رضائی

دوست عزیزم

از اتفاق ناگواری که برای شما رخ داده صمیمانه متأسفم وامیدآن دارم که هرچه زودتر این ضایعه التیام پذیرد ودر خصوص نحوه محاسبه غرامت دستمزد ایام بیماری شما باتوجه بماده ۶۲ قانون تأمین اجتماعی که میزان غرامت دستمزد بیمه‌شدگان متأهل را ¾ (یاهفتادوپنج درصد) متوسط مزد آنان تعیین کرده است، بنظر نمیرسد که اشتباهی رخ داده باشد و کسر ¼ از حقوق روزانه شما در دوران بیماری واستراحت باقانون انطباق دارد.

دست اندرکاران صنعت

گفتگو از: نسرین فرزاد

در این مدرسه جدیدالتاسیس، دانشجویان با موازین بهداشتی محیط کار آشنا می‌شوند و خود و همکارانشان را از آسیب‌های ناشی از کار، مصونیت می‌بخشند.

آقای دکتر مسعود روحانی از طرف وزارت کار و رفاه اجتماعی به ریاست مدرسه عالی حفاظت و بهداشت کار انتخاب شده‌اند. چند روز پیش گفتگوئی با او درباره نحوه فعالیت مدرسه و اهداف آن داشتیم که آنچه در پی می‌آید حاصل این گفتگوست.

— تأسیس این مدرسه از طرف وزارت علوم و آموزش عالی تصویب شده است و امیدوار هستیم از اول سال تحصیلی دوهزار و پانصد و سی و پنج، یعنی مهرماه آینده، بتوانیم اولین کلاس تحصیلی آن را افتتاح کرده و دانشجو بپذیریم.

دوره مدرسه عالی حفاظت و بهداشت ... است؟

— دوره این مدرسه، دوساله خواهد بود.

شرائط ورود به این مدرسه چیست؟

— دانشجویانی پذیرفته میشوند که دیپلم متوسطه در رشته‌های ریاضی، طبیعی، یا فنی داشته باشند.

از چه جنبه‌هائی بیشتر آموزش می‌بینند؟

— همانطور که از اسم مدرسه معلوم است، بیشتر از جنبه فنی، و بخصوص بهداشتی آموزش میبینند.

ممکن است ... مدرسه بگوئید

— در نظر داریم دوره دوساله را به چهار سال افزایش دهیم و بعوض فوق دیپلم، مدرک لیسانس بدهیم. انشاءالله اگر وسایل و تجهیزات کافی در اختیار داشته باشیم، در سالهای بعد بگمانم این مدرسه از جهت پزشکی نیز فعالیت و پزشک بهداشت صنعتی تربیت خواهد کرد.

— در این باره با وزارت علوم و آموزش عالی تماس گرفته‌ایم و از آنها خواسته‌ایم که از داوطلبان کنکور سراسری کشور، البته آنها که علاقمند به تحصیل در این رشته هستند، برای ما دانشجو بفرستند. لازم است بدانید که کنکور مجددی نداریم، ولی بطور یقین مصاحبه‌ای در بین است بسبب انتخاب بهترین آنها که روحیه صنعت را دارا هستند.

آیا دانستن زبان خارجی در ... دانشجو به این مدرسه مؤثر است؟

— اتفاقاً به نکته‌ی قابل اهمیتی اشاره کردید، چرا که اهمیت زبان انگلیسی و فرانسه، دو زبانی که با صنعت نزدیکی بیشتری دارند، بسیار مورد نظر است. البته ما انتظار نداریم آنها

خیلی ... کافی است.

همانطور که ... که همیشه ... آقای وزیر کار که همیشه ... کمبودهای جامعه صنعتی بوده‌اند تصمیم به تأسیس این مدرسه گرفتند و من خیلی خوشحالم که بعنوان یک خدمتگزار اداره آن را بعهده دارم.

— در حال حاضر در مرکز تحقیقات کلاسهائی بنام کلاسهای کمک‌های اولیه هست که درهای آن بروی کارگرها و بطور کلی برای کسانیکه در کار صنعت هستند، باز می‌باشد. البته در برنامه این مدرسه هم وجود چنین کلاسهائی پیش بینی میشود.

— مسائل فنی و اصول پایه‌ئی فنی مثل ... و ... و همانطور که گفتم بیشترین اصرار این مدرسه تأکید روی قسمت بهداشت است که سعی خواهد شد به این افراد موازین بهداشتی تعلیم داده شود تا در مقابل آسیب‌های ناشی از کار مصونیت داشته باشند.

— اتفاقاً این مسئله بسیار مورد توجه ماست. و نکته‌ی خیلی مهم اینجاست که در صنایع بزرگ، بخصوص صنعت نفت و صنعت ذوب آهن، تعداد زیادی دیپلمه در رشته‌های صنعتی فعالیت میکنند و این مدرسه برای این گروه بسیار مفید است، چرا که آنها در شروع کار وقتی وارد مدرسه شدند، به موازین مورد بحث آشنائی بیشتری دارند و در نتیجه بازده کار را بالا میبرند.

محل مدرسه ...

— طبق برنامه‌ای که در نظر داریم برای سال اول در همین مرکز تحقیقات هفتاد دانشجو میپذیریم. وقتی کلاس دوم شروع شد عده دیگری در کلاس اول ثبت‌نام کردند. امکانات فعلی این مرکز اجازه نخواهد داد همین وضع را دنبال کنیم. این است که در طرحی که به آقای وزیر کار داده‌ام، پیش بینی لازم را برای محل مناسب کرده‌ام. صحیح تر و منطقی‌تر این است که ساختمانی بهمین منظور ساخته شود و اگر این کار بطول بیانجامد، امکان این وجود دارد که محلی را موقتاً اجاره کنیم.

— البته در قسمتهائی تدریس می کنم و از تعداد زیادی استادان مجرب نیز دعوت میکنیم. بخصوص از استادان دانشکده بهداشت، چون همانطور که میدانید در آنجا رشته بهداشت صنعتی تدریس میشود.

— شرائط سنی برای افراد بیست و پنج سال در نظر گرفته شده است، ولی همانطور که مثلا تذکر دادم برای افراد شاغل محدودیت سنی، زیاد مناسب نیست. در نظر دارم به هیأت امناء پیشنهاد کنم برای صنایع بزرگ نفت و ذوب آهن، شرائط سنی را به سی سال برسانیم.

بنظر میرسد وجود چنین مدرسه‌هائی در شهرستانها هم ضروری است

— البته حرف شما کاملا درست است، ولی باتوجه به اینکه ما در آغاز راه هستیم، باید با احتیاط و باتوجه به امکاناتی که در اختیار داریم عمل کنیم. بدون تردید این فکر در شهرستانها عملی میشود. حال ممکن است شعبه‌ای از این مدرسه نباشد، همانطور که در تمام نقاط ایران دانشکده‌های متفاوتی وجود دارد.

— مسلما این امکانات را واحدهای خود دانشجوها برای آنها در نظر میگیرند، چون از فارغ التحصیل‌های این مدرسه میتوانند بهره گیری بیشتری داشته باشند.

[illegible] دارد [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] که همکارم اشاره کردند. باید به امر آموزش کارگران توجه بیشتری بعمل آید و بموازات اجباری شدن سوادآموزی، کارگران کشور نیز

کارگران حق بیمه میپردازند و کارمندان کشور بازنشستگی، معتقدم تجدیدنظر [illegible] لازم است. نکته دیگر اینکه ملاک محاسبه حقوق بازنشستگی کارگران، دوسال آخر خدمت آنها است که بهیچ وجه این محاسبه منطقی [illegible] کرده،

امروز کارگر نیروی خود را در تحصیل

شرکت کنندگان در میزگرد این هفته:

۱—حبیب‌الله حسامی—نماینده وزارت کار و امور اجتماعی ۲—آقاشاهی—دبیر اتحادیه ۳—سید حسین سادات حسینی—عضو هیأت مدیره ۴—الله‌وردی فاتح اعظم—نایب رئیس اتحادیه ۵—نعمت‌الله جهانی—رئیس هیأت مدیره سندیکا ۶—میرشجاع فاضلی—خزانه‌دار اتحادیه ۷—یعقوب خانقاهی—عضو هیأت مدیره اتحادیه ۸—علی داودآبادی—عضو هیأت مدیره اتحادیه ۹—داود بزرگی—نایب رئیس اتحادیه ۱۰—نورالله کیاشمشکی—عضو هیأت مدیره اتحادیه

رستاخیز کارگران: [illegible] مجله رستاخیز کارگران انتشار یافته، یقیناً باشیوه کار و چگونگی انعکاس و طرح مسائل مربوط به کارگران در این مجله آگاهی یافته‌اید، بنابراین باتشکر از حضور یک یک شرکت کنندگان در این میزگرد خواهشمندیم اگر مطالبی دارید [illegible] بفرمائید.»

آقاشاهی (دبیر اتحادیه): اوامر شاهنشاه آریامهر در مورد افزایش بهره‌وری و بازدهی کار، که در نخستین شماره مجله رستاخیز کارگران، انتشار یافت، اثر مطلوب فوق‌العاده‌ای داشته و گرچه اصل ملازمه بهره‌وری و بازدهی همواره مورد اعتقاد کارگران بوده، مع الوصف تأکید معظم‌له براعتقاد و ایمان آنها افزوده است. با این مقدمه اجازه دهید، مسأله بهره‌وری و چگونگی کار ماشین‌آلات را از دو جهت، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

شک نیست که ماشین‌آلات — در هرجا— براثر سالها کار فرسوده و درصد عمده‌ای از کارآئی آنها از دست میرود، با این حال —حتی کارفرمایان نیز منکر این واقعیت نیستند — پس از انقلاب اجتماعی ایران کوشش کارگران ۵۰ تا ۸۰ درصد بازده کار را افزایش داده و بعبارت دیگر تلاش پرثمر آنها، جایگزین فرسودگی ماشین‌آلات شده است، و این امر مایه مباهات و غرور ما است که توانسته‌ایم در راه اجرای اوامر شهریار دادگستر و نوعدوست خویش، بدینگونه مؤثر باشیم.

سیدحسین سادات‌حسینی (عضو هیأت مدیره اتحادیه): انتشار مجله رستاخیز کارگران گام بزرگی است که در راه تعالی آموزش کارگران از جهات گوناگون برداشته شده، آرزومندم امکان دست‌یابی به تمام شماره‌های آن برایمان مقدور باشد تا با استفاده از محتوای سودمند آن [illegible] کارگران و دیگر رویدادهای داخلی و خارجی است همواره در جریان امور باشیم.

کارگران ایران نسبت به طرز کار و نحوه عمل سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران و نارسائیهای آن چندان راضی نبوده‌اند و از آن جهت که این سازمان نتوانسته، بگونه لازم، بکارگران سرویس دهد شکوه‌هائی داشته‌اند و هرگاه هم که گله‌ای مطرح شده، در جواب گفته‌اند، چون نرخ بیمه پائین است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در مورد مراجعه کارگران به پزشک آزاد تکلیف روشن نیست. از طرفی بیمه نیز نمیتواند به تنهائی جوابگوی مشکلات کارگران باشد، بلکه در کنار آن،

[illegible] بیکاری نیز امری ضروری است و لازم است طرح تأسیس صندوق بیمه بیکاری براساس ضوابطی مورد توجه قرار گیرد.

رستاخیز کارگران: «بطوریکه میدانیم، طرح جدید تأمین اجتماعی کارگران ایران (که بتصویب هم رسیده است) شاید در نوع خود از پیشرفته‌ترین طرحهائی است که با اجرای آن، مشکلی — از نظر درمان و زمینه‌های دیگر [illegible] برای کارگران باقی نمیماند، از طرفی طرح بیمه بیکاری و یا تأسیس صندوقی تحت این عنوان ممکن است به مطالعاتی عمیق و بنیادی نیاز داشته باشد که بطور قطع مورد توجه واقع شده است.»

الله‌وردی فاتح اعظم (نائب رئیس اتحادیه): در شرایط کنونی دیگر بهره‌وری بی‌رویه از نیروی کارگر معنی و مفهومی ندارد، زیرا فروش سهام کارخانجات بکارگران در شرف اتمام است و با اجرای [illegible] پایه‌های گسترش صنایع بر دوش کارگران قرار گرفته و به سخن دیگر اصل سیزدهم انقلاب تأکیدی است بر دیگرگونی صنعت کشور که بموقعیت کارگران استحکام خواهد بخشید. بنابراین فعالیت و کارآئی از جمله ویژگیهای ممتاز و ملی کارگران بشمار است که در راه تحکیم بنیان این اصل، باید از هر کوششی دریغ نکنند.

کارگر ایرانی، باتوجه بمنشورهای ثمربخش انقلاب شاه و ملت و مواهب سعادت آفرینی که شاهنشاه آریامهر برای بهزیستی و تأمین آینده این طبقه ارزانی فرموده‌اند، امروز احساس میکند که وجودش جزء تفکیک ناپذیری از کارخانه‌ای است که در آن کار میکند، دیگر احساس بیگانگی با محیط کار خود ندارد، با روحیه‌ای شاداب و [illegible] خود ادامه میدهد، با این همه [illegible] این مواهب، لازم است [illegible] وزارت کار و امور اجتماعی و دیگر [illegible] مسؤول باید طرحهای جامعی در زمینه آموزش حرفه‌ای و بالابردن سطح معلومات و آشنا کردن کارگران با نیازمندیهای مختلف اجتماعی تهیه و بمرحله اجرا درآورند، ضمن اینکه از امتیازات آموزشی [illegible] برخوردار [illegible] [illegible] [illegible] رفع مشکلات خویش مستقیماً به مفاد آن مراجعه [illegible].

رستاخیز کارگران: مجله رستاخیز کارگران در این زمینه هم به وظایفی که به عهده دارد عمل می کند.

نعمت‌اله جهانی (رئیس هیأت مدیره سندیکا): شکوفائی اقتصاد کشور، بعزم راسخ، کار و

در زمینه مشاغلشان آموزشهائی ببینند و [illegible] هرچه سریعتر و بهتر خود را با جامعه [illegible] منطبق کنند و دینی را که [illegible] اقتصاد و گسترش صنعت نوپای کشور بعهده دارند بخوبی ادا کنند.

میرشجاع فاضلی (خزانه‌دار اتحادیه): یکی از مشکلات کارگران مساله مسکن است که همواره برلزوم رفع این نیاز تأکید شده و متاسفانه توجه کافی بآن بعمل نیامده است. ایجاد مسکن درجوار کارخانه ها، نه تنها رفاه کارگران را تأمین خواهد کرد، بلکه در مورد مسأله ترافیک نیز اثر خواهد گذاشت، ضمن اینکه کمبود نیروی انسانی را— که کارفرمایان همواره با آن مواجهند— جبران خواهند کرد (زیرا مقدار وقتی را که کارگران صرف آمد و رفت بکارخانه میکنند، میتوان بدینوسیله صرفه‌جوئی کرد و از آن برای افزایش بازده کارخانه استفاده کرد.) مضافا به اینکه پرداخت هزینه کمرشکن اجاره بهای خانه را از دوش کارگران برخواهد داشت.

دربایستی لزوم توجه به امر آموزش کارگران نیز باید عرض کنم که کارگران عصر رستاخیز با کارگران قبل از انقلاب شاه و ملت تفاوت بسیار دارند و برعکس زمانی که نیروی خود را در بازوی پنداشتند، امروز دیگر نیروی خود را متکی به تحصیلات و تخصص حرفه‌ای خود می یابند.

یعقوب خانقاهی (عضو هیأت مدیره اتحادیه): قانون جدید تأمین اجتماعی- اگرچه قانونی مترقی است و برای فراهم آوردن رفاه هرچه بیشتر کارگران تدوین شده و خوب است ولی کافی نیست.

در این قانون، برای بازنشستگی، حدنصاب خدمت از ۴۰ به ۳۰ سالگی تقلیل پیدا کرده و این مایه امیدواری و تشکر کارگران است، ولی درعین حال بهتر بود، ترتیب کار طوری داده شود که کارگران نیز- مانند کارمندان- بتوانند قبل از پایان ۳۰ سال کسور بازنشستگی را پرداخت و برابر ضوابطی خود را بازنشسته کنند، تنها فرقی که در این مورد وجود دارد این است که

براثر کار مداوم طبعاً دچار کهولت و فرسودگی میشود و در نتیجه، در یکی دوسال آخر خدمت بیش از سایر سالها از مرخصی استفاده میکند و لذا دستمزد این دوره از خدمت او بمراتب کمتر از هر زمان دیگری است. بنا براین حقوق بازنشستگی او هم کمتر خواهد شد. باید ترتیبی داده شود که حقوق ایام بازنشستگی کارگران براساس دستمزد کامل ماهیانه آنها در دو سال آخر خدمت و بدون احتساب ایام معذوریت تعیین و پرداخت شود. در پایان عرایضم یک پیشنهاد هم برای مجله رستاخیز کارگران دارم که امیدوارم مورد قبول واقع شود.

بسیار بجا خواهد بود که تعدادی از صفحات مجله را به تشریح برنامه های اقتصادی، صنعتی و تولیدی ایران و همچنین بازگو کردن انگیزه ها و علل پیشرفت اقتصاد کشور های بزرگ جهان اختصاص دهند، تا کارگران ایرانی با آشنائی بیشتر و برداشت کاملتری از مسائل مربوط به اقتصاد ایران بطور اخص- و جهان بطور اعم- داشته باشند.

علی داودآبادی (عضو هیأت مدیره اتحادیه): با وجودی که انقلاب شاه و ملت مساوات را در تمام زمینه های اجتماعی بصورتی کاملا دلخواه فراهم آورده و عدالت اجتماعی را همدوش با سایر پیشرفتهای سریع مملکت تأمین کرده است، متاسفانه بعضی از مواد قانون کار همگام و هماهنگ با سایر تحولات اجتماعی نیست، مثلا تعطیلات رسمی کارگران درسال ده روز و مرخصی سالانه ۱۲ روز است که چندان تناسبی با تعطیلات سایر طبقات و از آن جمله کارمندان دولت ندارد، شک نیست که تجدیدنظر در این مورد و افزایش میزان تعطیلات و نیز مرخصی سالانه کارگران در روحیه و ارتقاء سطح بازدهی کارگران تأثیر فراوانی خواهد داشت. البته همزمان با این اقدام لازم است نسبت به افزایش تعداد استراحتگاههای کارگری در کنار دریا و گسترش و توسعه زائرسرای مشهد نیز اقدام شود

[illegible] خود [illegible] برخورد [illegible].

داود بزرگی نایب رئیس اتحادیه : [illegible] یکی [illegible] مشکلات [illegible] در تصریح [illegible] شود [illegible]

[illegible] که در بعضی کارخانه ها رعایت نمیشود [illegible]

نکته دیگر [illegible]

[illegible] بهیچ وجه درست نیست، زیرا حاصل کار و قدرت [illegible] کارگران همواره سعی کرده اند با بالا بردن

[illegible]

با وجود این پیشنهاد میکنم [illegible] علت آن چیست؟ [illegible]

وتخصص حرفه خود میدانند

حبیب‌الله حسلمی

آقاشاهی

سیدحسین سادات‌حسینی

انوردی‌فاتح اعظم

داود بزرگی

نورالله کیاشمشکی

کارگران سعی دارند با بالا بردن راندمان کار، کشور را از تولیدات خارجی بی نیاز سازند.

میرشجاع فاضلی

یعقوب خانقاهی

علی داودآبادی

و فرسودگی [illegible] کارخانه است [illegible] کارگران [illegible] و [illegible] هر کدام [illegible] مشخص [illegible] در رفع آن اقدام شود.

مشکل تهیه مسکن و ضرورت اجرای اصل [illegible] کارگران که همکارانم به تفصیل [illegible] آن بحث کردند مورد تقاضای من نیز است و امیدوارم [illegible] هر دو مورد سریعا اقدام شود، مخصوصا که [illegible] آریامهر نیز [illegible] وامری صادر فرموده‌اند، واقعا پرداخت اجاره‌های مسکن در شرایط موجود، برای کارگران مشکل است رفع کمبود پزشک، بخصوص در درمانگاه شماره ۷ (این درمانگاه [illegible] شماره ۶ بیمه کارگران است) که در یکی از

[illegible] در صفحه ۷۸

«فلزکاری» مهم‌ترین رکن صنایع

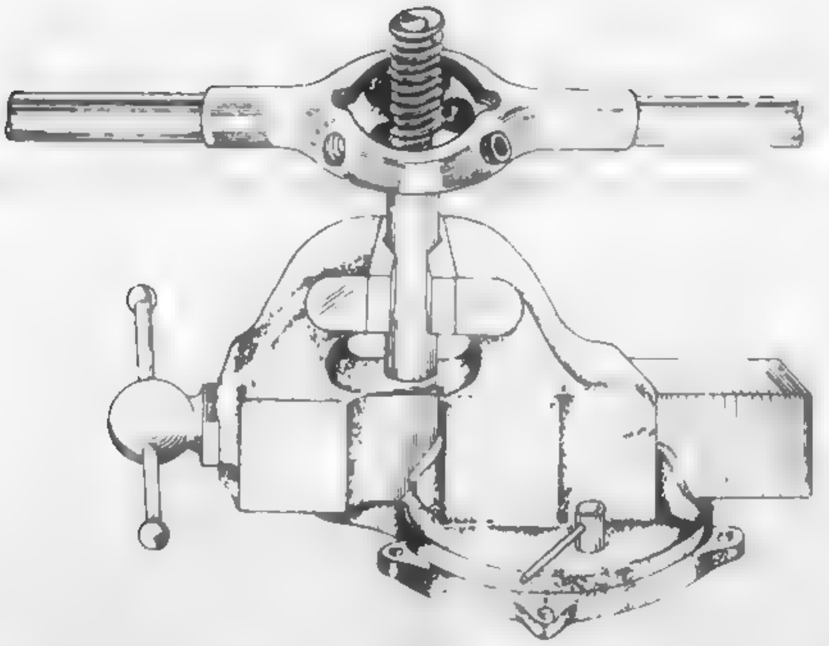

سرویس حرفه و فن، با علاقه و پشتکار بسیار برای پاسخگوئی به هرگونه پرسش فنی و حرفه‌ای که امکان دارد در حین انجام کار و یا مطالعه برای شما پدید آید، آماده است. بنا براین دوستان عزیزی که در عملیات یا فعالیتهای صنعتی دچار اشکال میشوند میتوانند پرسشهای خود را ضمن نامه‌ای به آدرس «مجله کارگران — سرویس حرفه و فن» — ارسال دارند تا پس از بررسی دقیق، پاسخ کامل را درمجله درج کنیم.

عملیات فلزکاری، مانند: تراشکاری، مته زنی، فرز کاری و جز اینها، در صنعت اتومبیل سازی، ابزارسازی، ساخت میز و صندلی فلزی، وسایل برقی سازی و بسیاری دیگر از فعالیتهای تکنیکی مورد تاکید و توجه شدید است.

اندازه‌گیری و چگونگی تعیین میزان طول یا سطح فلز مورد نیاز، نخستین و شاید از مهمترین مرحله در عملیات فلزکاری به شمار می‌رود. چرا که اگر کارگری بدون توجه به خط‌کش و مقیاسهای اندازه‌گیری، به کار پردازد، ماحصل کارش نه تنها رضایتبخش نخواهد بود. بلکه ممکن است محصول نهایی کاملا با آنچه در ابتدا تصور می‌رفته، جدا باشد.

شکل ۱ را ببینید

فلزتراشی

هم‌اکنون در صنایع پیشرفته جهان فراورده تجارتی و اقتصادی از سوزنهای ریز گرفته تا ماشینهای عظیم کارخانه‌های صنعتی همه از فلز ساخته می‌شوند که در اقتصاد ملی هر کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردارست. و به همین ترتیب فلزتراشی که هدفش تهیه قطعاتی است با اندازه‌های معین و براده‌برداری از سطح این قطعات نیز نقش ارزنده‌ای در صنایع مهندسی دارد. کار براده برداری از فلزات به وسیله ماشین های فلزتراشی صورت میگیرد. به این ترتیب که قطعات فلز ریخته شده، ریختگری شده و از این قبیل که ناصافیهایی دارد به وسیله ابزارهای برش صاف شده، به درجه‌ی جلای مورد نظر می‌رسد.

هزینه‌های تراشکاری هرچند گزاف است ولی به دلیل نیاز بسیار به آن مجهز کردن کارگاههای صنعتی به ماشینهای فلزتراشی جدید و استفاده از طرحهای جدید موجب افزایش بیشتر در بهره‌دهی کار و دست‌آوردهای تازه در صنایع مهندسی می‌شود.

حرکت در ماشینهای فلزتراشی:

فلزتراشی گاه با دست کارگر و زمانی به وسیله ماشین انجام می‌شود. در فلزتراشی با دست کارگر قطعات فلز را بین گیره محکم کرده و ابزار برش را به وسیله دست به حرکت در می‌آورند در اینجا نیروی کارگر است که حرکت دستگاه را تنظیم می‌کند.

عمل فلزتراشی در ماشین با دو حرکت اصلی انجام می‌گیرد. نخست «حرکت کاری» که مستقیماً عمل فلزتراشی را انجام می‌دهد و دوم «حرکت باری» که عمل فلزتراشی را به نقاط مختلف کار تعمیم می‌دهد.

حرکت کاری در ماشینهای فلزتراشی به دوگونه صورت می‌گیرد:

۱ — ماشینهای فلزتراشی که حرکت کاری در آنها به طور مستقیم انجام می‌گیرد این ماشینها را می‌توان در گروه ماشینهای کله‌زنی و صفحه‌تراش قرارداد.

۲ — ماشینهایی که حرکت کاری در آنها دورانی است ماشینهای تراش، مته و سنگ‌زنی در این سری قراردارد.

دستگاه انتقال حرکت ماشینهای فلزتراشی:

دستگاه انتقال حرکت در ماشین‌های فلزتراشی، دستگاهی است که انرژی لازم برای کار را از منبع قدرت خارجی گرفته و به‌اجزای مربوطه ماشین منتقل می‌کند که این دستگاه نیز برحسب نوع کارش، دستگاه انتقال حرکت کاری، دستگاه انتقال حرکت باری و یا دستگاه انتقال حرکت فرعی نامیده می‌شود.

در زمانهای گذشته در کارخانه‌های ماشین سازی از دستگاه انتقالی به‌نام «ترانسمیسیون» استفاده می‌کردند که حرکت را از موتور اصلی بوسیله تسمه‌هایی که در فضای کارخانه وجود داشت به‌ماشین انتقال میرساند. دلیلی که موجب شد دیگر از این دستگاه استفاده نشود این بود که این دستگاه دارای نواقصی بود از قبیل:

۱ — تاریک کردن فضای کارخانه بوسیله تسمه‌های زیادی که حرکت را از موتور الکتریکی به‌محور اصلی ترانسمیسیون در طول کارخانه به‌ماشین انتقال می‌رساند.

۲ — درصورتی که عیبی در موتور الکتریکی بوجود می‌آمد تمام ماشین های فلزتراشی موجود در کارخانه از کار می‌افتادند.

امروز در کارگاهها و کارخانه‌های ماشین سازی هر ماشین فلزتراشی دارای موتور الکتریکی جداگانه است در کارگاههای فلزتراشی بسته به‌نوع ماشین و سطح فلزی که باید تراش داده شود عملیاتی به‌قرار زیر انجام می‌شود:

تراشکاری

در این نوع تراشکاری فلز تراشخور، به‌دور خود چرخیده وابزار برش تا عمق معینی در روی سطح فلز نفوذ کرده وسپس از آن براده‌برداری می‌کند.

صفحه تراشی

در این عمل قطعه فلز یا ابزار برش دارای حرکت رفت وآمد است. در ماشینهای صفحه تراش معمولی ابزار برش حرکت خطی داشته پس از وارد کردن هر ضربه به‌شکل اولش برمی‌گردد ودر ماشینهای صفحه‌تراش دروازه‌ای حرکت به‌فلز تراشخور منتقل شده ابزار برش با هر حرکت کمی جا به‌جا می‌شود. شکل (۲)

مته‌زنی:

عمل مته‌زنی معمولا روی ماشینهای مته انجام می‌شود که البته باید ظرافت ویژه‌ای مورد توجه «مته‌زن» قرار گیرد.

فرزکاری:

فرزکاری با ابزاری که تیغه‌ی فرز نام دارد صورت می‌گیرد. فرزکاری با حرکت خطی فلز و حرکت دورانی تیغه فرز انجام می‌گیرد.

سنگ‌زنی:

سنگ‌زنی وبه‌عبارت دیگر تراشه‌برداری از روی فلز به‌عملی گفته می‌شود که با سنگ سنباده انجام می‌شود

«مسابقه دانش صنعتی»

دوستان عزیز

سرویس حرفه و فن مجله کارگران، برای پیشبرد هدفهای آموزشی و تکنیکی دست اندرکاران واموزفنی، مسابقاتی را با نام «دانش صنعتی» برگزار می کند.

چگونگی این مسابقات، همچنانکه قبلا به اطلاع رسید به ترتیبی است که در هر شماره، سؤالاتی مربوط به کارها و فعالیتهای صنعتی یک رشته تولیدی مطرح می شود.

علاقمندان شرکت در این سری مسابقات، باید با توجه به رشته تخصصی خود، پاسخ سؤالهای مندرج در مجله را حداکثر تا ۲۵ روز، به آدرس مجله کارگران، ارسال دارند. لطفاً روی پاکت بنویسید: مربوط به مسابقه دانش صنعتی

کارگران فلزکاری که به شرکت در مسابقه دانش صنعتی سرویس حرفه و فن علاقمندند پاسخ سؤالات زیر را حداکثر تا ۲۵ روز دیگر به آدرس مجله کارگران ارسال دارند

۱— شماره گذاری قلاویزها چگونه است

۲— چرا باید حدیده و قلاویز را از ابزارهای دیگر جدا کرد

۳— ساق مته، به چند شکل ساخته میشود

۴— نکاتی را که باید در موقع بکاربردن سنج نوسی در نظر گرفت، شرح دهید.

۵— انواع سوهان را با کاربردهایشان نام ببرید.

۶— پرگار کشویی را در کجا بکار می برند

پاسخها را بطور خلاصه، خوانا و روی یک صفحه کاغذ بنویسید و هر چه زودتر پست کنید.

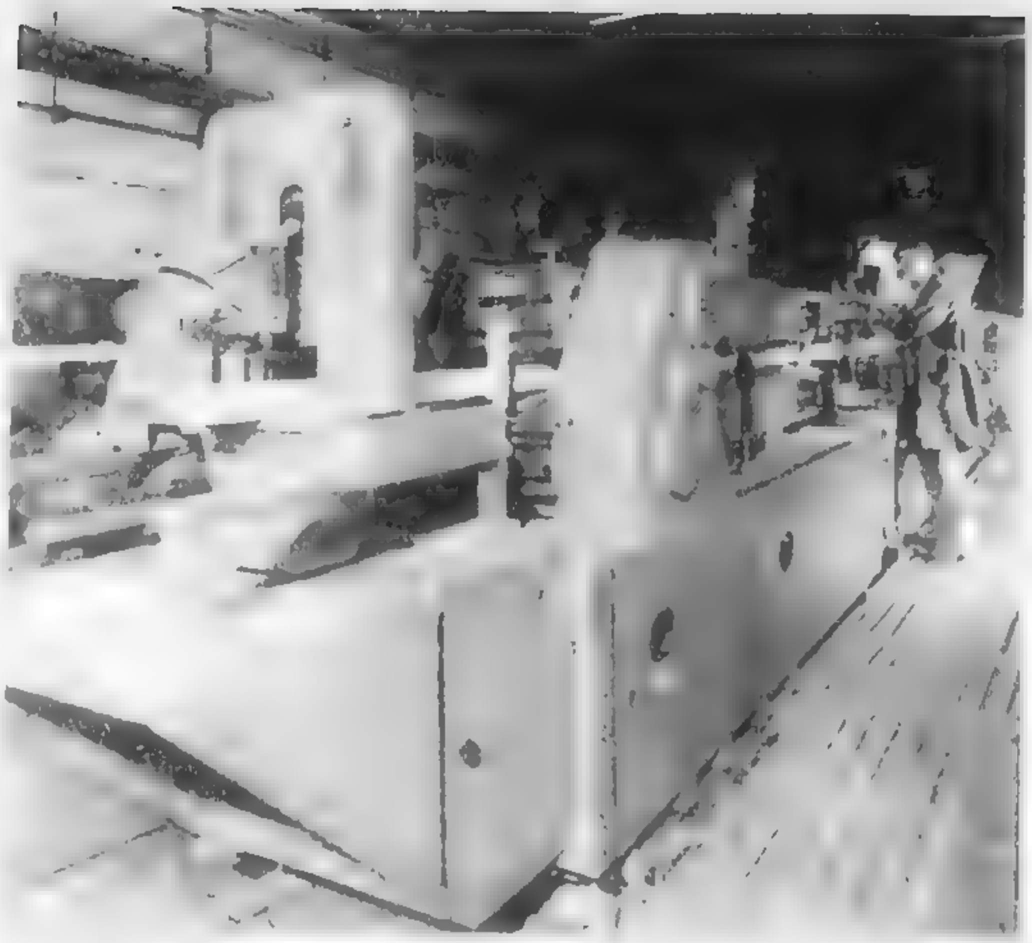

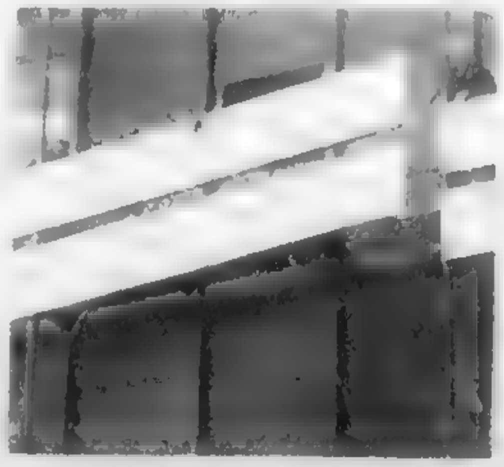

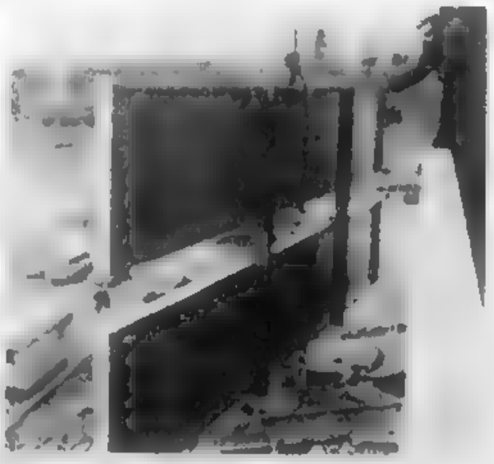

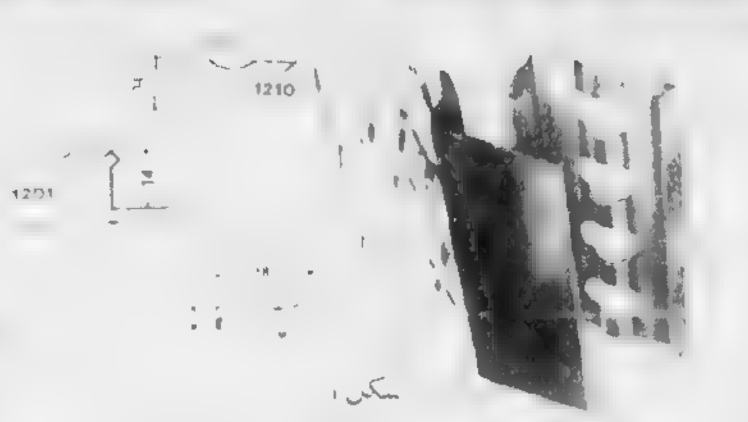

شکل ۱

حریان عمل فلزتراشی:

در جریان تراشیدن قطعات بوسیله دستگاه فلزتراشی باید دقت کامل بکار برد تا قطعات تراشیده شده از لحاظ مشخصات فنی یعنی اندازه‌ها، صافی سطوح فلز وغیره کیفیت مطلوب را داشته باشند.

عواملی از قبیل: تراشخور، سرعت برش، زمان تراشکاری، عمق برش ومقدار بار در فلزتراشی دارای اهمیت ویژه است. از سوی دیگر سه عامل در جریان فلزتراشی دخالت دارد:

۱— دستگاه فلزتراشی

۲— ابزاربرش

۳— قطعه‌ای که باید تراشیده شود

تعیین مناسبترین نحوه فلزتراشی:

برای پیدا کردن بهترین ومناسبترین شیوه‌های کار با دستگاههای فلز تراشی عقاید گوناگونی وجود دارد که مهمترین عقیده در این باره این است که فلزتراشی با حداکثر

مقطع براده یعنی باعمق برش وبار حداکثری که ماشین قدرت تحمل آنرا دارد باصرفه تر است.

در صورت قبول این عقیده باید حداکثر عمق برش را از روی اضافه‌ی اندازه کار و حداکثر بار را از روی استحکام دستگاه بار خود کار در دورهای مختلف آن تعیین کرد. برای مراحل مختلف سرعت دوران محور ماشین در تراشکاری قطعاتی به‌قطر ثابت ومعین، سرعتهای برش مختلفی به‌دست خواهد آمد که اگر این سرعتها را سرعتهای برش وباصرفه فرض کنیم می‌توانیم برای عمق برش معینی بار حداکثر مجاز را برای دورهای مختلف محور ماشین بدست آوریم. وچنانچه از میان این مقادیر مجاز به‌دست آمده کمترین آنها را به‌عنوان بار انتخاب کنیم می‌توانیم زمان تراشکاری قطعه‌ی مورد نظر را در هریک از دورهای مختلف محور ماشین به‌دست آوریم. دراین صورت آن روش فلز تراشی که درحداقل زمان صورت می گیرد ازهمه مناسبتر وبهتراست.

دستگاه جدید «الکتروکاردیوگرام»

برای تسهیل در تشخیص بیماریهای قلبی پنهانی، یک شرکت انگلیسی وسیله‌ای را برای ثبت نوسانات الکتریکی قلب ساخته است. ثبت این نوسانات به هنگام راه رفتن یا دویدن بر روی یک چرخ افقی بزرگ، صورت میگیرد.

این الکتروکاردیوگرامها تشخیص بیماریهای قلب و عروق را در مراحل اولیه آسان میکنند و اغلب این تشخیص بقدری زودتر از موقع انجام میگیرد که میتوان از موارد جلوگیری کننده بیماری مانند تجویز رژیم و ورزش برای پیش گیری از بیماری و ناراحتی‌های بعدی و یا از بین بردن آن استفاده کرد.

این وسیله شامل ضربان سنج انگشتی، نمایش امواج قلب و یک کانال برای ثبت آنهاست. تمام قسمتها روی یک میز متحرک همراه با پانل کنترل نصب شده است. پانل کنترل شامل دستگاهی برای نشان دادن سرعت و ارتفاع هر چرخ و دکمه هائیست که این پارامترها را بطور مداوم تغییر میدهد.

وسائل دیگری نیز برای تمرین های خودکار الکتروکاردیوگرام لازم است تا ایمنی سرعت، راحتی و اثرات لازم را برای تعداد زیادی از بیمارانی که از ناراحتی‌های قلبی پنهان رنج میبرند بوجود آورد.

طرحریزی سیستم‌های مختلف این دستگاه اختصاصاً برای این نوع الکتروکاردیوگرام خاص است و در نتیجه کار آن مهم‌تر از کاری است که توسط دستگاههای معمولی الکتروکاردیوگرام استاندارد انجام میگیرد. در این دستگاه از الکترودهای قابل تعویض استفاده میشود و بیمار در اتاقک کوچکی که هرگونه صدا، حرکت و تداخل را بحداقل خود کاهش میدهد قرار میگیرد. سیستم نگارش نیز طوریست که میتواند هر گونه موج را بطور دقیقی ثبت کند. دستگاه الکتروکاردیوگرام طوریست که میتواند امواج را ضبط کرده و بطور مداوم نشان دهد. قسمت ضبط برنامه بطریقی است که میتواند بفواصل ۵ — ۱۰ — ۱۵ ثانیه ضربانات قلب را در هر یک‌ودوم دقیقه ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۶۰ یا ۵۰ دقیقه ثبت کند.

صداهای خاصی درآغاز هر فاصله ثبت، دکتر را آگاه میکند تا فشار خون بیمار را همزمان با امواج قلبی مشاهده کند. هرثبت نوسانات الکتریکی قلب که بطور اتوماتیک انجام میشود بطور کامل نشان دهنده موقعیت خود درجریان ثبت است.

تولید انرژی الکتریکی ازطریق ماهواره

فلوریدا

یک سخنگوی شرکت فضانوردی بوئینگ ثبت آمریکا میتواند با صرف هزینه‌ای مانند هزینهٔ برنامه تحقیق درماه، با یکسری ماهواره تولید کننده برق در زمینه انرژی «خود کفا شود».

این سخنگو افزود ماهواره‌ها برق خود را بوسیلهٔ آئینه‌ای سبک‌وزن ازنور خورشید کسب خواهند کرد. وماهواره بالای ابرها و هوا در زیر نور مداوم خورشید قرار خواهد گرفت.

در شمارهٔ گذشته ، با دستگاه جرقه در اتومبیل آشنا شدیم . این هفته بقیه اجزای این دستگاه را مورد بررسی قرار می‌دهیم .

*** کویل**

سیم پیچ اولیه وثانویه با مغزی آهنی‌در دستگاه جرقه را دریک پوسته به‌نام « کویل قرارمی‌دهند . البته اینکار درانواع کویل‌ها متفاوت است . در بعضی از کویل‌ها ، برای جلوگیری ازجرقه زدن ، بین حلقه های سیم‌پیچ ثانویه ودر ضمن برای خنک کردن کویل مقداری روغن نیزدرداخل آن‌می‌ریزند .

اگرحلقه‌های سیم پیچ های اولیه یا ثانویه به هم‌وصل شوند (اتصال کوتاه‌شونده) کویل نیم سوز شده ، سبب اختلال در کار موتور می‌شود ! در اینگونه اتصالات ناگهانی باید کویل راتعویض کرد .

***دلکوچیست**

برای قراردادن پلاتین ها ، چند سوخازن‌و حکس برق اردستگاهی به نام « دلکو» استفاده می‌سود چندسووچکنی برق به‌میل دلکومتصل است که بوسیله میل باداسک یا پمپ روغن می‌سود .

پلاتین ها روی صفحه مخصوصی سوار شده‌اند . پلاتین متحرک نسبت به صفحه وبدنه ومیل دلکو ، کاملا عایق‌بندی‌شده‌است .

در زیر صفحه پلاتین وروی محور دلکو وزنه‌هایی سوار شده تا مقدار « اوانس »و ریتارد » موتور را دردورهای زیاد کنترل کند .

***مفهوم ریتاردواوانس**

دلکو ومیزان کردن آن عامل مهم خوب

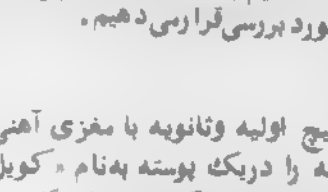

برای مقابله با سرقت‌های روز افزونی که درزمان تماشای تلویزیون اهالی هرخانه رخ میدهد یک شرکت مهندسی بریتانیائی یک دستگاه زنگ خطر برای منازل ساخته است . این

این زنگ خطر نوظهور قادر است حتی آتش‌سوزی‌ها را نیز ثبت و اطلاع دهد

وسیله دارای بخش‌های مختلف رنگی است و میتوان آنرا به سقف اتاق ومحلی که‌تلویزیون قرار دارد آویزان کرد . اگر دزدی واردشود بخش سه رنگ پائین دستگاه روشن شده وبخشی که بسقف آویزان است بصدا درمی‌آید بهمین ترتیب اگر آتش سوزی در هر نقطه از خانه بوقوع بپیوندد چراغ قرمز که در وسط است روشن شده وبازهم زنگی بصدا درمیاید . چراغ سفید زنگ دستگاه نیز برای آگاهی ازصدای‌درو یا گریه بچه است .

قسمت پائین دستگاه دارای یک سویچ آتش نشان است که در صورت آتش گرفتن تلویزیون میتوان از آن استفاده کرد . بخش یاد شده نیز شامل زنگ خطر وجعبه کنترل برای پخش کردن‌صدا در تمام قسمتهای‌منزل است . سویچ های آتش نشان را که بوسیله همین شرکت تولید شده‌میتوان درهراتاقی نصب کرد واز جعبه کنترل نیز میتوان برای هر نوع ارتکاب بدزدی استفاده کرد .

جعبه مزبور را میتوان در هر نقطه از منزل قرارداد . کاراین جعبه ازطریق باتری است‌و قطع یا کوتاه کردن جریان خود موجب تولید زنگ خطر میشود . جعبه بصورتی تعبیه شده که وقتی بعلت جریان دزدی کلیدمتحرک کوچک شروع بکار میکند قبل از پایان حرکت وقفل شدن دستگاه جریان زنگ خطر را کنترل میکند .

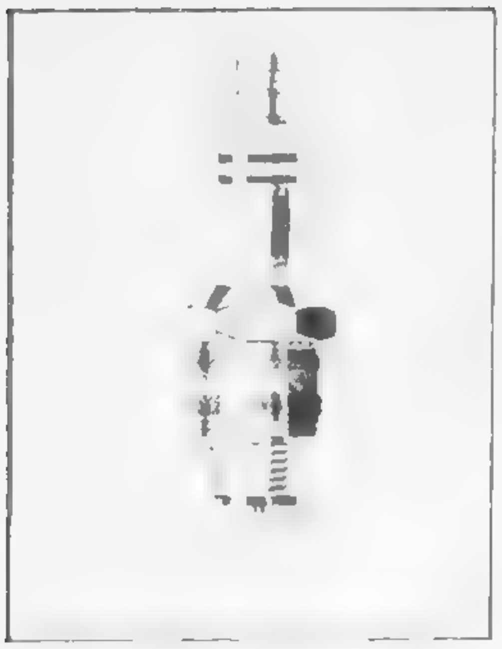

کویل، دلکو و شمع

با اتصال کوتاه سیم پیچ اولیه و ثانویه، کویل نیم سوز می شود

کار کردن موتور ودستگاه جرقه است . زود جرقه زدن شمع را به اصطلاح لاتین اوانس» یا پیش افت جرقه می گویند و در مقابل دیر جرقه زدن شمع «ریتارد» یا پس افت جرقه نامیده می‌شود . برای اینکه کمی پس از نقطه مرگ بالا فشار گازهای متراکم شده درحال احتراق به حداکثرمقدارخود برسدوبه پیستون، ما کزیمم شتاب را بدهد، لازم است تا جرقه ، کمی زودتر از نقطهٔ مرگ بالا زده شود . البته مقدار آن در موتورهای گوناگون ونیز در دورهای متفاوت فرق می کند.

تغییر مقدار اوانس وریتارد در موتور اتومبیل به دوصورت انجام می گیرد:

۱ــ آوانس خلایی، که معمولا ازخلائی قلد یا لوله هوا کش کاربراتوراستفاده می‌شود ودردورهای کم، کارمی کند.

۲ــ اوانس وزنه‌ای ، که در دورهای زیاد کارمی کند وازوزنه هایی که روی محوردلکو سواراست . تشکیل می‌شود.

*شمع

شمع قسمتی از مدار ثانویه است که در داخل سیلندرجرقه مورد نیاز را ایجاد می کند و باعث‌عمل احتراق می‌شود.

شمع ازقسمتهای زیر تشکیل شده است.

۱ــ غلاف فلزی که حافظ شمع است ودر عین حال اتصال به بدنه را تشکیل می دهدودر قسمت پائینی آن دنده شده که در داخل سر سیلندرموتورپیچیده‌می‌شود.

از همین قسمت ، شمع حرارت خودرا به بدنه می دهد روی این پوشش فلزی ، زائده‌ای قرارگرفته که به «الکترود بدنه» موسوم است.

۲ــ قسمت دوم چینی شمع است که باید در برابر گرما مقاوم ودرعین حال ازنظرعایق بودن نیزقوی وپایدارباشد.

۳ــ قسمت سوم الکترود مرکزی است که بوسیله چینی کاملا نسبت به بدنه، عایق بندی شده است. (شکل ۱ ساختمان یک شمع را نشان می‌دهد).

جریان برق مدارثانویه از الکترود مرکزی و از فاصله هوایی که بین الکترود بدنه و الکترود مرکزی در داخل سیلندر است عبور می کند وباعث ایجاد جرقه میشود.

شمع ها را برحسب چگونگی انتقال گرما از اتاق شمع به خارج تقسیم بندی می کنند. شمع سرد ، گرم وداغ سه گروه اصلی شمع ها را تشکیل می دهد.

هر یک از این شمع ها در موتور ویژه‌ای مورد استفاده‌قرارمی گیرد.

ادامه دارد

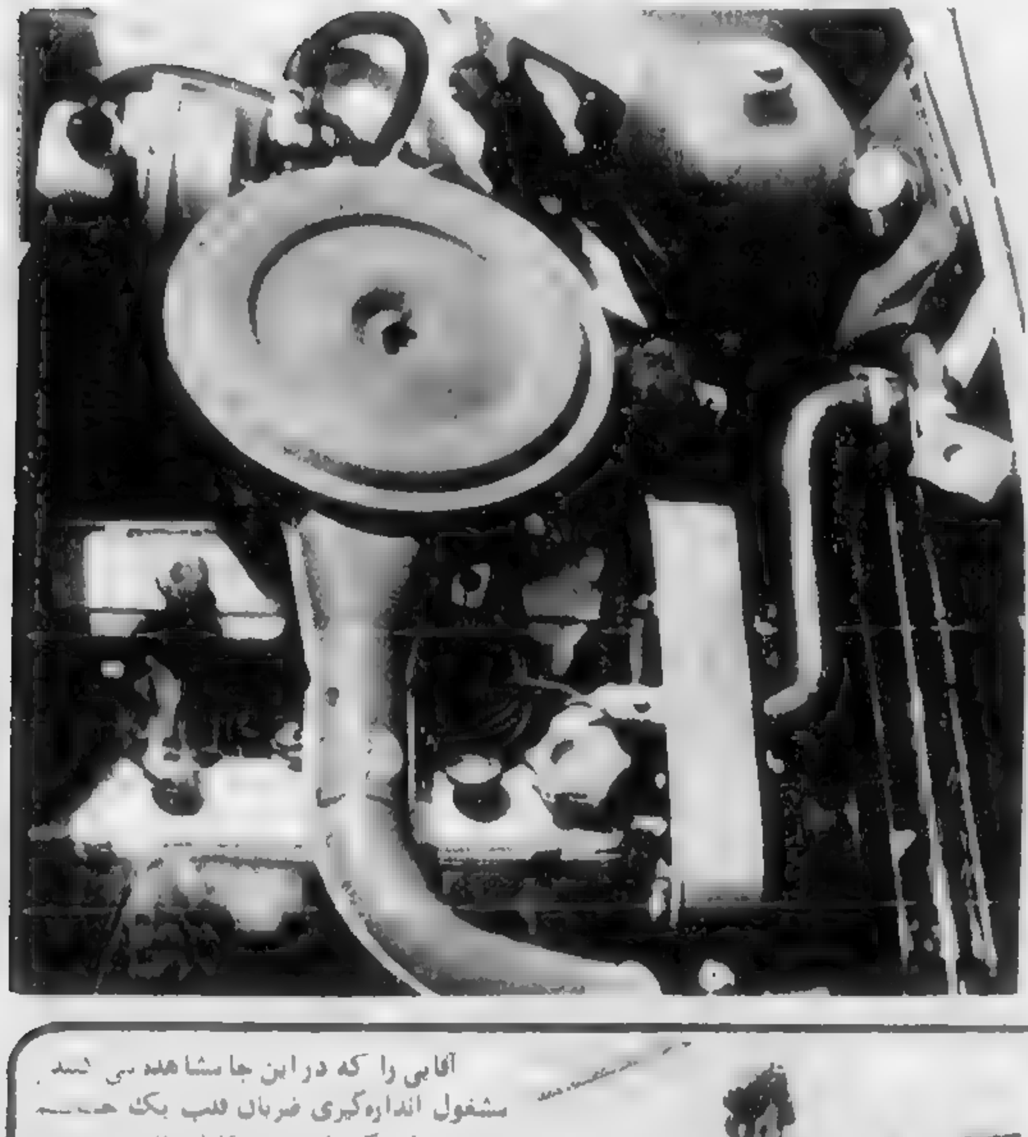

اندازه حعبه کنترل که در ولتاژهای مختلف دارای بازدهی برابر ۱۲ دی سی است ۲۵۵ میلمتر × ۱۹۰ میلمتر × ۱۱۵ میلمتر است. واحد سقفی آن نیز ۹۰ میلمتر × ۹۰ میلمتر × ۵۰ میلمتر بوده وقسمتی از آن که بصورت معلق است از جنس بلور وضد حرارت بوده و اندازه‌های آن ۱۵۰ میلمتر طول وحدود ۲۵ میلمتر قطر وروپوش پولادی درقسمت انتهائی است.

آقایی را که در این جا مشاهده می کنید مشغول اندازه‌گیری ضربان قلب یک مجسمه نیست . او یکی از تعمیر کاران آثار هنری در موزهٔ «ویکتوریا اند آلبرت» لندن است.

ــ ادوارد با یک تفنگ پاک کننده دوده و چرک را از یک مجسمه می‌زداید . این تفنگ بتازگی اختراع شده و بسیارسریع است. تفنگ، با جریانی از دانه های بسیار ریز شیشه ، سنگ را بمباران می کند . این دانه‌های شیشه را جریانی ازآزت، با سرعت ۴۰۰ ۱ مایل درساعت می‌پاشد.

آموزش فنی در قالب داستان

کامیونها و رانندگان بیابانی

از: ممتاز

از ابدالخان تا اندیمشک را با هزار یا علی- مدد و پس از طی کردن دست‌اندازها و بیراهه های فنرشکن و شاسی‌شکن بسر رساندیم (چون آن موقع بیشترین قسمت جاده باصطلاح اسفالته اهواز— اندیمشک قدری خراب و پرچاله‌چوله بود که راننده‌ها ترجیح میدادند به بیراهه بزنند) باری، نزدیک ظهر بود که «حسین‌آقا بعد از بنزین‌گیری دم پمپ بنزین اندیمشک لحظه‌ای توقف کرد و برای بررسی کاپوت را رد بالا و یک نگاه سرسری به دسته موتورها و بالا- پائین موتور و رادیاتور انداخت و همچنان در حال بازرسی و سرش‌توی کاپوت بود که دست بر قضا اتفاق جالبی رخ داد که هر هر وقت بیادش میافتم بی اختیار خنده‌ام میگیرد. قضیه از این قرار بود که راننده یک کامیون دیگر که کامیونش در آنطرف خیابان ایستاده و نقص فنی پیدا کرده بود، وقتی حسین‌آقا را درحال توقف دید دوان، دوان پیش او آمد و تقاضا کرد که جارفرانسه‌اش را برای چند دقیقه به او امانت بدهد تا یک پیچ « بدآچارخور » را باز کند و باو پس بدهد.

ولی حسین‌آقا وقتی تقاضای آن راننده را شنید بدون معطلی چهلصدتا قسم پیر و پیغمبر خورد که آچارفرانسه ندارد که سهل است اصلا هیچگونه آچار دیگر هم ندارد و مرتب قسم و آیه می‌آورد که چون ماشینش نو و تازه تحویل است هنوز فرصت نکرده براش آچار تهیه کند. توی دلم گفتم، راست راستی که روتوبرم هی ! مردحسابی توآچارفرانسه نداری ؟ کاشکی الآنه خدا بمن دست میداد وجلو همین بابا، با آن دست آچارفرانسه و بقیه آچاراتو میکشیدم بیرون وهمچی خیطت میکردم که تا تو باشی و دیگه اینطور نکنی، ولی افسوس که کاری از دستم برنمیامد. آقائی که شما باشید. از اندیمشک حرکت کردیم وافتادیم توی جاده اندیمشک— خرم‌آباد. چند کیلومتر که از اندیمشک دور شدیم بواش بواش سینه‌کش وپیچ های حسینیه نمودار شد و هر قدمی که بجلو تر میرفتیم از «وازگون» موتور کم میشد، گرمای صلات ظهر خوزستان از یکطرف و سینه کشی جاده از طرف دیگر و از همه بدتر دیرعوض کردن و بد دنده عوض کردن حسین‌آقا بکلی حالم را بهم زده بود و از شما چه پنهان بازور وا کرده بجلو میخزیدم. حسین‌آقا که میدید کامیون‌های ریز و درشت یکی یکی میآیند و از بغل گوش ما رد میشوند و ازما جلو میفتند، ابتدا کمی ناراحت شد و سه چهارتا دنده اضافی بی‌خاصیت بنافم بست و هرچه توانست بگازفشارآورد ولی اس حوس وجلاها همگی بیفایده بود چون رگلاتور کاربوراتور بمحض دریافت گاز اضافی و دوراضافی شروع کرد به بسته‌شدن و حسین‌آقا را پاک سنگ روی یخ کرد ! حسین‌آقا یکوقت متوجه شد که بجای اضافه‌شدن دورموتورسرعت و دور موتورگرفته‌شدو بدون اینکه بفهمد این فروکش کردن دوران بر اثر بسته‌شدن رگلاتور بوده شروع کرد به کفرو بد و ردگفتن. چند قدمی را با عصبانیت جلو رفت و چون دید از این توپ‌وتشرها هم نتیجه‌ای نمیگیرد ماشین راکشید کنار جاده توقف کرد و با ناشیگری کامل شروع کرد به «آدوانس» کردن دلکو و آنقدر دلکوی زبان بسته را آدوانس کرد که وقتی گذاشت توی دنده و حرکت کرد دلکو از شدت آدوانس صدای‌چق، چق، چق، چقش گوش فلک راکر میکرد. خودمانیم، اگر یک راننده وارد در اینموقع پشت فرمان نشسته بود — هرچند که راننده وارد هیچوقت دلکو را تا این اندازه آدوانس نمیکرد — تازه اگر هم میکرد بمحض اینکه این صدا (صدای چق،چق چق چق را عرض میکنم) را میشنید ترمز میکرد وصاف میرفت سراغ دلکو و میزانش را برمیگرداند بجای اولش ولی حسین‌آقا به‌قدرتی خدا، نه‌آن معلومات را داشت و نه آن زرنگی و هوش و حواس را و با همان حال و همان‌وضع و همان دلکو را باآدوانس آنقدر رفت و رفت و رفت تا کمر احتراق سیلندرها و سوپاپها و بالاخره دستگاه گردش آب ورادیاتور را درآوردو در یک چشم بهمزدن بر اثر هدررفتن انرژی موتور آب رادیاتور غل وغل شروع کرد به جوشیدن و حالا بجوش وکی‌نجوش !سن باوجودی نه از شدت ناراحتی کارده میزدی خونم در نمیامد در نه دل از کارهای ناشیانه حسین آقا خنده‌ام گرفت وآن خنده وقتی بدلم چسبید که وقتی به‌دورواطراف خود نگاه کردم متوجه شدم که برای تهیه آب حسین آقا باید قبول زحمت فرموده وبرود به‌ته دره که با محل توقف ما حداقل ۵۰۰ مترسراشیبی داشت! حسن آقا را سطل بدست غلطان غلطان بطرف سرازیری‌دره داشته باشید... بشنوید ازمن که براثر این توقف کوتاه نفسی تازه کردم وبرای چند لحظه نفسی براحتی کشیدم و کم کم از جوش وبخارو کلافگی بیرون آمدم. حالا فرصتی پیش‌آمده بود که من به‌ریش حسین آقا بخندم ووقتی دیدم باآن سطل کندهٔ پرازآب سربالائی آن دره دیوارمانند را یک گام به‌پیش به‌گام به‌پس پلهنگ ودندان بالا میاید حس ترحم شدیدی نسبت به‌او بمن دست داد وتوی دلم گفتم مماکی، اینم از شانس توست که توی اینهمه آدمهای جور واجور گیر این راننده تازه کار افتادی! در اینوقت همش خداخدا میکردم که شاید راننده باتجربه‌ای پیدا بشه وبه‌حسین آقا بفهمونه که بابا ماشین «نو» را با این موتور نبایستی اینقدر زور آورد که دمبدم جوش بیاره، ماشین «نو» اگر آنطور که شایدو باید تندو تیز راه نمیره برای اینه که هنوز پیستوناش سفته، رینگ پیستوناش جفته، یاتاقان، میل لنگ، گیربکس، دیفرانسیال و بالاخره اکثر آلات وادوات گردنده‌اش هنوز آنطور که شاید وباید باهم دیگه آب‌بندی نشده وباصطلاح «روان» نشده وجای خودشو باز نکرده. کاش یکی پیدا میشد وبهش یادآوری میکرد که بابا، کامیون نو را حداقل تا دوهزارواگر درستش را بخواهید تا ۵هزار کیلومتر اول باید با ملاحظه ومدارا حرکت داد، چند فرسخ توقف کرد، خنکش کرد، آب وروغنش را نگاه کرد تا بقول راننده‌های قدیم «از کار دربیاد» نه اینکه مثل سورچی درشکه‌چی سابق، شلاق کش بجلو تاخت و باکامیونهای دیگر کورس گذاشت ومثل مسابقات اتوبیلرانی تا آنجائیکه گازخوردارد، گازداد ورست موتوررا وماشین را درآورد!

دردسرتان ندم، حسین‌آقا بهرجان کندنی بود آب را آورد ریخت توی رادیاتور ورفت پشت فرمان وشروع کرد به‌استارت زدن. ولی از شدت زیادی آدوانس مگر زور استارت مادر مرده میرسید که موتور را بچرخش درآورد؟ بافشار دادن استارت، موتور نم دور بطرف چرخش معمولی خود میگشت وبناگاه دو دور پس میزد وواورونه میشد وباتری درست مثل باتریهای کهنه واز کار افتاده حرکت مذبوحانه‌ای به‌استارت میداد وازشدت پس‌زدن موتورمتوقف می‌شد فکر میکنید حسین‌آقا فوری متوجه قضیه شد وآمد بسر وقت دلکو؟ خیر! ایشون بازهم مطابق معمول بنا کرد به‌لودگی ودهن کجی وبا عصبانیت لجوجانه‌ای بازهم

به اسارت فشار میآورد وباصدای بلند فریاد میزد:
ده راه بیفت دیگه، باز دیگه چه مرگته؟ نکنه این آب را قبول نداری ودلت میخواد که برم واسه‌ات از چشمه آب حیات آب بیارم !»
چند دقیقه ای اوضاع بهمین منوال گذشت وحسین آقا که از تکان نخوردن استارت بکلی گیج و کلافه شده بود بالاخره دست از لجاجت برداشت ولحظه‌ای بفکر فرو رفت وبناگاه از روی عقل، یا تصادف یکمرتبه از پشت فرمان پرید پائین و یکراست رفت بسراغ دلکو. فکر میکردم که حسین آقا دیگر برسر عقل آمده وقصد دارد میزان دلکو را بهمان جای اولش بازگرداند ولی برخلاف تصورات من، حسین آقا میزان دلکو را جابجا کرد اما بجای اینکه آنرا بحال اولش وبصورت اصلی اش درآورد بعکس بار قبلی چندین درجه «ریتارد» کرد وبراه افتاد. ناگفته معلوم است که دلکوی ریتارد، هنوز چند قدم نرفته آب موتور را بازهم بجوش آورد وعلیرغم منظور حسین آقا نه تنها کشش اتومبیلش را زیاد نکرد بلکه آنرا بکلی از حال ونفس انداخت. چه دردسرتان بدم، هرچند قدم به‌چند قدم موتور بجوش میآمد وحسین آقا آب میریخت وآنقدر باین وضع ادامه داد تاآب داخل سطل ته کشید وموتور درحالیکه ازجوش وبخار زمین وزمان را برسر خود میکوبید خاموش شد. حسین آقا آه ممتدی کشید وپس از لحظه‌ای خشک زدن، مثل برج زهرمار از پشت فرمان پائین آمد ومثل اطفال قهرولـ از غیظ چندتا لگد محکم به‌چرخ وقالپاق وگلگیرهای ماشین زد وپس ازنثار چندتا بدوبیراه رفت کنار دست جاده درسا به یک تپه دراز کشید ودست‌هایش را از پشت کله بهمدیگر قلاب کرد وشروع کرد به‌غرولند کردن. چند دقیقه‌ای بهمان حال گذشت وتا آنکه حوصله‌اش از اینکارهم سر رفت ویکبار دیگر سطل را برداشت وبطرف رودخانه ته دره براه افتاد !

ادامه دارد

چرا یخ لیزاست؟

چرا یخ سراست

انسان روی زمین صیقلی وصاف خیلی زودتر از زمین غیرصیقلی می‌سرد. با این حساب آیا یخ صاف نباید لیزتر از یخ ناصاف باشد ؟ ولی برخلاف انتظار سورتمه روی یخ ناصاف بهتر از روی یخ صاف حرکت میکند . اگر تصادفاً سورتمه‌ای را کشیده‌باشید بطور قطع به‌این نکته توجه کرده‌اید . پس چطور شده که یخ ناصاف لیزتر از یخ صاف است ؟ علت‌لیزبودن یخ،صافی آن نیست، بلکه آنست که نقطهٔ ذوب یخ با افزایش فشارپائین میاید.
باید دید وقتی با سورتمه یا اسکیت روی یخ حرکت میکنیم چه رخ میدهد ؟ با اسکیت تمام وزن بدن ما روی سطح کوچکی که در حدود چندمیلی‌متر مربع است تکیه میکند . دراین حالت یخ بازفشار زیادی بر یخ وارد میکند بااین فشارزیاد یخ دردمای پائین ذوب میشود. مثلا اگر درجه حرارت ۵ درجه زیر صفر باشد و فشار یخ باز، نقطهٔ ذوب یخ زیر اسکیت‌ها را تا ۶ الی ۷ درجه زیر صفر پایین برد درنتیجه یخ ذوب خواهدشد.
این امر سبب میشود که بین تیغه‌های کفش اسکیت‌و یخ قشر نازکی از آب به‌وجود آید . بنا براین شگفت نیست که یخ بار ،میسرد
[illegible] بیشتر بگویم میلغزد . همانطور که پیش میرود این حالت تکرار میشود . یخ در پوسته روی قشر [illegible] از آب میلغزد . البته تنها یخ است که این خاصیت را دارد . [illegible] سوروی یخ را [illegible] صیقلی باشند . اجسام دیگر صاف هستند ولی لیز نیستند.

انواع یخ

چرا یخ ناصاف لیزتر از یخ صاف است
اکنون میدانیم که یک وزن ثابت ولی روی سطح کوچکتری فشار [illegible] که یک سورتمه کوچک روی یخ صاف وارد میکند بیشتر است، زیرا دراین حالت فقط چند برآمدگی یخ وزن آن را تحمل میکند.
هرچه فشار وارده بیشتر باشد یخ زودتر ذوب میشود . بشرط اینکه سطح تماس این سورتمه بقدر کافی پهن باشد . این نکته درمورد تیغه های نازك اسکیت صحیح نیست زیرا انرژی حرکتی صرف کندن برآمدگی ها می‌شود .
این خاصیت یخ که براثر ازدیاد فشار، نقطهٔ ذوب‌آن پائین میاید، چیزهای بسیار دیگری را که ما در اطراف خود میبینیم توضیح میدهد . به‌همین دلیل است [illegible] ولی قطعات یخ محکم به‌هم فشرده شوند یک‌پارچه می‌شوند . بچه هائی که گلوله برف بازی میکنند بدون اینکه بدانند ازاین خاصیت استفاده می کنند . قطعات ریز برف به‌این علت به‌هم میچسبند که فشار وارد برآنها برای ساختن گلوله برف نقطهٔ ذوب را پایین میاورد . هنگامی که آدم برفی میسازیم باز از همین خاصیت استفاده میکنیم . تصور میکنم اکنون‌بتوانید حدس بزنید که چرا درسرمای شدید نمیتوانیم آدم‌برفی یا گلوله برف‌های خوبی درست کنیم . برف خیابان در اثر فشارپای عابرین به تدریج تبدیل به یک تکه یخ یکپارچه می‌شود.

چگونه نقطهٔ ذوب یخ را کم می کنند

بطوریکه حساب کرده‌اند از نظر علمی برای اینکه نقطهٔ ذوب یخ را یک درجه پایین بیاورید باید فشار نسبتاً زیادی برابر ۱۳۰ کیلوگرم برسانتی‌متر مربع برآن وارد کنند . دراینجا بایستی به‌این نکته توجه کنیم که یخ و آب به هنگام‌ذوب،هم‌فشار نیستند . درمثال بالا فقط یخ تحت فشار زیاد قرار داشت . فشار آبی که ازذوب یخ بدست آمده بود همان فشار جو بود و در نتیجه‌تاثیر فشار روی یخ نقطه ذوب‌آن خیلی زیادترمیشد.

خودساخته ها

چگونه یک کارگر مزدور توانست زندگانی میلیون ها برده را نجات بدهد؟

پسر هیزم شکن در کاخ ریاسـ

پسرك بیش از ده سال نداشت. رنگ پریده و لاغر و اندوهگین بود و هر روز به هنگـــام غروب آفتاب، روی گور مادرش که در کنـار آن مزرعه دور افتاده و تنها کنده شده بود، گریه میکرد و بسیار از شبها آنچنان از یاد مادر از دست رفته غمناك میشد که بی اعتنا به خواهر نوجوان و پدر پیرش، برای خوردن شام وارد کلبه نمیشد و ترجیح میداد تمام شب را چون روحی سرگردان در اطراف گور ساده مادر و کلبه چوبی‌ای که مکان زندگی آنها بود، به گردش بپردازد و راجع به کلماتی که در کتاب مقدس خوانده بـــود فکر کند. او و خانواده کوچکش سه سال قبل به آن منطقه مرزی آمده بودند و کوچ کرده بودند و بیش از چند ماهی از مرگ در خانواده «نانسی لینکلن» نمیگذشت و فقدان او، بخصوص برای «ابراهام کوچك»، که با همه کوچکی هر روز با تبر چوبهای جنگلی‌را میشکست و بـــه کار در مزرعه میپرداخت، بسیار دردناك بود. چون مادر، تنها فرد آن خانواده بود که زبان او را می فهمید و خواندن‌را نیز با کتاب مقدس به او آموخته بود و شاید اگر «آبراهام کوچك» با آن دقت کتاب مقدس‌را نخوانده و به خداوند بزرگ ایمان نیاورده بود، هرگز نمیتوانســـت فاجعه مرگ مادر را تحمل کند. به هر حال، پیوسته بعد از مطالعه، اندیشه بشری از خـواب بیدار میشود آنچنان که روز و شب پسرك نیز در استفهام میگذشت و چون در اطراف کسی نبود تا به پرسش های او جواب بگوید، باز به مطالعه روی می آورد و بعد از خواندن کتاب معـــروف «رابینسون کروزئه» بود که میل به سیاحت در اطراف دنیا در ذهن او بیدار شد و دورنمـــای تازه‌ای از زندگی در برابرش نمایان گشت.

چند ماه بعد وقتی «توماس لینکلن» مرد لاابالی که از تنهایی به تنگ آمده بود با بیوه‌زن مهربانی که صاحب چند بچه قد و نیم قد بود ازدواج کرد و آنها را به کلبه خود راه داد، بار هم در زندگی ابراهام تغییر دیگری به وجود آمد.

بچه ها به زودی با هم جوش خوردند و بی نامادری و فرزندان شوهر نیز محبت و صمیمیت زیادی به وجود آمد و به این ترتیب «ابراهام کوچك» کمبود مادر را در کنار نامادری مهربان خود از یاد برد. بخصوص که آن زن به مطالعه علاقه فراوانی داشت و از آنچه خوانده بود، داستانهای زیادی بازگو میکرد. «ابراهام

جمهوری

را سوس به مطالعه میکرد و پیوسته به اوخاطر نسان میساخت که دور از آن کلبه چوبـــی و مزرعه کوچک، دنیای وسیعی وجود دارد که هر انسانی باید هم آن‌را بشناسد و هم به آن علاقمند باشد. نفوذ معنوی این زن در پسرك آنچنان زیاد بود که سال‌ها بعد هنگامی که از قالب «ابراهام لینکلن» بر میلیون‌ها نفـــر آمریکائی فرمان‌روائی میکرد، در یکی از نطق های خود گفت من نیمی از موفقیت امروز خودرا مرهون تربیت مادر و نیمی دیگر از آن‌را مرهون مهربانی های نامادری روشنفکرم هستم.

میگویند در آن زمان «سارا» نامادری آبراهام» یک نسخه از کتاب زندگی جورج‌ـ واشنگتن» را برای مطالعه به او داد و خواست آن کتاب‌را با دقت زیادی مطالعه کند. و بدون شک «آبراهام» نیز دستور نامادری خودرا به کار بست و خواندن آن کتاب نیز در او اثـــر فراوانی گذاشت، زیرا چند روز بعد، به یکی از بچه های مزرعه مجاور گفت: «میدانـــی خیال دارم در آینده چـــه کـــاره بشوم.... آه‌من بالاخره یک روز رئیس جمهوری امریکا خواهم شد.» در آن زمان «آبرهام» سه‌ماه برای تحصیل به مدرسه میرفت و سه ماه را با کار در مزرعه، به هیزم شکنی و چوب بری میگذراند و مزدی را که میگرفت طوری خرج میکرد که برای سه ماه تحصیل دیگر که در پیش داشت پس اندازی داشته باشد. او روزها را یا به تحصیل و یا به مزدوری میگذراند، اما تمامی شبهای خود را صرف مطالعه میکرد و هنوز پای به جوانی نگذاشته بود که کتاب های فلسفی سقراط وافلاطون و تاریخ پلوتارك را به پایان رساند و در زندگی مردان بزرگ دنیا به غورو تفحص میپرداخت و ازمیان بزرگان دنیا بیش از همه به «جورج واشینگتن» و «فرانکلین»، ناجیان وطن خودش، امریکا علاقه داشت و در بلند اندیشی های خود انسان کامل را در قالب آنان بازمی یافت.

ولی که فقط هیجده سال داشت کار در مزرعه وجنگل را رهاکرد و به شهر رفت. و در یکی از فروشگاه‌ها به شغل فروشندگی مشغول شد. او جوانی راست گو، درست کار و صدیق بود. به همین دلیل هم به زودی شهرت او در شهر پیچید و محبوبیتی برایش به بارآورد و نتیجه این محبوبیت کار برای یکی از تجارشهر در طریق رودخانه «می‌سی‌سی‌پی» به نیواورلئان بود و

در این زمان بود که چشمان آبراهام جوان به روی حقایق تلخ زندگانی باز شد و مخصوصاً مسئله نژادی و بردگی که از خصوصیات آن زمان بود... در جستجوی فروش... همان زمان بود که برای او فکر اصلاح در زندگی انسانی بکر و تازه‌ای افتاد. اگر چه ... طول کشید... فکر در ذهن او به مرحله عمل درآمد.

دو سال بعد «ابراهام لینکلن» به اتفاق خانواده از «انديانا» به ایالت «ایلی‌نویس» کوچ کردند و او مجبور شد یک بار دیگر با تن دردادن به مزدوری برای همسایه‌ها، معاش خود را تحصیل کند. در آن زمان او به هر کاری تن در میداد و عنوان ... عوامی بود که دارای صداقت و درستکاری خود از مردم اطراف گرفته بود. اما این وضع زیاد به طول نیانجامید و سرانجام یکی از تجار شهر که تحت تأثیر سجایای اخلاقی اوقرار گرفته بود، «آبراهام» را به سمت سرپرست فروشگاهی که در شهر داشت انتخاب کرد، اما این سعادت نیز عمر کوتاهی داشت و بعد از ورشکستگی ناگهانی صاحب فروشگاه، یک بار دیگر آبراهام بی کار و بی پول شد. و درست در این هنگام بود که یکی از جنگهای محلی در گرفت و جوانان زیادی داوطلبانه به جنگ رفتند که یکی از آنها ابراهام لینکلن بود. آبراهام در این جنگها لیاقت زیادی نشان داد تا به جایی که به فرماندهی گردان خود انتخاب شد و در این امر نیز آن چنان هوش و لیاقت و کاربردی از او دیده شد که فرمانده جنگ به او پیشنهاد کرد خود را کاندیدای نمایندگی ایالت بکند و گفت اگر بتوانی با ایراد حسن نطق خود را به مردم نشان بدهی موفقیت حتمی خواهد بود.

آبراهام لینکلن در آن زمان ... ساله بود و باوجود شکست در انتخابات، به خاطر آراء فراوانی که به دست آورده بود اعتماد به نفسش از سابق بیشتر شده بود و دیگر به آینده امیدفراوانی داشت. او بعد از شکست در انتخابات، بادوشیزه زیبائی بنام «آن‌راتلج» که با جوان دیگری نامزد بود آشنا شد و این آشنایی در قلب جوان «ابراهام» به زودی تبدیل به عشق شد اگرچه عشق یک طرفه بسیار ناامید و بی سرانجام به نظر میرسید. نطق های انتخاباتی «آبراهام» درهای دنیای دیگری را به روی او گشوده بود و آن دنیای وکالت بود واو در آن زمان که در آتش آن عشق نافرجام میسوخت، روز و شب خود را به مطالعه کتابهای قانون میگذراند و به زودی نیز باعنوان معاونت در دفتر یک وکیل بکار پرداخت. و این، درست مقارن با زمانی بود که معشوق او «آن‌راتلج» نیز نامزدی خود را با نامزد خود لغو کرد و به «آبراهام» روی‌آورد و به عقدوازدواج اودرآمد. این ازدواج، ازدواجی نیک‌بختانه بود. اگرچه با فقرو بی‌پولی همراه بود، اما به زودی، یعنی پس از گذشت یک سال، آبراهام که دوران کارگری را پشت سر گذاشته و وارد مرحله دیگری از عمر خود شده بود، کار وکالت را بطور رسمی شروع کرد و این آغاز موفقیتی بس بزرگ بود، گرچه به زودی بیماری مرموزی در همسرش بروز کرد وپس از مدت کوتاهی، آن زن‌جوان ومهربان را بـــه گورستان برد. مرگ «آن‌راتلج» ضربه بسیار شدیدی به آبراهام لینکلن وارد آورد، بطـــوری که یک سال تمام اورا فلج کرد. اما ازآنجا کـــه زندگان باید به زندگی بپردازند، اوبرای فراموشی به امور سیاسی روی آورد، و یک سال بعـد، توانست دارالوکاله مستقلی باز کند. اما هنوز هم ازمال دنیا چیزی نداشت و چون نمی‌توانست کرایه دوکان را پرداخت کند، ازدارالوکاله به جای اتاق خواب هم استفاده میکرد.

آبراهام لینکلن» کم کم شهرتی بدست می‌آورد و درنزد مردم به عنوان یک وکیل شرافتمند ارزش و اهمیتی داشت. به‌همین دلیل هم سرانجام به‌سال ۱۸۴۶ از طرف اکثریت مردم به مجلس فرستاده شد. اویکی از شجاع‌ـ ترین وکلای مجلس بود، وبه خاطر مبارزات او قانون برده‌فروشی در کالیفرنیا لغوشد و کالیفرنیا بصورت یک ایالت‌مستقل درآمد.

سرانجام در دومین‌مجمع حزب جدیــــد جمهوری خواهان، لینکلن در حدود یک‌صد رای برای معاونت ریاست جمهوری بدست آورد. وچهار سال بعد، سرانجام پس از مبارزات طولانی به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد.

در آن زمان خزانه آمریکا از پول خالی بود. و شمالی‌ها وجنوبی‌ها بصورت دو دشمن برای مبارزه روبروی هم ایستاده بودند و اگرچه ابراهام لینکلن» باجنگ و خونریزی وبـــه خصوص برادر کشی، صد در صد مخالف بود، ولی سرانجام جنگ آغاز شد و دربهشت سرزمین جمهوری کسانی می‌جنگیدند که او را بعنوان یک انسان کامل، یک مصلح اخلاقی، می‌ـ شناختند و دشمنانش او را به ملایمت ومهربانی زیاد متهم میکردند... و حق هم داشتند، چون لینکلن به هر انسانی به چشم یک جاندار نگاه میکرد واز ریختن خون انسانها بشدت نفرت داشت. او در گیرودار جنگ‌های خانمان‌سوز داخلی، بزرگ‌ترین رسالت تاریخی خود را انجام داد ودرحالیکه اعلامیه آزادی چهار میلیون برده را امضاء میکرد، طی‌نطقی گفت: «سرانجام پیمانی را که با خدا بسته بودم، بـــه جای‌آوردم وبردگان را نجات‌دادم......»

واین عمل او درواقع بزرگترین حادثه قرن نوزدهم وانسانی‌ترین عمل تاریخ بحساب می‌آمد، بااینهمه جنگ باز همچنان ادامه داشت اما درهنگامی که لینکلن بـــرای بار دوم بـــه ریاست جمهوری انتخاب میشد، در نطق رسمی خود از مردم تقاضای پایان جنگ را کرد. او در آن زمان در کنار «ماری‌تاد» همسر دومش که به‌مهربانی ووفاداری معروف بود، ایستاده بودو به نام کلیه زن های آمریکا که شامل مادران، همسران و دختران میشدند، از مردم تقاضای صلح را میکرد. اگرچه فقط پس از پنج روز از پایان جنگ، هنگامی که در لژتماشاخانه‌ای به اتفاق همسرش نمایش نامه‌ای را میدید، به ضرب‌گلوله یکی از طرفداران جنگ از پای در‌ـ آمد و درواقع قربانی نیات انسانی خود شد، اما تاریخ اورا به نام موجد آزادی میشناسد وبرنام پسرک هیزم‌شکنی که به کاخ سفید راه‌یافت و آزادی بخش میلیونها برده شد، ارجی‌فراوان میگذارد.

پایان

«تب مالت» یک بیماری بهاری است

تب مالت » آن طور که اغلب مردم فکرمیکنند یک بیماری جدید و از راه رسیده نیست بلکه مرضی است که قبلا نیز در کشور ما وجود داشته و در فصل بهار شدت بیشتری می یابد.

* راه سرایت

این بیماری توسط شیر ، کره و پنیر و یا سرشیر آلوده سرایت می کنند بدین معنی که این بیماری ویژه حیوانات اهلی است و گاوها و گوسفندان بدان مبتلا می‌شوند و چون میکرب از راه شیر آنها دفع میشود ممکن است انسان با مصرف این شیر آلوده و نجوشیده گرفتار بیماری شود بنابراین اگر شیر خوب جوشیده و مصرف شود عاری از میکرب خواهد بود و مصرف آن ضرری ندارد چون مردم کشورما معمولا عادت دارند شیر را جوشیده مصرف کنند این راه سرایت در کشور ما تقریباً مسدود است ولی چون در تهیه پنیر معمولا شیر را نجوشیده مصرف میشود مصرف پنیر خطر بیشتری برای سرایت دارد . احتمال سرایت بیماری از شخص بیمار به اطرافیان بسیار فراوان است چرا که شخص مبتلا میکرب بیماری را از راه دهان ، ادرار ، مدفوع و عرق بدن دفع می کند . و آلودگی اثاث منزل با این گونه مواد باعث انتشار و سرایت بیماری به سایر افراد خانواده نیز میشود .

* نشانه های بیماری

علائم اولیه بیماری تقریبا شبیه یک تب و لرز معمولی و یا مالاریا است که در کشورما همه آن را می‌شناسند . در روزهای اول ، بیمار تب اندکی دارد که با لرزهای بسیار کوچک و عرق فراوان و درد استخوانها توأم است و در این روزها است که بیماری با روماتیسم اشتباه میشود ولی به تدریج دردهای استخوانی شدیدتر میشود و تب و عرق مرتباً ادامه می یابد و بیمار روز به روز لاغرتر و ضعیف‌تر می‌شود. آنچه که حائز اهمیت بسیاری است اینکه بیمار با این همه تب و درد ، حالت عمومی بدش خوبست و از ناراحتی و عوارض بیماری خیلی در زحمت نیست و این خود بزرگترین علامت نشانه تشخیص است.

دوران بیماری چند روز بطول می کشد و پس از آن یا با درمان یا خود بخود بهبود می‌یابد و ۷ الی ۱۰ روز دیگر دوباره عود می کند و علائم اولیه آن ظاهر می‌شود .

کودکان معمولا تا یکسالگی از ابتلا به این بیماری مصونیت‌دارند یعنی بوسیله مادر خاصیت دفاعی مخصوص در خون آنها وجود دارد که از ابتلا در امان می‌مانند ولی زمانی که این خاصیت بتدریج از بین میرود با تماس مخصوص و یا آشامیدن شیر آلوده و نجوشیده یا بالاخره پنیرآلوده ممکن است گرفتار شوند .

* چگونه بیماری را درمان کنیم

نخستین دستور که باید برای درمان بیماری اجرا شود بستری کردن بیمار و تقویت قوای عمومی اوست و پس از آن مصرف داروهای ضدمیکربی مخصوص این بیماری است که طبق دستور پزشک تجویز می‌شود .

نکته مهمی که پرستاران در منزل باید برای جلوگیری از انتشار بیماری در نظر بگیرند جدا کردن اثاثیه و لوازم زندگی بیمار مبتلا است زیرا دستمال و اثاثیه ، قاشق ، چنگال و بالاخره کلیه وسائل کودک بیمار همیشه آلوده است و ممکن است سبب سرایت بیماری شود و ادرار و سایر ترشحات بیمار مبتلا را نیز باید آلوده دانست و از تماس با آن دوری کرد .

از دیرباز به‌ارزش غذائی کاهوپی‌برده‌اند وهمراه باچاشنی های مختلف برای تغذیه روزانه از آن استفاده‌می کنند کاهو را میتوان‌در تمام مدت سال دراغلب نقاط ایران پیدا کردولی فصل بهار فصل فراوانی‌و ارزانی کاهو استو باید حداکثر استفاده را از آن کرد. کاهو که تقریباً در دسته سبزیهای مرغوب جای دارد از لحاظ داشتن‌ویتامین ها بسیار سرشار استو درآن مقدار زیاد ویتامین (آ. ب.ث‌و د) وجود دارد. هضم کاهو درمعده باسانی صورت‌میگیرد و بعلت‌نداشتن‌مواد چربی درآن‌و نیزبالابودن مقدار آب در ترکیبات کاهوپس از مصرف ، حرارت ایجاد نمی کندو از اینرو آنرا میتوان در رژیم روزانه افرادی که‌مایلند از وزنشان بکاهندو لاغر شوند ، جای داد البته بشرطی که روغن‌زیتون به‌سالاد اضافه نکنند.

معمولا کاهو را بصورت سالاد مصرف می کنندو میتوان ادعا کرد که‌سالاد کاهو مفیدترین سالادهای‌سبزی‌است.

برای تهیه سالاد کاهومعمولا برگهای خیلی سبزآنرا دورمیریزند در صورتیکه همان برگها حاوی مقدار زیادی کلروفیل‌است که وجودش برای بدن لازم است‌ومخصوصاًویتامین (آ — د) دربرگهای سبز کاهو بیشتر ازبرگهای داخل‌آن موجوداستوویتامین (ث) درکلیه انواع برگها بطور یکنواخت‌وجود دارد. برگهای سبزو بزرگ کاهوهرچند کلروفیل بیشتردارند ولی از حیث مواد ازته (یا پروتئین ها که‌عامل رشدند) فقیرند. برگهای وسط مقدار زیادمواد ازته دارند‌که در هیچیک از سبزیهای دیگر باین وفور‌موجود نیست.

کاهو حاوی مقدار زیادی املاح‌مختلف استو بخصوص پتاسیم به‌حدوفور درآن‌وجود دارد که در برگهای سبزآن بیشتر استولی این برگها کلسیم کمتر دارندو بنابراین اگربخواهیم در رژیم روزانه کودک مقدار زیادبرگ سبز کاهو بعنوان موادآهکی بوی بخورانیم (این مواد در رشد استخوان کودکان مؤثرند)سود زیادی نخواهیم برد. چراکه کودکان‌به کلسیم نیاز فراوان دارند. برعکس دراشخاص مسن که احتیاج به‌مواد آهکی‌ندارند (زیرا رشداستخوان تقریباً پس از ۲۵ سالگی‌متوقف می‌شود) مصرف برگهای‌سبز بعلت‌فراوانی املاح پتاسیم نه‌تنها بدفع سموم بدن کمکشی کنند بلکه از ایجاد سنگ‌های کلیوی نیز جلوگیری می کنند.

کاهو را میتوان از لحاظ مواد ازته سرشارترین سبزی بشمار آورد مخصوصاً این سبزی حاوی مواد پروتینی مخصوصی بنام لیزین است و مقدار آن برابر مقدار لیزینی است که در تخم‌مرغ معمولی وجود دارد و بخوبی میدانیم که تخم‌مرغ بخاطر وجود همین پروتئینها جزء با ارزش‌ترین غذا بحساب می‌آید . مزیت بزرگی که مصرف کاهو دارد اینست که برگهای کاهو بویژه نوع سبز آن مقدار زیادی کلروفیل دارند که در روده انسان بهیچوجه هضم نمی‌شوند ولی برای ایجاد حرکات دودی شکل روده و جذب بعضی از میکربهای اضافی روده و دفع آن لازمند

* سالاد کاهو را چگونه درست کنیم ؟

دردرست کردن‌سالاد کاهومعمولا کاهورا خوب خرد می کنند و با سرکه — آب‌لیمو و زیتون و بعضی مواد دیگر بصورت سالاد سر سفره می‌گذارند باید در نظر گرفت که بهتر است سالاد کاهو را بدون روغن زیتون مصرف کرد تا همانطور که اشاره شد املاح پتاسیم موجود در کاهو سبب دفع املاح نمکی بدن شوند و سلامت بدن را تامین کنند و بدیهی است که سالاد را باید بطور خام مصرف کرد در غیر اینصورت کاهوی پخته بسیاری ازمزایای خود را ازدست خواهد داد.

بخوبی میتوان ادعا کرد که غیر از بیماران مبتلا به شکم روش و اسهال یا کسانی که از درد روده رنج می‌برند تمام افراد حتی بیماران مختلف در هر سن بشرطی که قدرت جویدن آنرا داشته باشند میتوانند از این گیاه پر سود استفاده کنند

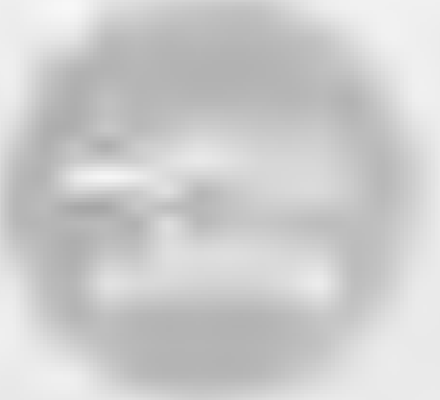

رویش دندان‌عقل درسنین ۱۶ الی ۲۲ سالگی است

از نتیجه تحقیقاتی که دانشمندان برروی دندانهای سنگواره‌های انسانی انجام داده‌اند چنین برمیآید که از تعداد دندانها به‌مرور زمان کاسته شده است و بعبارت دیگر تعداد دندانها در انسانهای اعصار گذشته بیش از تعداد کنونی‌که ۳۲ عدد است بوده‌است.

این سیر تکاملی کاهش دندان هنوز ادامه دارد شامل دندانهای عقل نیز می‌شود. تعداد دندان‌های عقل ۴ عدد است که در انتهای هرقوس دندانی قراردارد .

درمسیر این تکامل ممکن است تغییراتی دیده شود بطوریکه ناهنجاریهای دندان عقل و یا نبودن جوانه آن در نسل کنونی هنوزهم کم‌نیست.

این ناهنجاریها ممکن است در فرم تاج و یا ریشه اثر گذاشته باشند و یا در طرز قرار گرفتن دندان در داخل استخوان اختلالاتی ایجاد کرده باشد.

چنین ناهماهنگی در رویش دندان و یا بیرون آوردن دندان در صورت لزوم

آیا میدانید انسان های اعصار گذشته بیش از ما دندان داشته اند؟

دشواریهائی بوجود میآورد و نیز ممکن است این امر سبب بهم ریختن دندانهای دیگر شود امروز لزوم دندان عقل در قوس دندانها با شک و تردید روبرو است. بطوریکه گاهی با کمترین پوسیدگی بیرون آوردن آنرا توصیه می کنند. ولی عده‌ای به‌سبب دشواریهائی که در مورد بیرون آوردن آن وجود دارد لزوم نگهداری آنرا پیشنهاد می کنند.

رویش دندان عقل معمولا در سن ۱۶ الی ۲۲ سالگی صورت می‌گیرد اگر پس از این زمان دندانهای عقل رویش نیابند باید علت این امر را جستجو کرد. ممکن است دندان عقل بعلت انحراف شدید ریشه دندان قادر به رویش نباشد و یا به‌سبب عدم تکامل کافی جوانهٔ دندانی، دندان نتواند نمو کند.

ازطریق رادیوگرافی دندان (عکسبرداری، میتوان از وضع دندان پنهان در فک آگاه شد گاهی ضمن عکس برداری متوجه می‌شویم که اصولا «جوانه دندان عقل» تشکیل نشده است.

ولی اگر دندان بصورت پنهانی در استخوان فک قرار داشت باید حتماً دندان نهفته را بیرون آورد. نهفتگی دندان ممکن است باعث بروز عفونت در استخوان فک بشود. اگر این عفونت ادامه یابد ممکن است عوارض خطرناکی راسبب شود.

عده‌ای معتقدند که وجود دندان عقل در زیبائی صورت تاثیر بسزائی دارد.

در مورد کودکانی که قوس فکی آنها نسبت به‌اندازه دندانها کوچکتر است. لازم است دندانهای عقل قبل از رویش از طریق جراحی بیرون آورده شوند تا از کمبود جا برای رویش دندانهای دیگرجلوگیری بعمل آید.

ازدستمزد روزی ۴۸ ریال شروع کردم، وحالا روزی ۱۶۰۰ ریال میگیرم...
اگر درجائی زندگی میکردم که امکان پیشرفت وجود نداشت، آیامیتوانستم مثل امروز موفق باشم؟!

همراه با آقای حیدری نماینده رستاخیز در رشت به ساغریسازان یکی از محلات رشت میرویم تا گفتگوئی با صادق زمانی کارگر و خانواده‌اش داشته باشیم. وقتی به خانه مورد نظر می‌رسیم، می‌بینیم که پدر و مادر و بچه‌ها لباس پوشیده و آماده در انتظار ما هستند. بچه‌ها به دلیل سن کمشان کنجکاوی دارند تا از کار و بار میهمانهای جدید سر دربیاورند و ساعتی می‌گذرد تا با ما اخت میشوند و شیرین زبانی می‌کنند. با خانواده صادق زمانی از هر دری حرف می‌زنیم، که شما در اینجا می‌خوانید...

آغاز فعالیت کارگری

اولین سؤال بدینگونه که از ابتداء به چه کاری پرداخته است، مطرح میشود: آقای صادق زمانی در پاسخ می‌گوید: «من در اصفهان متولد شدم و روزهای بچگی را با کنجکاوی کردن در باره آثار تاریخی سپری کردم. شاید این کمی دور از ذهن باشد که من از پنج شش سالگی ساعتها در مقابل مساجد، بازارچه‌ها، عالی‌قاپو، می‌ایستادم و به افکاری دور و دراز کشانده میشدم. بعضی اوقات در راه‌بازگشت از مدرسه، چنان با اشتیاق محو این آثار میشدم که هوا تاریک میشد و وقتی به خانه می‌رسیدم، کتک مفصلی می‌خوردم، چون اهالی خانه را نگران کرده بودم. آن روزهای شاد گذشت و به تهران آمدیم و من همچنان به تحصیل مشغول بودم و خودم را در هیاهوی پایتخت گم می‌دیدم......

و باز هم همان ماجرای تکراری عدم توانائی مالی که معمولا به این می‌انجامید که بچه‌های خانواده دست از تحصیل بکشند و به کار بپردازند، برای منهم اتفاق افتاده راستش برای من که شوق آموختن داشتم، مواجه شدن با چنین مسئله‌ای بسیار غم‌انگیز بود، ولی چه می‌توانستم بکنم؟! بالاخره بعد از یک ماهی غصه خوردن، دریافتم که می‌بایست کار کنم، این بود که در چیت‌سازی ری کارآموزی بافندگی را شروع کردم. آن روزها حقوق روزانه‌ام چهل و هشت ریال بود ولی می‌بینید که بالاخره توانستم آن را تا بیش از چهار هزار تومان در ماه افزایش دهم.

مالک و یا مستأجر؟

حرف از اینکه اجاره‌نشین هستند یا مالک پیش می‌آید. آقای صادق زمانی می‌گوید: خانه‌ای که ملاحظه می‌کنید، داستان جالبی دارد. روزی که من می‌خواستم این خانه را اجاره کنم صاحب خانه به‌هر ترتیب‌بسه کرایه‌ای معادل یکهزار و پانصد تومان در ماه راضیم کرد، ولی بعد از گوشه و کنار شنیده که مستأجر قبلی ششصد و پنجاه تومان اجاره بها می‌پرداخته. این بود که با زرنگی خودم و کمک گرفتن از قانون میزان اجاره‌بها را به همان مقدار قبلی تبدیل کردم. من و زنم پروانه خیلی در فکر هستیم که خانه‌ای بخریم وانشاءالله با لطف خدا به این آرزو می‌رسیم.

چند اولاد دارید؟

اولادان خانم پروانه و صادق زمانی، دو پسر و دو دختر کوچک هستند که به نظر می‌آید فاصله سنی چندانی با یکدیگر ندارند. این است که سؤال دیگر خود را در باره تنظیم خانواده و اینکه چند اولاد برای یک خانواده کافیست مطرح می‌کنم. خانم پروانه زمانی با خنده می‌گوید: «اگر صادق اجازه دهد به این سؤال من که زن خانه هستم، جواب می‌گویم:

اولا خیلی ممنونم که مجله رستاخیز کارگران این بار خبرنگار خود را به خانه ما فرستاده است، و ضمناً این نشان می‌دهد که تنها خانواده‌های کارگری و مسائل کارگران را که چاپ می‌کند شامل حال کارگران مقیم تهران نیست تا آنجا که گزارشگرانشان را به تمام نقاط کشور می‌فرستند و در نتیجه وقتی کارگر ایرانی در هر گوشه‌ای از مملکت نشریه مستقل خودش را ورق می‌زند، احساس غرور می‌کند.

از خانم پروانه زمانی تشکر می‌کنم و سپس نظرش را در باره مسئله تنظیم خانواده جویا می‌شوم، می‌گوید: «ما می‌خواستیم دو اولاد داشته باشیم، ولی حالا دو برابر داریم وانشاءالله ما بتوانیم این چهار فرزند را خوشبخت کنیم، برای ما کافیست، درحالیکه درواقع خانواده‌یی مثل ما نباید بیش از دو فرزند داشته باشند.

از خانم زمانی، در باره نحوه تربیت بچه‌ها می‌پرسم، پروانه زمانی می‌گوید: «از ابتدا من و پدرشان رفتار دوستانه‌ای با آنها در پیش گرفته‌ایم. آرزو می‌کنم که درس بخوانند و به موفقیتهای مهمی دست یابند تا زحمات من و پدرشان بیهوده نماند. دوست دارم یکی از پسرهایم مهندس و دیگری دکتر شود.

در اینجا آقای صادق زمانی صحبت می‌کند و می‌گوید: «من دوست دارم همانطور که خودم و زنم علاقه داریم برای تفریح و آشنائی با کشورهای دیگر راهی سفر به خارج شویم، بچه‌هایم نیز در تحصیلات عالیشان با خارج از کشور و آخرین پدیده‌های علمی آشنا شوند، گرچه تا آن زمان به احتمال زیاد کشور ما خود جزو بزرگترین و مترقی‌ترین کشورهای جهان خواهد بود زیرا در این زمان می‌بینیم که کشورمان تحت رهبری‌های خردمندانه شاهنشاه آریامهر هر غیرممکنی را ممکن ساخته چه رسد به امکانات و پیشرفت‌های تحصیلی.» گفتگو به جای شیرینی رسیده است. این است که دلم نمی‌آید از آن بگذرم. به آقای زمانی میگویم: اولا همانطور که اشاره کردید، بچه‌ها روزگار درازی برای رسیدن به تحصیلات عالیه در پیش دارند. دوم این که هرگز گول تبلیغات بی پایه و اساس خارج را نخورید و فکر نکنید سعادت بچه‌ها به این شرط تأمین میشود که ترك وطن کنند و در دیار فرنگ سوادآموزی کنند، چه بسیاری از باصطلاح دانشجویان ایرانی در خارج به خیابان گردی، تنبلی، کاهلی، و دهها مسائلی که آنها را بنابودی میکشاند مشغول هستند، و حرفم را با این جمله که «بعدا در غرب خبری نیست» تمام میکنم.

اختلافات زناشوئی

به آقای صادق زمانی میگویم: درباره اختلافات خانوادگی و راه‌های حل آن چه میگوئید؟

جواب میدهد: یازده سال است که من و پروانه پیوند بسته‌ایم و در این مدت نمیتوانم بگویم اختلافی بین ما بروز نکرده و کلمه «چرا»های بزرگی را در زندگی ما نداشته است، ولی همیشه با گذشت، هر مشکلی که داشته‌ایم برطرف شده است. اصولا این چراهای بیهوده از شیرینی زندگی تا حدود زیادی میکاهد و من همیشه این مسئله را به پروانه یادآوری میکنم که از مشکلی به اهمیت یك کاه ممکنست کوهی بوجود آید، اینست که باید کوشش کرد همیشه تفاهم برقرار باشد و لجاجت جای آنرا نگیرد. بطور کلی باید تأکید کنم که دست یافتن به خوشبختی به گذشت، محبت و اطمینان بستگی دارد.

تفریح خانواده....

حرف از تفریحات خانواده صادق زمانی بمیان می‌آید. پروانه خانم میگوید: «تفریح مردمی که در رشت زندگی میکنند، عموماً خارج از شهر رفتن و تلویزیون تماشا کردن است، ولی ما بیشتر اوقات بیکاری خود را در خانه میگذرانیم و باستراحت میپردازیم. از برنامه‌های تلویزیون به فیلم‌های سینمائی و سریالهای ایرانی علاقه داریم. بچه‌ها هم دوستدار برنامه کودك و خصوصاً کارتون هستند.

آرزوها...

وقتی از آقای صادق زمانی میپرسم که چه آرزوهائی دارید، جواب میدهد: «ترقی روزافزون ایران عزیز تحت رهبری‌های خردمندانه شاهنشاه آریامهر بزرگترین آرزوی من است، آرزو می‌کنم فرزندانم به تحصیلات عالیه برسند.

اصول چهارم و سیزدهم انقلاب شاه و ملت نور واقعی به زندگی ما کارگران بخشید

ازمشکلی

حرف درباره کارگر دیروز و امروز

میگوییم: حرفی درباره کارگر دیروز و امروز ندارید؟ » زمانی میگوید: «این مسلم است که اختلاف کارگر دیروز و امروز از زمین تا آسمان است. من خودم از صفر شروع کردم. شاید باور کردنی نباشد که مزد روزانه چهل و هشت ریال من به صد و شصت تومان افزایش پیدا کرده است!

خوب، این ترقی سریع درست است که با پشتکار نصیب من شده، ولی اگر در جائی زندگی میکردم که امکانات ترقی وجود نداشت، آیا میتوانستم مثل امروز موفق باشم؟!

این امکانات را چه کسی جز رهبر خردمند ما شاهنشاه آریامهر برای تمام ایرانیان، خاصه طبقه کارگر بوجود آورده؟ راه رسیدن از صفر به بست را چه کسی جز شاهنشاه برای ما هموار کرده؟ این است که همه ما شب و روز دست دعا به آسمان داریم که همچنان در زیر سایه پدر تاجدارمان باشیم.

سهیم شدن در سود و سهام

درباره اصل سهیم شدن در سود ویژه و اصل گسترش مالکیت صنعتی میپرسیم، آقای زمانی میگوید: درباره این دو اصل اگر بگوییم نور واقعی به زندگی ما کارگران داد و جان بما بخشید، اغراق نگفته‌ام، چراکه زندگی ما را دگرگون کرد و از سوی دیگر موجب اطمینان خاطر و آسودگی خیال ما نسبت به آینده شد. اصل سهیم شدن در سود ویژه کارخانه، برای مثال موجب شد که من در سال گذشته (عید ۱۳۵۴) مبلغ نه هزار تومان و در عید امسال مبلغ دوازده هزار تومان سود ویژه بگیرم که خودتان می توانید حدس بزنید این پول‌ها هر سال چه رونقی به زندگی ما کارگران میدهد. و اما اصل شرکت در سهام کارخانه‌ها، در این مورد باید بگوییم بهترین و محکمترین اطمینان خاطر و آسودگی خیال نسبت به آینده را به ما کارگران و افراد خانواده‌هایمان داد، چراکه سهام خریداری شده بوسیله کارگران در واقع پشتوانه محکمی است برای ادامه زندگی خانواده‌های ما...

بعنوان خداحافظی دست‌های زمانی و همسرش را می‌فشاریم و درحالیکه بچه هایش در همین مدت کم با ما انس و الفتی عمیق بهم زده‌اند و راه ما را سدمی کنند تا شاید بیشتر پهلوی آنها باشیم، از یکایک آنها با روبوسی و وعده دیدار درآینده خداحافظی می کنیم و برای این خانواده شریف و وطن پرست آرزوی موفقیت بیشتر می‌نمائیم.

صفحه خنده نون

سراب چیست؟

سراب نتیجه انکسار نور در حین عبور از طبقات مختلف جو میباشد. انکسار نور را وقتی نور به شیشه‌ای داخل و از آن خارج شود، بسهولت میتوان مشاهده کرد. در هوای گرم نور در حین عبور از طبقه پائین جو شکسته میشود و اشیاء سطح زمین بحالت تموج دیده میشوند. سراب در کلیه نقاط دیده میشود، ولی معمولا در نقاطی که هوا خیلی سرد و یا گرم باشد، نمودار میگردد، مانند صحاری استوائی و نواحی قطبی. باید دانست ریگهای داغ بیابان طبقه هوای مجاور زمین را گرم میکنند، ولی هوای طبقه بالاتر سرد بوده و نور را با ضریب انکسار بیشتری از خود عبور میدهند. وقتی نور در افق منکسر میشود، از دو جهت متمایز بچشم میرسد: یکی مستقیم و دیگری در مسیر منحنی به طبقات سرد تر هوا میرسد و دوباره بطرف پائین منکسر میشود. البته سراب نتیجه یکبار انکسار نور نیست، بلکه هزارها بار نور منکسر میشود و سراب ایجاد میشود.

ناصر رضانیا . کارگر شرکت گاز

رضاشاه کبیر برای رسیدگی به شکایتی که از یک پیرزن رسیده بود، سه بار مامور فوق العاده به محل اعزام داشت

اواخر سال ۱۳۰۷، سونی که بفرماندهی مرحوم سپهبد زاهدی، که در آن موقع سرتیپ بود، برای مقابله و دفع ولیع جنید، امیر خیوه، بصحرای ترکمن رفته بود با موفقیت به تهران باز گشت. نگارنده سمت ریاست ستاد ستون مذکور را داشتم. دو هفته بعد از بازگشت بتهران در حالی که هنوز خستگی راه رفتن از تن ما بیرون نرفته بود از طرف اعلیحضرت رضاشاه کبیر احضار شدم. صبح یکی از روزها بمنظور شرفیابی بقصر سعدآباد رفتم. رضاشاه کبیر با لباس ساده سربازی در حالی که خیلی متفکر و ناراحت بنظر میرسیدند، بدون اینکه به صورت من نگاه کنند دستور دادند: برو بستاد ارتش (ارکان حرب) پرونده‌ای مربوط به تویسرکان است، بگیر و برو بمحل. میخواهم تحقیقات کافی بکنی و نتیجه مثبت کارت را گزارش کنی. این جانب مجدداً احترامات نظامی را بجای آوردم و بدون اینکه درین مورد اعلیحضرت دیگر حرفی بزنند، عقب‌گرد کرده بشهر باز گشتم.

بلافاصله پرونده مربوط به تویسرکان در ستاد ارتش در اختیار من گذاشته شد. قبل از اینکه پرونده را مطالعه کنم، فکر میکردم چه چیز ممکنست اعلیحضرت را تا این حد متفکر و اندوهگین بکند و چون پرونده را مطالعه کردم، این تعجب در من قوت گرفت. زیرا مشاهده کردم «زهرا» نامی از اهالی تویسرکان بشاه شکایت کرده که جوانی را بنام محمدحسن که مشغول خدمت وظیفه بوده، بزیر پرچم احضار کرده‌اند، ولی پس از گرفتن مبلغ هنگفتی پول بعنوان رشوه او را آزاد کرده‌اند. البته این موضوع از لحاظ مصالح مملکتی مهم بود، ولی آنقدر اهمیت نداشت که رضاشاه کبیر را آنهمه بفکر و اندوه وادارد. روی همین شکایت، سرهنگ اخگر مامور شده بود که بمحل رفته و بموضوع، کاملا رسیدگی و نتیجه را بدربار گزارش نماید.

سرهنگ اخگر پس از مراجعت گزارش داده بود که محمدحسن مورد بحث متکفل تشخیص داده شده و معاف گردیده است و قضاوت در باره وی نیز کاملا صحیح بوده. گزارش مذکور اعلیحضرت کبیر را قانع نکرده بود و بلافاصله سرهنگ بقائی معاون نظام وظیفه وقت ماموریت یافته بود که شخصاً بمحل رفته و عمیقاً تحقیق کند.

سرهنگ بقائی در امر نظام وظیفه اطلاعات وسیع و تجربیات زیادی داشت و رضاشاه کبیر چون میدانست که سرهنگ بقائی در این مورد اشتباه نمیکند، فوق‌العاده متعجب شد که گزارش و نظریات سرهنگ اخگر را تائید کرده و با دلایل قانع کننده دیگری صحیح بودن معافی محمدحسن را تایید کرده بود.

این گزارش نیز مثل گزارش سرهنگ اخگر اعلیحضرت کبیر را قانع نکرده بود این دفعه قرعه فال بنام من زده شد پرونده را خوب مطالعه کردم و پس از مطالعه برئیس ستاد ارتش گفتم چون آنان که باین ماموریت رفته‌اند اطلاعاتشان در این مورد از اینجانب بیشتر بوده است، عزیمت من بمحل چندان مناسبتی نداشته و تصور نمیرود گرهی از کار بگشاید خواهش دارم بطوریکه اعلیحضرت نیز عصبانی نشود وسائل معافیت اینجانب را از این ماموریت فراهم آورند، ولی رئیس ستاد یاد آور شد که بعید نیست این عمل باعث عصبانیت شاه را فراهم آورد. لذا ایشان گفتند که زودتر بفرمان عمل کنم.

فردای آنروز باتفاق سلطان خلیل‌خان بمحل ماموریت عزیمت کردم و پس از ۲۵ روز تحقیقات، در کمال تاسف متوجه شدم که ناچار من هم باید گزارشهای قبلی را تأیید کنم چون متکفل بودن محمدحسن مورد بحث محرز بود وبهیچ عنوان نمیشد او را مشمول شناخت.

شبی که فردای آنشب قرار بود بتهران عزیمت کنم، باتفاق سلطان خلیل‌خان مشغول تحریر گزارش شدیم. در حین تنظیم گزارش وبا مراجعه بپرونده در حدود پانصد برگی، یکمرتبه متوجه شدم که سرهنگ اخگر و سرهنگ بقائی وخود اینجانب از همه کس تحقیق کرده‌ایم، مگر از زهرای شاکیه واین راستی خطائی بود که دامنگیر هرسه نفر ما شده بود. فردای آنروز بوسیله شهربانی و فرماندار محل، بانو زهرا را که در دهی در سه فرسنگی تویسرکان اقامت داشت ملاقات کرده وباینطریق بین ما دو نفر مذاکرات شروع شد. از وی پرسیدم:

—زهرا خانم شما هستید؟

جواب داد: «بـــــله» گفتم: «شما به اعلیحضرت شکایت کرده‌اید؟» پاسخ داد «آری» سپس گفتم: من از طرف شاه مامور شده‌ام که بشکایت شما رسیدگی کنم.

—ای ننه... خدا بشاه عمر بدهد. پسر من کشته شده، از قاتل اوهم پول گرفته و آزادش کرده‌اند.

—قاتل پسرت کیست؟

—همان محمدحسن که از او پول گرفته‌اند.

ناچار قضیه بازرسی نسبت به محمدحسن تحت الشعاع موضوع قتل واقع ومعافیت نظام وظیفه او فراموش شد. بمحض شروع بتحقیقات در مورد قتل، دلائل کافی ومثبت بدست آمد و باین نتیجه رسیدیم که برسر تقسیم آب، بین رعایا، علی پسر زهرا را محمدحسن مقتول ساخته ومحمدحسن را مالکین محل فراری داده‌اند، ولی چون زهرا خیلی گریه وزاری میکرده مالکین او را در صورت ظاهر دستگیر و در باطن بعنوان مشمول نظام وظیفه با کمک روسای دوائر مربوطه بسربازخانه فرستاده‌اند.

یکماه بعد، زهرا که تصور میکرده است قاتل پسرش را دستگیر وبالاخره مجازات میکنند، از جوش وخروش اولیه افتاده بود، ولی بعداً اداره نظام وظیفه بوضعیت محمدحسن رسیدگی کرده وچون قانوناً متکفل بوده، از

احمد چشمانش را بسقف دوخت. پهنه سفید رنگ سقف اطاق بیمارستان برایش آرامش بخش بود. دیگر سعی نمیکرد پاهایش را حرکت دهد. ازبس این کار را کرده بود، خسته شده بود.

دوباره به‌فکر فرو رفت، آن لحظه حادثه، آن صدای وحشتناک وانفجار دیگ بخار... همه اینها مثل نقشی که روی سنگ حک شود، درخاطرش مانده بود.

دکترها مرتباً باو امید میدادند، اما احمد میدانست آنها هرگز از بهبودی یک بیمار اظهار ناامیدی نمیکنند. دوستان وهمکارانش هم که به‌ملاقاتش می‌آمدند، باو امید میدادند که بزودی پاهایش قدرت حرکت پیدا میکند. با همه این حرفها، احمد میدانست احتمال جان گرفتن دوباره پاهایش، خیلی کم است. آخر او بهتر از هر کسی حال خودش را میفهمید. نگاهش همینطور به‌سقف بود. دیگر حوصله مجله خواندن هم نداشت. فقط بفکر روزهای «ملاقات» وآمدن همسر، بچه ها ودوستانش بود.

نگاهش را ازسقف برداشت. درهمین موقع چند ضربه به در خورد. دکتر وارد شد، پرستاری هم دنبالش بود. احمد سعی کرد لبخند بزند، دکتر درحالیکه گوشی را روی قلب او میگذاشت، گفت: پس فردا باید آزمایش مهمی روی پاهایت انجام دهیم.

احمد کمی مضطرب شده آب دهانش را فرو برد وپرسید: چه آزمایشی آقای دکتر؟ دکتر ابروهایش را بالا برد، گوشی را از روی قلب او برداشت وجواب داد: آزمایشی که خیالمان را ازجهت پاهایت راحت کند.

احمد همه چیز را فهمید. با اینکه دکتر بطورصریح حرف نمیزد، اومنظورش را درك کرد. دیگر حرفی نزد، فقط مثل دانش‌آموزی که درانتظاراعلام نتیجه امتحاناتش باشد، دردنیائی از دلهره فرو رفت. بیم وامید وجودش را در برگرفت. چشمانش را بست، خودش را روی یک سه چرخه مخصوص آدم‌های فلج دید. بغض گلویش را گرفت، قیافه بچه‌ها، همسر، خواهر و برادرهایش جلو چشمش آمد. پس‌فردا چه خواهد شد؟ نتیجه چی میشود؟ باچه حالی از اطاق بیرون می‌آیم؟ باپاهائی درحال جان گرفتن، یا دو عضو خشک واز کارافتاده؟ این‌ها سئوالاتی بود که مثل چند مگس سمج او را اذیت میکرد وروحش را ذره ذره میخورد. فردای آن‌روز همسر و بچه هایش به بیمارستان آمدند احمد سعی کرد خودش را ناراحت نشان ندهد، اما فکر فردا او را درخودفرو برده بود.

کوچکترین بچه اش حمید بدون اینکه از وضع پدرش خبر داشته باشد، دور او میچرخید و لحظه‌ای ازاو دورنمیشد.

احمد باو خیره شد. به‌سرنوشتی که درآینده خواهد داشت فکر کرد. دستش را روی سرحمید کشید. زنش وبچه‌های بزرگترش همه‌چیز را فهمیده بودند. می‌دانستند سرپرستشان فردا در دوراهی سرنوشت قرارمیگیرد.

همینکه وقت ملاقات تمام شد، احمد دست زنش را گرفت، اشک توی چشمانش دوید. زنش هم گریه‌میکرد، بچه ها مات وحیرت زده به‌آندونگاه میکردند. ازاین وضع سردرنمی‌آوردند.

آنشب خواب به‌چشمان احمد نیامد، تاصبح هزارجورفکر کرد.

صبح زود او را باتاق عمل بردند. همینکه او را روی تخت عمل گذاشتند، خودش را بخدا سپرد.

دکترها وپرستارهای سپیدپوش دورش حلقه زدند. احمد با دیدن آنها آرامش مختصری دروجودش حس کرد.

چند لحظه بعد بیهوش شد. نفهمید چقدر وقت گذشت. ناگهان عرق سردی روی صورتش حس کرد. چشمانش راگشود. چهره متبسم پرستاری را روبروی خودش دید. همه‌چیز بخاطرش آمد. بعد حس کرد پاهایش سنگین شده. اول فکر کرد خیالاتی شده، اما نه، درست بود، او پاهایش را حس میکرد. پرستار که گوئی حال او را فهمیده بود، باصدای آرامی گفت: پاهایت رادوباره تحویل گرفتی احمد! خدا راشکر کن.

پشه ها ورنگ ها

۶۰ سال پیش بود که شورای بهداشت ارتش آمریکا، گزارش جالبی تحت عنوان اثرات رنگها روی پشه ها، منتشرکرد.

درواقع، باید دانست که برخی از رنگها حشرات مزاحم را از خود دور میسازد. برای روشن شدن این مطلب آزمایشات شروع شد، باینطریق که قوطی‌هائی بابعاد مختلف را از رنگهای گوناگون پر کردند و پزشکان بهداشت آمریکا، درجه جذب آنها را بروی پشه ها، یادداشت نمودند. در پایان این آزمایشات رنگ‌آبی با جذب ۱۰۸ پشه رکورد را بدست آورد، رنگ سفید تنها دو پشه را بسوی خود جذب نمود و رنگ زرد همه آنها رافراری داد.

درپی این واقعیت ارتش آمریکا بسربازانی که در نقاط پشه دار و در نتیجه تب‌خیز مستقر بودند، دستور داد تا لباس آبی دریائی خود را ازتن خارج ساخته و بجای آن ازلباس زرد رنگ استفاده کنند.

علی‌حق پرست، کارگر کارخانه رنگسازی ایران

بیاد بزم ما

دوست عزیز ما آقای فخرالدین توکلی که درشرکت زامیاد کارمیکنند، ضمن نامه‌ایکه برای ما فرستاده‌اند، اظهار داشته‌اند که چندین قطعه شعر برای شما فرستاده‌ام که هنوز هیچ کدام ازآنها چاپ‌نشده‌است.

باطلاع این کارگر عزیز میرسانیم که تا کنون شعری از ایشان بدست ما نرسیده است. فقط یک دوبیتی از این دوست محترم بدست ما رسیده که در زیر ملاحظه میفرمائید. درضمن به آقای توکلی توصیه میکنیم که اگر علاقه‌ای بشعر وشاعری دارند. لازم است مطالعه بیشتری دراین زمینه داشته باشند.

بیاد بزم ما

بیا امشب دل ما را بدست آر
تو که باناز وغمزه میبری دل
بیاد بزم ما امشب غزلخوان
بیا و رشته شادی مگسل

* زن را محترم نمیشمارند، مگرمردان کریم و اورا خوار نمیسازند مگر اشخاص لئیم، زیرا زنان چراغ خانه و کاشانه اند.

حضرت «محمد»

* زن، گردن‌بند مرد است، دقت کنید و به بینید که چه‌چیز را بگردن‌می‌بندید؟

حضرت صادق «ع»

* زن‌وآتش هم‌انسان راگرم‌میکنند و هم میسوزانند!

«الکساندردوما»

* در دنیا دوچیز زیباست: زن‌وگل.

«مالبرب»

* زن، به‌شاخهٔ نی‌میماند. باوزش کوچکترین باد، بلرزش درمیآید

«ولتر»

* زن، ازاشتباهات‌قشنگ‌طبیعت است!

سیمون

* زن، به بخاری دیواری‌شبیه است. ظاهرش مرمرین وباطنش ...؟!

بامراك

* زن‌مرد را با چشم خویش ومرد زن را با عقل خود می‌سنجد.

«الکساندردوما»

* مشورت با زن، مشورت باشیطان است!

«زبل»

* وقتی بسراغ زن‌میروی، شلاق رافراموش مکن!

«نیچه»

خدمت‌معاف‌ومرخص‌شده‌بود. زهرا که از دور ونزدیک مواظب جریان بوده چون مشاهده کرده است که قاتل پسرش را آزاد کردند، مجدداً بفعالیت پرداخته وچون دیده بود بشکایتش رسیدگی نمیشود، ناچار بشاه شکایت کرده بود.

عین جریان را آنطوری که دلایل گواهی میداد از تویسرکان واز طریق ستاد ارتش به‌اعلیحضرت گزارش دادم که محمدحسن از نظر نظام وظیفه متکفل ومعاف است، ولی متهم است بقتل ومختصراً موضوع قتل را نیز گزارش دادم.

فردای آنروز از طرف ستاد ارتش فرمان اعلیحضرت مبنی براینکه محمدحسن را با پرونده امر بدادسرای همدان تحویل دهم واصل گردید ومن نیز همین کار را کردم وبتهران بازگشتم. پس‌از چندی از افسر ارتباطی که هر روزه گزارشهای ستاد ارتش را بعرض شاه میرسانید شنیدم که میگفت پس‌از اینکه گزارش شما را بعرض شاه رساندم، اعلیحضرت آهی کشیده وگفتند:

—من میدانستم که اخگر وبقائی گزارش خلاف واقع نمیدهند، ولی یک الهام باطنی وغیبی مرا وادار میکرد که گزارشهای آنها را قبول نکنم، هفته‌ای نمیگذشت که چند بار شکایت این ضعیفه را بخاطر نیاورم، خدا را شکر که خون آن جوان پایمال نشد ودل پیرزن خشنود گشت.

از خاطرات سرتیپ خسروداد-فرستنده علی کبودوند، کارگر کارخانه نسلجی

تنظیم از: شمع

به‌مجرد اینکه قدم بداخل هال منزل گذاشتم ودر کوچه را بافشار شانه‌ام بستم چشمم به‌مادرم افتاد که یکباره بادیدن من نگاهش را از رویم کشید وباشتاب به‌داخل اتاق نشیمن پیچید. من بااین رفتار او آشنایی کامل داشتم وبخوبی می‌دانستم که وی هر وقت با مسئله‌ای که بمن ارتباط داشته باشد روبرو شود حتی‌المقدور سکوت که حسنه سعی میکند دوری کردن از مسئله را مطرح نگاه دارد. اگر نا... اکثراو حجب وحیای دانسته بود که همواره در بیان مطلب مهمی ... اما... ...از

وی. فوراً احساس کردم که واقعهٔ مهمی رخ داده است که باید هرچه زودتر از کم‌و کیف آن آگاهی یابم. به‌قصد اجرای این ... آمادهٔ رفتن به‌اتاق شدم که ناگهان برادر کوچکم درحالی که کیف حاوی کتابهای درسی‌اش را حایل شانه‌اش کرده بود رو در رویم قرار گرفت وبالحنی سرد و تمسخرآمیز سلامی کرد و گفت:

ای داداش، بار هم اکرم خانم قرار ... کرد

مادرم با شنیدن این عبارت با صدایی غیظ آلوده خطاب به او گفت:

وریریده بازهم فضولی کردی!

من که برای سومین بار باچنین رفتار احمقانه ودرعین حال اعجاب برانگیز نامزدم روبرو میشدم بی‌توجه به‌قیافه خجلت زده برادرم وحال ووضع مادر، بی‌اختیار ازجا حرکت کرده

وبا شتاب داخل اتاق نشیمن شدم. هنگامی که به‌نزدیک مادرم رسیدم بالحنی سرشار از استفهام و کنجکاوی گفتم:

— خانم، معنی این کارها چیه؟

— ببینید خانم، من دلم می‌خواهد که این قضیه برای همیشه حل شود. آخر ازدواج اینجوری که نمی‌تواند اساس خانواده باشد. اگر دخترك واقعاً...

مادر، حرفم را قطع کرد وبالحنی سماجت بار گفت:

ببین ننه! شتر سواری که دولا دولا نمی‌شود. تو از یک طرف جوری خاطرخواه دختره‌ای که آدم فکر می‌کند بامجنون یکطرف است. از اینور هم بی‌عرضه‌ای

که هیچوقت دلت نمی‌خواهد طرف ازدواج زورکی باشی. ماباید اول بفهمیم که به‌چه سازی برقصیم.

من واقعاً وبا تمامی وجود اکرم را می‌خواستم. یعنی از همان سه‌سال پیش که همسایهٔ دیوار به‌دیوارماشد. نگاه وچهره‌وقامتش کارخودش را کرد. جالب اینکه خیلی زود به‌اثبات رسید که او هم نسبت بمن تعلق خاطری دارد. نگاهها ولبخندها وحرکاتش همه وهمه مبین ومؤید این حدس وگمان بود. من باچنین اطمینانی مادرم و عمه‌ام را به خواستگاری او فرستادم و درهمان روز متوجه شدم که پدر و مادرش نیز ازمدتها پیش به من توجه داشته، انتظار این اقدام را از سوی‌ما داشتند. زیرا در سومین جلسهٔ مذاکره که منهم همراه مادر و عمه وچند تن ازبستگانم بمنزل آنان رفته بودیم، پدرش آشکارا لب به‌تحسین وتمجید از من گشود وبی‌هیچ پروایی افزود که ازاین اقدام خیر باآغوش باز استقبال می‌کند. وی وجود مرا که نمایانگرجوانی عاقل، برومند وکارآمد بود مایهٔ افتخار خود وخانواده‌اش می‌دانست.

بی‌شک باتوجه بچنین واکنشی، رفتار نامتعارف ونامعمول اکرم که از بی‌میلی آشکارش حکایت می‌کرد، اعجاب‌آور و حیرت بخش مینمود. دختری که همیشه ودر همه حال تمایلش را نسبت بمن ابراز کرده بود، به‌چه دلیل بایستی یکباره تغییر رویه دهد وظاهراً بی‌هیچ انگیزه‌یی در برابر درخواست وپیشنهاد متعارف وسعادت‌آفرینی‌جبهه بگیرد؟

تمامی این پرسش ها بی‌پاسخ ماندو درعین‌حال اکرم نیز نتوانست دربارهٔ سرنوشت خود جداً تصمیم بگیرد. او حاضر نشد حتی برای یکبار بامن به خلوت بنشیندو دلیل مخالفتش رابا پیوندی که می‌توانست سعادت‌هردوی مارا تضمین کند ابرازدارد.

حدود یکماه ازنخستین مذاکراتماگذشته بود که یک‌روز عمه‌ام با خوشحالی به‌دیدن ماآمدو درحینی که تمامی پیکرش از شدت التهاب وهیجان می‌لرزید، مژده موافقت‌اکرم را اعلام کرد. بی‌تردید من‌آن روز درمی‌یافتم که‌این‌موافقت بااصراروتهدید پدرش گرفته شده است، هرگز راضی به‌انجام مراسم‌نامزدی نمی‌شدم. من‌و دیگران تصور کردیم که‌او صرفاً با تفکروآینده‌نگری این تصمیم را گرفته است. لیکن‌پس ازچهارماه که ازدوران‌شیرین نامزدی ماگذشت‌و یک روزاکرم بدون‌سابقه

وبقدمه از خانه گریخت ، همه چیز برای من روشن شد. اما افسوس که دیگر دیرشده بود و بقول مادرم من بطرز شگرفی عاشق شده بودم. عشقی که حاضر بودم برای زنده داشتن اش بهر کاری تن در دهم. آن روز نیروقتی که برای سومین بار خبر گریز مرموز او را شنیدم با سرسختی تمام به ملامت خویش پرداختم و با دل آرزومند به مبارزه برخاستم. اما افسوس که تمامی تلاش هایم بدون اثرو بی‌نتیجه بود. خبر فرارهای پی‌درپی اکرم خیلی زودتر از آنچه فکر می کردم در میان همسایگان ودوستان و آشنایان رواج یافت. هر کس به رغم خود برای این قرارها دلیل ومحملی می‌تراشید. عده‌یی او را عاشق دیگری وبرخی‌وی را بیزار ازمن می‌پنداشتند. لیکن هیچیک از حدسیات مقرون به‌واقعیت نبود. حتی ماوپدرومادرش نیز نمی‌توانستیم دلیل و انگیزه‌یی برای این رفتار او بیابیم. زیرا آنچه که تردید ناپذیرمینمود ، این بود کـه اکرم نه تنها به مرد دیگری نمی‌اندیشید ، سهل است بمن همچنان علاقمند بود ! بهرحال ، موقعی که‌من اطمینان یافتم بهیچ‌شیوه‌یی نمی‌توانم مهرویاد اورا از دل بیرون کنم ، بااعتقاد عمیقی که در بارهٔ‌وجود علاقهٔ او نسبت بخود داشتم ، تصمیم گرفتم که برای جلوگیری از رفتار احمقانه وفرارهای بعدی او ، بدون لحظه‌یی درنگ ترتیب برگزاری مراسم ازدواج را بدهم. اما قبل از هرچیز لازم بود فوراً بجستجوی او برخیزم و مانند دفعات پیش ، بدون درنگ به خانهٔ خاله‌اش بروم. چرا که تردید نداشتم وی قبل از اجرای هر تصمیمی با خاله‌اش که تقریبا همسن اش بود، تماس می‌گیرد. هنگامی که وارد منزل خالهٔ او شدم و لبخند همیشگی وآشنای‌وی را دیدم، آناً دریافتم که اکرم بازهم به‌نزد او رفته‌است. حدسم درست بود وپس از دقایقی توانستم اورا در یکی از اتاق‌های خانه بیابم. از پرسش های بی‌شمار و سرزنش هایی که‌مادر حقش روا داشتیم چیزی نمی گویم. زیرا این بار نیزازگفتو شنودو جروبحث‌های خود نتیجه یی نگرفتیم و مطلقاً نتوانستیم دلیل این رفتارمجهول‌ومرموز را از زبان او بشنویم. باوجود این لازم‌دیدیم پس از این بالحظه ازدواج شدیداً اورامورد کنترل قرار دهیم. جالب اینست موقعی که او به‌این منظور و هـدف ما پی برد ، بنحو ترحم‌برانگیزی مضطرب وپریشان شد. از نگاهش پیدا بود که این بارقصددارد اگر فرصتی بیابد برای همیشه از این شهرو دیار گریزان شود. اما من هیچگاه این شانس را به‌او ندادم وبعد از یک‌هفته مراسم ازدواج را بدون‌سروصدا وجنجال برگزار کردم.

شب از نیمه گذشته بود که‌عروس را به منزل آوردیم و بعدازساعتی خانه ازوجود دیگران خالی‌شد. نکته‌یی که‌عمیقاً توجه مرابخود جلب کرد ، حال‌ووضع اکرم‌بود که هرچه بلحظه زفاف نزدیکتر می‌شدیم پریشانی‌والتهاب اوشدیدتر وآشکارتر می‌شد. اضطراب‌او به اوج رسیده بود که‌من دراتاق را ازداخل بستم‌وآرام‌آرام‌بطرف وی رفتم. هنوز به یک‌قدمی‌اش نرسیده بودم که او یکباره از جاجستو دیوانه‌وار بسمت یکی از زوایای اتاق رفت. من پیش ازآنکه برحیرت خود چیره شوم‌ودلیل این رفتار رااز همسرم بپرسم ، ناگهان ازصدای فریادمانند او کـه تمـام اتـاق را بـه لـرزش درآورد درجا میخکوب شدم . وقوع این حادثه آنچنان غیر مترقبه بود که من برای دقایقی هوش و احساس خود را از دست دادم ، معهذا موقعی که براعصابم تسلط یافتم ، خود را به او رساندم و سبب گریهٔ دیوانه‌وارش را پرسیدم . او که با تمامی نیرو می کوشید هر نکته‌یی را ازمن پنهان دارد ، سرانجام به زانو درآمد و درمیان هق هق گریه رازوحشتناك و رسوایی آمیزی را برایم فاش کرد . تنها در آن هنگام بود که به دلیل اجتناب شگرف و فرارهای مکرراو پی بردم . به نکتهٔ شرم‌آوری واقف شدم که طی تمامی دوران نامزدی حتی یک بار بـدان نیندیشیده بودم . زیرا برای من قابل تصور نبود

[illegible]

که دختری به پاکی و نجابت اکرم که در خانواده‌یی به پیراستگی و وارستگی فرشتگان تربیت یافته بود ، سرمایهٔ عفت و شرافت خود را از دست داده باشد . من که حالا به آن صحنه وحشتبار می‌اندیشم با خود می‌گویم جوان متعصبی چون‌من چگونه توانست آنچنان خود را کنترل کند و دست به قتل دختر حیله‌گر و خیانت پیشه یی نیالاید. شایدنیروی‌ناشناخته‌یی باعث شد که من براحساسم غالب شوم وشرح ماجرای رااز‌وی بخواهم . اکرم درمیان های‌های گریه اعتراف کرد که دریک شب تابستان مورد فریب و تجاوزمرد ناشناسی که از دیوار وارد خانه‌شده بود قرارگرفته و بقصد حفظ آبروی خود و خانواده‌اش ناچارسکوت را اختیار کرده است . من به هزاران دلیل در درستی گفتارش تردیدنکردم. یکی ازاین دلایل همان گریزهائی بود که ثابت‌می کرد اکرم با همهٔ علاقه‌یی که بمن دارد هرگز بخود اجازه نمی‌دهد که با تن آلوده وارد خانهٔ من شود . او پیش ازوقوع این حادثهٔ مشئوم بارها علاقه‌اش را نسبت بمن به ثبوت رسانده بود . اصولا من با توجه به این علاقه قدم پیش نهادم و به خواستگاریش رفتم .

نزدیک به سه ماه ازازدواج ما گذشته بود که یکشب اکرم خود را با ژستی کودکانه به آغوش من افکند و درحالی که نحوهٔ گفتار بچه‌ها را تقلیدمی کردگفت:

— ممل ! ما داریم بچه دارمی‌شویم !

من که تا پیش ازشنیدن این حرف، او را با تمامی وجود به آغوش می‌فشردم ،یکباره ازجا جستم وباحیرت گفتم:

— چی ؟ بچه دار؟ مگر . . . مگر قرار نبود که تا یکی دوسال . . .

با همان ژست تابی به پیکرش داد وگفت:

— خب دیگه ، این‌جوری بهتره !

هر کلمه‌یی که ازدهان او خارج می‌شد ، چونان پتکی آهنین بر مغزم فرود می‌آمد . آخر عجیب و باورنکردنی بود ! من واو با یکدیگر عهد بسته بودیم که تا دو سال صاحب بچه نشویم . ازهمه گذشته خودم بهتر از هر کس می‌دانستم که رابطهٔ حساب شدهٔ ما نمی‌بایستی چنین حاصلی بارآورد . عزم من برای جلوگیری از ایجاد طفل آنچنان راسخ بود که به استفاده ازداروها و روش‌های معمول نیزاعتماد نداشتم واکتفا نمیکردم . بهمین علت مطمئن بودم که عامل این واقعه من نمی‌توانستم باشم . این افکار آنچنان به مغزم هجوم اورد و باعث ایجاد اختلال درمخیله‌ام شد که بکلی وجود همسرم را درکنارخویش فراموش کردم . روی همین اصل بهیچوجه نتوانستم بفهمم که کی وچگونه خود را به بستر رساندم و بکلی اسیر افکار کشنده شدم لیکن همینقدرمی‌دانم تا صبحگاه که ناگزیر ازرفتن به‌سر کارم‌بودم ،حتی یک‌لحظه نتوانستم پلکهایم را رویهم بگذارم. صدها تصمیم وحشت بارگرفتم و بلافاصله شکستم و تنها موقعی که از در خـانـه بیرون رفتم احساس سبکی بدبختی کردم. چنین بنظرمی‌آمد که بارهمهٔ افکار عذاب‌آور را در خانه گذاشته و خارج شده‌ام . باوجود این درمحل کارم نتوانستم بیش از یکساعت بمانم و هنگامی که آنجا را ترک گفتم آخرین تصمیم خودرا گرفته‌بودم وخوده لبریز ازآتش انتقام شده بود . حوبسی شاید هر کس بجای من بود آن زن خیانت‌پیشه را بدون درنگ می کشت، امامن به سائقه تربیت ذاتی و جبلی خویش، نمی‌توانستم دست به قتل‌نفس بزنم . بنابراین اسیدپاشی بهترین حربهٔ انتقام بود . روی همین سبب با عزمی خلل ناپذیر به تهیه یک شیشه اسید پرداختم و حدودظهر با شتابی کم مانند خودرا به خانه رساندم . همانطور که انتظار داشتم اکرم در آشپزخانه سرگرم تهیه مقدمات ناهار بود . به مجرد اینکه طنین ضربات بازوبسته‌شدن در را شنید، صدای گرم و دلنشین‌اش را که تاآن روز همواره لذت‌آورو هستی‌بخش بنظرمی‌آمد، درمحیط ساختمان رها کرد و مرا به‌اسم خواند چند جمله دیگر برلب راند که برایم کاملا نامفهوم بود . شاید سبب زودبخانه آمدنم‌را می‌پرسید . من که‌با خاموشی‌وسکوت،آرام آرام پیش می‌رفتم سرانجام به‌مقابل درآشپزخانه رسیدم و بلافاصله رودرروی او قرارگرفتم . همه چیز در یک‌لحظه اتفاق افتاد و به‌دنبالش فریاد ممتد و پژواک‌آسای وی وجود مرا دستخوش التهاب و هراس کرد . دقایقی متحیرانه به‌او که مانند ماری زخم‌خورده بخود می‌پیچیدچشم دوختم و آنگاه بی‌آنکه قصدی مشخص و ثابت داشته‌باشم ازخانه گریختم . دوروز تمام در نهایت سرگردانی بسربردم تا اینکه در حاشیه شمالی یکی از خیابانهای مرکزی شهر دستگیر شدم . متجاوز از ده‌روز ممنوع الملاقات بودم تااینکه مادرم وپدراکرم به دیدنم آمدند . درآنجا معلوم شد که همسر بیگناهم قربانی یک دروغ و شوخی احمقانه که خود بوجودآورنده‌اش بود، گردیده و برای همیشه زیبائی خیره‌کننده خویش را ازدست داده‌است بی‌شک‌وی با اتکاء به روحیه بخشندهٔ من چنین دروغی را ساخته بود تا سربه‌سرم بگذارد ! بهرحال اکرم ازحق خود گذشت و شکایتی نکرد، معذلک چون جرم من جنبه عمومی داشت، نزدیک به ششماه در کمال پشیمانی و انفعال در زندانی بسربردم . روز مرخصی، اکرم همراه با مادرمن و پدرو مادر خودش به مقابل زندان آمد . از تشریح حال خود بهنگام دیدن چهرهٔ بهم‌دوخته‌وی که روزی خود زیباترین صورتهای شهر ما بود جداً عاجزم . همینقدرمی‌گویم تا یکسال توان نگاه کردن به روی او را نداشتم . حالا که سه‌سال ازآن‌ماجرای لعنتی و جهنمی گذشته و ظاهراً همه‌چیز رنگ عادی بخود گرفته است، من همچنان درآتش ندامت و خجالت و بیچارگی می‌سوزم . بااینکه همه کس حتی اکرم مرا بیگناه‌می‌دانند، اما خودم از کاری که کرده‌ام رنج می‌برم .رنجی جانکاه که همچنان مرا در چهارچوب برزخ نگه داشته و اجازه نمی‌دهد تاخود را قانع کنم که درانجام این کارحقی داشته‌ام . اسیروسوسه‌یی شده‌ام که‌می‌دانم‌تا آخرعمر همگام و همراهم خواهد بود.

دوران سرنوشت ساز پهلوی ملت از پای افتاده ایران را
بسر منزل مقصود رهنمون شد. ایران عقب مانده که در سراشیب
سقوط جای گرفته بود به برکت شاهنشاهی پهلوی به اوج افتخار
و غرور دست یافت. ضمن عرض صمیمانه ترین شادباش ها
نیم قرن سلطنت پهلوی را به پیشگاه با عظمت شهریار ایران زمین

شاهنشاه آریامهر

تهنیت می گوئیم.

شرکت سهامی کارخانجات دنیای فلز

بحثی در مورد قانون کار

تعطیلات و مرخصی‌ها

از: دکتر علی‌الله همدانی

ج— دلائل مادی واقتصادی —البته در ظاهر امرچنین بنظر میرسد که تعطیل هفتگی از نظر اقتصادی برای کارفرما زیان بخش است. زیرا طی مدتی که کارگر کار نمیکند کارفرما مجبور است مزد و یکر مزایای وی را بپردازد. ولی هرگاه این مساله بطور عمیق تری مورد بررسی قرار گیرد ملاحظه میشود که تعطیلات هفتگی برای کارفرما نیز مفید است زیرا بر-اساس بازده نهائی که در اقتصاد برای زمین و سرمایه گزاری بیان شده است ،شاید بتوان این بازده‌نهائی را درمورد کارگر نیز صادق دانست بدین عبارت که کارگر پس ازمدتی کارکردن بازده کمتری خواهد داشت وهر چه طول کار بیشتر شود این بازدهی بازهم بیشتر کاهش می یابدوبر همین اساس است کهمدت (ساعات) کارنیز بتدریج کاهش یافته وبه هشت‌ساعت‌در روز رسیده است . این امر در مورد تعطیلات هفتگی نیز صدق میکند ، باین ترتیب که اگر بخواهیم بدون تعطیل کار بیشتری از کارگر بگیریم ملاحظه خواهیم کرد که بر اثرافزایش مدت کار ، بتدریج بازده کارگر کم میشود و باین جهت ضرورت ایجاب میکند که به کارگر پس ازمدتی کارکردن استراحت دادهشودتا بتواند به ترمیم قوای ازدست رفته خودبپردازدو خستگی را ازتن بدر کند.

بهر تقدیر دلائلی که فوقاً بیان گردیددر مورد ایران نیز صدق مینماید یعنی‌در کشورما هم کارگران ازمزایای مربوط به تعطیل هفتگی استفاده میکنند ولی باید دانست که علاوه‌بر جنبهٔ مذهبی موضوع ،که روز جمعه بدین امر اختصاص داده شده‌است ، تعطیلات هفتگی‌در قوانین کارایران سابقه‌ای‌طولانی‌ندارد.

زیرا اولین قانون یا آئین نامه‌ای که در مورد کارگران تهیه شده نظامنامه کارخانجات صنعتی است که درمردادماه ۱۳۱۵ تصویب شده است ودراین نظامنامه هم هیچگونه مقرراتی در مورد ساعات کار ویا تعطیلات‌و مرخصی‌ها وجود ندارد . بلکه مسائل مربوط به بازرسی کارویا بیمه کارگران درآن پیش‌بینی گردیده‌است.

اولین قانونی که درآن راجع به تعطیلات‌و مرخصی‌ها مقرراتی پیش بینی کرده است، قانون کارمورخ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ میباشد و قوانین بعدی قانون کار خردادماه ۱۳۲۸ نیز موضوع مرخصی هفتگی را پیش بینی کرده‌است.

ولی قانون کارسال ۱۳۳۷ ، که‌هم‌اکنون هم در دست اجراست بلحاظ آنکه قانون پیشرفته‌تری است و حاوی یک رشته‌مقررات جدیدی در این زمینه بنفع کارگران میباشد

مشمولین استفاده‌ازتعطیلات هفتگی

باتوجه به آنچه بیان‌گردید ، به‌بینیم قانون کار در مورد مرخصی هفتگی کارگران چه‌مواردی را پیش‌بینی کرده است : ماده ۱۴ قانون کاروتبصره‌آن‌چنین مقرر‌میدارد:

در هرهفته روزجمعه روزتعطیل کارگران بااستفاده ازمزدمیباشد .چنانچه باموافقت کارگر روز معین دیگری در هفته بطور مستمر برای تعطیل تعیین شود روز مزبور در حکم تعطیل هفتگی خواهد بود. تبصره : کارگرانیکه روز جمعه کارمیکنند یک روزدیگرازایام هفته حق تعطیل بااستفاده‌ازمزدخواهندداشت.بکارگران غیر نوبتی که روز جمعه راکار میکنند درصورتیکه روزدیگری درهفته به آنان تعطیل داده‌شود. سی‌وپنج درصد اضافه پرداخت خواهد شد و هرگاه با موافقت کارگر روز دیگری در هفته تعطیل داده نشود ، ۱۳۵ درصد اضافه بر مزد روزانه پرداخت خواهدشد.

دراین ماده وتبصره آن‌چند مساله بچشم میخورد که باید درمورد آن بحث‌شود :

۱—تعطیل هفتگی روزجمعه و بااستفاده از مزد است.

۲—باموافقت کارگر ،میتوان روزدیگری‌را بطور مستمر بجای جمعه بعنوان تعطیل‌هفتگی تعیین کرد.

۳ — هرگاه کارگر روز جمعه کارکند و روز دیگری (نه‌بطورمستمر)از تعطیل هفتگی استفاده نماید سی‌وپنج‌درصد اضافه دریافت خواهدداشت.

۴ — درمورد کارگران‌نوبتی این قاعده اجرانمیشود.

۵—هرگاه کارگر روزدیگری را هم استفاده نکند یعنی با رضایت خود ، در هفته از تعطیل هفتگی استفاده نکند ۱۳۵ درصد علاوه‌بر مزد خود دریافت خواهد داشت.

—بطوریکه قانون مقرر داشته است تعطیل هفتگی کارگران بطورکلی و اصولا روز جمعه میباشد و این تعطیل با استفاده از مزد است ، تردید نیست که فلسفه این امر نیز ایجاب می کند که تعطیلات یادشده با استفاده ازمزد باشد. ولی ممکن است شرائط و اوضاع واحوال کارطوری باشد که کارگر نتواند روزجمعه از تعطیل هفتگی استفاده کند و یا اینکه کارفرما بوی اجازه استفاده از تعطیل را ندهد. درچنین صورتی ممکن است با توافق دوطرف روزدیگری در هفته بطور مستمر برای تعطیل هفتگی پیش‌بینی‌گردد. در واقع قانونگذار خواسته است در عین‌حال‌که منافع کارگر را درنظر میگیرد ضرورت صنعت را نیز درنظرگیرد. بدین لحاظ‌مقررداشته است که‌ممکن است روزدیگری بطور مستمر بعنوان تعطیل هفتگی درنظرگرفته شود.

—مساله‌دیگری که دراین‌زمینه‌پیش‌بینی‌گردیده است ، پرداخت مبلغی اضافه برای کارگری است‌که روز دیگری غیر از جمعه تعطیل داشته است و آن سی‌وپنج‌درصد مزد کارگراست‌ولی اینجا قانون‌گزارقائل به تفکیک شده است بدین معنی که سی‌وپنج‌درصد اضافه به‌دوگروه پرداخت میشود .

اولاافرادی که‌نوبت کارهستند،زیرااینان بلحاظ‌گردش کار ده‌درصد مرتباً اضافه دریافت میدارند وچون نفس نوبت کاری گردش است، لذا این امکان وجود دارد که روزتعطیل هفتگی نیز تغییر نماید و لذا قانون گزارگفته است به کارگران غیرنوبت کارچنین اضافه‌ای پرداخت میگردد.

ثانیاً : یکسانیکه بطورمستمر روزی را برای تعطیل هفتگی تعیین‌نموده‌اند نیز این اضافه پرداخت می‌شود .زیرا غرض یک‌روز مشخص تعطیل هفتگی است و حال که ضرورت کارایجاب کرده است روزدیگری تعطیل داده شود وکارگر نیز با این امر موافقت نموده است ، لذا بطور مستمر از روز دیگری بعنوان تعطیل هفتگی استفاده میکند.

— سرانجام موضوع دیگر پرداخت اضافه ۱۳۵ درصد علاوه بر مزد به‌کسی است‌که از تعطیل هفتگی استفاده نمیکند ، دلیل این رقم نیز کاملا روشن است ۳۵ درصد برای‌اینکه از جمعه استفاده نکرده و صددرصد هم برای اینکه اصولا از تعطیل استفاده نکرده است و فلسفه این امر نیز کاملا روشن است قانونگذاز پیش بینی نموده است ، کارگری که از تعطیل هفتگی استفاده نمیکند و از استراحت خود چشم می پوشد باید از مزایائی بهرمند شود تا جبران عدم استفاده‌ازتعطیلات هفتگی بشود.

۱—مشمولین استفاده ازتعطیلات هفتگی

چنانکه بیان گردید کلیه کارگران اعم از آنها که مشمول قانون کار باشند و یا نباشند و قوانین دیگری برآنها حکومت نماید ، برطبق سنت و عرف وعادت از یک روز تعطیل در هفته استفاده میکنند ، ولی آنچه که در قانون کار پیش بینی گردیده‌است،صرفاً مربوط به کارگرانی است که مشمول قانون کارهستند.

بموجب ماده ۱۴ قانون کار ، در هرهفته روزجمعه روزتعطیل کارگران با استفاده ازمزد میباشد . چنانچه با موافقت کارگر روز معین دیگری در هفته بطورمستمر برای تعطیل تعیین شود ، روز مزبور در حکم تعطیل هفتگی خواهد بود.

دراین ماده چندمساله بچشم میخورد :

۱— کارگران‌ضمن تعطیل هفتگی‌خود از مزدخویش نیزاستفاده‌میکنند.

۲—این امکان وجود داردکه‌دراثر شرائط و اوضاع و احوال خاصی ، کارگران نتوانند روز جمعه تعطیل داشته باشند . درچنین صورتی ممکن است روز دیگری بطور مستمر بعنوان تعطیل هفتگی تلقی گردد.

اینک این بحث پیش می‌آید که آیا ممکن است اصولا در برخی از هفته‌ها بجای جمعه روز دیگری تعطیل هفتگی داده‌شود ، اگرچنین است حکم این مطلب چگونه خواهد بود و سئوال دیگرآنکه آیا ممکن است که اصلا در هفته‌ای بسبب نیاز کارگاه به کارگر ، وی از مرخصی هفتگی استفاده نکند؟ برای پاسخ بدین مطلب تبصره ماده ۱۴ رامورد بررسی قرارمیدهیم :

« کارگرانی که روزجمعه کارمیکنند ، یک روزدیگرازایام هفته، حق تعطیل بااستفاده ازمزد خواهند داشت ، به کارگران غیر نوبتی که روزجمعه را کارمیکنند، درصورتی که روز دیگری در هفته به آنان تعطیل داده شود ، سی‌و پنج درصد اضافه پرداخت میشود و هرگاه با موافقت کارگر روزدیگری درهفته تعطیل داده نسود ، یک‌صدوسی و پنج درصد اضافه برمزد روزانه پرداخت خواهد شد . » بدین‌ترتیب ملاحظه میشود که تبصره‌مذکورحکم لازم را درموارد فوق تعیین کرده است و پاسخ دوسئوال یاد شده را داده است . بدین ترتیب که اولا ممکن است که کارگری جای جمعه روزدیگری را تعطیل داشته باشد و یا اینکه اصولا درهفته‌ای روزی تعطیل ، هفتگی نداشته باشد. درمورداین قبیل کارگران ،قانون کاربین کارگران نوبتی و غیر نوبتی قائل به تفکیک شده است ، بدین معنی که درمورد کارگران نوبتی بسبب گردش کار،و همچنین بلحاظ اینکه ده درصد برمزد آنها اضافه میشود ، اگر روز دیگری استفاده کنند ، چیزی بعنوان اضافه برمزد پرداخت نمیشود . ولی درمورد کارگران غیر نوبتی ، بلحاظ اینکه از حق قانونی خود که تعطیل روز جمعه است ، صرفنظر کرده‌اند ۳۵ درصد اضافه پرداخت میشود و هرگاه اصلا از روزتعطیل هفتگی استفاده نکنند، ۱۳۵ درصد اضافه پرداخت خواهد شد.

حال این مساله پیش می‌آید که اگر کارگر نوبتی درهفته‌ای اصلا از مرخصی استفاده نکند چه خواهد شد . بطوریکه در تبصره یاد شد دیدیم کارگر غیرنوبتی ۱۳۵ درصد اضافه میگیرد ،ولی اگرچه درقانون حکمی درمورد یاد شده ندارد ، ولی تصور میرود که درمورد این قبیل کارگران باید صد درصد اضافه پرداخت شود و ۳۵ درصد بلحاظ گردش کار پرداخت نخواهد شد.

حال سئوال دیگری مطرح میشود بدین ترتیب که هرگاه کارگری روزجمعه کارکندو روزدیگری هم تعطیل نکندودرعین حال اضافه کاری هم داشته باشد ، سی‌و پنج‌درصد اضافه کاری وی برچه اساسی محاسبه میشود ؟ براساس مزد کارگرو یا براساس مزد و اضافات وارده برآن ؟ مثلا کارگری که ۲۰۰ ریال در روز حقوق میگیرد ، اگر روز جمعه کار کند و روز دیگری هم تعطیل هفتگی نداشته باشد ، ۴۷۰=۲۰۰+۲۷۰ ریال مزد واضافات آن روز وی خواهد بود . حال اگر اضافه کارکند، مزد اضافه کاری وی براساس ۲۰۰ ریال تعیین میشودویا ۶۶ ریال؟

در این زمینه‌دونظروجود دارد که‌یکی جنبه قانونی و حقوقی‌دارد و دیگری جنبه اجتماعی و انسانی.

بموجب نظر اول : درمورد ۳۵ درصداضافه کار—برای هرساعت کاراضافی ۳۵ درصداضافه برمزد هرساعت کاربه کارگر پرداخت‌میشود پس ۳۵ درصد به مزد کارگر باید اضافه شود . حال ممکن است ادعا شود که ۴۷۰ ریال مزد کارگراست . ما پاسخ میدهیم مزد کارگر ۲۰۰ ریال است وآن‌ارقام دیگراضافات‌وارده‌برآن‌است

بدودلیل: اولا استنادمی کنیم‌به‌تبصره ۲ ماده ۱۲ که‌میگوید مزد کارگری که‌در تمام مدت‌ماه به طرز نوبتی کارمیکند، ده‌درصد بیش از مزد کارگر غیرنوبتی‌مشابه‌است، بدین—ترتیب قانونگزار دراین‌جااضافه‌مربوط به نوبت کاری را بعنوان‌مزد تلقی کرده است وحال‌آنکه درمورد اضافات یادشده چنین نیست.

ثانیاً تبصره ماده ۱۴ ، و همچنین‌ماده ۱۲ ، به هنگام اشاره‌به اضافه کاری و اضافه روز تعط

بقیه درصفحه ۹۸

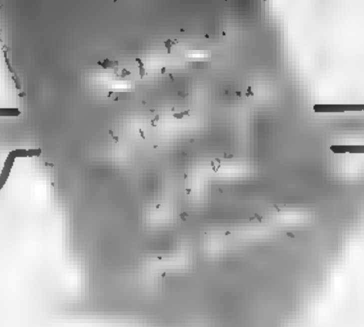

انتفاع فردی
وانتفاع جمعی

در روزگار ما انسان بودن تنها یــــک فضیلت نیست، بلکه یک تکلیف بشمار میرود

آیا غرض از یک تلاش و فعالیت اقتصادی بخاطر کسب سود و درآمد است؟ آیا یک واحد یا سازمانی اقتصادی را میتوان یافت که هدفی جــز کسب سود و درآمد داشته باشد؟ چرا میگویند شرکت تعاونی یک سازمان سوداگری و سود جوئی نیست؟ چه تفاوتی میان یک اقتصاد انتفاعی و غیرانتفاعی وجود دارد؟ روابـــط شریک با موسسه اقتصادی و روابط شرکا بـــا یکدیگر در یک واحد اقتصادی انتفاعــــی و غیرانتفاعی برچه روالی استوار است؟ آیا یک فعالیت اقتصادی اعم از اینکه در خدمـــت تولید، توزیع یا مصرف باشد باید بر موازیـــن اخلاقی بنیان گذاری شود یا خیر؟ سود چیست، مازاد برگشتی کدام است؟ آیا مازاد برگشتی همان ارزش اضافی است؟ آیا شرکت تعاونـــی میتواند کالارا به قیمت گران و به بهای روز بیشتری بفروشد و بعد مازاد برگشتی بدهد؟ یـــا فروش به بهای ارزان بدون مازاد برگشتی

آدمیزاد از روزیکه پا بعرصه زندگی گذاشت احساس نیاز کرد، نیاز بخوردن، به پوشیدن، به حفظ وجود خود از سرما و گرما، نیاز به خانـه و سرپناه و تدریجاً این نیازها فزونی یافت و تـــا امروز که ما زندگی میکنیم از حد شمار بیرون است.

برای برآوردن نیازها آدم مجبور بود تلاش کند. ابتدا جسم خود را بکار انداخت. ولی بعدها متوجه شد که زندگی روز بروز پیچیده‌تر میشود و اگر تنها بخواهد بقدرت و بازوی خود تکیـــه کند، با توجه به مقتضیات زندگی همیشـــــه کمیت معاش او لنگ خواهد ماند. پس رفته رفته یاد گرفت که از فکر نیروی مغزی خود نیز استفاده کند و آنرا درحل مشکلات و برآوردن حاجات بکار گیرد.

اگر انسان فقط به نیروی جسمی‌اش اکتفا میکرد جز تامین مقداری کمیت‌ها هرگـــز بـــه کیفیت‌ها دست نمی‌یافت. تازه در بسیاری موارد کیفیت‌ها میتوانست و میتواند جبـــران نقص کمیت‌ها را نیز بکند. انسان بعدها متوجه شد که استفاده از نیروی فکر نه تنها برای او کیفیت‌های زیادی را فراهم کرده است، بلکه به کمیت‌های بی‌شماری نیز رسیده است.

درعرصه بروز نیروی فکری استعدادهـــای کفایت‌ها ولیاقت‌ها بمعرض نمایش وخودنمائی گذاشته شد و هر کس که از این ودیعه خلقت سهم بیشتری داشته یا توانست داشته باشد از زندگی بهتری برخوردار گردید.

همین امر سبب شد که انسان بتواند بـــا استفاده از چنین ذوق و استعدادهائی نه تنهـا به برآوردن احتیاجات خود توفیق یابد، بلکـــه مقدار زیادی از امیال فزون خواهی خودرا نیز برآورد.

در این مقاله جای آن نیست که به نحوه و شیوه‌های درست و نادرست و زشت و زیبائی که آدمیزاد درطول تاریخ پیدائی خود دست یازیده است اشاره کنیم و یا بعنوان مثال یاد آور شویم که وی نبوغ و استعداد خود را بخاطر کسب سود و درآمدهای سرشار درچه راههای ناصواب بکار انداخته است

اقتصاد انتفاعی یا طبیعتی نفع طلب

بهرحال از روزیکه تلاش برای معاشـــ و فعالیت‌های اقتصادی فرم خرید و فروشـــ و دادوستد بخود گرفت نفع طلبی وسوداگری ازپی آن پدید آمد..

بعضی‌ها یعنی عده‌ای از تاریخ نگاران آغاز آنرا از امپراطوری روم و عده‌ای نیز تاریخ شروع آنرا قدیم‌تر و گروهی نیز آنرا به پیدایش عصر ماشین نسبت میدهند.

تجارت یا فعالیت اقتصادی مبتنی برخرید و فروش یعنی آنست که فعالیت تولیدی دیگر در حد تامین نیازهای مصرفی تولید کننده محدود نیست و درپی بازار فروش بدیگر مصرف کننده‌ها است. از همین جا جز دو عامل تولید و مصرف شخصیت ثالثی پا به عرصه حیات می‌نهد کـــه نام اورا توزیع کننده گذاشته‌اند، و نظر بـــه سود آوری این کار گروه زیادی از مردم کـــه سابقاً عضو مولد جامعه بوده‌اند تدریجاً به صف افراد غیر مولد می‌پیوندند... و شاید از همیـــن هرج ومرجی بنام کم فروشی، بدفروشی، بـــازار سیاه، گرانفروشی، احتکار پدید می‌آید.

صرفنظر از آنچه در بالا ذکر شد در واقع انگیزه اصلی تجارت وبازرگانی کسب سود است و اگر جز این بود هیچ کس سرمایه خود را را بخطر نمی‌انداخت، آنچه مورد بحث وگفتگو است اینکه سود نباید یکطرفه باشد ونیز اگر سودهای تجارتی مأخذ ومبنا ومعیار ومقیاس درستی نداشته باشد نظم وقاعده جامعه وروابط اقتصادی میان افراد درهم‌می‌ریزد وپدیده‌ای بنام بهره کشی فرد ازفرد بوجود می‌آورد.

سازمانهای اقتصادی با هدفهای غیر انتفاعی

شاید در نوشته‌های پیشین باین موضوع اشاره شده باشد که در ازمنه بسیار دور ونیز پیش از پیدایش پول بصورت وسیله مبادله و برقراری ارتباط نزد یکصیان اقوام و ملل‌مختلف بایکدیگر تمام فعالیتهای تولیدی بخاطر برآوردن نیاز انجام می‌پذیرفت. از اینرو موضوعی بنام سود وعایدی مطرح نبود. هر کس برای اینکه از خدمتی برخوردار شود میبایست متقابلا نیز خدمتی انجام دهد.

بطور کلی هنگامیکه موضوع سود بمیان میآید این مفهوم بذهن متبادر میشود که بین دو طرف دادوستد آنکه سود میبرد باید طرف مقابل را مغبون ساخته باشد تا بتواند ازحاصل فروش مبلغی بیش ازارزش واقعی کالای مورد معامله بدست آورده باشد. لذا هیچ فرد فروشنده و سازنده‌ای که کالائی را بقصد فروش به غیر میسازد ویا تولید میکند از این قاعده مستثنی نمی‌تواند باشد.

سازمانها، مؤسسات وگروههای متشکلی از مردان وزنان را میتوان دید که برای تامین معاش خود مایل نیستند. زیر تحمیلات چنان سیستم نادرست وغیر عادلانه‌ای بسر برند از اینرو بجای آنکه نیازهای خودرا وسیله بازرگان و تولید کنندگان سوداگر تهیه کنند خود تدابیری اندیشیده ودر چارچوب همکاریهای مادی ومعنوی خود خریدار و خود فروشنده خویش میشوند که ما نام آنها را شرکتهای تعاونی مینامیم.

بدون تردید شرکت تعاونی نیز مانند هر مؤسسه وواحد اقتصادی دیگر به تولید، خریدو تبدیل مواد خام بصورت کالای مصرفی اقدام میکند. ظاهر کار شرکت تعاونی مثل سایر مؤسسات بازرگانی ودادوستد خرید وفروش است شرکت تعاونی مانند یک شرکت سهامی یانسبی و تضامنی میکوشد ازسرمایه گذاری خود استفاده کند تا سرمایه شرکت روز بروز بیشتر شده و بتوسعه فعالیت خود اقدام کند، اگر شرکت تعاونی از سرمایه ایکه برای تولید یا خریدو فروش بکار انداخته درآمد بیشتری کسب نکند سرمایه آن زیاد نمیشود ودر نتیجه دست وبالش برای گسترش کارها بسته میشود. امامفهوم و حقیقت درآمد یا سود درشرکت تعاونی با آنچه در بخش خصوصی وانتفاعی جریان می‌یابد کاملاو ازهرجهت متفاوت است.

سرمایه شرکت تعاونی از پس انداز وسهام کوچک افراد کم درآمد شکل می‌گیرد. دادوستد شرکت معمولا با افراد معینی است که عضویت آنرا دارا هستند. شرکت تعاونی سعی میکند کالای مصرفی اعضاء خودرا از دست اول تهیه کند تا مبادا دخالت واسطه‌ای باعث افزایش قیمت کالای مورد دادوستد گردد. شرکت تعاونی کوشش میکند کالای خریداری شده را طوری در انبار وفروشگاه خود حفظ ونگهداری کند که هیچ افت یا کم‌و کسری باعث نشود تاشرکت زیان ببیند. در

هزینه‌های تولید وتهیه کالامانند هزینه‌حمل‌و نقل — انبار داری وهزینه‌های اداری نهایت دقت وصرفه جوئی را مبذول میدارد تا از سرمایه اصلی‌اش دیناری بجاوبی‌ سرازیر نشود.

امور مالی، حسابداری، دفتر داری، انبار داری، حمل ونقل، عرضه وفروش را عده‌ای از اعضاء شرکت در ابتداء امر شخصاً انجام میدهند تا قسمتی ازسرمایه اصلی شرکت صرف پرداخت حقوق ودستمزد باین وآن نشود.

شرکت سعی میکند از خرید کالاهای کم مصرف یا بی مصرف جلوگیری کند تا مبادا سرمایه شرکت بصورت کالا وجنس درانبارو قفسه‌های فروشگاه معطل ماند وتدریجاً فرم آن عوض شده وبدور ریخته شود ویا اجباراً به بهای نازل ترازقیمت خریدفروخته‌شود.

شرکت تعاونی نه هنگام خرید جنس‌از اشخاص گوناگون ونه موقع فروش آن باعضاءراه خدعه — تقلب وتزویر در پیش نمی‌گیرد. هیچگاه اجحاف نمی کند تا به خود شرکت اجحاف نشود.

ادامه دارد

همایونی رئیس کمیته بررسی مسائل کارگری حزب رستاخیز ملت ایران داشتیم اظهار داشت: شک نیست که اجرای بیمه بیکاری در کشور ما، گام دیگری در جهت پیشرفت و رفاه جامعه کارگری خواهد بود. منتهی در تهیه‌واجرای این طرح، باید چندنکته مورد توجه قرارگیرد.

طرح بیمه بیکاری

پدیده‌ای دیگر برای کارگر عصر رستاخیز

از: عباس پزشکی

به عقیدهٔ کارگران و کارشناسان مسائل کارگری:

۱ــ کدگذاری و تنظیم فرهنگ مشاغل
۲ــ منع کارفرما از مراجعه مستقیم به بازار کار
۳ــ آموزش کارگران بیکار
۴ــ تعمیم مراکز کاریابی ازسراسر کشور
۵ــ حل مسئله انتقال کارگر به شهرستانها
۶ــ توجه به مشکل کارگران سالخورده
۷ــ تعیین عادلانه حقوق ایام بیکاری

ازجمله مسائلی است که باید مورد نظر باشد.

هر روز قدم تازه‌ای در طریق تأمین رفاه عمومی برداشته میشود، این ناموس انقلاب شاه ومردم است که بر اساس آسایش هرچه بیشتر طبقات مختلف ملت ایران استوار گردیده است.

سخن ازطرح بیمه بیکاری است، بیمه‌ای که اجرای آن از دیر باز آرزوی طبقه کارگر می‌باشد، وامروز کارگر ایرانی، این آرزو را در حال تحقق یافتن می‌بیند، درحالیکه مشاهده می کنیم نه تنها این روزها کارگری بیکار نیست بلکه کمبود کارگر هم احساس می‌شود، اما طرح بیمه بیکاری، بمنظورتوجه بیشتر به کارگر وآرامش فکری اوست.

اجرای طرح بیمه بیکاری دغدغه‌ای را که بر زندگی بیکاران سایه می‌افکند ازمیان برمیدارد و بجای آن امیدوخوش بینی می‌نشاند. با اینهمه برای آنکه جامعه اعتلاجوی ایرانی، خود را سربار خزانه مملکت و صندوق بیمه بیکاری احساس نکند بموازات کوششی که در اجرای این طرح بعمل خواهد آمد سازمانهائی نیز به تلاش برمیخیزند تا کار مناسب جهت بیکاران فراهم آورند وآنها را بکار گمارند. زیرا ایرانی با فضیلت نژادی وملی خود هیچوقت، تن به اسارت بیکاری وارتزاق بی تلاش نمیدهد.

بیمه بیکاری را باید نوعی تضمین ووثیقه حیاتی دانست. زیرا با افراشتن این چترحمایت است که کارگرانی که باصطلاح بطور غیر ارادی کار خودشان را از دست میدهند، در فاصله قطع حقوق تا برقراری مجدد آن وتهیه شغل تازه، اندیشه تأمین زندگی، آنها را رنج نخواهد داد و اساس زندگیشان از هم گسیخته نخواهدشد. خوشبختانه دولت ووزارت کار و اموراجتماعی که مجری این طرح می‌باشد ازهم اکنون در اندیشه ایجاد شبکه های کاریابی در مملکت است وچنانکه یکی از مقامات وزارت کار اعلام کرده است « در زمانی که فردی بواسطه ازدست دادن شغل خود ازمزایای بیمه بیکاری استفاده میکند، شبکه بیکاری درصدد برمیآید تا در کوتاه ترین مدت ترتیب بکار گماردن مجددوی رابدهد. بهمین جهت برای هدایت جویندگان کار ونظارت بر امور شبکه های کاریابی یک سرویس اشتغال مجهزو گسترده در کشور بوجود خواهد آمد که این سرویس بر ۹ شبکه کاریابی که تا یکسال دیگر باید در مناطق مختلف کشور تشکیل شود، نظارت خواهد داشت. بدیهی است که شبکه های اشتغال مجهز به کلیه امکانات ارتباطی از جمله ،بیسیم ،تلکس وشبکه مخابراتی خواهد بود بطوریکه هر روز کلیه امکانات اشتغال ومشخصات جویندگان کار، از مناطق مختلف کشور به سرویس اشتغال در تهران گزارش خواهدشد.»

با اینهمه باید گفت: اجرای طرح بیمه بیکاری مسائل ومشکلات‌تجنبی‌بسیار دارد. و همین نکته، ایجاب میکند که مطالعه دقیق و بررسی همه جانبه طرح نهائی بیمه بیکاری را که درسال جاری بصورت لایحه‌ای تسلیم قوه‌مقننه خواهد شد، یک ضرورت انکار ناپذیر بدانیم. گو اینکه خوشبختانه وزارت کار واموراجتماعی خود با احساس این ضرورت، طرح بیمه بیکاری را بارهامورد مطالعه دقیق کارشناسان قرارداده وسعی در ارائه طرحی از هرجهت کامل داشته است با اینهمه، سعی کردیم نظر گروهی از کارشناسان ودست اندر کاران‌مسائل کارگری و نیز عقیده خود کارگران را در این بارجویا شویم و همه را بی کم وکاست بچاپ رسانیم، شاید که در این نظرخواهی به مطالب ازیاد رفته ویانکات تازه‌ای روبرو باشیم:

***فرهنگ مشاغل و وظیفه کارفرمایان را ازیاد نبریم.**

در گفتگوئی که در این مورد با دکتر همایونی سپس وظائفی را که صاحبان صنایع در حسن اجرای این طرح برعهده دارند، تشریح کرد وافزود: کارفرمایان‌نقش حساسی در این زمینه برعهده دارند و برای اجرای صحیح طرح بیمه بیکاری باید احساس مسئولیت

نکته اول مسئله اخراج کارگرویا ترک کار از جانب اوست. آگاهی و قضاوت در این باره مستلزم رسیدگی دقیق و ضوابط اساسی می‌باشد تا حقی از کارگر تضییع نگردد و نیز برای وی این تصور پیش نیاید که با ترک کار خود، می‌تواند ازمزایای بیمه بیکاری استفاده نماید ومدتی بعد نیز بکار بهتری اشتغال ورزد. از طرف دیگر، چنانچه فرهنگ مشاغل تنظیم نگردد و یا طرح طبقه بندی مشاغل بطور کامل در کارگاهها پیاده نشود ویا سیستم کدگذاری مشاغل مورد توجه قرار نگیرد، از طرح بیمه بیکاری نمی توانیم آن نتیجه‌ای را که انتظار داریم بدست آوریم.

بیشتری کنند و شرایط [illegible] همواره [illegible] داشته باشند. یکی از [illegible] کارفرمایان، ازمراجعه مستقیم به [illegible] استخدام کارگر به این ترتیب، خودداری کنند و کارگران مورد نیاز خود را بوسیله مراکز کاریابی وازطریق مراجعه به این مراکز تأمین سازند. چه، درغیر این صورت، [illegible] از بین میرود وممکن است [illegible] و لازم برای [illegible] و در عوض [illegible] و [illegible] همین که [illegible] کاریابی را که مهمترین [illegible] طرح میباشد، [illegible] مراکز کاریابی [illegible]

تعمیم یابد و با سیستم [illegible] و [illegible] مجهز شود و بتواند حکومکی [illegible] و [illegible] بطور روزانه روشن سازد.

در کنار این مسائل، اهمیت و ارزش آموزش حرفه‌ای را هم نباید ازیاد برد. چه با ایجاد مراکز آموزش برای کارگران بیکار می‌توان آنان را با حرفه های دیگر آشنا کرد و برای صنایع در حال توسعه، کارگران ماهر و کارآمد تربیت نمود. با در نظر گرفتن این ویژگیهاست که‌می‌توان امیدوار بود طرح بیمه بیکاری بنحواحسن بمورد اجراء گذارده‌میشود.

*** کارآموزی کارگران بیکار برای اشتغال بکار بهتر**

حوزه اسلامی [illegible] کارخانجات [illegible] «[illegible] طرح بیمه بیکاری گامی دیگر درجهت [illegible] کارگران است» به نظر خواهی ما پاسخ گفت و اظهار داد:

[illegible] است درحالیکه [illegible] وتوشیح آن [illegible] کار واموراجتماعی [illegible] مجلس شورا و سنا است. شک نیست [illegible] این طرح در کشور ما [illegible] صنعتی شدن را طی میکند و روز بروز بر تعداد کارگران اضافه میشود، اقدامی بجا وشایسته و درواقع‌گام دیگری است که به پیروی از نیات شاهنشاه آریامهر برای پشتیبانی و تشویق هرچه بیشتر کارگران برداشته میشود زیرا با عملی شدن این طرح، طبقه کارگر کاملا درپوششی از حمایت قانونی قرار میگیرد و بدون هراس از بیکاری های ناشی از نبودن بازار فروش، ورشکستگی کارخانه ویا اتوماتیک شدن مشاغل، درافزایش تولید و بالا بردن کارآئی خود می کوشد. من نیز مانند همه کارگران،

بقیه در صفحه ۴۸

نوشته :شاخه نبات

جواد بساط روزنامه فروشی را درست جلوی آن عمارت سپید بلند پهن کرده بود .عمارتی که درطبقه ششم آن خورشید طلوع کرده بود. اسم دخترک لقا بود . اما جواد اسم «خورشید را روی او گداشته بود ، چون به محض اینکه از گوشه‌ای ظاهر میشد ، همه جا به رنگ نارنجی درمی‌آمد و آفتاب همه جا را درخود میگرفت.

عشق به طور معمول در ابهام متولد میشودودر بی شکلی شکل میگیرد. از نامعلوم‌ترین‌مکان‌ها ناگهان به صورت‌معلوم ترین مسایل درمی‌آیدو زندگی را چنان در پنجه های خود میگیرد که گوئی هرگز خارج از قدرت آن پنجه‌ها قدرتی وجود نمی داشته است .بنابراین یک روزنامه فروش فقیر بی فردا هم میتواند به تنها دختر یک تاجر ثروتمند دل بسپاردوتمامی زندگیش را روی این قمار خطرناک بگذارد. دخترک خیلی سرین بود ، یعنی بیسر از آن که رسا باسد.

شیرین بود .از چشم هایش نور ، از نگاهش زیبایی ، واز لبخند هایش عسل فرو میچکید و به محض این که چشم هایش را به روی کسی باز میکرد ، خودش را در دل او جا میکرد، همانطور که اولین باری که با جواد روبرو شد، مثل یک رادار قوی به او تابید وسراپایش را از عشق روشن کرد وسوزاند ، وقتی که لقا با مجله‌ای که خریده بود به راه افتاد ورفت ،نگاه جواد هم اورا دنبال کرد ، دخترک به اندازه چند متر بالاتر از بساط روزنامه فروشی او وارد عمارت چند طبقه‌ای شد ومثل خورشیدی که زیر ابر برود ، ازچشم های جواد ناپدید گشت. تنگ غروب بود وچراغ هایی که یکی پس از دیگری روشن میشدند، خفگی هوا را میکشتند و نشاطی مصنوعی درچشم ها پدید می‌آورند .چند دانشجوی جوان جلو بساط روزنامه فروشی خم شده بودند وتیتر ها را می‌بلعیدند .زن مسنی سکه‌ای روی بساط انداخت ومجله‌ای برداشت. جواد حتی به سکه نیم نگاهی نیز نیانداخت. چون اندیشه او تنها در اطراف عمارتی که آن دختر عجیب را در خود فرو برده بود ،دور میزد .آن دختر که بود ؟... وآن نیرویی که از چشم های او بیرون آمده وسراپای اورا آنچنان در خود گرفته بود ، از کجا ساطع میشد ؟.. از سرو وضعش معلوم بود از خانواده متشخصی است. درعمارت سپید هم که به قصر پریان مانند بود، بدون شک آدم هایی میزیستند که لیاقت بهره برداری از تمامی نعمات خداوندگار را داشتند و دیگر مجبور نبودند مانند جواد از بام تا شام پشت بساط روزنامه فروشی قوز کنند ودخل وخرج خود را جمع وتفریق کنند. شب در خانه ،ودر اتاق کوچکی که مادر در یک طرفش جانماز خودرا پهن میکرد وبین خود ودنیا دیواری نامرئی میکشید ،ازهمیشه ساکت‌تر بود. به چه چیز فکر میکرد ؟.. خودش هم نمیدانست . حالت کرخ مانندی داشت ،ومثل خرگوشی که در برابر مار بوآئی سحر شده باشد ، چشم برهم نمیزد وپیوسته فقط به آن دختر فکر میکرد. صبح بی اراده بهترین لباسش را که یک کت و شلوار قهوه‌ای رنگ ورو رفته بود ،پوشید و کمی بیش از معمول جلو آینه ایستاد. چهره جوانش عادی ومعمولی بود. درآن نه از زشتی نشانه‌ای دیده میشد ونه از زیبائی ، جوانی بود مثل هزاران جوان دیگر که وقتی در خیابان از کنار شما میگذرند ، کوچک ترین اثر ویا خاطره‌ای درشما نمی‌گذراند. اگرچه دراعماق چشمانش شعله‌ای سو سو میزد که از احساسات درونی و مهربانی بی نهایت او سرچشمه میگرفت . روزنامه‌ها ومجلات را چید ، کتاب ها راهم مرتب کرد ، اما با بیش از یک چشمش کار نمیکرد وچشم دیگرش با اشتیاق به روی بنة آن ساختمان میدوید واز آن بالا وپائین میرفت . نزدیک ساعت هشت یک اتومبیل« کاما روی سبز رنگ جلوی عمارت رسید . سه بار بوق زد ، گوش های جواد لرزید واین بار هر دوچشمش به روی آن بنا متوقف ماند وبه دنبال آن حرارتی ناگهانی در سراپایش دوید . چون دختر دیروزی را دید که کتاب به بغل از عمارت بیرون آمد .موهای بلند سیاهش را پشت‌سرش جمع کرده بود وپاهای کشیده خوش فرمش در یک جفت چکمه جیر خاکستری پنهان بود. به این طرف وآن طرف نگاهی انداخت وبدون آن که به چشم های بهت زده‌وعاشق جواد توجهی کند ، به طرف اتومبیل دوید .راننده که قبلا پیاده شده بود ،سری با احترام فرود آورد ، در را باز کرد وبست . پشت رل نشست وچند لحظه بعد اتومبیل مانند پرنده‌ای سبز در جنگل مغشوش خیابان ناپدید شد .دیگر در این که آن دختر سیاه چشم درآن عمارت زندگی میکرد، شکی نبود ، اما این که در کدام طبقه میزیست، به کدام خانواده تعلق داشت .ونامش چه بود، رازی بود که کشف آن زیاد مشکل نمی‌نمود. بخصوص برای کسی که در تب کنجکاوی میسوخت وتنها با گشودن روزنه‌ای به سوی هوای خنک ومطبوع آرامش می‌یافت. همانطور که روزنامه‌ای را به یک مشتری میفروخت ، افکارش روی یک نقطه متمرکز شد و بلافاصله چهره‌اش از جهش جرقه‌ای که درمغزش درخشیده بود روشن شد.

***

اسمش همانطور که گفتیم لقا بود و با درخشیدن چشم های سیاه و نافذ لقا در آسمان زندگی جواد ، دیگر جایی برای درخشش هیچ ستاره‌ای باقی نمانده بود . روزهایش را بانام او شروع میکرد . هر روز که دخترک به بساط او نزدیک میشد ، سلام اورا با آن لطف خاص دلبرانه جواب میگفت . به رویش می‌خندید و با شکر خنده ، مجله یا روزنامه یا کتابش را از روی بساط برمیداشت وسکه‌ای چند به جای آن میگذاشت . روز خوبی بود . وهر روز که دخترک بدون توجه به او می‌آمد ومیرفت ومثل یک شاهپرک فاصله میان عمارت و اتومبیل را بال‌وپرمیزد ، روزبد حساب میشد وروز هائی هم که دخترک را اصلا نمی دید ، درشمار روز های بیهوده و بی تفاوت بودند. روز هائی که آمدن و نیامدنشان یکی است و جز احساس پوچی و ملال چیز دیگری برای انسان نمیآورند .گاه شبها صغری خانم ، مادرجواد ، که در راه دراز زندگی تجربیات فراوانی اندوخته بود و با چشم هایش گاه پشت چشم ها را هم میدید ، باتلخی ازاو میپرسید : «چه خبره جوادآقا ؟... چرا دیگه لب از لب وا نمیکنی ؟ چته ، واست اتفاقی افتاده که نمیخوای به‌من بگی ؟»

ولی جواد به مادر پیرش چه جوابی میتوانست بدهد . آیا میتوانست از روی آنچه در قلب دیوانه‌اش میگذشت ، پرده برداردو آنچه را که مایه آزارش شده بود ، با او در میان بگذارد و بگوید «مادر ،من دلمو به دختری دادم که هیچ وقت نمیتونه واسه من چیزی بشه . من یک کارگرم مادر و او تنها دختر یک تاجر پول دار وفاصله بین ما به اندازه فاصله میان زمین و خورشیده ...» نه ، او هرگز نمیتوانست با اعتراف به آن حقیقت ، کام پیرزن را از آنچه بود تلخ تر کند . پس به سکوت ادامه میداد و تنها گاهی از اوقات سعی می کرد مسیر فکری مادرش راعوض کند.

— چه سئوالهائی میکنی مادر ؟ من خسته‌ام. خیلی هم خسته‌ام. نه فکر کنی کارمو دوست ندارم . نه ، برعکس ، خیلی هم از کارم خوشم می یاد . اما خوب ، خودت میدونی که توی این کار هیچ ترقی‌ای نیس ، و وقتی فکر میکنم باید تمام آخر عمر پشت بساط روزنامه فروشی بایستم ، قلبم میگیره و خستگیم زیادترمیشه.

گاه پیرزن سری میجنباند و میگفت : «خودتو با این فکرا اذیت‌نکن پسرجون . کی از فردا خبر داره و کی میدونه چه آخر وعاقبتی پیدامیکنه؟»

وآن وقت جواد هم فیلسوفانه سری تکان میداد ومی گفت : «خیلی خوب مادر ، پس‌واسم دعا کن ، شاید معجزه‌ای بشه ، ومن یک دفعه یک‌آدم دیگری بشم.»

ولی آخر در این زمان ، در زمان قدرت مادیات ومرگ معنویات ، دیگر چگونه میتوان عمری را درانتظار معجزه‌ای گذراند و چگونه میتوان به وقوع یک حادثه دوراز انتظار خارق‌العاده امیدوار بود ؟ هر چند که گاه گاه از عمق مادیات نیز نوری سربر میکشد و شعاعی میدهد که نشان دهنده آن حقیقت پنهانی است که هرگز نمیمیرد و با مرگ آن عمر کره خاکی‌نیز پایان میگیرد .

همیشه نوکرها و کلفت‌ها بهترین خبر بیارها و خبر بر ها هستند و بدینسان است که راز خانواده ها هرگز در حقه خود باقی نمی‌ماند و خیلی زودتر از حدتصور برزبان ها جاری میشود و آبروها را به باد میدهد . مدتی بود که دیگر جواد برلبان لقا لبخندی نمیدید. چشم های بزرگ براقش هم بیشتر فرو بسته میشود و اگر کسی از نزدیک به او خیره میشد، از کلفتی پلک و سرخی اطراف نی‌نی چشم ها از بارانی که گاه به گاه از آن فرو می بارید آگاه میشد . حسین آقا سرایدار میگفت « هرشب از اتاق آقا وخانم صدای داد وبیداد میاد . لقا خانم هم بیشتر شبها شام نخورده میخوابه وگاه تا صبح هق هق میکنه .» جعفر آقا ، بقال زیر ساختمان ، میگفت : « انگار دختره عاشق یکی ازاین موبلندهای سرچهار راه شده و پدرش داره ازاین رسوایی دق میکنه .» اما قطعی ترین اخبار پیش احمد ، مستخدم خانه بود . وآنطور که او میگفت : « لقا خانم عاشق یک پسره هیپی به اسم فرشید شده . مدتی هم با او رابطه داشته ، بعد پسره گذاشته ورفته پاکستان . از اونجا هم نامه نوشته اگر منو میخوای پاشو بیا اینجا ، باهم میریم هیمالایا ، وبت و مث درویش ها زندگی میکنیم . اگر هم نمی خوای ، خداحافظ برای همیشه ... » وازآن روز ،لقا پایش را در یک کفش کرده که به دنبال فرشید بره وآقاوخانم هم سفت‌وسخت جلوی اوراگرفته‌اند. مخصوصاً آقا که نماز خون و باخداست قسم خورده اگر دختره این پنبه رو از گوشش بیرون نیاره ، هم خودش رومیکشه و هم اورو...

بیچاره جواد با شنیدن آن شایعات دیگر اصلا خودش را نمی‌شناخت . در آتش آن عشق بی‌امید وبی فرجام آنچنان سوخته بود که گویی ازجواد گذشته جز شبحی باقی نمانده بود که به شبح کسنه با حسرت نگاه میکرد و به آرامش و راحتی روح او درود میفرستاد . گاه شبها به مسجد محل میرفت و در حالی که دستهایش را بسوی آسمان دراز میکرد ازته دل و بی صدا میگریست. آیا از خدا چیزی میخواست ؟ وصال دوست‌را طلب میکرد ، یا رهایی ازدوست‌را ؟... معلوم نیست . چون حتی در نا امیدترین عشقها هم عاشق کمتر به گریز از معشوق می اندیشد و در دورترین نقطه اندیشه‌ها، بازجایی برای امید باقی می‌ماند. ولی آخر جوانی در وضع وحال جواد از خدا چه چیزرا میتوانست بخواهد ؟ ... واین را فقط صغری‌خانم هر غروب، هنگام نماز ، گریه کنان سر به سوی آسمان بلند میکرد و ازخدا میخواست تا درد پسرش را علاج کند. میدانست چون خود او اصلا راه علاجی برای خود نمی‌شناخت تا آن‌را ازخداوند طلب کند ، اما باهمه دردی که درسینه داشت ، هرگاه که به خدا و به آسمان روی می آورد ، در خود آرامش احساس میکرد . انگار صدایی از میان ابرها یا ازدورترین و مجهول‌ترین مکان‌ها به او میگفت : «آرام باش و صبر کن تا به آنچه که میخواهی برسی » و یک شب بعد ازشنیدن آن صدا وقتی به خانه آمد ، مادرش‌را با چشمان به گودی نشسته و رنگ‌پریده میان دو لنگه در خانه به انتظار خود دید . پیرزن با دیدن او جلو دوید ، دستش‌را به گردن پسرش انداخت و با صدای تلخی گفت : « حالت چطوره عزیزم ؟ امشب برات یک سفره حضرت عباس نذر کردم وامیدوارم که بالاخره یک روز لبانت دومرتبه به خنده باز بشه.»

و جواد که گریه درگلویش موج میزد ، برای اولین بار پس ازمدتها گفت : «خوب کردی مادر. شاید نذرو نیازها و نمازو روزه‌های تو بالاخره کارخودش رابکنه ومنو نجات بده.»

پیرزن میان کوچه به پسرش خیره ماند . شاید آرزو میکرد شاید جواد دهن باز کند و دردش را با او درمیان بگذارد ، ولی کارگرجوان که اشک درچشمانش موج میزد ، فقط به کشیدن آهی اکتفا کرد و جلوتر از مادر براه افتاد...

ستاره‌ها روی آسمان برق میزدند ، اما غم اشکی که درچشمان صغری خانم می درخشید ، ازستاره‌ها درخشان‌ترمینمود . دیگر فقط مگر خدا تفضلی میکرد ، وگرنه آن سکوت وحشتناک چاره دیگری نمیتوانست داشته باشد ، و هیچ دستی برای پس‌زدن پرده‌ابهام پیش نمی‌رفت و جواد جلوی چشمان مادرش درحال نابودی بود.

بقیه درصفحه ۸۴

غذای سالم

چیزی است که بدن ما به آن احتیاج دارد

آخرین وجدیدترین اطلاعات مربوط به غذای سالم

انسان برای حفظ بدنش و نگهداری فعالیتش احتیاج به تغذیه دارد. انرژی که همان فعالیت است با کالوری حساب می‌شود.

کالوری مقداری از حرارت است که اگر به یک کیلو آب داده شود، درجه حرارت آنرا از ۱۴/۵ به ۱۵/۵ درجه میرساند.

انسان موقع خواب و استراحت در هر ساعت نسبت به وزن یک کیلو از بدنش یک کالوری مصرف میکند. بنابراین کسی که هفتاد کیلو وزن دارد، وقتی میخواهد اگر هشت ساعت بخوابد، در حدود هفتصدو هشتاد کالوری مصرف میکند.

وزن بدن و نوع فعالیت انسان برای مصرف انرژی فرق دارد. یک آدم فعال، احتیاج به انرژی اش بین ۲۲۰۰ تا ۵۰۰۰ کالوری است که در هر روز مصرف میکند.

یک گرم چربی وقتی مصرف شود، در بدن تولید ۹/۴ کالوری و یک گرم مواد سفیده‌ای یا هیدرات دوکربن ۴/۱ کالوری حرارت تولید میکند.

مواد غذائی عبارتند از:

۱ـ ئیدروکربورها: فروکتوز دکستروزو گالاکتوز از هیدرات کربن های ساده میباشند.

قند طبیعی لاکتوز و مالتوز از هیدرات کربن های دوبل میباشند که از دو هیدرات دو کربن ساده ساخته شده‌اند.

نشاسته، سلولز و گلیکوژن از هیدرات دو کربن های مرکب میباشند. هیدرات دو کربن یکی از مواد غذائی مهم ماست.

سیب زمینی، نان و دیگر غذاهائی که از غلات تهیه شوند مثل برنج، میوه‌های خشک، قند، عسل، از مواد غذائی اصلی هستند.

نقش دستگاه هاضمه اینست که هیدرو-کربور های مرکب را به هیدرو کربورهای ساده درآورد تا با سوخت آن و با تبدیل آن به انرژی بصورت آب و اسید کاربونیک درآید و بشکل گلیکوژن درآید که کبد این کار را بعهده دارد.

۲ — چربی‌ها

در طول دورهٔ هضم غذا، صفرا ترشح میکند و بروی غذا میریزد و آنرا به ذرات کوچکی درمیاورد، عمل ترشح روده‌ها که بنام «لیپاز» معروف است این ذرات ریز غذا را به گلیسرین و اسیدهای چربی تبدیل میکند.

این دو از جدار روده ها عبور میکنند و با مواد دیگری دوباره ممزوج میگردند و چربیهای خنثی را بوجود میاورند و با رگهای خونی به مخزن چربیهای بدن میروند.

نیازمندیهای روزانه ما به چربی‌ها چهل تا شصت گرم است که کمال مطلوب اینست که یک چهارم یا یک سوم این مقدار چربی از چربیهای گیاهی باشد که از روغن های مایع نباتی طبیعی که سفت نشده‌اند انتخاب گردد. زیرا روغن های گیاهی طبیعی، خواص ویتامین ها مخصوصا ویتامین «اف» دارد و این روغن ها باید با فشار سرد از تخم زیتون، بادام زمینی (آراشید) تخم آفتاب گردان، کنجد، پنبه‌دانه بدست آمده باشد.

۳ — پروتئین ها

مواد سفیده‌ای یا آلبومین یا پروتئین دارای کربن، اکسیژن، آزوت، هیدروژن، گوگرد، فسفر و احتمالا آهن نیز میباشند، عمل دستگاه هاضمه آنها راتبدیل به عناصر ساده‌آسیدهای آمینه و بعد اسید های چربی میکند وسپس سوخت و سازبدن آنرا به آب واسیدکربنیک مبدل میکند.

قسمت اعظم مواد سفیده‌ای پس از تبدیل به سلولهای مختلف بدن تولید هورمونها ومخمر درمیاید.

غذاهای قابل هضم و مربوط به اعمال بدن

غذاهائی هست که مطلقاً برای نگهداری بدن وحفظ تندرستی ضرورت دارد.

غذاهائی که هیچگونه انرژی تولیدنمیکنند هیچوقت نمیتوانند جانشین غذاهائی که اعمال بدن را ادا رهمیکنند بشوند.

غذاهائی که برای دستگاه بدن لازم هستند عبارتند از:

ویتامین ها

ویتامین ها موادی هستند که در اغذیه شناخته شده‌اند و وجود آنها ضرورت مطلق برای خوب کارکردن دستگاه بدن دارد.

کسرو فقدان آنها دربدن تولید بیماریهائی میکند که تحت عنوان «آویتامینوزها» معروف شده‌اند.

نیاز بدن ما به ویتامین ها قبلا بوسیله تغذیه گیاهی تأمین میشود وویتامین ها را بدو دسته اصلی تقسیم میکنند که یکی دسته ویتامین های لیپوسولوبل (درچربی حل میشود) مثل ویتامین-های آ، د، «ا»، و «کا» و دیگری ویتامین هائی هستند که (هیدروسولوبل) نامیده میشوند یعنی در آب حل میگردند مثل ویتامین های ب، ترکیب شده وث و هاش وپ که شرح آنرا در زیر میدهیم تا خوانندگان بیشتر بآن آگاهی یابند:

بقیه در صفحه ۸۳

بسیاری از بیماریها را معالجه می‌کند

اسرار رعدو برق یا «آسمان درخش» هنوز درست کشف نشده است و دانش و تکنولوژی امروز، با وجود این که پیشرفت زیادی کرده است، ولی هنوز در کشف اسرار این پدیده آسمانی بجائی نرسیده‌است.

رعدو برق کشنده است، اما پاره‌یی از بیماری‌ها را نیز معالجه می کند. در این جا فهرست وار، چند نمونه از کارهای شگفت‌انگیز این برق آسمانی را بازگویی کنیم:

* در انگلستان، آسمان درخش، یک پیرمرد را که ۲۰ سال فلج بود، گرفت. این مرد بعداً با کمال تعجب مشاهده کرد که می‌تواند راه برود، اما پزشکان نتوانستند دلیل این معجزه را توضیح بدهند.

* یک پیرمرد ۷۰ ساله که سه سال نابینا بود، درجریان یک رعدو برق نیرومند، از نو بینائی خود را باز یافت و هر تابش آسمان درخش (رعدو برق)، بینایی بیشتری به او داد بطوریکه وقتی توفان پایان یافت، وی توانست به آسانی روزنامه بخواند.

* درفرانسه رماتیسم متصدی یک مهمانخانه را تقریباً به طور کامل فلج کرده بود. اما یک روز آسمان درخش به او ضربه زد و او را بی هوش نقش زمین ساخت؛ وقتی به هوش آمد، کمترین اثری از بیماری دراو دیده نمی‌شد.

* در نیویورک آسمان درخش به یک جوان ۲۳ ساله ضربه وارد کرد. او بی‌هوش نقش زمین شد و تنها صدمهٔ جدی که به او وارد شد، این بود که شیشه‌های عینک‌اش ذوب گردید.

* درجنوب فرانسه رعدو برق یک زن را بی هوش به زمین انداخت، اما فقط گوشواره‌هایش را ذوب کرد.

* یک پزشک فرانسوی، در جریان آسمان درخش، درحالی که داشت قدم می‌زد، ناگهان احساس کرد که از ریش هایش دود بلند شده است. عجیب این جاست که او حتی دچار سوختگی مختصر هم نشد. وی با خود فکر کرد که ریش هایش از نو خواهد روید، اما تاکنون چنین نشده‌است.

* یک دختر جوان اسکاتلندی در جریان رعد و برق سرش طاس شد، اما صدمهٔ دیگری ندید. جالب این جاست که مو های او، به عکس ریش های پزشک فرانسوی، از نو رویید.

* در انگلستان یک مرد داشت از چنگ آسمان درخش می گریخت، اما اتفاقاً روی حصیر سیمی که دم درمیخانه یی پهن شده بود، قدم گذارد. آسمان درخش او را گرفت، اما تنها حادثه‌یی که اتفاق افتاد، این بود که یقهٔ پیراهنش ذوب شد.

* درفرانسه آسمان درخش یک دود کش فلزی را ذوب کرد، یک تخت را نیز متلاشی کرد و آن را به صورت توده‌یی از زغال درآورد و کسانی را که روی تخت بودند، به شدت تکان داد، اما کمترین صدمه‌یی به آن ها وارد نکرد.

* در انگلستان آسمان درخش به یک خانهٔ

بقیه در صفحه ۹۸

کارگران این کارخانه از غذای گرم و ارزان قیمت استفاده می نمایند

با احداث شیرخوارگاه کارگران زن با فراغ خاطر فعالیت روزانه خود را دنبال می کنند.

باسهیم شدن کارگران در سود کارخانه کارگر با اطمینان و احساس مالکیت وظیفه خطیر خودمی دهد.

کارخانجات پارس الکتریک:

*** به کارگران واجد شرایط وام ضروری بدون بهره پرداخت میشود.**

*** برای اطفال کارگران زن، شیرخوارگاه تأسیس شده است.**

*** کارگران در موقع ازدواج میتوانند برایگان از سالن اجتماعات کارخانه استفاده نمایند.**

به پیروی از منویات شاهنشاه آریامهر مبنی بر تأمین حداکثر رفاه کارگران، کارخانجات پارس الکتریک کلیه تسهیلات رفاهی لازم را در حد امکانات خود برای کارگران فراهم آورده است.

این کارخانه از سال ۱۳۳۱ فعالیت خود را در صحنه اقتصادی کشور با حدود ۵۰ کارگر آغاز نمود که هم اکنون این رقم به بیش از ۲۰۰۰ نفر رسیده است. از این عده حدود ۷۵۰ نفر زن و ۱۲۵۰ نفر مرد می‌باشند و در حال حاضر در یک یا دو شیفت ۸ ساعته مشغول به کار می باشند.

شرکت کارخانجات پارس الکتریک در ابتدا با سرمایه اندکی شروع به کار کرد و روزانه با مونتاژ ۱۰ تلویزیون و ۶۰ رادیو کار تولیدی خود را آغاز کرد و اکنون این رقم به مقدار قابل توجهی افزایش یافته است و انواع رادیو و تلویزیون برقی و ترانزیستوری را در اندازه‌های گوناگون تولید می‌نماید.

این شرکت عام بوده و سرمایه کنونی آن ۴۸۰ میلیون ریال است.

مدیریت این کارخانه از آغاز تأسیس همواره با کوشش پی‌گیر در صدد تأمین رفاه کارگران خود بوده زیرا اعتقاد داشته است که با تکیه بر نیروی خلاقه کارگر میتوان هر روز کیفیت و کمیت کالای ساخت کارخانجات خود را بالا برده و دین خود را به اقتصاد شکوفان ایران ادا نماید.

با اعتقاد به این اصول کارخانه مذکور گامهای اساسی در راه تأمین رفاه کارگران خود برداشته است، به طوری که هم اکنون کلیه کارگران از مزایای گوناگون رفاهی استفاده می‌نمایند.

نه تنها کارگران در سود کارخانه سهیم شده‌اند بلکه با توجه به اینکه شرکت به صورت سهامی عام می‌باشد و مقدار قابل توجهی از سهام شرکت در دست کارگران است با احساس مالکیت و مسئولیت چرخهای این صنعت عظیم را می‌گردانند. کلیه کارگران کارخانه نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه بوده و از مزایای درمانی و غیره بهره‌مند می‌باشند. علاوه بر این کلیه کارگران کمک عائله‌مندی دریافت می کنند.

نکته بسیار قابل توجه این است که کارخانه دارای وسائل کمک‌های اولیه و درمانی است تا در صورت ایجاد سانحه‌ای برای کارگران بلافاصله به کارگر بیمار و آسیب دیده تا رساندن به پزشک و بیمارستان خدمات درمانی اولیه ارائه شود. در این کارخانه به کارگران غذای گرم و ارزان قیمت داده می‌شود.

کارخانجات پارس الکتریک در سال گذشته به تبع قانون گسترش مالکیت صنعتی اقدام بفروش سهام خود نمود و کارگرانی که دارای سه سال سابقه کار بودند توانستند سهام کارخانه را طبق مقررات جاری خریداری نمایند.

کارخانه دارای یک کلاس مجهز پیکار با بیسوادی می‌باشد تا با همکاری مسئولان مربوط ریشه جهل و بیسوادی را از میان کارگران شریف خود برکند و کارگران با دانش و آگاهی بیشتری مسئولیتهای خود را به انجام برسانند.

وام ضروری به کارگران

به کارگران باسابقه این شرکت وام ضروری بدون بهره داده میشود تا در صورتیکه مشکلی برای آنان پیش آمده باشد، بتوانند در رفع مشکل خود به موقع اقدام نمایند. با وجودی که کارخانه در داخل شهر تهران قرار دارد معذالک برای رفاه بیشتر آنان در نقاط مختلف شهر و خارج شهر سرویس ایاب و ذهاب دائر است.

از دیر باز برای کارگران این کارخانه باشگاه ورزشی برقرار است که دارای سالن سرپوشیده کشتی و بوکس و ژیمناستیک و وزنه‌برداری می‌باشد.

برای کارگران واحد مددکاری وجود دارد که برای رسیدگی به مشکلات شخصی و خانوادگی کارگران فعالیت نموده و آلام آنان را تسکین می بخشد.

سرویس پزشکی کارخانه دارای یک آمبولانس و یک پزشکیار با تجربه است که بطور دائم در محل کارخانه مستقر و مشغول کار می‌باشند.

شیرخوارگاه

شرکت کارخانجات پارس الکتریک برای رفاه حال کارگران زن شیرخوارگاهی دائر کرده است تا کارگران زن در موقع کار با خیال راحت انجام وظیفه نمایند. در این قسمت مسئولانی گمارده شده‌اند که در هنگامیکه مادرانشان همگام و دوش به دوش مردان چرخهای عظیم این صنعت را می گردانند عهده‌دار پرستاری و نگهداری کودکانشان باشند.

کارگران عزیز روز کارگر را به همه شما عزیزان تبریک می گوئیم.

روزنامه
رستاخیز

کارگر

شمارهٔ دوازدهم
دوشنبه سیزدهم اردیبهشت‌ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

قائم‌مقام دبیر کل حزب رستاخیز:

کارگران از وفادارترین سربازان شاه و مملکت هستند

*سازمان کارگران باید از تحرک ویژه‌ای برخوردار باشد.
*سازمان کارگران باید در گسترش شبکه سیاسی حزب فعالیت گسترده‌ای داشته باشد.

آقای فریدون مهدوی وزیر مشاور و قائم مقام دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران ، درجلسه مشترك نمایندگان کارگران رؤسا ، دبیران و دیگر مسؤولان سندیکا های کارگری تهران ، ری و کرج که در محل سازمان کارگران تهران تشکیل شد ، فلسفه حزب رستاخیز ملت ایران و لزوم مشارکت کارگران را در برنامه های مملکتی تشریح کرد و به پرسش های کارگران پاسخ گفت :

آقای مهدوی گفت : [illegible] حزب رستاخیز که حزب فراگیر [illegible] ملت ایران است.

باید کوشش ها، مصروف این اصل مهم شود که همه سازمانهای مملکتی وخصوصاً سازمان های اجتماعی که در رأس آن سازمان کارگران ایران قراردارد، هرچه بیشتراساس خود را با هدفهای حزب منطبق سازند. فلسفه حزب، مشارکت - نظارت - واظهارنظر همه مردم در برنامه‌های مملکتی است، زیرا به‌این ترتیب است که‌اصالتها حفظ میشود و تحقق هدفها به‌آسانی میسرمیشود. باتوجه به‌این هدفها بود که دبیر کل حزب رستاخیز پیش‌نویسی باهمکاری حزب و کارشناسان وزارت [illegible] و [illegible] اجتماعی، بعنوان اساسنامه سازمان [illegible] خواهی کارگران گذارد [illegible]

[illegible] سازمان کارگران [illegible] تهیه‌شده باشد، سازمان را تمام و [illegible] خود میدانند ولذا برای تحقق هدفها وپیشرفت وتوسعه‌آن، از دل وجان‌می کوشند، زیرا میدانند در سازمانی‌تشکل یافته‌اند، که هدف آن پیشرفت جامعه کارگری ایران‌است.

آقای مهدوی سپس موارد مختلف‌اساسنامه را مورد بررسی قرارداد وبااشاره به‌ارزش شرکت کارگران دراین نظرخواهی افزود:

باید بکوشیم با برخورداری از تجربیات و نظرات شما کارگران ، سازمانی را بنیان گذاریم که همهٔ کارگران که از وفادارترین سربازان شاه و مملکت هستند باعلاقه وایمان در آن‌گرد هم‌آیند و برای تحقق هدفهای خودوپیشرفت مملکت فعالیت وسیعی داشته‌باشند. ماا کنون در مملکتی زندگی [illegible] که رهبرآن، علاقمشان بیش از [illegible]

[illegible] صنعتی [illegible] ودرراه پیشرفت وترقی گام های جدیدی برمیدارد وتنهاطی مدت دهسال به‌پایه‌ای از توسعه و شکوفائی صنعتی‌رسیده که‌میلیونها کارگر در واحدهای صنعتی آن مشغول کارند و هرروزهم براعتبار واهمیت کارگران آن افزوده میشود. این نکات ایجاب میکند که سازمان کارگران از تحرك ویژه‌ای برخوردار باشدواساس کار خود را برپایه‌ای‌گذارد که‌بتواند ضمن تأمین خواسته‌ها، حفظ منافع صنفی وتأمین بیشتر رفاه کارگران، در گسترش شبکه سیاسی حزب، یعنی تشکیل کانونها نیزفعالیت گسترده‌ای داشته‌باشد.

وزیر کار وامور اجتماعی:

۱۶۳۷۰ قرارداد خرید سهام واحدهای تولیدی بامضاء رسید

*جمع سرمایه‌گذاری دراین امر به ۴۸ میلیارد ریال رسیده است.
*[illegible] قرارداد جدید خرید سهام برای امضاء کارگران آماده‌شده

امیرقاسم‌معینی وزیر کار وامور اجتماعی در جلسه‌ای باحضور معاون روابط صنعتی و بهره‌وری ومدیرکل گسترش مالکیت واحدهای تولیدی وصنعتی رئوس مسائل

مربوط به کیفیت اجرائی اصل سیزدهم انقلاب‌شاه‌ملت‌راتشریح کرد

وزیر کار وامور اجتماعی گفت: ماا کنون ۱۶۳۷۰ قرار داد خرید سهام کارخانه مابین کارگران وکارفرمایان بامضاء رسیده است که اسناد مربوط به این امر توسط مأمور اجرائی به کارگران تسلیم خواهد شد.

وزیر کار افزود : جمع مبلغ سرمایه گذاری شده دراین امر حدود ۴۸ میلیارد ریال‌می‌باشد وحدود ۲۴۰۰ قرار داد جدید خرید سهام واحدهای تولیدی‌وصنعتی برای امضاء کارگران آماده شده است که از طریق اعزام مأموران بکارگاههای تهران وشهرستانها نسبت به تجدید سهام کارگران اقدام خواهد شد.

وزیر کار وامور اجتماعی اظهار امیدواری کرد که در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی تعداد بیشتری از کارگران کارگاههای مشمول گسترش مالکیت صنعتی به سهام کارخانه‌های تولیدی وصنعتی دست یابند وبا کار وتلاش بیشتر موجبات رضایتمندی خاطر مبارك شاهنشاه‌آریامهر رافراهم کنند.

در کنفرانس آموزش حزب آقای هویدا گفت :

میتوانیم مملکت را برای یک جهش دیگر آماده کنیم

*پیشرفت ایران مرهون فرماندهی شاهنشاه است که سالها پیش امروز و ایران فردا را ترسیم فرمودند.
*در بحرانی ترین مواقع تاریخ هیچگاه شکست را باور نکردیم

کنفرانس آموزشی سیاسی حزب با سخنان آقای هویدا نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران کارخود راآغاز کرد.

در این کنفرانس که با شرکت مسئولین حزب در شهرستانها و گروه کثیری از مقامهای حزبی تشکیل شد آقای هویدا با اشاره به شرفیابی اعضای دفتر سیاسی و هیات اجرائی حزب به پیشگاه شاهنشاه آریامهر به چگونگی تشکیل حزب در یکسال و چند ماه گذشته پرداخت و گفت : مرامنامه و اساسنامه حزب خطوط حرکت و پیشرفت حزب را تعیین کرده است و باید برای شناخت دیالکتیک انقلاب ایران برنامه گفت و شنود بین اعضای حزب را در همه نقاط کشور بطوروسیعی بمورد اجرا گذاشت.

اهمیت گفت‌وشنود

نخست وزیر با تاکید بر اهمیت برنامه گفت وشنود یادآور شد که به همین دلیل مسئولان حزبی و دولت مرتباً به استانها و شهرستانها و بخشها خواهند رفت و به همین منظور نیز برای رسیدگی به مسایل استانی بزودی اعضای هیات دولت دستجمعی عازم آذربایجان خواهند شد.

دبیر کل حزب تاکید کرد : پیشرفت ایران مرهون فرماندهی شاهنشاه است و این شاهنشاه هستند که سالها پیش سیر حرکت ایران امروز و نیز ایران فردا را ترسیم فرمودند و باید همه ما تلاش خود را برای رسیدن به آن هماهنگ وفزونتر کنیم و راهها را هموارتر سازیم.

آقای هویدا اضافه کردند : اینک ما ازلحاظ حزبی بجائی رسیده‌ایم که میتوانیم مملکت را برای یک جهت دیگر آماده سازیم.

— گزارش آقای عاملی تهرانی

قبل از سخنان آقای هویدا نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز — آقای محمدرضا عاملی تهرانی رئیس کمیته آموزش سیاسی حزب طی گزارشی گفت : این کنفرانس باشرکت ۱۵۹ تن از اعضای حزب در شهرستانها که از سوی مقامات محلی برگزیده شده‌اند تشکیل یافته تا آنها طی جلسات آن با تجربیات کمیته آموزش سیاسی در زمینه تشکیل کلاسها وجلسه های گفت وشنود آشنا شوند.

وی افزود : کمیته آموزش سیاسی که در شهریور ماه سال گذشته تشکیل شده است ، کارخود را با این برداشت آغاز کرده است که بتواند آگاهی سیاسی را در تمام سطوح گسترش دهد.

حزب رستاخیز ملت ایران که به پیشنهاد شاهنشاه ایران زمین و با اقبال همگانی زنان و مردان رشید میهن ما شکل گرفته است ، مظهر تشکیل ملت ما است که با درخشش دیگر از کهن آئین شاهنشاهی ایران همراه گشته است ومقدمات اجتماعی و اقتصادی آن درطی نیم سده پرثمر دوران پهلوی که سالهای پرکوشش انقلاب شاه وملت را نیز در برداشته ، فراهم آمده است.

رضایت خاطر شاهنشاه

به منظور پدید آوردن نخستین فرصتهای اندیشیدن و گفت وشنود کمیته آموزش‌سیاسی بحث درباره منشور جاویدان مرامنامه واساسنامه را که عالیترین سندهای بنیادی حزب ما هستند ، دردستور کارخود قرارداد و به همین دلیل ازهم اکنون برای فرمان تاریخی شاهنشاه آریامهر در زمینه تدوین فلسفه کلی اصول انقلاب شاه و ملت بصورت یک سیستم جامع فکری ایده — ئولوژیک در زمینه کار خود اهمیتی بی همتا قایل است.

در دومین روز گردهم‌آئی مجریان برنامه گفت وشنود حزب داریوش همایون عضو هیات اجرائی حزب زیرعنوان «ایران درعرصه سیاست جهانی» سخن گفت و روابط ایران با ابر قدرتها را از ۲۰۰ سال قبل تاکنون مورد تجربه و تحلیل قرار داد وگفت : کشور ما در صحنه جهانی یک کشور استثنائی است زیرا ایران از کشورهای معدودی است که درعرصه جهانی با تمام ابرقدرتها روبرو بوده وشاید بتوان گفت — ایران تنها کشوری است که با یک سیاست استثنائی توانسته است باتمام ابر قدرتهای جهانی روابط دوستانه‌ای داشته باشد.

حوزه های منافع ایران

داریوش همایون در قسمت دیگری از سخنان خود از حوزه های اصلی منافع ایران سخن گفت و افزود : کشوری مثل ایران که از استعداد ملی برخوردار است باید روابط خارجی گسترده‌ای نیز داشته باشد. در مورد ما چنین بوده وهست ولی برای هر کشوری یک حوزه منافع اصلی وجود دارد برای ایران هم خلیج فارس واقیانوس هند و کشورهای آسیای‌جنوبی وغربی حوزه های اصلی منافع را تشکیل میدهند.

خلیج فارس [illegible]

[illegible]

دبیر سیاسی حزب درباره سه اصل بنیادی حزب [illegible] سخن گفت. منوچهر آزمون که درسالن امفی تئاتر دهکده المپیک برای [illegible] مسؤولان و نمایندگان حزب در [illegible] یک جبهه و برای یک منظور که آنهم سربلندی و پیروزی ایران بمفهوم بسیار وسیع خود میباشد به هم پیوند داده است.

[illegible] درسخت ترین شرایط به [illegible] و با فرماندهی قاطع [illegible] و فردا را ترسیم [illegible]

[illegible]

مهدی قاسمی [illegible] اقتصادی ایران گفت : ما میتوانیم مدعی باشیم [illegible] اقتصاد خود شیوه‌ای ایرانی و منطبق با شرایط وموقعیت اجتماعی خود برگزیده‌ایم و این شیوه بر سه اصل از اصول انقلاب شاه وملت یعنی اصل چهارم و اصول سیزدهم و چهاردهم پایه گذاری شده است.

منوچهر گنجی [illegible] گفت : برای اینکه [illegible] اجتماعی خود [illegible] درجامعه را [illegible]

انجمنهای دموکراتیک استانها درآینده یکی ازموهبت های انقلاب خواهد بود.

منوچهر گنجی افزود : کانونهای حزبی ضمن آنکه محل شناخت و برداشت مردم از سیاست ها میباشد محل ازمیان بردن بدبینی و بی‌اعتمادی و جلب مشارکت مردم در زمینه سیاسی واعمال نظراتشان بردستگاههای مملکتی [illegible].

در چهارم روز کنفرانس آموزشی حزب محمود جعفریان معاون سازمان رادیوتلویزیون ملی ایران پیشرفتهای انقلابی ایران را تشریح کرد.

معاون سازمان رادیوتلویزیون گفت : بزرگترین مسئله مورد توجه در جامعه انقلابی ما شیوه تفکر امروز ایرانی ، نسبت به کلیه مسائل و رویدادهای اجتماعی و همچنین بحث و تجزیه و تحلیل مسائلی است که ما را به مفاهیم انقلاب نزدیک میکند.

محمود جعفریان افزود : فرهنگ ما فرهنگی است آنچنان ریشه‌دار که طی دوران تاریخ در بحرانی ترین مواقع هیچوقت شکست را نشناخته و باور نکردیم . ضمناً این را نباید فراموش کنیم که کشور ما با سرعت رو به صنعتی شدن پیش [illegible] ود و پیشرفتهای صنعتی و علمی وبهبود وضع اقتصادی تاثیر مستقیم روی فرهنگ ما خواهد گذارد وبنیادهای خانوادگی و اجتماعی بعد [illegible]ه‌ای خواهد بخشید . ولی اندیشه متحول و شیوه تفکر انقلابی لازم است که درعین بهدرست رسیدن وصنعتی‌شدن هوشمان را ازدست ندهیم.

کنفرانس آموزشی حزب پس ازشش روز بحث‌وبررسی با سخنان آقای فریدون مهدوی قائم‌مقام دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران بکارخود پایان داد.

مرکز تعلیمات حرفه‌ای کرج با ۲۱

* آموزش زبان نقش عمده‌ای در این مرکز دارد.
* این مرکز با همکاری کارشناسان خارجی امر سرپرستی را بعهده دارد.
* مربیان این مرکز خود را برای آموزش فنی همگانی آماده کرده‌اند.

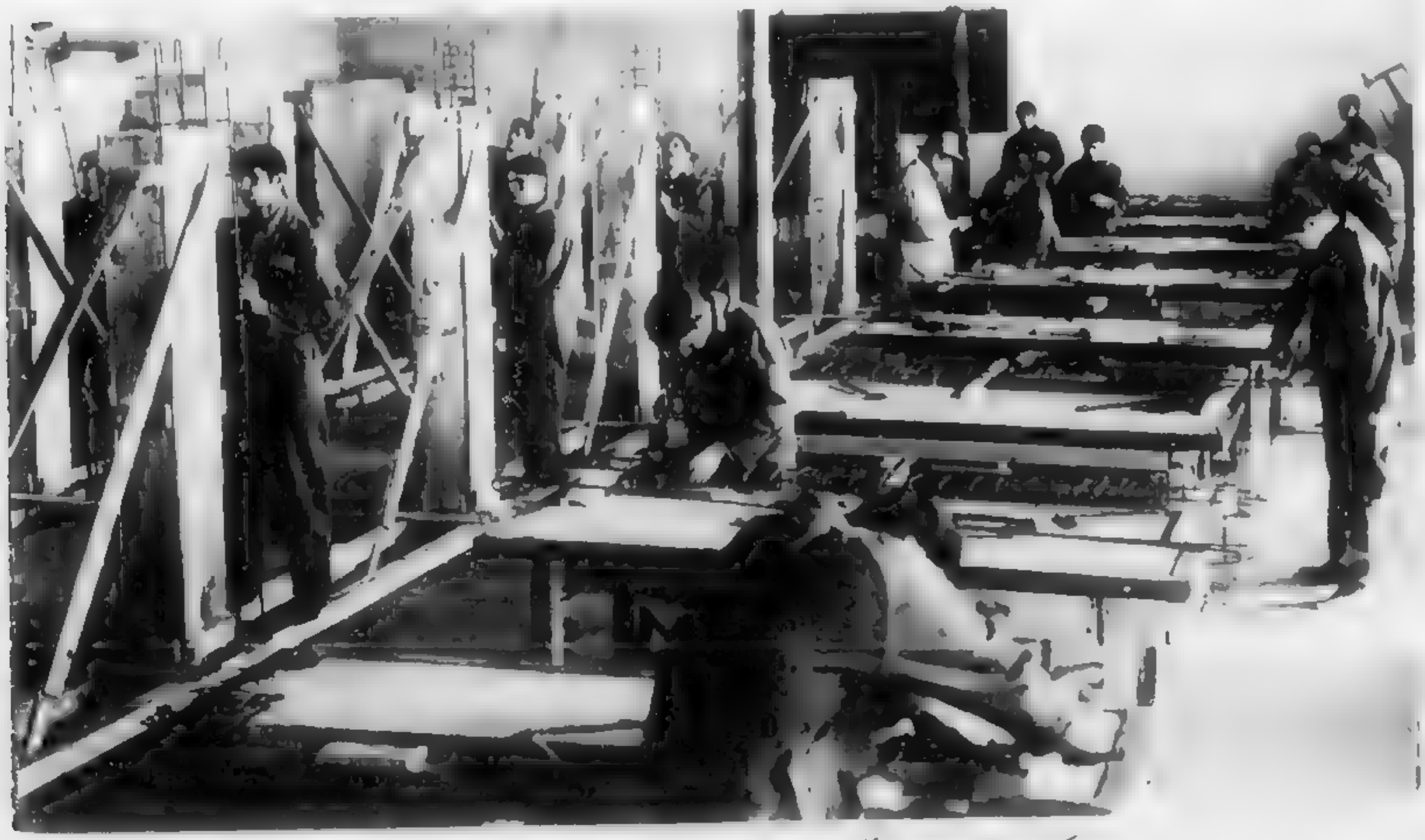

رشد سریع اقتصادی کشور نیاز ما را به نیروی انسانی ماهر روزبروز افزونتر میکند از اینرو برای اینکه بتوانیم با این رشد همگام شویم باید خود را از هرحیث تجهیز کنیم.

یکی از سازمانهائی که برای تجهیز این نیرو فعالیت چشمگیری دارد اداره کل آموزش حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی است.

این واحد که همگام با صنعتی‌شدن کشور بوجود آمده برای آنکه بتواند در این امر مهم سهمی بسزائی داشته باشد به ایجاد مراکز تعلیمات حرفه‌ای برای افزایش سطح مهارت حرفه‌ای و تخصصی افراد اقدام کرده است. از این رو در نقاط مختلف مملکت که از نظر صنعت گسترش بیشتری یافته و درنتیجه نیاز به کارگر ماهر و نیروی متخصص برای بحرکت درآوردن چرخهای صنعت بیشتر احساس میشود به تاسیس مراکز تعلیمات حرفه‌ای پرداخته است.

ازجمله مراکز تعلیمات حرفه‌ای که از آغاز این برنامه تاسیس شده مرکز تعلیمات حرفه‌ای کرج است.

مرکز تعلیمات حرفه‌ای کرج که یکی از مراکز نمونه و کامل اداره کل آموزش حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی میباشد در زمینی به مساحت یکصدوده‌هزارمترمربع در قسمت جنوبی کرج واقع در منطقه صنعتی شهر کرج قرار دارد.

از جمع کل مساحت این مرکز چهارده هزاروپانصد مترمربع آن اختصاص به کارگاهها کلاسهای نظری — رستوران — خوابگاه مجهز — ساختمان اداری — کتابخانه و سالن ورزشی دارد که درکنار آن واحدهای مسکونی کارکنان مربیان مرکز که در سمت خدمت در آنها زندگی میکنند احداث شده است.

رشته‌های آموزشی

هم اکنون در این مرکز ۲۱ رشته آموزشی دایر میشود که شامل رشته‌های تعمیر و نگهداری موتور - تعمیر و نگهداری وسائط نقلیه سنگین اتوبوس - تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات کشاورزی - کاربرد ماشینهای کشاورزی — پلاستیک‌سازی - ابزاردقیق - لوله کشی — شوفاژ و تهویه — بتون‌آرمه — نجاری .قالب‌سازی — فلز کاری — تراشکاری - ریخته‌گری — مدل‌سازی - جوشکاری برق جوشکاری گاز — ورق کاری الکترونیک — الکترومکانیک — و ماشینهای

ماشینهای راهسازی

اعز کر

این مرکز در مهرماه سال ۱۳۴۶ تاسیس شد و در آغاز کار برای پنج رشته کارآموز پذیرفت ولی بمرور زمان و با توجه به نیاز کشور به نیروی متخصص این مرکز نیز توسعه یافت و بر رشته‌های تخصصی خود افزود تا آنکه در سال گذشته تعداد رشته‌های آموزشی این مرکز به ۱۸ حرفه افزایش یافت و در سال جاری نیز ۳ رشته دیگر بر آن اضافه شد و جمعاً به ۲۱ رشته رسید.

مرکز تعلیمات حرفه‌ای کرج در آغاز کار خود ظرفیت پذیرش کارآموز چندانی را نداشت ولی ظرفیت پذیرش در سال گذشته در هر دوره به ۲۵۰ رسید که این تعداد درسال جاری در هر دوره به ۵۵۰ نفر فزونی یافت یعنی درحال حاضر این مرکز در هر دوره ۵۵۰ کارآموز در ۲۱ رشته تربیت میکند که البته این تعداد نیز در آینده افزایش خواهد یافت.

با افزایش تعداد کارآموزان این مرکز قادر خواهد بود در هر سال تعداد ۱۶۵۰ نفر را آموزش دهد و با درجات تخصصی مختلف ببازار کار معرفی کند.

مدت کارآموزی

مدت کار آموزی برای دست‌یافتن به تخصص در رشته‌های مختلف چهار الی شش ماه تعیین شده که در کلیه رشته‌های تخصصی مدت کارآموزی چهارماه میباشد وبنابراین مرکز درهرسال سه دوره کارآموز میپذیرد.

کارآموزانی که چهارماه دوره کارآموزی را طی میکنند مدت آموزش آنها بر حسب زمان ۸۴۰ ساعت است که از این تعداد ۷۰۰ ساعت آن به آموزش عملی و ۱۴۰ ساعت آن به آموزش نظری اختصاص می‌یابد و کارآموزان دسته دوم که مدت کارآموزی آنان شش ماه است در زمانی معادل ۱۱۲۰ ساعت آموزش می‌بینند که ۹۰۰ ساعت آن را آموزش عملی و ۲۲۰ ساعت بقیه را آموزش نظری اشغال کرده است.

آموزش عملی رکن اصلی آموزش حرفه‌ای را دارد از اینرو در اکثر رشته‌ها سواد خواندن و نوشتن برای دست یافتن به تخصص آن رشته کافی میباشد.

شرایط پذیرش کارآموز

با توجه به جهاد ملی با بیسوادی که در کلیه سطوح کشور با اقدامات پیگیر مسئولین و سازمانهای مختلف مملکتی در دست اجرا است این مرکز نیز کارآموز بی سواد را نمیپذیرد و کسانی میتوانند به این مرکز راه یابند و دوره کارآموزی را طی کنند که حداقل دارای سواد خواندن ونوشتن باشند. در رشته‌های ابزاردقیق - الکترونیک - الکترومکانیک - ماشینهای راهسازی — مدلسازی — شوفاژ و تهویه کارآموزانی میتوانند ثبت‌نام و کار-آموزی کنند که حداقل دارای مدرک قبولی سیکل اول متوسطه یا پایان دوره راهنمائی باشند.

کارآموزان مرکز بطور شبانه روزی هستند و بدین منظور خوابگاه مجهزی با ظرفیت پذیرش بیش از پانصد نفر احداث شده است.

کارآموزان در مدت کارآموزی بیمه هستند و از خدمات درمانی استفاده میکنند. علاوه بر اینها کارآموزان از سه وعده غذا رایگان در رستوران مجهزی که داخل محوطه مرکز قرار دارد استفاده میکنند ووسائل کار و لوازم التحریر و لباس کار نیز از طریق مرکز دراختیارشان قرارداده میشود.

دریافت گواهینامه مهارت

کارآموزان پس از طی دوره آموزشی و موفقیت در آزمایش پایان دوره از اداره کل حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی گواهینامه مهارت دریافت خواهند داشت.

علاوه بر آزمون پایان دوره که اکثریت در ان موفقیت حاصل میکنند در پایان‌هر ماه یکدوره آزمایش ماهانه از کارآموزان بعمل می‌آید و در این آزمایشات است که استعداد کارآموزان در رشته‌ای که سرگرم کارآموزی هستند نمایان خواهد شد و اگر مربیان مرکز تشخیص بدهند که کارآموزی در رشته‌ای که کارآموزی میکنند استعداد ندارند فورا رشته وی را عوض کرده و او را به رشته دیگری که با استعداد و فراگیری او هماهنگ باشد راهنمائی میکنند.

امتحانات ماهانه علاوه بر نمایان ساختن استعداد کارآموزان درجات تخصصی آنان را نیز مشخص میسازد و در واقع این آزمایشات است که کارگر

رشته فنی درخدمت کارآموزان

... و سرانجام کار معرفی میکند.

کارآموزانی که تاکنون دراین مرکز کارآموزی کرده وبدرجاتی از مهارت دست یافته‌اند اکثراً وبامعرفی ادارات ... در واحدهای تولیدی سرگرم کار شده‌اند و میتوان گفت حدود ۸۵ درصد آنان بکار در واحدهای تولیدوصنعتی کشور اشتغال ورزیدند ۱۵ درصدبقیه‌نیز در کارگاههای شخصی که خود بوجود آورده‌اند اشتغال دارند.

گروههای کارآموز

بطور کلی درمرکز تعلیمات حرفه‌ای کرج دو گروه به کارآموزی اشتغال دارند.

گروه اول را کارگرانی تشکیل میدهند که ازواحدهای صنعتی وتولیدی کشورمعرفی میشوند وبرای افزایش تخصص ومهارت ویا تغییر رشته تخصصی به کارآموزی میپردازند وگروه دوم از افراد داوطلب تشکیل شده که این گروه هیچ تخصصی ندارند ودراین مرکز پس‌از طی دوره‌های آموزشی بدرجه‌ای از تخصص دست‌می‌یابند.

آموزش زنان

نیروی فعال زنان که همگام بابرادران خود در واحدهای تولیدی کشور بخوبی کار میکنند باعث شده تا از این نیروی فعال استفاده بیشتری بشود.ازاین‌رو این مرکز برای تعلیم زنان برنامه وسیعی را تدارک دیده واخیراً نیز از طرف سازمان زنان ایران گروهی از زنان کشور برای آموزش به‌این مرکز معرفی شده‌اند. در مرکز تعلیمات حرفه‌ای کرج کارآموزان زن در حدود ۴۰ نفراند وبرای آنان خوابگاه جداگانه نیز در نظرگرفته شده‌است.

این کارآموزان در حال حاضر در رشته‌های پلاستیک‌سازی – ابزار دقیق – الکترونیک (شامل تعمیرات ومونتاژ رادیو تلویزیون) الکترومکانیک (شامل تعمیرات وسائل برقی خانگی) سرگرم کارآموزی میباشند.

بیشترین کارآموزان در رشته اتومکانیک وجوشکاری و کمترین آنان در رشته قالب‌سازی سرگرم کارآموزی هستند.

تعداد کارآموزان رشته قالب‌سازی در حال حاضر ۱۰ نفروتعداد کارآموزان رشته‌های جوشکاری والکترو مکانیک هر کدام ۴۰ نفر میباشند.

تعداد مربیان، سرمربیان وافرادی که دراین مرکز سرگرم آموزش هستند ۶۵ نفر است که درصورت افزایش کارآموز تعداد آنان نیزافزوده‌خواهدشد.

درمانگاه مرکز برای درمان اولیه کارآموزان بایک بهیار همیشه آماده میباشد در مواقع ضروری درمان ومعالجات اولیه را انجام میدهد ودر صورتیکه احتیاج به مداوا ومعالجات بیشتر باشد از طریق آمبولانس مرکز، بیمار یا کارگر آسیب دیده به‌درمانگاه بیمه منتقل ودرآنجا از طریق سازمان تامین خدمات درمانی معالجه خواهدشد.

... تعلیمات حرفه‌ای برای تامین نیروی انسانی ماهر کوشش میکنند

علاوه‌برآموزش کارآموزان، این مرکزبرای ... مربیان خود باتکنولوژی مدرن معاصر ...

... معلمین ... تعمیر کاران ... در مواقع ضروری آموزشهای لازم را دراختیار ... قرار دهد.

کلیه هزینه‌های دندانپزشکی کارگران پرداخت میشود

هزینه‌های درمان وپر کردن دندان کارگران بیمه شده وخانواده آنها پرداخت میشود . براساس دستورالعملی که از سوی سازمان تأمین خدمات درمانی به کلیه سازمانها ومراکز درمانی وزارت رفاه اجتماعی صادرشد . برای اینگونه مداوا . نیز کارگران بیمه شده را باید بپذیرند. سازمان تأمین خدمات درمانی اعلام کرد استفاده از هزینه‌های دندانپزشکی و همچنین استفاده از عینک طبی منحصراً برای کارگران بیمه شده است ومشمول کارمندان دولت نخواهد بود . کارمندان دولت فقط از مزایای درمان بیماریهای دهان استفاده خواهند کرد ودر مورد دندان‌نیز فقط هرچه هزینه کشیدن بر عهده سازمان تأمین خدمات درمانی خواهد بود در دستورالعمل سازمان یادآور شده است کارگران بیمه شده که از سیستم درمان آزاد استفاده میکنند ، بایستی برای پر کردن دندان وگرفتن عینک طبی بمراکز پزشکی وزارت رفاه‌اجتماعی مراجعه کنند وپزشکان ودندان‌پزشکان آزاد مجاز به اجرای این برنامه نمیباشند . همچنین بیمه شدگان میتوانند درمراکز پزشکی که بصورت تمام وقت‌جغرافیائی اداره میشود ، برای انجام خدمات دندانپزشکی مراجعه کنند.

فعالیت آموزش فنی در یك ماه گذشته

سندیکاهای کا[illegible]

درجلسه هفتگی یکی ازسندیکاهای کارگری گفته شد:

اجرای پیمانهای دسته جمعی نیازمند

***وجود ۲۰ سندیکا در شهرستان آبادان موجبات مشارکت وفعالیتهای اجتماعی بیش از ۹۰۰۰ کارگر را فراهم آورده است.**
***سندیکاهای کارگری درسراسر کشور باایمان وعلاقه به تمام امور کارگران رسیدگی میکنند**

وسعت عمل سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری هر روز از ابعاد بیشتری برخوردار میشود. فرصتهایی که از این طریق بدست میآید خود مؤید رشد فکری و اجتماعی کارگران عزیز است که توده عظیمی ازجامعه کشورمان را تشکیل میدهند.

سندیکاها که مرکز بحث وگفتگو وتبادل افکار برای افراد وابسته به آن است درائرسعی و مساعی کارگران اینک بعنوان یک رکن اساسی شناخته شده و لزوم آن در هر واحد کارگری شدیداً اساسی میشود.

بر اساس مقررات وضوابط کلی و مطابق با فلسفه اصلی وجود سندیکای کارگران، درحال حاضر علاوه بر تأمین و حفظ منافع حرفه‌ای و بهبود وضع عمومی کارگران امکان هر گونه مشارکت سیاسی، فرهنگی، و آموزش فردی و جمعی را به آنان داده است. سندیکاهای کارگری نه تنها درتهران، بلکه در تمام کشور با همان سیاق اصلی به فعالیتهای آگاهانه و سازنده خود ادامه میدهند.

انعکاس کوششهای سندیکائی را ازاین جهت برگزیدیم تا کارگران عزیز با نقش و وظیفه‌ای که بر عهده دارند آشنا شوندو از کارگران عزیز میخواهیم فعالیت سندیکاهای خود را برای شناخت دیگر همکاران خود برایمان ارسال دارند.

خبرنگار رستاخیزکارگران ضمن حضور دریکی از جلسات عمومی سندیکای شماره ۴ کارگران صنعت ملی نفت ایـــران در گفتگوئی با اعضای این سندیکا فعالیتهای آنان را مورد سؤال قرارداد.

آغازراهی ثمربخش

آقای شریعتی که عضو اصلی این سندیکا میباشد درسخنی کوتاه چگونگی بوجود آمدن سندیکا را تشریح کردوگفت:

«ازسال ۱۳۲۵، یعنی از آغاز فعالیتهای اداره کاروامور اجتماعی این شهرستان وقبل از تشکیل سندیکاهای کارگری، هر دو سال یکبار نمایندگانی بعنوان نمایندگان کارگاهی از طرف کارگران صنعت ملی نفت ایران انتخاب ومعرفی میشدند. تعداد این کارگران که نمایندگی کارگران این صنعت رابعهده داشته ۳۵ نفر بود. ولی ازسال ۱۳۳۹ که کار تأسیس سندیکاها درسراسر کشور آغاز شد مقدمات تشکیل سندیکاهای کارگری نیز در این صنعت فراهم آمده.»

گامهای مؤثر در راه پیشرفت

شریعتی با توجه به سوابق طولانی که در سندیکای کارگران صنعت ملی نفت ایران دارد خواستیم که موفقیتهای این سندیکا را تشریح کند.

وی نخست با اشاره به نقش سندیکا[illegible] کارگران در تأمین زندگی و جلب همکاری بیشتر آنان گفت: بهترین و بزرگترین گام مؤثری که در راه بهبود وضع زندگی کارگران برداشته شده انعقاد پیمان دسته جمعی است.

برای این منظور در سال ۱۳۴۳، پس از یک بررسی کلی اولین شورا بین نمایندگان سندیکاها و کارفرماها در آبادان تشکیل شد که موضوع اصلی آن تعیین میزان حداقل دستمزد قرار داشت. وی سپس افزود همچنین در سال ۱۳۴۵، یک پیمان دستجمعی بین نمایندگان سندیکاهای کارگران صنعت ملی نفت جنوب و شرکتهای خاص و شرکت ملی نفت در تهران منعقد شد.

بموجب این قرار داد کارگران از مزایای بسیاری برخوردارشدند.

از جمله ترمیم ۳۶، ریال حداقل دستمزد روزانه کارگران، پاداش سالیانه نوروزی معادل ۳۰ روز دستمزد، برقراری میزان ۴ روز حقوق ودستمزد بمنظور هزینه سفر، افزایش مدت مرخصی سالانه از ۱۵ روز به ۲۰ روز همچنین حقوق ومزایای دیگری دراین پیمان پیش‌بینی شده که تعیین فوق‌العاده برای کارگرانیکه به کارهای سخت اشتغال دارند کارگرانیکه درطول کار روزانه ادوات سنگین حمل میکنندو کارگرانی که بااسید کارمیکنند رامیتوان نام برد.

انعقاد پیمانهای دسته‌جمعی یکی‌از بزرگترین اقدامات موثر ومفید برای کارگران میباشد ومسلماً شعاع این اثرجامع وسودبخش بسیاری از نیازمندیهای کارگران را در بر میگیرد. بنابراین پرسیده شد که آیا پس‌از قراردادهای مذکور اقدام دیگری در جهت پیشنهاد وامضاء پیمانهای مشابه انجام شده است؟

شریعتی افزود: بله، این روال همچنان ادامه داشت وپس‌از این تاریخ پیمانهای مفید دیگری درجهت تامین خواستهای کارگران تهیه وبه‌تایید رسید. بطوریکه در خرداد سال ۱۳۴۸، قرارداد دسته‌جمعی دیگری بین نمایندگان سندیکاها وشرکتهای عامل و شرکت ملی نفت بامضاء رسید.

این قرارداد شامل طرح طبقه‌بندی مشاغل [illegible] و [illegible] مرحله اجرا درمی‌آمد [illegible] که براساس [illegible] [illegible] مورد موافقت قرار گرفت [illegible] حداقل دستمزد کارگران یکی از مواد این قرارداد بود. نامبرده اضافه کرد، چهارمین پیمان دستجمعی که مزایای دیگری را برای کارگران در برداشت دراسفندماه‌سال ۱۳۵۰، مورد تایید قرار گرفت. مفاد این قرارداد متضمن تامین نیازهای تعداد کثیری از کارگران بود رفع نواقص ومشکلات موجود درطرح طبقه‌بندی مشاغل ایجاد حسن تفاهم بیشتر میان طرفین قرارداد، افزایش میزان ۱۴٪ به‌حداقل دستمزد افزودن ارزش شایستگی وترفیع سالانه بمأخذ ۵٪ دستمزد، افزایش میزان وام مسکن، افزایش کمک هزینه سفرهای مرخصی تامعادل ۱۲ روز دستمزد درسال، از مواردی است که دراین قرارداد پیش‌بینی شد. ضمناً تغییر میزان ساعات کار این مفاد درسال ۱۳۵۲، در مورد کارگران بمرحله اجرا درآمد.

همچنین براساس پنجمین قرارداد دسته جمعی که درسال ۱۳۵۲، به‌امضاء رسید میزان وام مسکن از ۳۰۰ هزار ریال به ۷۵۰ هزار ریال افزایش یافت‌و از طرف دیگر ۲۵ درصد به‌حداقل دستمزد کارگران افزوده شد، درسال ۱۳۵۴، براساس مذاکرات پیمان دسته‌جمعی سال ۵۳ وبموجب یک قرارداد دیگر مبلغی معادل ۲۰ درصد دستمزد برمبنای تغییر هزینه زندگی به کلیه کارگران صنعت نفت پرداخت شد.

دامنه سندیکاها گسترش می‌یابد

گفتگوی خودرا بااعضای سندیکای کارگران شماره ۴ صنعت نفت دراین مورد که وضعیت سندیکاهای موجود چگونه است ادامه میدهم وآقای شریعتی ابتدا به‌توسعه فعالیتهای سندیکای کارگران این شهرستان اشاره کرد؛ گفت: خوشبختانه این امر گسترش چشم‌گیری داشته وباگرایشی که کارگران واحدهای مختلف شهرستان آبادان نسبت بـــه‌مشارکت درتشکیلات کارگری نشان میدهند، روزبروز تعداد سندیکاها افزایش می‌یابد وی سپس اضافه کرد در حال حاضر واحدهای صنعتی و تولیدی این شهرستان دارای حدود ۲۰ سندیکای کارگری‌متشکل از ۹۰۰۰ عضو وچند نماینده کارگاهی هستند و این پوشش در آینده‌ای نزدیک تمام گروههای کارگری این شهرستان رادربرخواهد گرفت.

نامبرده آنگاه درمروری کوتاه سندیکاهای کارگری موجود را برشمرد و گفت «کارگران صنعت‌نفت شش سندیکا، کارگران پتروشیمی یک سندیکا و بقیه واحدهای تولیدی نیز هریک دارای سندیکای مربوط به خود هستند.» وی سپس به معرفی سندیکاهای صنعت‌نفت پرداخت و گفت:

سندیکای شماره ۱ کارگران شرکت [illegible] جمعیه شامل کارگران حمل ونقل وراننده‌ها و [illegible] ۱۲۰ کارگر عضو [illegible].

این سندیکا درسال ۱۳۴۳، تاسیس و از تاریخ ۱۳۴۴ با شماره / ۱۱۰ به ثبت رسیده است اعضاء مسئول آن را آقایان حسین پورصالحی، حسین دنیاروندی، آخوندی، یا سالاری، و شهریاری تشکیل میدهند.

سندیکای شماره ۳ (عملیات غیرصنعتی) شامل قسمتهای ساختمانی برق و حفاظت و لوله کشی، مجموعاً دارای ۸۶۹ عضومیباشد و بشماره ۱۱۱ درسال ۱۳۴۴ به ثبت رسیده و هم‌اکنون افراد زیر مسئولیت این سندیکا را عهده دارند.

آقایان حاج شیرمان، قشلاقی، نوری، واقف و مقصودی.

سندیکای شماره ۴—(عملیات غیرصنعتی) متعلق به کارگران تعمیرات و مستغلات، آب فاضل‌آب، صادرات نفت وانبارها.

این سندیکا طی شماره ۱۰۷، و از تاریخ ۱۳۴۴، به ثبت رسید ودر حال حاضر ۱۱۶۳ کارگر درآن عضویت دارند.

این سندیکا در شهریورماه ۱۳۵۴، تجدید انتخابات کرده و در حال حاضر ششمین دوره فعالیت خود را آغاز کرده است.

اعضاء هیات مدیره ومسئولان این سندیکا که اکثراً از مسئولان دوره قبل میباشند، عبارتند از عابدین‌محمدی غلامحسین‌خلیفی غلامحسین‌ملک درویش‌سالاری منیرشریعتی رضاصالحی رضاشهریاری حسین‌صالحی کوجانی و منوچهرخوبخوش سندیکای شماره ۵ شامل کارگران روغن‌سازی — بشکه‌سازی بالایش دیگ بخار، حفاظت و آتش نشانی

سال تأسیس این سندیکا ۱۳۴۳، و طی شماره ۱۰۹، به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۴۴، شروع به فعالیت کرد. این سندیکا هم‌اکنون بالغ بر ۶۵۰، عضو دارد و افراد زیر مسئولیت آنرا بعهده‌دارند:

آقایان: آمیلی، دامغانی، ایلد، شاملی و کازرونی.

سندیکای کارگران پخش شرکت ملی نفت آبادان درسال ۱۳۴۷ به شماره ۳۰۲ به ثبت رسید وا کنون با ۲۴۵ کارگر عضو به فعالیت خود ادامه میدهد.

در حال حاضر آقایان حسینی — خاتمی — نظری، ملک‌زاده و سیاهپوشان عهده‌دار مسئولیت این سندیکا میباشند

سندیکای کارگران پتروشیمی آبادان — درسال ۱۳۵۰ و با شماره ۵۵۲ به ثبت رسید

یهای اساسی کارگران را تأمین کرده است

جلسات سندیکائی: کانون تبادل افکار و نظریات اصولی

و اینک با ۲۶۱ نفر عضو مشغول فعالیت است.
اعضاء هیات مدیره این سندیکا عبارتند از: کلوندی — مرادی — شالونژاد — نوزری — و سبز اقدام.

رضایت کارگران در گرو تلاش ها

سخنگوی سندیکا، در خلال گفتگوی خود به مسئله مهم تشکیل جلسات اشاره کرد و اظهار داشت:
« یکی از اقدامات سازنده و مهمی که از طرف سندیکا معمول میشود، تشکیل جلسات مختلف و نظم سندیکائی است.
در این جلسات سعی میشود نیازمندیهای کارگران مورد مطالعه قرار گیرد.» وی افزود « براساس وظیفه‌ای که سندیکا برعهده دارد باید کوشش کرد که وجود سندیکاها بعنوان یک تشکیلات تشریفاتی تلقی نشود، بلکه لازم است مسؤلان سندیکا ابتکار، طرح ریزی و قدرت فکری بیشتری ابراز دارند تا در تصمیم گیری های مفید برای کارگران سهمی ارزنده‌تر داشته باشند
آنگاه اعضاء سندیکا به مسئله پیمان های دسته جمعی منعقده اشاره کردند و این موارد را بعنوان یکی از بزرگترین و مهمترین اقدامات اساسی و بهبود بخش زندگی کارگران برشمردند. یکی از عمده‌ترین پیمان‌هائی که مورد نظر مسؤلان سندیکا بود، قرار داد مرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی میباشد که ازطریق سندیکا به امضاء رسید.

این قرارداد به رفع بسیاری از نیازمندیهای کارگران پاسخ مثبت گفته است. اعضای سندیکا سپس با توجه به ذکر مسئله مسکن اظهار داشتند که علاوه بر واحدهای مسکونی که در اختیار همه کارگران قرارگرفته، هر کارگرمیتواند مبلغ ۷۵۰ هزار ریال بعنوان وام مسکن استفاده کند و کارگرانیکه شخصاً منزل مسکونی تهیه کنند از واحدهای مسکونی سازمان استفاده نکنند علاوه بر دریافت وام روزانه مبلغی بعنوان کمک هزینه مسکن نیز دریافت میدارند.»

سایر مزایای مقرر

شریعتی سپس مسئله شرکتهای تعاونی کارگران را مورد بحث قرارداد و گفت:
« شرکت تعاونی اعتبار کارگران در سال ۲۵۳۰ شاهنشاهی به شرکت تعاونی مصرف تبدیل شد که مواد مصرفی و کالای خانگی مورد لزوم کارگران را تا مبلغ ۲۰ هزار ریال در اختیار آنان قرارمیدهد.

بهره این خریدها ۸٪ است و باز پرداخت ماهانه آن تا استهلاك نهائی ماهانه ۱۰۰۰ ریال‌میباشد.
سپس مسئله وام‌های ضروری مورد اشاره قرار گرفت و گفته شد صندوق پس انداز که از سال ۲۵۲۸ شاهنشاهی بوجود آمده در سال ۲۵۳۳ شاهنشاهی گسترش یافت و این صندوق مبالغی را بصورت وام بدون بهره در اختیار کارگران قرارمیدهد.»
در پایان این گفتگو مسئله آموزش ورزش کارگران و سایر موارد مهم مورد سئوال قرار گرفت و اظهار عقیده شد که تمام نیازمندیهای کارگران این صنعت در مقررات تدوین شده از طرف کارفرما پیش بینی و در نظر گرفته شده است. بطوریکه در مقررات عمومی کلیات و جزئیات خواستهای کارگران تامین گردیده و احیاناً موارد کمبود در برنامه های آتی پیشنهاد و مورد بررسی قرار گرفت.
بطور مثال امر آموزش حرفه‌ای، فنی و مسئله مهم سواد آموزی کارگران مورد توجه بسیار است، بطوریکه علاوه بر تسهیلاتی که برای کارگران در جهت پیشبرد این هدف

منظور شده کارگران پس از دریافت مدارك تحصیلی از پاداش های نقدی استفاده میکنند.

همچنین پاداش و ترفیعات سالانه کارگران در طرح طبقه بندی مشاغل گنجانیده شده است. ضمناً برای بهداشت و درمان کارگران موجبات تسهیل هرچه بیشتری فراهم آمده و کارگران بیمار میتوانند در مراکز پزشکی که مجهز به بخش‌های مختلف درمانی است مورد معالجه ومداوا قرار گیرند.

به‌مجله علاقه داریم......

اعضاء هیات مدیره این سندیکا گفتگوی خود را با بحث در باره مجله رستاخیز کارگران خاتمه دادند و اظهار داشتند که: خوشبختانه مطالب و گزارش های این مجله، کارگران را امیدوار کرده است و پایه‌های ایمان آنها را استحکام بیشتری بخشیده، بطوریکه کارگران میتوانند با مطالعهٔ این نشریه از اقدامات و مزایائی که هرروز برای آنان درنظر گرفته شده آشنا شوند، و همچنین این مجله با انعکاس خواسته های کارگران توجه بسیاری را بخود جلب کرده‌است.

براساس تصویبنامه دولت:

۲۰۰ هزار نفر کارگر بازنشسته و مستمری بگیر اضافه حقوق دریافت میدارند

اضافه حقوق کارگران بازنشسته و مستمری بگیران و بازماندگان کارگران، در کلیه شهرستانها پرداخت میشود و به موجب تصویبنامه دولت از فروردین ماه امسال کارگران بازنشسته مشمول دریافت اضافه حقوق معادل ۹ تا ۵۵ درصد شده‌اند. سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرد برای این منظور لیست اضافه دستمزد کارگران را به شعب و نمایندگیهای خود در سراسر کشور ارسال داشته و تمام اضافه دستمزد کارگران به حساب کارگران در بانك رفاه کارگران واریز میشود. سخنگوی سازمان تأمین اجتماعی ضمن اعلام این خبر به خبرنگار رستاخیز کارگران گفت احکام بسیاری از مستمری بگیران صادر شده است و میزان افزایش مستمری ها درحدود ۲۰۰ هزار خانواده را دربرمیگیرد. براساس این تصویبنامه به مستمریهائی که قبل از سال ۱۳۵۰ تعیین شده ۵۵ درصد. به مستمریهای سال ۱۳۵۰ چهل و شش درصد، به مستمریهای سال ۵۱ سی‌وهفت درصد به مستمریهای سال ۵۲ بیست و شش درصد و به مستمریهای سال ۵۳ نه درصد اضافه میشود. سخنگوی سازمان تأمین اجتماعی در پایان گفت منظور از مستمری در تصویبنامه هیأت دولت مستمریهائی است که طبق قوانین سابق بیمه های اجتماعی و اصلاحیه های قانون مذکور برقرار شده است. ضمناً با افزایش مستمری ها هرگاه مستمری فردی از افراد بازنشسته و از کار افتاده و بازماندگان بیمه شدگان از حداقل قانونی دستمزد کمتر باشد به ماخذ حداقل دستمزد مستمری محاسبه و پرداخت خواهد شد.

بازار کار

برنکار

۱ — **تخصص مورد نیاز:** درجه یک و دو
۲ — **تعداد:** ۳۰ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** یکسال
۶ — **تحصیلات:** ششم ابتدائی
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۲

آهنگر درب و پنجره

۱ — **تخصص مورد نیاز:** آهنگری
۲ — **تعداد:** ۳۰ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** ۶ ماه الی یکسال
۶ — **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۵

سرپرست

۱ — **تخصص مورد نیاز:** سرپرست اداری
۲ — **تعداد:** ۲ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** ۶ ماه
۶ — **تحصیلات:** ششم متوسطه
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۵

کارمند

۱ — **تخصص مورد نیاز:** کارمند اداری
۲ — **تعداد:** ۵ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** یکسال
۶ — **تحصیلات:** دیپلم
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس، ناهار ارزان
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۵

برنکار

۱ — **تخصص مورد نیاز:** برنکاری ساختمان
۲ — **تعداد:** ۵ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** یکسال
۶ — **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۴

آهنگر

۱ — **تخصص مورد نیاز:** آهنگری
۲ — **تعداد:** ۵ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** یکسال
۶ — **تحصیلات:** باسواد
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۲

استاد کار

۱ — **تخصص مورد نیاز:** استاد کار برق
۲ — **تعداد:** ۵ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۸ سال
۵ — **تجربه:** یکسال
۶ — **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۳

جوشکار

۱ — **تخصص مورد نیاز:** جوشکاری درجه یک
۲ — **تعداد:** ۵ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** یکسال
۶ — **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۵

ماشین نویس

۱ — **تخصص مورد نیاز:** ماشین نویس فارسی و لاتین
۲ — **تعداد:** ۵ نفر
۳ — **جنسیت:** زن
۴ — **سن:** حداکثر سن ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** یکسال
۶ — **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۴

لوله کش

۱ — **تخصص مورد نیاز:** تعمیر لوله کشی
۲ — **تعداد:** ۵ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** یکسال
۶ — **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۳

مسئول انتظامات

۱ — **تخصص مورد نیاز:**
۲ — **تعداد:** ۳ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** یکسال
۶ — **تحصیلات:** حداقل سوم متوسطه
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۵

دست دوز

۱ — **تخصص مورد نیاز:** دست دوزی لباس
۲ — **تعداد:** ۵ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد یا زن
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** ۶ ماه تا یکسال
۶ — **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۵

خیاط

۱ — **تخصص مورد نیاز:** خیاطی لباس زنانه
۲ — **تعداد:** ۵ نفر
۳ — **جنسیت:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** یکسال
۶ — **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۴

سرویس کار

۱ — **تخصص مورد نیاز:** سرویس کاری ماشین خیاطی سوزنی
۲ — **تعداد:** ۲ نفر
۳ — **جنس:** مرد
۴ — **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ — **تجربه:** مطرح نیست
۶ — **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ — **شرایط دیگر:** معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸ — **محل خدمت:** تهران
۹ — **حداقل حقوق:** بعد از دوره کارآموزی با توافق
۱۰ — **مزایای شغلی:** بیمه، سرویس
۱۱ — **آخرین مهلت مراجعه:** ۲۵۳۵/۲/۲۵

آتش نشان

۱—تخصص مورد نیاز: راننده آتش نشانی
۲—تعداد: ۱۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۰ سال
۵—تجربه: یکسال
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه. سرویس. ناهار ارزان
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۲۵۳۵/۲/۲۳

آشپز

۱—تخصص مورد نیاز: سفری پز
۲—تعداد: ۲ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: ۵ سال
۶—تحصیلات: سواد ابتدائی
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۲۵۳۵/۲/۲۴

نظافتچی

۱—تخصص مورد نیاز: نظافتچی شرکت
۲—تعداد: ۱۰ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۰ سال
۵—تجربه: مطرح نیست
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۲۵۳۵/۲/۲۵

راننده

۱—تخصص مورد نیاز: راننده پایه ۲ شخصی
۲—تعداد: ۱۰ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۰ سال
۵—تجربه: ۲ سال
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۲۵۳۵/۲/۲۴

پیشخدمت

۱—تخصص مورد نیاز: پیشخدمت منزل
۲—تعداد: ۲ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: مطرح نیست
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۲۵۳۵/۲/۲۵

کارگر بسته بندی

۱—تخصص مورد نیاز: کارگر بسته بندی
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: یکسال
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۲۵۳۵/۲/۲۵

گارسون

۱—تخصص مورد نیاز: گارسون هتل
۲—تعداد: ۱۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۰ سال
۵—تجربه: مطرح نیست
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۲۵۳۵/۲/۲۵

راننده

۱—تخصص مورد نیاز: راننده پایه یک
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۰ سال
۵—تجربه: یکسال
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۲۵۳۵/۲/۲۳

تعمیرکار

۱—تخصص مورد نیاز: تعمیرکار رادیو
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: یکسال
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۲۵۳۵/۲/۱۰

تکنسین برق

۱—تخصص مورد نیاز: تکنسین ابزار دقیق
۲—تعداد: ۲ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: ۲ سال
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۲۵۳۵/۲/۱۸

بازار کار شهرستانها

لنگرود

۱—پرستار: ۵ نفر
۲—مکانیک عمومی: ۳ نفر
۳—نجار: ۲ نفر
۴—انباردار: ۵ نفر
۵—حسابدار: ۲ نفر
۶—نگهبان: ۵ نفر
۷—کارگر ساده: ۸ نفر
۸—آشپز: ۵ نفر
۹—کمک آشپز: ۳ نفر

کرمانشاه

۱—ماشین نویس فارسی لاتین: ۱ نفر
۲—ریسنده: ۲ نفر
۳—طراح پارچه: ۳ نفر
۴—کمک حسابدار: ۲ نفر
۵—راننده پایه ۲ همگانی: ۲ نفر
۶—جوشکار: ۳ نفر
۷—نجار: ۵ نفر

مشهد

۱—ماشین نویس: ۳ نفر
۲—جوشکار: ۲ نفر
۳—برقکار: ۳ نفر
۴—تراشکار: ۲ نفر
۵—کارگر ساده: ۵ نفر
۹—کفراژبند: ۱۰ نفر
۱۰—راننده پایه یک: ۲ نفر

قم

۱—نجار کمد: ۲ نفر
۲—ماشین نویس: ۳ نفر
۳—برقکار: ۲ نفر
۴—جوشکار: ۲ نفر
۵—راننده بولدوزر: ۵ نفر
۶—جوشکار درو پنجره: ۲ نفر
۷—بافنده: ۲ نفر
۸—ریسنده: ۳ نفر
۹—کارگر: ساده

کرمان

۱—جوشکار درجه یک: ۳ نفر
۲—مکانیک: ۵ نفر
۳—کارگر معدن: ۳۰ نفر
۴—نظافتچی: ۲ نفر
۵—برقکار درجه یک: ۲ نفر
۶—پرستار: ۵ نفر
۷—لوله کش: ۲ نفر

شاهشهر

۱—آرماتوربند درجه یک: ۴۰ نفر
۲—راننده پایه یک: ۱۰ نفر
۳—استاد کار نجار: ۳ نفر
۴—مکانیک درجه یک ۱ نفر
۵—ماشین نویس: ۱ نفر
۶—خیاط: ۲ نفر

خرمشهر

۱—متخصص هواپیمائی: ۱ نفر
۲—تراشکار: ۲ نفر
۳—ریخته گر: ۵ نفر
۴—فلزکار: ۳ نفر
۵—خمکار: ۲ نفر
۶—جوشکار: ۳ نفر
۷—آهنگر: ۵ نفر
۸—کارگر فیبرسازی: ۳ نفر
۹—راننده جرثقیل: ۳ نفر
۱۰—کارگر ساده: ۲ نفر

کرج

۱—نرس: ۵ نفر
۲—بهیار: ۱۰ نفر
۳—کارآموز و بهیار: ۳ نفر
۴—کارمند روابط عمومی: ۳ نفر
۵—صندوقدار: ۴ نفر
۶—مکانیک خودرو: ۳ نفر
۷—آهنگر و جوشکار: ۱۵ نفر

اردبیل

۱—تکنسین موتور عمومی: ۳ نفر
۲—تکنسین آب: ۴ نفر
۳—نقشه کش: ۵ نفر
۴—شوفاژ کار: ۵ نفر
۵—کارمند: ۵ نفر
۶—کارگر ساده: ۱۰ نفر

کاشان

۱—کارمند با مدرک سیکل: ۵ نفر
۲—ماشین نویس زن: ۳ نفر
۳—جوشکار: ۵ نفر
۴—کارگر ساده: ۵۰ نفر
۵—تراشکار: ۳ نفر
۶—فلزکاری: ۲ نفر

همدان

۱—حسابدار: ۳ نفر
۲—انباردار: ۳ نفر
۳—کارپرداز: ۵ نفر
۴—منشی: ۵ نفر
۵—مستخدم: ۳ نفر
۶—مکانیک: ۲ نفر
۷—نجار: ۲ نفر

شاهرود

۱—نقاش ساختمان: ۵ نفر
۲—بانکدار: ۲ نفر
۳—نجار: نفر
۴—بهیار: ۱۵ نفر
۵—کفراژبند: ۱۰ نفر
۶—آرماتوربند: ۵ نفر
۷—کارگر معادن: ۳ نفر
۸—راننده پایه یک: ۵ نفر
۹—کارگر بتنساز: نفر

علاقمندان و واجدین شرایط میتوانند همه روزه تا مهلت‌های ذکر شده در تهران به ادارات کاریابی و در شهرستانها به مراکز کاریابی و یا ادارات نیروی انسانی مراجعه نمایند

۱۵۰ هزار کارگر در واحدهای کارگری باسواد شده‌اند

دفتر با سواد کردن وزارت کار و امور اجتماعی در یکماهه فروردین ۲۵۳۵ شاهنشاهی که سر آغاز پنجاه سال سلطنت پرافتخار پهلوی است نیز فعالیت خود را گسترش داده وموفق شده است کلاسهای زیر را درمراکز کارگری تهران دایر کند. درمرکز رفاه خانواده سلیمانیه ۲ کلاس دوره دوم با ۴۶ نفرو یک کلاس دوره اول با ۲۸ نفر — در مرکز رفاه خانواده شهناز ۲ کلاس دوره دوم با ۹۳ نفرو یک کلاس اول با ۵۲ نفر — در بیمارستان مهر ، سه کلاس دوره اول با ۶۵ نفر — در کارخانجات ویانا ۲ کلاس اول و دوم با ۴۳ نفر — درشرکت بریج سبز ۲ کلاس اول با ۹۳ نفر — در بیمارستان امیرعلم یک کلاس اول با ۱۷ نفر در کارخانه تلویزیون سازی « آر — سی — آی » یک کلاس دوم با ۲۸ نفر — در بیمارستان پاسارگاد برای کارگران بی‌سواد — ۲ کلاس اول با ۳۳ نفر در چاپخانه وزارت اطلاعات و جهانگردی ۲ کلاس با ۴۲ نفر — در آسایشگاه نونوانی مختلط یک کلاس اول با ۳۷ نفر و در کارخانجات آژور ۲ کلاس اول با ۵۱ — نفر که در مجموع ۲۲ کلاس با ۵۲۴ نفر بی‌سواد و کم‌سواد تشکیل شده است طبق گزارش کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر درسال ۲۵۳۳ شاهنشاهی — (۱۳۵۳ شمسی) پیشرفت اثرات و نتایج سواد آموزی کارگران موجب جلوگیری ۲۸ درصد از ضایعات صنعتی در واحدهای تولیدی شده که درمجموع نیز — موجب افزایش ۵/ ۳۲ درصد بهره‌وری در کل صنایع کشور بوده است.

بدیهی است که با گسترش روزافزون طرح باسواد کردن کارگران از طریق دفتر با سواد کردن وزارت کار و امور اجتماعی در سطح کارگاهها و محیط کارگری و سایر فعالیتهای مشابه در این زمینه نتایج مهم و پرباری نیز از لحاظ بهداشت عمومی و ایجاد حسن ارتباط و روابط بین م د ... ست آمده و خواهد آمد ، زیرا با کم ... ر باسواد کردن که همواره مح ... مبارزه با بیسوادی و ریشه کن ساختن آن ... ر جوامع کارگری میباشد ، موفق شده ... در اندك مدتی بیش از یکصدو پنجاه هز ... ر کارگران کشور را از بیسوادی نجات ... و سواد خواندن و نوشتن بانها بیاموزد.

راهنما ... ی دفتر باسواد کردن همواره با سر ... مراکز کارگری کشور به آسانی میتواند در هر یك از این واحدها که گروهی از خواهران و برادران کارگر مشغو کار هستند کلاس پیکار با بی‌سوادی ... ر و با تشویق و راهنمائی ، آنان را به باسواد شدن رهنمون سازند.

دفتر باسواد کردن وزارت ... و امور اجتماعی در اجرای این ام ... هموطنان کارگر میخواهد تا اگر در محیطی کار میکنند که در آنجا هنوز بیسوادی وجود دارد ، با مراجعه به ادارات کاردفترباسواد کردن را در تشکیل کلاسهای باسواد کردن رهنمون سازند.

ازاول تیرماه واحدهای صنفی بدون پروانه تعطیل میشود

دوماه مهلت برای ۸۰ هزار واحد صنفی بدون پروانه

*برای مباشران واحدهای صنفی پروانه صادر می‌شود

اتاق اصناف پایتخت به ۸۰ هزار واحد صنفی فاقد پروانه کسب در تهران دو ماه مهلت داد تا پروانه کسب دریافت دارند. واحدهای صنفی هرگاه تا پایان مهلت بدون پروانه کسب باشند تعطیل خواهند شد.

اتاق اصناف در این زمینه با انتشار اطلاعیه‌ای به همه اصناف که درمحدوده ۲۵ ساله پایتخت فعالیت دارند و فاقد پروانه کسب هستند مهلت را از اول اردیبهشت تا پایان خردادماه ۲۵۳۵ تعیین کرد.

در این اطلاعیه اخطار شده است واحدهای صنفی بدون پروانه پس از پایان مهلت مقرر تعطیل خواهند شد. یک مقام آگاه در اتاق اصناف اعلام کرد: درتهران بیش از ۱۹۰ هزار واحد صنفی مشغول بکار هستند که تا کنون نزدیک به ۱۱۰ هز ... حد صنفی پروانه‌های کسب خودرا دریاف ... کرده‌اند و بقیه فاقد پروانه کسب هستند.

او اضافه کرد : با پایان گرفتن کار صدور پروانه‌های د ... امور پروانه‌های اتاق اصناف پایتخت ... علیت بیسری صدور پروانه‌های مباشرت را میان واحدهای صنفی که توسط مباشر اداره میشود شروع خواهد کرد پروانه مباشرت به واحدهائی داده میشود که توسط دارنده پروانه کسب اداره نمی‌شود.

نماینده کارگران شرکت صنعتی بوتان

آقایان علی خسروجردی و اسمعیل شاکری بعنوان نماینده اصلی و علی البدل شرکت صنعتی بوتان برگزیده شدند تا وظایف محوله را برابر قانون کار و آئین نامه های مربوطه انجام دهند.

رستاخیز کارگران ... ضمن ... عیت این دو کارگر عزیز را آرزومی کنیم.

نمایندگان مجلسین دربررسی اولویت برنامه های عمرانی نقش فعال خواهند داشت

درجلسه مشترك هیات رئیسه و روسای کمیسیونهای مجلسین سنا و شورایملی و نماینده سازمان برنامه چگونگی مشارکت نمایندگان مجلسین در بررسی اولویت‌های برنامه های عمرانی کشورمشخص خواهدشد.

این تصمیم درجلسه سه‌ساعته‌ای که با حضور امیر عباس هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب وباشرکت روسای کمیسیونهای مجلسین ومعاونان پارلمانی وزارتخانه‌ها درمحل ساختمان نخست‌وزیری تشکیل شده بود گرفته شد.

درپایان این جلسه ضیاءالدین شادمان وزیرمشاور ومعاون پارلمانی نخست‌وزیر گفت : براساس تصمیم این کمیسیون نمایندگان مجلسین ضمن بررسی نیازمندیهای حوزه های انتخابی خود دربررسی اولویت های برنامه های عمرانی مشارکت قاطعی خواهند داشت و هدف اینست که برنامه های عمرانی باسرعت بیشتری بموقع اجراگذاشته شود.

همچنین معاونان ... مانی وزارتخانه ها که درزمینه های گوناگون نیازمندیهای مناطق گوناگون نما ... ایندگان تماس دارند در پایان این جلسه با ضیاءالدین شادمان وزیرمشاو ... معاون پارلمانی نخست‌وزیر جلسه‌ای تشکیل دادند و نحوه رسیدگی سریع به‌مسائل طرح شده را بررسی کردند.

طرح آموزش برای تأمین کادرمورد نیازذوب‌آهن

شرکت ملی ذوب‌آهن ایران با همکاری کلیه دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های کشور طرح آموزشی معدنی را جهت تعلیم کادر مورد نیاز صنعت ذوب‌آهن کشور مورد بررسی قرارداد.

بااینکه آموزشگاه معدنی شرکت ملی ذوب‌آهن کشوراز مدت‌ها قبل در کرمان مشغول تعلیم و تربیت کادر معدنی ذوب‌آهن میباشد به سبب‌نیازی که معادن ذوب‌آهن به کادرمعدنی دارد ، مذاکراتی بین مقامات دانشگاهی و آموزشگاهی کشور با مقامات شرکت ملی ذوب‌آهن ایران آغازشده است که طی امکانات همکاری در زمینه کادر مورد نیاز معادن ذوب‌آهن بررسی میشود در این طرح آموزشگاه‌های حرفه‌ای شاهرود — کرمان — تهران و اصفهان و همچنین دانشگاه‌های کشور با شرکت ذوب‌آهن ایران همکاری خواهند کرد تا کادرموردنیازمعادن را تربیت کنند همچنین درصورت لزوم برای تعلیم کادرمذکوراز بورسهای مختلف استفاده خواهد شد و بدین منظور عده‌ای بخارج از کشور اعزام خواهند شد تا پس از مطالعه در بازگشت‌علاوه بر همکاری در زمینه‌امور معدنی در اجرای برنامه‌های آموزشی نیز با آموزشگاه‌های مربوطه همکاری کنند.

نماینده‌اصلی وعلی‌البدل کارگران کارخانه‌ایران‌تک

آقایان هوشنگ عابدی و محمد پشندیان کارگران کارخانه آرد ایران تک به موجب صورت جلسه اعضای هیأت نظارت به ترتیب به سمت نماینده اصلی وعلی البدل کارگران این واحد تولیدی برگزیده شدند. دوره نمایندگی این دو کارگر بشرط رعایت شرایط و صلاحیت مقرر در آئین‌نامه مربوطه دو سال تمام از تاریخ صدور اعتبارنامه خواهد بود.

رستاخیز کارگران : ضمن آرزوی موفقیت برای آقایان عابدی و پشندیان امیدواریم بتوانند وظیفه‌ای را که به عهده گرفته‌اند ، در کمال صحت و توانائی انجام دهند.

درمرحله اول بهره‌برداری:

یکصدوپنجاه کارگردرکارخانه‌نساجی‌زاهدان مشغول بکارخواهندشد

یک واحد تولیدی پوشاك بمنظور تولید انواع لباسهای بچگانه در زاهدان ساخته شد.

این کارخانه‌دارای کارگاههای خیاطی- تریکوبافی- قسمتهای اداری- بازرگانی نمایشگاه سرویسهای رفاهی ودو انبار است. کارخانه نساجی زاهدان در زمینی به‌مساحت ۶۰۰۰ ،۰ متر مربع ایجاد شده که جمعاً ۵۰۰ ،۰ متر مربع زیر بنا داردو هزینه احداث آن بالغ بر ۲۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال می‌باشد که از محل اعتبارات سازمان شاهنشاهی وخدمات اجتماعی تامین شده است. کارگاههای این کارخانه ازاردیبهشت ماه سال آینده مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت ودر مرحله اول ۱۵۰ کارگر پس‌ازطی یک دوره آموزشی درآن مشغول بکار خواهند شد وروزانه ۱۵۰۰ دست‌لباس تولیدخواهند کرد.

درقسمتهای اداری کارگاهها ۵ نفر به کاراشتغال خواهند داشت وهم اکنون نیز بمنظور اداره امور دستگاههای فنی این کارخانه ۶ نفرجهت کارآموزی به‌دانمارك اعزام‌شده است.

چهارمین نمایشگاه بین‌المللی تولیدات صنعتی در تهران تشکیل میشود

۵۰ کشور جهان در چهارمین نمایشگاه بین‌المللی محصولات و تولیدات و پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی و بازرگانی که از ۷ مهر تا دهم ... ماه جاری در تهران تشکیل میشود شرکت میکنند.

کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه جدیدترین محصولات و تولید صنعتی خودرا بمعرض نمایش خواهند گذاشت. تا کنون ۴۰ کشور آمادگی خودرا برای شرکت در چهارمین نمایشگاه بین‌المللی تهران اعلام داشته‌اند و پیش بینی میشود تا فراهم کردن مقدمات کار نمایشگاه مزبور، بیش از ۱۰ کشور دیگر نیز آمادگی خودرا برای شرکت در این نمایشگاه اعلام دارند.

گروهی از کشورهائی که تا کنون آمادگی خودرا برای شرکت در این نمایشگاه اعلام کرده‌اند عبارتند از اتریش – بنگلادش – بلژیک انگلستان – برزیل – بلغارستان – کانادا – چکسلواکی – جمهوری خلق چین – دانمارک فرانسه – گابن – جمهوری دمکراتیک آلمان مجارستان – هندوستان – لهستان – پرتغال فیلیپین - رومانی - جمهوری کره - عربستان سعودی سنگال – اسپانیا – سوئیس – سوریه – اتحاد جماهیر شوروی – ایالات متحده آمریکا و یوگسلاوی.

بنا بگفته یک مقام آگاه در مدت تشکیل این نمایشگاه کنفرانس هائی نیز در محل نمایشگاه با شرکت نمایندگان کشورهای شرکت کننده تشکیل میشود و کارشناسان علوم اقتصادی و بازرگانی ایران و کشورهای خارجی آخرین پیشرفتهای اقتصادی، تجاری و صنعتی جهان را برای علاقمندان تشریح خواهند کرد.

وزیر بازرگانی در شورای هماهنگی استانها ... ق کم ...

بودجه خاصی برای توسعه صنعت فرش در حاشیه کویر اختصاص مییابد

جلسه شورای هماهنگی برنامه‌های عمرانی استان‌های منطقه شرق کشور شامل خراسان، سیستان و بلوچستان، کرمان و یزد با حضور منوچهر سلیمی وزیر بازرگانی، عبدالعظیم ولیان نایب التولیه عظمی آستان قدس رضوی و استاندار خراسان و استانداران مناطق شرق کشور در مشهد تشکیل شد.

در این جلسه نیازمندیهای عمرانی و اعتباری مناطق مذکور مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت و عبدالعظیم ولیان استاندار خراسان اظهار داشت: در اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر نیازمندیهای واقعی استان با برنامه زمان‌بندی شده با یکصدو هفت طرح تهیه شد که بعضی از این برنامه‌ها بمرحله اجرا درآمد.

منوچهر سلیمی وزیر بازرگانی ضمن یادآوری اهمیت چنین جلساتی بمنظور رفع نیازمندیهای منطقه به اوامر شهنشاهی ایران در ... سلیمی در جلسه ... بودجه خاصی بمنظور ... صنعت ... در جلسه ... خراسان ... بودجه ... بررسی داده شده است ... صرف ... سهامی فرش ایران در خصوص توسعه این صنعت اقدامات گسترده‌ای به عمل ... .

... هماهنگی برنامه‌های عمرانی ... ایران ... کرمان و یزد را مورد بررسی قرار داد. در ... جلسه ... مربوط به بهداشت و ... و ... شرقی استانی ماهر، آموزش ... و ... فرش ... مورد بررسی قرار گرفت و مشکلات استان کرمان در شورا مطرح شد.

... شورای هماهنگی برنامه‌های ... استانها ... دوم ... ماه جاری ... خواهد یافت.

ایجاد واحدهای تولیدی جدید در آذربایجان غربی

اداره کل صنایع و معادن آذربایجان غربی اعلام داشت که در فروردین ماه گذشته برای تأسیس یک کارگاه گچ ریزی بظرفیت روزانه ۴۰ تن و با سرمایه ۱/۹۳۰/۰۰۰ ریال در خوی – یک کارگاه گچ ریزی بظرفیت روزانه ۴۰ تن با سرمایه ۹۰/۰۰۰ ... ریال در بخش قرضیاءالدین - یک کارگاه بتون‌سازی بظرفیت روزانه ۵۰۰ قالب ... ۵۰۰/۰۰۰ ریال در شهرستان نقده یک کارخانه یخسازی بظرفیت روزانه ۵ تن با سرمایه ۴۰۰/۰۰۰ ... ریال در نقده و یک کارگاه تولید آهک به ظرفیت ماهانه ... تن با سرمایه ۱/۴۰۰/۰۰۰ ریال در نقده پروانه صادر کرده است. همچنین با ایجاد یک واحد آجر فشاری با ظرفیت ۵۰/۰۰۰ قالب ... روز در بخش بوکان موافقت ... آمده است.

احداث کارخانه آجر ماشینی

به منظور تامین مصالح ساختمانی در شهرستان ... احداث یک کارخانه بزرگ آجر ماشینی ... اعتباری به مبلغ ۱۴۲/۲۰۵/۰۰۰ ... بوسیله وزارت بازرگانی ساخته ... روزانه ... قالب آجر تولید خواهد کرد ... مورد استفاده ... قرار داد. این کارخانه همچنین ... طرحهای ساختمانی ... استان را ... تامین میکند.

پنج میلیون متر زمین در قرچک خریداری شد

... احداث یک کارخانه آجر ماشینی به ظرفیت ... قالب آجر، پنج ... اراضی ... تهران ... زمین خریداری ...

... این ... مذاکرات ... اتحادیه صنف فخار و مقامات بانک اعتبارات صنعتی ... و همکوهای اتحادیه مذکور با شرکت «لندن بریک» انگلستان از طرف دیگر ... احداث یک کارخانه آجر ماشینی با سرمایه ۵۰۰ میلیون ریال فراهم گر... از ... مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال آن ... ۳۰۰ و ... بقیه توسط اتحادیه صنف فخار و مردم ...

درحال‌حاضر ساختمان این کارخانه در اراضی مذکور ادامه ... و ... کنون نزدیک به ۵۰ درصد کارهای اجرائی آن تمام شده است.

این کارخانه قرار است ظرف ۴۰ ماه تکمیل شده و آماده بهره‌برداری گردد.

پس از بهره‌برداری، این کارخانه هفته‌ای ۲/۵ میلیون قالب آجر تولید می کند و در مراحل بعدی توسعه این رقم تا سه برابر، یعنی روزانه ۱/۵ میلیون قالب آجر افزایش خواهد یافت.

این کارخانه ... قرار است علاوه بر ... تهران، مقادیر ... شهرستانها ... کند.

بین سازمان بنادر و کشتیرانی و شرکت تی. اس. راس کانادا:

قرارداد تأسیس سازمان خدمات دریائی ایران امضاء شد

قرارداد تأسیس سازمان خدمات دریائی ایران بین سازمان بنادر و کشتیرانی و شرکت تی. اس. راس کانادا در تهران به امضاء رسید.

بنا به این قرارداد کارشناسان کانادایی طی ... ماه آینده ۷۱ پروژه تکمیلی برای تأسیس سازمان خدمات دریائی ایران تهیه میکنند که بتدریج در اختیار سازمان بنادر و کشتیرانی قرار خواهد گرفت و طی آن درصورت تصویب به اجرا درخواهد آمد. هزینه تهیه طرحهای یاد شده ۲۰۰ میلیون ریال است.

تصمیم به تأسیس سازمان خدمات دریائی بمنظور تأمین خدمات دریا نوردی مورد نیاز برای کشتی‌هایی که در آبهای ایران رفت و آمد میکنند اتخاذ شده است. در اجرای این طرح ... گذرگاههای خلیج فارس و دریای عمان به چراغهای دریائی مجهز میشوند و همزمان با آن آبهای ساحلی ایران در خلیج فارس و دریای عمان زیر پوشش شبکه مخابراتی راه دور قرار میگیرد.

اجرای طرح تجسس و نجات کشتیها در مواقع ضروری، طبقه‌بندی و بازرسی کشتیها، تامین خدمات دریانوردی امن برای کلیه کشتیهائی که به بنادر ایران کالا حمل میکنند، کنترل دقیق ترافیک دریائی در آبهای خلیج فارس و دریای عمان، و جلوگیری از آلودگی این آبها از جمله طرحهائی است که در چارچوب طرح تأسیس سازمان خدمات دریائی ایران ... میخورد.

با تأسیس این سازمان کلیه ... به آبهای ساحلی ایران تا هنگام ... از آبها زیر پوشش خدمات مورد نیاز دریائی قرار خواهند گرفت.

بودجه و برنامه سال جاری صندوق کارآموزی تصویب شد

بودجه و برنامه سال ۲۵۳۵ صندوق کارآموزی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی تصویب شد.

سی‌امین جلسه شورایعالی کارآموزی بریاست امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی تشکیل شد. در این جلسه برنامه و بودجه سال ۲۵۳۵ صندوق کارآموزی مطرح و به تصویب رسید، بموجب این برنامه صندوق کارآموزی متعهد است که درسال جاری در رشته‌های مختلف صنایع و ساختمان ۶۴ هزار نفر کارگر در نقاط مختلف کشور تربیت کند.

براساس برنامه مصوبه صندوق کارآموزی ۵ هزار راننده پایه یک تربیت خواهد کرد و همچنین ۸ هزار نفر از افرادی که وزارت تعاون و امور روستاها معرفی می کند تحت تعلیم قرار می‌گیرند و بقیه افرادی هستند که ازطریق صاحبان صنایع مختلف کشور و سندیکای شرکت‌های ساختمانی برای طی دوره کارآموزی معرفی می‌شوند.

نحوه آموزش این افراد آموزش ضمن کار، تعلیمات سرپرستی، آموزش درمراکز نمونه ثابت و مراکز جوار کارخانه‌ها، مراکز سایر کارآموزی و پایگاه‌های کارآموزی خواهد بود.

اطلس کوپکو
اولین مرکز هوای فشرده در ایران

شرکت اطلس کوپکو در یک قرن پیش تأسیس گردید و به‌تولید مصنوعات جهت راه‌آهن، موتورهای بخار وتهیه پل پرداخت ودرسال ۱۹۷۳، یک قرن فعالیت این شرکت بزرگ در استکهلم باحضور سی‌هزار تن جشن گرفته شد.

اطلس کوپکودر ۳۷ کشور دارای شعبه می‌باشد ودر ۸۵ کشور دیگر نمایندگی فروش دارد این شرکت دارای ۱۲ کارخانه مرکزی در سوئد و ۱۳ کارخانه درخارج میباشد که بیش‌از یکهزار نوع وسائل ودستگاههای متنوع میسازند. شرکت اطلس کوپکو دارای ۱۷٫۴۰۰ پرسنل در ۵ قاره میباشد ومیزان فروش این شرکت درسال ۱۹۷۵ بیش از از ۸۰۰ میلیون دلار بوده است که ۹۰ درصد این فروش ازراه‌صادرات می‌باشد.

گروه اطلس کوپکو متشکل است از شرکت مادر بنام (اطلس کوپکو آ.ب) در استکهلم و۳ شرکت دیگر بشرح زیر که امور توسعه، تولید وبازاریابی مصنوعات را در دست دارند.

۱ـ اطلس کوپکو ام.سی.تی ۳۴۰۰ پرسنل در رشته های مختلف فنی معدن وساختمان

۲ـ اطلس کوپکو اروپا ۲۱۰۰ پرسنل در رشته های کمپرسورهای ثابت ومتحرك

۳ـ اطلس کوپکو تولز ۱۴۵۰ پرسنل در رشته های ابزار ووسایل هوائی وهیدرولیکی وتکنیکهای صنعتی

اطلس کوپکو درایران

درسال ۱۹۷۳، شرکت اطلس کوپکو ایران آ.ب فعالیت خود را بعنوان سی‌وششمین عضو از گروه جهانی اطلس کوپکو در ایران رسماً آغاز کرد. سابقه اطلس کوپکو درایران به‌بیش از پنجاه سال قبل برمیگردد یعنی از زمانی که وسائل ولوازم بادی مورد احتیاج راه‌آهن دولتی تبریز در اختیار دولت ایران قرارگرفت.

امروزه اطلس کوپکو ایران مجهز به کادری است متشکل از ۱۷۹ نفر، از این عده ۱۲ نفر مهندس و۱۵ تکنیسین می‌باشد که دوره‌های فنی خاصی در کارخانجات اطلس کوپکو اروپا گذرانده‌اند. اطلس کوپکو آموزش کادر فنی را بعنوان سرمایه‌گذاری برای آینده می‌داند. بدین معنی که بامجهز بودن به کادر فنی خوب‌وتکنیسین‌های مجرب خدمات ارزنده‌ای را بشما ارائه می‌نماید.

اولین فروش شرکت اطلس کوپکو در ایران بعدازجنگ جهانی اول زمانی انجام گرفت که لوازمات بادی‌جهت تعمیرگاه‌خطآهن دولتی ایران در تبریز تهیه میشد. درسال ۱۹۳۱، قراردادی بین دولت شاهنشاهی ایران‌وچند کمپانی سوئدی براساس پایاپای به‌امضاء رسیدو این‌قرارداد مبنای شروع حقیقی کار اطلس کوپکوکه نامش درآن زمان اطلس دیزل بودمیباشد.

* نمای داخلی تعمیرگاه اطلس کوپکو ـ ایران

ماشین‌آلات بادی‌و حفاری شرکت‌اطلس کوپکودرساختمان اولین جاده تهران ـ پهلوی بکار گرفته شد. سپس شهرداری تهران برای انجام ساختمان جاده‌های شهری دوکمپرسور سیارخریداری نمودو همزمان باآن دو کمپرسور ثابت نیز به کارخانه‌سیمان تهران فروخته‌شد.

در اوایل سال ۱۹۳۳، دولت شاهنشاهی ایران مصمم به‌ایجاد خط‌آهن سراسری‌از کرانهٔ خلیج‌فارس تا دریای شمال که‌طول آن جمعاً ۱۴۰۰ کیلومتر میباشد گرفت. شرکت تعداد ۷۰ کمپرسور سیارو تعداد زیادی دستگاه‌های حفاری برای ساختمان این طرح عظیم دراختیار دولت‌ایران قرارداد.

امروزه ماشین‌آلات اطلس کوپکو سهم مهمی را در اجرای طرحهای عمرانی توسعه ایـران و در طـرحهای معادن ، ساختمانـی و کارخانجات بعهده دارند. از دستگاه‌ها و ماشین‌آلات اطلس کوپکو درایران برای تولید شکر ، شیر ، آبجو ، شکلات ، محصولات‌داروئی و تولید باطریهای خشک ، تلویزیون ، اثاثیه، کفش‌و شیشه‌و غیره استفاده میشود. ماشینهای سواری ، اتوبوسها کامیونهاو قطارها بکمک ابزاربادی‌اطلس کوپکوتولیدوبکارمی‌افتند.

شرکت اطلس کوپکو بیش از ۳۰ دستگاه کمپرسورثابت ازانواع مختلف را برای تهیه تمام احتیاجات هوای فشرده مورد لزوم‌برای تولید سیمان در مراحل مختلف دراختیار کارخانه سیمان آبیک قرار داده است. علاوه براین دستگاههای حفاری ، کامیونو کمپرسورهای سیار در معادن‌آهک این کارخانه که یکی‌از بزرگترین کارخانجات سیمان دنیاست بکار مشغول میباشد. ابزاردستی‌اطلس کوپکو برای ساخت اتومبیل‌های پیکان شرکت ایران‌ ناسیونال‌و همچنین آخرین نوع کمپرسورهای ثابت بدون روغن (خشك) بوسیله شرکت سیترونن در خطوط تولیدی نصب گردیده است.

اتومبیلهای لیلاندولندرورها بوسیله ابزاربادی و کمپرسورهای اطلس کوپکو ساخته‌میشوند. سیلندرها وقطعات بادی نیز درکارخانجات ذوب‌فلزشهریاربکارگرفته شده‌اند.

امروزه‌گروه اطلس کوپکو مجهز به ۳۴۰ شعبه و اداره در سراسر دنیا می‌باشد که بعنوان مراکز هوای‌فشرده‌شناخته شده‌اند. برای ایجاد ساختمانها و تأسیسات، تهیه تجهیزات وهمچنین آموزش افراد اطلس کوپکو، در سراسر دنیا سرمایه‌گذاری هنگفتی انجام شده است و این بدین معنی است که مشتریان اطلس کوپکو که ازوسائل ودستگاههای مااستفاده‌می کنند، می‌توانند مشکلات فنی خود را با متخصصین وتکنیسین‌های نزدیکترین شعبه یا اداره‌اطلس کوپکو درمیان‌گذارده و از راهنمائی‌های آنها برخوردارگردند . تجربه و تخصصی که تکنیسین های ما کسب کرده‌اند و با نهایت علاقه در اختیار مشتریان محترم قرارمی‌دهند نتیجه فعالیت‌های گروهی است که در بیش از ۱۰۰ کشورمختلف انجام می‌پذیرد . علاوه بر این، تکنیسین های ما در ادارات مرکزی و شرکت‌های تولیدی اطلس کوپکو آماده‌اند تا بنقاط مختلف مسافرت کرده در موارد مختص، مانند حفر تونلهائی بطول ۱۲ کیلومتر در کوهها، مشورتهای لازم رابامشتریان بنمایند.

تشکیلات سازمان یافته اطلس کوپکو در ایران به بهترین امکانات سرویس مجهزمیباشد وسائـل مـدرن، استاد کاران باتجـربـه و متخصصین بامهارت، تأسیسات سرویس اطلس کوپکوایران را بصورت ممتازی درآورده است. کلیه کارهای تعمیراتی مطابق با آخرین تجهیزات و روشهای کارخانه صورت می‌پذیرد. هرقسمتی از دستگاه که در تأسیسات سرویس اطلس کوپکو تعمیر و نوسازی شود بکمک وسائل کاملا مجهز بطوردقیقی آزمایش شده و ازدرستی کارآن اطمینان‌حاصل می‌گردد.

هریک از قسمتهای مختلف تأسیسات سرویس تحت‌نظر یک متخصص و استادکار سرپرستی می‌گردد.

سرویس سیار اطلس کوپکو مجهز به ۱۵ دستگاه لندرور می‌باشد که با متخصصین و مکانیکهای ورزیده خود عهده‌دار سرویس ها و تعمیرات خارج ازمرکز می‌باشند . بمجرد بروز نقصی در هر یک از دستگاههای اطلس کوپکو در خارج از مرکز بلافاصله سرویس سیار با تجهیزات کامل و متخصصین فنی بکمک مشتری می‌شتابند و با رفع نواقص آن زمان توقف دستگاه را به حداقل می‌رسانند.

گروه فنی اطلس کوپکو ایران مشتمل بر متخصصین در رشته حفاری و انفجار و مهندسین معدن مجرب در عملیات تونل زنی و حفرمعدن می‌باشد.

آموزش

امر آموزش و بالا بردن سطح اطلاعات فنی افراد یکی از اهداف اصلی اطلس کوپکو بشمار می‌آید . گرچه تمامی کارگران و کارمندان دارای تجربه و تخصص کافی در رشته خود می‌باشند ، معهذا بعلت پیشرفت سریع و تغییرات حاصله در تکنولوژی مدرن کلاسهای متعددی تشکیل میگردد تا متخصصین و تکنیسینها با آخرین پدیده ها و تکنیکهای فنی آشنا گردند . تجهیزات کلاسهای آموزش اداره‌مرکزی اطلس کوپکو در تهران طوریست که علاوه بر آموزش پرسنل شرکت تسهیلات لازم را برای آموزش کادرمشتریان نیز فراهم می‌نماید . هدف از برگذاری این دوره ها عبارتست از آموزش اپراتورها ، سرکارگران وسرپرستان‌دستگاههای مشتریان و آشنا نمودن آنها با تجهیزات و وسائل اطلس کوپکو بطوریکه قادر باشند حداکثر استفاده را بطور صحیح از دستگاه بنمایند . برنامه های آموزشی اطلس کوپکو فقط محدود به آموزش پرسنل شرکت و کادر مشتریان نمی‌شود بلکه ازسال ۱۹۵۸، تاکنون بورس های تحصیلی بسیاری در سطح جهانی به دانشجویان و مهندسین معدن اعطاء گردیده است . این تسهیلات هرساله برای دانشجویان‌و مهندسین جوان فراهم میگردد و با اعزام آنها به سوئد و بازدید از تجهیزات مدرن‌با آخرین پدیده‌های صنایع و معادن اشنا می‌گردند .

در سال ۱۹۷۶، شرکت اطلس کوپکو ایران با تشریک‌مساعی سندیکای بهره‌برداران معادن فلزی ایران اولین بورس تحصیلی را به آقای وارطان بغوسیان مهندس معدن « انگوران » اعطاء نمود. این قبیل بورسهای تحصیلی را شرکت اطلس کوپکو ایران هرساله به یکی از مهندسین طرازاول معدن اعطاء خواهد نمود .

+مرد=

وقتی کودکمان به سن دبستان میرسد

ترجمه : دکتر قاسم قاضی

اطفال تازه وارد به دبستان، زمانی پسران و دختران بزرگ کودکستان بوده‌اند، در حالیکه اکنون هم نسبت به کودکان دیگر خود را کوچک حس میکنند . آنان موقعی میتوانند با اطفال بزرگتر از خود ارتباط مطلوب برقرار نمایند که درواقع توانائی اعتماد بنفس داشتن و مسئولیت قبول کردن را قبلا نشان داده باشند . بنابراین لازمست از آغاز به کودکان فرصت تمرین، کاردانی و بعهده گرفتن وظائف و مسئولیتهائی را داد.

همچنین در این مرحله، کودکان بطور روشن‌تر تشخیص میدهند که هر یک از آنها به گروهی متعلق است. آنها شروع میکنند به اینکه برای عقاید دوستانشان ارزش و احترام بیشتری قائل شوند و در مواردی که اختلافی با آنها پیدا میکنند ، کمتر به آموزگار متوسل شوند . این به آن معنی نیست که کودکان در این سن وسال برای کارجمعی آمادگی دارند ، بلکه بمنظور این است که ایشان میتوانند بنحو مؤثر و مفیدی برای پاره‌ای کارهای نسبتاً مخاطره‌آمیز در گروهی که برای آن منظور تشکیل یافته است، همکاری نمایند و در چنین مواردی راه بهتر درك کردن و فهمیدن یکدیگر را بیاموزند.

با آشنائی روزافزونی که طفل از دوستانش پیدا میکند ، این امکان وجود دارد که رفته رفته یک نوع خودنمائی آشکاری را ظاهر کند.

اما عاقلانه نیست که این خودنمائی را شروع رقابت طلبی او فرض کنیم . در این سن دختران و پسران دوست دارند از عهده کار بخوبی برآیند . ایشان معلوماتی را که کسب کرده و کارهای برجسته‌ای را که انجام داده‌اند، خیلی بزرگ جلوه میدهند و یکدیگر را برای انجام کارها بمبارزه میطلبند . اما باید دانست که هر کودکی بیشتر به موقعیت خود علاقمند است و کمتر به این امر که دیگران موفقیتی بدست نیاورده‌اند توجه دارد . برای او لازمه لذت بردن از موفقیت ، ناکامی دیگران نیست . اطفال هنوز نسبت به عقاید بزرگسالان خیلی حساس هستند ، و تمجید یا تقبیح آموزگاری را که دوست میدارند بی‌اندازه بحساب می‌آورند.

اصرار ورزیدن در رقابت، از دو جهت مخاطره آمیز است ، زیرا هم طفل ناموفق را پژمرده و دل شکسته میسازد ، هم کودکان موفق را بطور نا مطبوعی از خود خاطرجمع می کند . اینکه اطفال رکود معلومات قبلی خود را بشکنند ، خوشحالی زیادی به آنها دست میدهد . وظیفه سنگین آموزگار است که اوضاع و احوالی فراهم آورد و توقعات اطفال را به نحوی پی ریزی کند که هر طفل برای بالا بردن معلومات خود منتهای کوشش را نشان دهد . این موضوع تنها درصورتی رخ میدهد که آموزگار بخوبی از حد توانائی هر یک از شاگردان خود آگاهی داشته باشد و ازجانب اطفال موقعی این روش به نتیجه خواهد رسید که بدانند آموزگار به استعداد فردی آنها آگاهی دارد و نسبت به قبولی کاری که ایشان آنرا بهتر میتوانسته‌اند انجام دهند ، بی میلی نشان خواهد داد، و اینکه دانش‌آموز کارش را نسبت به میزان کار همشاگردی پهلوئی خود خیلی بهتر انجام داده باشد . بطور خلاصه ، هر چند آموزگار نمیتواند انتظار داشته باشد که سطح دانستنیهای اطفال یکسان و بطور متحدالشکل بالا رود ، لازمست که از آغاز دوره دبستان کوشش کند تا در طفل ، احساس فعالانه‌ای برای بالا بردن میزان معلوماتش بوجود آید.

مثالهائی از نوع رشدی که از کودکان ۷ تا ۹ ساله انتظار میرود.

در میان انواع مختلف پیشرفتهائی که اطفال در دو سال اول زندگی دبستان از خود نشان میدهند ، پیشرفت زبان بی‌نهایت مهم و قابل توجه است ، هرچند پاره‌ای از کودکان باسانی صحبت میکنند و لغت‌هائی که برای بزرگترها باعث تعجب خواهند شد بزبان می‌آورند ولی دیگران فقط باترس و سرهم کردن چندلغت تمام آنچه را ما بلند شرح میدهند . بعبارت دیگر پاره‌ای از اطفال کاملا واضح ولی اغلب آنها دست و پا شکسته حرف میزنند . بهرحال صحبت کردن در اکثر مواقع طبیعی‌ترین و لازم‌ترین وسیله است برای ارتباط با دیگران و شرح ووصف کردن امور و اشیاء . کودك در سخن گفتن ، بیشتر با تقلید از دیگران ، یعنی سرمشق قراردادن و استعمال مداوم زبان پیشرفت حاصل میکند . کودکان وقتی خوب صحبت کردن را خواهند آموخت که سخن خوب بشنوند . استعداد بیان مطالب موقعی رشد میکند که طفل داستانی را مطالعه کند و یا به درستی با او صحبت شود . اشیاء ووقایع را بطور روشن برای او توصیف کنند و با درسها بطور مطبوع و آرام داده شوند ، و به کودك کمك شود تا بتواند سؤالات یا افکاری را که در سر دارد ، به قالب کلمات بریزد و از این کار لذت ببرد . اصولا پدر و مادر و یا آموزگار از اینکه لازمست با اطفال گفتگو کنند ، نباید بخود نگرانی راه دهد . از نوشته های ناخوشایند کودك ، و از اینکه آنچه را که آنها میگویند یا میخواهند کودك به صورت ناقص در می‌آورد ، یا از این که روش خواندن و آگاهی از لغت‌ها در آنها تا حدی ضعیف و محدود است نباید ناراضی گردند . صحبت کردن روشن و دلپذیر ، تنها با دانستن دستورزبان درست و لهجه مقبول نیست ، بلکه بیشتر از هرچیز به انتخاب کلمات ، توصیف مناسب و آهنگ و وزن صدا مربوط میشود . تقریباً از هفت تا نه سالگی صدای اطفال اغلب خشن و بلند بنظر می‌آید ، و این امر شاید به آن علت است که کودکان این سن یا نمی توانند و یا فراموش میکنند مقدار صدا را کنترل کنند ، در واقع ایشان این آمادگی را دارند که به صدای رسای آموزگار یا پدرومادر پاسخ گویند . وشاید هیچ چیز بیش از این کار نمی‌تواند در آرام نگاهداشتن و انضباط دادن به اطفال مؤثر باشد.

درمورد خواندن ، کودکانی وجود دارند که به یک کمک روزانه و ماهرانه احتیاج دارند تا قدرت خواندن آنها بطور کامل پا برجا و استوار گردد ، اما اکثریت را کسانی تشکیل میدهند که از این مرحله گذشته‌اند . چنین اطفالی بهر نوع فرصت احتمالی ، درزمینه استعمال ازانواع کتابهای مربوط به مدرسه و خارج از مدرسه نیازمندند . علاوه بر این اطفال مخصوصاً در این سن وسال ، احتیاج دارند که فرصت پیدا کنند تا درباره آنچه خوانده‌اند گفتگو کنند ، و فرصت آنرا داشته باشند تا کلمات و تصوراتی را که ضمن مطالعه کتابها با آنها آشنا میشوند ، به گنجینه آگاهی از لغت‌های زنده‌ای که در حرف‌زدن و نوشتن خود بکارمیبرند ، وارد کنند . خواندنی که با صدای بلند پدرومادر و آموزگار و کودکان انجام شود ، نقش مهمی برای روشن کردن مفاهیم ذهنی دارد.

در این مرحله علاقه به موجودات جاندار ، بیش از پیش نزد اطفال مشاهده میگردد . ایشان رفته رفته به تنوع نامحدود زندگی جانوران و گیاهان آگاهی یافته و شدیداً علاقمند میشوند تا کوششهائی برای جمع‌آوری این موجودات از خود نشان دهند.

در این موقع تنها عده کمی علاقه پیدا میکنند که از نمونه های جمع‌آوری شده برای خود کلکسیون مرتب داشته باشند . در اینجا نقش عمده بعهده آموزگار است تا کودکان را در مطابقه نمونه ها و تنظیم کردن وسؤال کردن درباره آنها راهنمائی کند و باین ترتیب موجبات پیشرفت اطفال را فراهم آورد ، تا آنها دقیق‌تر مشاهده کنند و بین افکار و مشاهدات خود روابطی برقرار سازند و به کشفیات بیشتری کشانده شوند . همچنین کودکان علاقمندند که اشخاصی مثل مکانیسین ، بنا ، مغازه‌دار و آشپز را هنگام اشتغال به کار ببینند و نه تنها آنان را هنگام کارتماشا کنند ، بلکه به اسبابها و افزارهای کار آنها نیز دست بزنند و با ایشان گفتگو کنند.

نیم قرن شاهنشاهی دودمان افتخار آفرین

پهلوی را شادمانه جشن می گیریم و بهمراه آن

صمیمانه ترین سپاس را به پیشگاه مبارک

شاهنشاه آریامهر

تقدیم میداریم

گروه صنعتی رنا

نیم قرن شاهنشاهی دودمان افتخار آفرین

پهلوی را شادمانه جشن می گیریم و بهمراه آن

صمیمانه ترین سپاس را به پیشگاه مبارک

شاهنشاه آریامهر

تقدیم میداریم

شرکت صنعتی آژیر

روزی که «اکبرآقا»

اکبرآقا مرد میدان زندگیست، بیاد ندارد هیچ وقت براثر هرحادثه‌ای حتی روبرو شدن با مسأله ازدواج از پای افتاده باشد. ولی خوب... زندگی و شهر شلوغی مانند تهران مشکلاتی دارد، نباید از زور بازو هم ضعیف بود و اکبرآقا میخواست هم قوی باشد و هم دارای شخصیت اجتماعی و تصمیم گرفت یک کلاس کاراته را بگذراند ولی.....

در یکی از خیابانهای شمالی شهر اکبرآقا از ماشین پیاده شد. یک شماره تلفن را دید. درست بروی ورقه‌ای که در دست داشت نگاه کرد. سالن کاراته شماره ۲ به تابلوی نگاه کرد. سینه‌ای صاف کرد و رفت طرف سالن. سیگاری بدست داشت، همین در ورودی میخواست وارد شود یک جوان کی بوش با اکسیس زد روی بینی اکبرآقا و باخنده گفت:

اخوی سیگار کشیدن ممنوعه!

اکبرآقا جا خورد. با خودش فکر کرد در روزنامه‌ها و تلویزیون این مسئله را عنوان نکرده بودند این بود که دستش را گذاشت روی بینی طرف و باخنده گفت:

— اخوی این قانون از کی دراومده؟

جوانک با یک حرکت و با دوانگشت اکبر آقا را پشت رو کرد، بطوریکه نفهمید چه اتفاقی افتاده. وقتی بخودش آمد چشمانش را مالید، باورنکردنی بود که طرف با دو انگشت توانسته بود او را ضربه کند و جوانک اینبار با خنده گفت:

— از همین جا، وقتی پایت را توی سالن کاراته میگذاری حق سیگار کشیدن نداری!

اکبر آقا خودش را راست و ریس کرد و به باقیمانده سیگارش که روی زمین داشت دود میشد، خیره شد، وبعد باخنده گفت:

— نوبت ما هم میشه!

اکبر آقا رفت داخل راهرو که صدای فریادهای یکنواخت و ضربه‌های پشت سرهم سوغش کرد. لحظه‌ای فکر کرد و باز براه خود ادامه داد تا درمقابل سالن قرار گرفت، منظره جالبی جلوش دید. یک عده جوان گروه گروه در گوشه و کنار ایستاده بودند و با حرکات یک فرم با عضلات پیچیده خود کارهای خارق العاده‌ای میکردند. اکبرآقا زیر لب گفت:

- ای خدا، اینهمه بروس لی...

که در همین موقع دستی به شانه‌اش خورد، برگشت و یک آقای عینکی را دید که با خنده به او نگاهی کرد و بعد گفت:

— یا بفرمائید تو بنشینید یا تشریف ببرید.

اکبر آقا یکه‌ای خورد و با لحنی بغض آلود گفت:

— نه میرم بشینم، نه تشریف میبرم، اومدم اسم نویسی کنم.

طرف دوباره خندید و گفت:

— پس تشریف بیاورید دفتر.

اکبرآقا به دفتر رفت و مرد عینکی گفت:

به چه منظوری میخواهید اسم نویسی کنید؟

خوب معلومه، همه به چه منظوری میان؟

معلومه، میپرسم شما برای چه میخواهید به ورزش کاراته بپردازید؟

برای نیرومندشدن، دست و پنجه‌ای نرم کردن!

میدونین قوانین ما چیه؟

نه!

وقتی به ورزش کاراته پرداختید هدف باید منظورتون سلامت جسم و جان باشد.

- به کسی زور نگید و شخصیت تازه و آدمی پیدا کنید، باید قسم بخورید.

ببینم، یعنی وقتی من کاراته باز شدم و کمربند سیاه گرفتم، فقط دلم باین خوش باشه که کمربند دارم؟!

اینست که هست.

اکبرآقا کمی فکر کرد و گفت:

باشه، قبول، لطفاً اسممو بنویسین.

* * *

مادر اکبرآقا و خان‌دائی دل داده بودند و قلوه گرفته بودند و حرف از دوران جوانی میزدند که صدای وحشتناکی سراسرخانه را لرزاند، سراسیمه پریدند بیرون و دیدند اکبرآقا یک طرف حیاط افتاده بود و از درد بخود می‌پیچید وطرف دیگر حیاط چند آجر قزاقی بزرگ روی هم ریخته شده بود. آنها بسرعت بطرف او دویدند و اکبرآقا درحالیکه از درد بخود می پیچید از جا بلند شد و بافریاد گفت:

«والله خودم دیدم «بروس‌لی» با یک کف گرگی نیروهشت تا آجر قزاقی رو از وسط نصف می کرد.

مادر اکبرآقا و خان دائی به همدیگر خیره شدند و خان‌دائی گفت:

«هزار بار گفتم، برای این پسره زن بگیر، آخه انجوری که نمیشه، اون نمیتونه زورش رو جائی نشون بده، ناچار میخواد آجر خرد کند.»

ساعتی بعد هنوز خان‌دائی و مادر اکبرآقا داشتند با هم سرماجرای اخیر بحثمی کردند که سایه‌ای را روی شیشه دیدند با حرکات عجیب وغریب، مادر اکبرآقا آرام از جای خود بلند شد، در حالیکه ترس سراسر وجودش را فراگرفته بود آرام در را باز کرد و ناگهان از وحشت فریادی کشید:

— «داداشی جون! بیا ببین بچه‌م زده به سرش، جلوی آئینه داره ادای ازما بهترون رو درمیاره، دیدی چه عاقبتی پیدا کرده؟..»

اکبرآقا بناگاه بخود آمد، پس از نیم نگاهی به چهره وحشت‌زده مادر و خان‌دائی انداخت نگاه معنی داری به عضلاتش کرد و با خنده آمد جلو، خان‌دائی خود را عقب کشید و با ناراحتی گفت:

یکه دعائی شده باشه... پس چرا خودتو لخت کردی؟

اکبرآقا نو برد یک شیوه گرهی به بازویش انداخت و گفت:

« ببین خان‌دائی، مگر تو به روز تو گود زورخانه ورزش نمی کردی؟»

«چرا دائی جون!»

- «واسه چی بود؟»

«خوب واسه اینکه نیرومند بشم»

اکبرآقا فریاد کشید:

— «خوب بابا اسمه به نوع ورزشه، فقط آدم باید مرد وشراف باشه، همین اسمش هم کاراته‌س، کاراته... اصلا تو «بروس لی» رو میشناسی؟»

«جی جی لی؟»

« بروس لی، اون حالا دیگه زنده نیست، ولی بروس لی ها زیادند»

خان دائی نگاهی به مادر اکبرآقا انداخت و بعد ساکت رفت گوشه اتاق نشست. اکبرآقا هم گوشه‌ای کز کرد و سکوت خانه را فراگرفت.

* * *

بعدازظهر روز بعد اکبرآقا در حالیکه لباس مخصوص کاراته خریده بود به سالن ورزش رفت، لباس مخصوص را بوسیله کمربند راست ورفت در صف بندی‌ها. استاد دستورات اولیه را داد و پس از آن تمرین‌ها شروع شد، اکبرآقا زودتر از همه تمرینات را انجام میداد.

پس از چند روز اکبرآقا کلی کاراته باز شده بود، تمرین کلی کلاس اول شروع شد انقباض عضلات و مشت برروی شکم، استاد دستورات لازم را صادر کرد و حریف‌ها دوبدو روبروی هم قرار گرفتند، طرف مقابل اکبرآقا بایک فرمان ناگهان با مشت به شکم اکبرآقا کوبید، قبل از اینکه اکبرآقا شکمش را سفت کرده باشد، رنگش بسرخی گرائید، نفس در سینه‌اش گره خورد، چشمهایش از حدقه درآمد و بناگاه از فرط عصبانیت با همان فنون کاراته‌ای که در منزل تمرین کرده بود با چند حرکت طرف را نقش زمین کرد و بعد گفت:

— خیال کرده!؟

همه با تعجب ساکت و آرام ایستاده و باو نگاه می کردند و ناگهان استاد کاراته بایک حرکت بطرف او پرید و فریاد زد:

— «توخوب جلو افتادی حالا جلوی من قرار بگیر.»

اکبرآقا بند از بندش جدا شد، باور کردنی نبود، حالا چه میشد، در همین فکرها بود که استاد باو حمله کرد و اکبرآقا بجای هرمقاومتی جاخالی داد و استاد مانند سنگ بزمین کوبیده شد و فریاد قهقهه و خندهٔ سالن را فراگرفت. استاد عصبانی باردیگر باو حمله کرد و اکبرآقا که دید وضع خراب شده اول چند تا هورا کشید، پایش را بالا و پائین برد و ناگهان... پا گذاشت بفرار و استاد هم بدنبال اکبرآقا میدوید...

نتیجه کار محروم شدن اکبرآقا از ورزش کاراته برای ده روز بود ولی اکبرآقا که نمی‌خواست تنها یک تماشاچی باشد شبها به ورزش ادامه داد. ازطرف دیگر مادرش با پیرزنان و پیرمردان کارآزموده به حرف نشست و داروی باطل سحر وجادو وجنبل تهیه کرد و هرروز به‌خورد او میداد و اکبرآقا روزبروز ورزیده‌تر میشد، درتعمیرگاه دیگر کسی از دست او امان نداشت همه کارهایش را با حرکت کاراته انجام میداد، پیراهن آستین کوتاه میپوشید.

ده روز محرومیت تمام شد و دو باره به تمرین پرداخت، این بار با کتاب‌هائی که از ورزش کاراته خوانده بود یک نفس کار میکرد، در و دیوار اتاقش پر بود از پوسترهای رنگی بروس لی

کاراته بازشد!

و دیگر قهرمانان کاراته. مادر اکبرآقا دیگر باتاق او نمیرفت. اتاق را خاك گرفته بود و اکبر آقا دور از تمام این عوامل به کارش ادامه میداد و داشت بدوره‌های تازه‌تری میرسید، و در واقع نزدیک بود یک قهرمان کاراته بشود.

* * *

پنجشنبه بعداز ظهر بود که اکبرآقا از کارش خلاص شد، از در کارگاه بیرون آمد، و ناگهان در جاده روی روبرو حسینش به طرف خورد، همان طرفی که روز اول سرش را اکبر آقا یک مشت حورده بود. اکبرآقا لحظه‌ای فکر کرد، اگر طرف دو نفر دیگر آمده باشد،

باید چه می کرد؟ می‌رفت؟ یا ما میماند؟ تصمیم گرفت برود. میخواست کاراته بهاجم را تمام کرده بود. اکبرآقا آرام از کنار خیابان براه افتاد که آن سه نفر بطرف او آمدند. و یکی از آنها یه محکمی خورد. اکبر آقا از جسم جسمهایش را روی هم نداشت، وی به دوباره‌ای باو زدند و طرف مربوطه با جسم گفت:

«فقط بمدی بوسائل دو یکی»،

اکبرآقا ایستاد و گفت:

«ببین آقای جاهل، اگر حرفی داری برسه بوسائل، به وسط خیابان». طرف خندید و ناگهان بطرف او حمله کرد، اولین حرکت او ضربه کاراته

بود اکبرآقا هم همین طور مقابل او ایستادگی کرد، ولی ناگهان متوجه شد که از کاراته گذشته، لگد به شکم و پشت به صورت میخورد و در اسوقت حسابش عقیقه شده بود. اکبرآقا وقتدهای کاراته‌ای می نشسته، بهوا می پرید و کتک میخورد....

چند دقیقه‌ای از سب گذشته بود که اکبرآقا با جسمهای ورم کرده از کلانتری بیرون آمد و بس نوشیدو ارباب شد. یکراست به خانه رفت. مادر اکبرآقا به ناراحتی نگاه کرد و وقتی از ناراحتی نشسته، اکبرآقا در حالیکه خنده تلخی روی صورتش بود گفت:

سحر و جادو باطل شد...

بی اصل کرد

... از بیرون، و یکراست رفت سوی اتاقش، دوربین دورعکس‌ها و پوسترهای بروس لی بود و صحنه‌های کاراته بازی، اکبرآقا تحریک شد آمد یک فریاد کاراته‌ای بکشد که دردی توی دستش پیچید و برس نشست و زیر لب گفت:

بروس لی هم نشدیم، عاقبتو سکر سرد!!.

بهداشت و حفاظت
محیط کار

شناخت عناصر سمی در مراکز صنعتی (۳)

* در کارگاهها و مراکز صنعتی تهیه فرآورده های جیوه‌ای، باید از وسائل ایمنی کافی و هواکش های مخصوص استفاده کرد

چگونه از مسمومیت با جیوه در کارگاهها جلوگیری کنیم؟

جیوه و ترکیبات آن از زمانهای بسیار قدیم شناخته شده و برای درمان بیماریهای مختلف و درمان بیماریهای جلدی و سفلیس و غیره مورد استفاده قرارگرفته است. جیوه تنها فلزی است که در حرارت معمولی بشکل مایع است. جیوه به تنهایی فلز سمی نیست و بهمین علت قبلا آنرا برای پیچ خوردن روده مصرف می کردند.

آنچه سبب شده ازجیوه بعنوان فلز سمی یاد شود ترکیبات جیوه است. مهمترین ترکیبات سمی جیوه املاح مرکورو (کالومل) و مرکوریک (سوبلیمه) و نیز ترکیبات سیانور جیوه است که البته مسمومیت ناشی از ترکیبات سیانورجیوه (به سبب وجود سیانور) نیز بوجود می‌آید.

هیدرارژیریسم حسبت

از ترکیبات آلی جیوه در درمان بیماریهای مختلف استفاده میشود مسمومیت با ترکیبات جیوه را در اصطلاح پزشکی « هیدرارژیریسم » می گویند.

مسمومیت با جیوه به سه صورت ممکن است بروز کند: حاد، تحت حاد (دارونی) ، مزمن (شغلی) در نوع مسمومیت حاد ترکیبات سمی جیوه بویژه سوبلیمه از طریق دستگاه گوارش شخص را مسموم میکند. و ممکن است به مرگ بیمار منجر شود. اگرچه طعم بد و نامطبوع این ترکیبات مصرف جنائی آنرا کم میکند با وجود این مواردی از خودکشی با سوبلیمه مشاهده شده است. در نوع دوم مسمومیت یعنی « تحت حاد مصرف جیوه از طریق استفاده درمانی ترکیبات آن است. نوع این مسمومیت بویژه براثر شستشوی مثانه با « اکسی سیانور جیوه دیده میشود. امروز سعی میشود که ترکیبات دارونی دیگری را جانشین ترکیبات دارونی جیوه کنند تا از بروز این گونه مسمومیت جیوه جلوگیری شود. ولی آنچه از نظر مسمومیت با جیوه اهمیت فراوان پیدا میکند مسمومیت های مزمن ناشی از تماس طولانی افراد با ترکیبات جیوه است. خطر مسمومیت با جیوه فلزی براثر آن است که جیوه در حرارت معمولی اتاق تبخیر میشود.

هیدرارژیریسم (مسمومیت با جیوه) بیشتر درمورد کارگرانی دیده میشود که دراستخراج و تهیه جیوه وصنایع مربوط بدان کارمیکنند.

خطر بخار جیوه

بخار جیوه که در این کارگاهها پخش میشود بسیار خطرناك است. این بخارها در مورد حرارت دادن آلیاژها، تهیه ترمومتر، همچنین تهیه وسائل علمی والکتریکی که جیوه درساختمان آنها بکار رفته، تهیه پیلها و لامپ‌های مخصوص بمقدار زیاد وجود دارد. کارگرانی که درصنعت چرمسازی کارمیکنند براثر استعمال ترکیبات جیوه در معرض این مسمومیت قرار دارند. ترکیبات آلی جیوه برای کشتن قارچ و نگهداری تخم بذر محصولات کشاورزی بکارمیرود.

همچنین در چاپ عکس و آب رنگ در درنقاشیهای برجسته از ترکیبات جیوه استفاده میشود.

بطور کلی هرگاه مقدار جیوه در هوای کارگاهها به ۰.۸ میلیگرم در مترمکعب برسد خطر هیدرارژیریسم حتمی است. برای جلوگیری از اینکار میتوان از طریق آزمایشهای شیمیائی میزان آنرا در کارگاهها اندازه گرفت و اگر میزانش از این حد بالاتر برود باید تدابیر لازم برای پائین آوردن مقدار آن در نظر گرفته شود.

املاح جیوه و جذب پوستی

معمولا تنفس بخارهای جیوه ایجاد اختلالات عصبی میکند درحالیکه املاح آن باعث اختلالات گوارشی میشود. جذب پوستی آن اثرات سوزاننده و تحریکی بر روی پوست و مخاط دارد. مسمومیت براثرجیوه فلزی، اغلب بواسطه تنفس بخار جیوه رخ میدهد. جذب املاح جیوه ازطریق دستگاه گوارش و یا نفوذ از راه پوست کمتر اتفاق می افتد. ضمنا ممکن است براثر تنفس ورم ریه نیز بوجود آید.

اختلالات گوارشی

باستثنای بی اشتهائی و حالت تهوع و استفراغ و اسهال که گاهی در کارگران معادن جیوه مشاهده میشود ضایعه گوارشی مهمترین ضایعه است عامل تشخیص « ضایعات دهانی است که گاهی میتواند وسیله تشخیص مفیدی برای مسمومیت با جیوه باشد. ضایعات دهانی استوماتیت جیوه‌ای) گاهی از نوع خشک است، که لثه ها دراین حالت متورم و پرخون و قرمز رنگ است. ولی اغلب ضایعات دهانی همراه با افزایش ترشح بزاق است و در اینحالت دندانها تغییر رنگ میدهند و دانه‌های سیاه رنگی برروی آنها ظاهر میشود. افتادن دندانها دراین گونه موارد دیده شده است.

اختلالات عصبی

درابتدای مسمومیت، علائم عصبی فقط بصورت لرزش خفیف پلك و لبها و انگشتان است ولی پس از آن ممکن است گسترده‌تر شود وبا حرکات شدید بر تمام بدن به لرزش درآید. این پدیده درکسانیکه سابقه الکلیسم دارند به پیشرفت لرزش کمک میکند.

در حالات بسیار شدید ممکن است کمی حافظه، کم خوابی، ضعف شدید و حتی بیحسی شدید در اعضای مختلف دیده شود.

*اختلالات پوستی

اگر مسمومیت براثر تماس جیوه از راه پوست صورت گیرد ضایعات پوستی شبیه اگزما وقرمزی پوست عارض میشود. گاهی درپوست، سوراخهائی براثرگرد جیوه پیدا میشود! عوارض پوستی ناشی ازجیوه پس از درمان کاملا برطرف میشود ولی سایر ضایعات (اگر مدت زمانی زیادی طول بکشد) ممکن است امر درمان را مشکل وگاهی غیرممکن سازد.

لازم است درکارگاهها ومراکز تولید فرآورده‌های جیوه‌ای این ماده بطورصنعتی و مطابق بااصول صحیح تهیه شود تاخطر مسمومیت کمتر باشد. همچنین در صورت امکان مواد دیگری بجای ترکیبات سمی جیوه استعمال شود برای جلوگیری ازپخش جیوه نه تنها لازم است کارهای مربوط در کارخانه درمحوطه سرپوشیده انجام گیرد بلکه بخارهائی که از کارخانه خارج میشود باید بااستفاده از متراکم کننده‌ها گردآوری شوند تابدین ترتیب مایع تجسم آنها شده ودر مقدار جیوه نیزصرفه‌جوئی به‌عمل آید همانطورکه اشاره شد بااستفاده از روشهائی شیمیائی مخصوص مقدارجیوه در هوای کارگاهها باید بطورمرتب اندازه‌گیری شود. بطوریکه میزان آن هرگز از ۰.۸ درصد میلیگرم در مترمکعب بالا نرود.

برای جلوگیری از ورود این بخارات سمی، به‌دستگاه تنفس، بایدار وسائل حفاظتی مخصوصی استفاده شود. در صنایع جرمسازی لازم است کارگرانی که باتشعشعات جیوه کار میکنند دارای لباس کار ودستکش و کلاه مخصوص برای حفاظت باشند.

آزمایشهای منظم پزشکی برای پیدا کردن علائم اولیه مسمومیت باجیوه لازم‌الاجرا است. اشخاصی که دچار مسمومیت شده‌اند باید از مجاورت بامواد سمی خودداری کنند تامعالجه کامل شوند. زنان آبستن وشیرده نباید بکارهائی که خطر مسمومیت باجیوه را دارند گمارده شوند.

بهداشت و حفاظت محیط کار

سرطان پوست

ومشاغل صنعتی

گسترش صنایع ، افزایش میزان سروصداهای محیط زیست و ماشینی شدن فعالیت های زندگی باعث پدید آمدن بسیاری بیماریها و امراض شده است. بهمین جهت بازدهی عملیاتی کارگران و کارکنان مراکز تولیدی و خدماتی کاهش یافته و دست اندرکاران فعالیتهای صنعتی را واداشته تا پیرامون بهداشت کار و طب صنعتی مطالعاتی را به انجام رسانند.

در حال حاضر « بهداشت کار » یکی از مهمترین رشته های پزشکی بشمار می اید و « سرطان شغلی » کشنده ترین بیماری شغلی است که در چند سال اخیر بطور چشمگیری افزایش یافته است.

منشا سرطان شغلی

مشاغلی که در آن امکان ایجاد سرطان وجود دارند محدود به صنایع تولیدی و کارخانه های ویژه که مواد شیمیائی « سرطان زا » بکار میبرند ، نیست. کشاورزان ، دریانوردان و کلیه

کسانیکه مثلا درمعرض نور آفتاب قرارمیگیرند نیز ممکن است بعلت اشعه ماوراء بنفش به سرطان پوستی دچار شوند.

نخستین محقق که سرطان شغلی را شناخت یک پزشک انگلیسی بنام (پرسیوال پت) بود که درسال ۱۷۷۵ به نقش دوده در پیدایش سرطان بیضه بین کارگرانیکه شغلشان پاک کردن دود کشهای بخاری بود پی برد . هم اکنون پس از سالها پژوهش معلوم شده که قیر ، قطران و روغنهای معدنی نیز سرطان بیضه ایجاد میکنند و همچنین معلوم شده که قطران ذغال سنگ ، سوخت ها و دوده های بخاری نیز عامل سرطان است . آزمایش نشان داده که با مالیدن قطران ذغال سنگ به لاله گوش خرگوش سرطان ایجاد میشود.

سرطانهای شغلی بیشتر در پوست ریه و مثانه دیده میشوند ، ولی ممکن است سایر اندام ها را نیز در برگیرد. سرطانهای شغلی از نظر خطر باسایر سرطانها تفاوتی ندارد ولی نحوه ایجاد و ظاهر شدن آنها تاحدودی دارای ویژگی است ! مثلا سرطان شغلی پس از سالها تماس باشغل و ماده سرطان زا بوجود می آید . این دوران در موارد مختلف متفاوت است ولی معمولا درحدود ده الی بیست وپنج سال زمان لازم دارد و کارگرانیکه به اندازه کافی از لحاظ مدت ومقدار درمعرض این مواد قرار گرفته باشند حتی اگر شغل موجد سرطان را هم ترک کنند بازهم درمعرض ابتلاء قرار دارند. همچنین سن متوسط شروع سرطانهای شغلی از سن شروع سایر سرطان ها کمتر است و این نوع سرطانها معمولا با ضایعات مشخصی قبل از سرطان همراهند که برحسب مشاغل نوع آنها فرق میکند.

سرطان پوست

در حدود سه چهارم سرطانهای شغلی ، پوستی هستند و قطران ذغال سنگ و روغنهای معدنی مهمترین عامل ایجاد آنها بشمار میروند. خوشبختانه این سرطانها در معرض دید قرار دارند وبسادگی قابل تشخیص اند ومعالجه آنها سریع است.

مناطق سرطان زا

سرطانهای پوستی ، بیشتر در نقاط باز پوست ، مانند سروگردن و دستها پیدا میشوند ، البته نقاط پوشیده پوست نیز ممکن است مبتلا شوند واین امر مخصوصاً درمواردی است که لباسها بماده سرطان زا آغشته شوند . معمولا زمان لازم برای پیدایش سرطانهای پوستی بیست الی چهل سال است.

موادی که سرطانهای پوستی ایجاد میکنند عبارتند از قطران ذغال سنگ، دوده ، آسفالت ، واکسنهای خام حاصله از نفت و روغن های معدنی ، محصولات نفت ، روغن موتور ، پارافین خام ، ارسنیک ، کرئوزوت ، آنتراسن خام ، اشعه های ایکس و ماوراء بنفش وغیره . مشتقات ذغال سنگ غنی ترین منبع شناخته شده عناصر سرطان زا بشمار میروند خاصیت سرطان زائی مواد نفتی برحسب منبع فرق میکند برای پیشگیری از سرطانهای پوستی شغلی ، باید افرادی که با مواد سرطان زا سروکار دارند ، زیر نظر پزشک متخصص ، تحت معاینه مداوم قرار گیرند زیرا تشخیص بموقع ، باعث علاج قطعی ونجات بیماران میشود.

با افتخار و سربلندی

درگرامیداشت پرثمرترین سالهای تاریخ کشور شاهنشاهی

پنجاه سال سلطنت دودمان پهلوی

شرکت می‌کنیم و آغاز نیم قرن دوم عصر پهلوی را

به پیشگاه شاهنشاه آریامهر، علیاحضرت شهبانو و خاندان ارجمند سلطنت صمیمانه

تبریک عرض می‌کنیم

شرکت پرس موتور «خاص»

نماینده انحصاری ماشینهای ساخت ماشین‌سازی تبریز

درفش سیاه

نوشته‌ی: فرناد

تا اینجای داستان

بهزادان، یکجوان ایرانی وطنپرست درزندان کوفه با چندتن از داعیان آل عباس آشنا شد. آنها او را در زندان رهانیدند و نزد ابراهیم امام بردند. ابراهیم مردانگی و عقل و هوش این جوان را تحسین کرد و او را عبدالرحمن ابومسلم نامید و از سوی خود به خراسان فرستاد تا مردم را به بیعت آل عباس بخواند و برضد بنی‌امیه بشوراند.

ابومسلم سراسر خراسان را باخود هم‌آواز کرد و یاران خود را لباس سیاه پوشانید و درفش سیاه را نشانه‌ی خود قرار داد و قیام کرد. او با نصرسیار حاکم خراسان بجنگ پرداخت و او را شکست داد و فراری کرد و آنگاه سپاه خود را به سرداری قحطبه به گشودن شهرهای ایران فرستاد. قحطبه و سیاهپوشان گرگان و نیشابور و مازندران را ازدست عمال حکومت بنی‌امیه رهانیدند و تا ری پیش رفتند. نصرسیار که به ری گریخته بود در این شهر بیمار شد و مرد.

سیاهپوشان از ری به اصفهان رفتند و از آنجا شهربه‌شهر فتح کردند و تا کنار رود فرات پیش رفتند. در کنار این رود با سپاه ... جنگ پرداختند. در بحبوحه جنگ پای اسب قحطبه لغزید و او را میان آبهای رود خانه انداخت. قحطبه نتوانست خود را از آب بیرون بکشد و غرق شد.

سیاهپوشان با پسر او حسن بیعت کردند و جنگ را با امویان ادامه دادند و سرانجام مروان حمار آخرین خلیفه‌ی اموی را در کنار رود زاب شکست دادند و خلافت را به خاندان آل عباس منتقل کردند و چون در این موقع ابراهیم امام مرده بود برادرش ابوالعباس سفاح به خلافت نشست.

ابومسلم سراسر خراسان را تحت لوای خود درآورد و سپس برای دیدار خلیفه به عراق رفت. و مورد پیشباز گرم و محبت‌آمیز سفاح قرار گرفت و بعد هم بزیارت خانه‌خدا رفت.

منصور برادر و ولیعهد سفاح که کینه‌ای نیز نسبت به ابومسلم داشت قبلاً فرمان امیرالحاجی را از خلیفه گرفته بود اما ابومسلم چنان بخششی به مردم کرد که همه او را امیرالحاج واقعی می‌نامیدند. در بازگشت از این سفر خبر مرگ سفاح به منصور و ابومسلم رسید و ابومسلم با منصور بیعت کرد و عبدالله بن علی عموی منصور را که علم مخالفت برافراشته بود پس از پنج ماه جنگ شکست داد و آنگاه علیرغم میل منصور که فرمان حکومت شام و مصر را به او داده بود تصمیم گرفت به خراسان برگردد. منصور از این تصمیم ابومسلم دچار وحشت و نگرانی شد و همه‌ی بزرگان بنی‌هاشم را وادار کرد به ابومسلم نامه بنویسند و او را از رفتن به خراسان منصرف کنند. خود نیز پیام گزاری نزد ابومسلم فرستاد اما ابومسلم همچنان در رفتن به خراسان، پافشاری می‌کرد تا اینکه ابوحمید یکی از سران سپاه اسلام به او گفت که چگونه میخواهد قول خود را بشکند و در حالیکه همه را به اطاعت آل عباس خوانده است خود از اطاعت خلیفه عباسی سر می‌پیچد؟...

قسمت یازدهم (آخرین قسمت)

ابومسلم وقتی سخنان ابوحمید بپایان رسید، لحظه‌ای ساکت ماند و آنگاه روبه‌دوست و همرزمش مالک‌بن هیثم کرد و گفت:

— تو در این باره چه میگویی؟

مالک گفت:

— ممکن است حق بجانب ابوحمید باشد اما او این سخنان را از جانب خود به‌شما نمی‌گوید که این سخنان بالاتر از حدومقام اوست. بهرصورت من رفتن ترا نزد خلیفه صلاح نمی‌دانم زیرا از کینه‌ی دیرینه‌ی منصورنسبت به‌تو آگاهم و یقین دارم که‌اگر پیش او بروی ترا خواهد کشت.

یکی دیگر از یاران ابومسلم گفت:

— یاامیر، اینهمه تردیدو دو دلی برای چیست؟ سپاهت را بردار و به ری برو که همه‌ی خراسان را پشتسرداشته باشی و ازبدخواهی ابوجعفرمنصور درامان باشی؟

ابومسلم مدتی دراز ساکت و متفکر بجا ماند و سرانجام سربرداشت و به یارانش گفت:

— باوجود همه‌ی این‌ها، من نزد خلیفه می‌روم. از سرنوشت نمی‌توان فرار کرد. سحرگاه فردا عازم مداین می‌شوم.

اسحاق، یکی از یاران صمیمی ابومسلم، گفت:

— یاامیر، حالا که اراده کرده‌ای بمداین بروی برو، اما اگر ازمن می‌شنوی بمحض رسیدن منصور را بکش و باهرکس که خواستی بیعت کن. یقین داشته باش که هیچکس مخالفت نخواهد کرد.

* * *

ابوحمید، همانروز نزد منصور بازگشت و باخوشحالی به خلیفه خبر داد که ابومسلم سرانجام از تصمیم خود درمورد رفتن به خراسان برگشته و فردا برای اظهار کهتری و اطاعت به حضور خلیفه خواهد رسید.

منصور که تاشنیدن این خبر در وحشت و نگرانی بسرمی‌برد، نفس راحتی کشید و گفت:

— باید خودم را برای همیشه از شر این مرد مغرور و سرکش آسوده کنم. ابوحمید با تشویش گفت:

— امیدوارم منظور حضرت خلیفه کشتن ابومسلم نباشد!

منصور خندید و گفت:

— مگر جز این راهی برای خلاصی ازدست ابومسلم می‌شناسی؟

— اما... مردم... سیاهپوشان؟

— نگران مردم نباش... مردم مرده‌ها را زود فراموش می‌کنند...

— ولی ابومسلم را لااقل مردم ایران و خراسان فراموش نخواهند کرد...

منصور با بیحوصلگی گفت:

— فکراین رابعدآمی کنم... من تا ابومسلم را نکشم خواب راحت نخواهم داشت...

لحظه‌ای بسکوت گذشت و آنگاه منصور یکی از کارگزاران خود را صدا کرد و گفت:

— فوری به همه سران قوم و بزرگان خبربده به دارالخلافه بیایند تا درباره امر مهمی مذاکره کنیم..

* * *

وقتی همه بزرگان حضور یافتند، منصور خطاب به‌آنان گفت:

— سردار بزرگ ما، عبدالرحمن ابومسلم نزد ما می‌آید. می‌دانید که او حق بزرگی به گردن ما دارد بنابراین انتظار دارم پیشواز بسیار شایسته‌ای از او بعمل آید و ابومسلم با نهایت احترام و اکرام به بارگاه ما بیاید. شما همگی تا چندین فرسنگی شهر به استقبال می‌روید و سردار بزرگ ما را باشکوه و جلالی درخور نزد ما می‌آورید در ضمن دستور می‌دهید تمام شهر را آذین ببندند و مردم سرراه او صف بکشند و برایش ابراز احساسات کنند. خلاصه از هیچ کاری برای بزرگداشت ابومسلم کوتاهی نشود.

خلیفه دستورهای دیگری نیز داد و آنگاه همه را مرخص کرد و تاکید نمود که از هم‌اکنون مقدمات استقبال از ابومسلم را تدارک ببینند. پس از آنکه آنها رفتند، منصور ابوایوب و دوتن دیگر از مشاوران مخصوص و محرم اسرارش را نزد خود خواند تا درباره‌ی نحوه اجرای نقشه‌ی قتل ابومسلم باآنها مشورت کند.

* * *

سحرگاه روز بعد، ابومسلم سپاهش را بدست مالک‌بن هیثم سپرد و گفت:

— اگرمن نامه‌ای برایت فرستادم آنرا با نصف نگینم مهرمیکنم. اگر نامه‌ای بدستت رسید که باتمام نگین مهرشده بود بدان که‌از جانب من نیست. سفرمن چندروز بیشترطول نخواهد کشید، اگر غیبتم طولانی شد و یاخبر مرگم را شنیدی بیدرنگ سپاه را بردار و بسوی خراسان برو و آنچه بصلاح نزدیکتر بود بکن، فقط سیاهپوشان را بیهوده به کشتن نده..

مالک گفت:

— یا ابومسلم، با اینهمه بدبینی چه اصراری به رفتن نزد خلیفه داری؟

— این راهی است که من باید بروم. نمیخواهم بگویند ابومسلم عهدشکنی کرد و قول خود را شکست... مرد است و قولش!

ابومسلم بعد از این گفتگو، با همه‌ی یارانش وداع گفت و با چندتن از سپاهیانش راهی مداین شد.

او در تمام راه به لحظه‌ی دیدار خود با خلیفه می‌اندیشید و به سخنانی که میان آندو ردو بدل خواهد شد.

— من بعنوان یک ایرانی در برابر این عرب بی‌شخصیت سرفرود نخواهم آورد حتی اگر به قیمت جانم تمام شود. این من هستم که او را به قدرت رسانده‌ام و منصور نباید این واقعیت را فراموش کند...

ابومسلم غرق در این اندیشه ها بود که ناگهان به صدای یکی از همراهانش بخود آمد و شنید که او می‌گوید:

— یا امیر، سمت مقابل را نگاه کنید! مثل اینکه بزرگان عرب به پیشباز شما می‌آیند.

حق با او بود. گروه کثیری سواره و پیاده از جانب شهر مداین به سوی آنها می‌آمدند. اینها بزرگان دربار منصور بودند که به استقبال سردار سیاهپوش می‌آمدند و چون نزدیک شدند، همه پیاده شدند و تعظیم کنان به ابومسلم خوش آمد گفتند و مراحم خلیفه را به او ابلاغ کردند.

ابومسلم و یارانش با شکوهی شاهانه وارد شهر شدند و به بارگاه ابوجعفر منصور رفتند. منصور شخصاً تا در قصر خلافت به پیشباز آمد و دست ابومسلم را به گرمی فشرد و او را شانه‌بشانه‌ی خود برد و برتختی کنار تخت خود نشاند و دستور پذیرایی داد.

ساعتی به تعارف و پذیرایی و نوشخواری گذشت و آنگاه منصور به ابومسلم گفت:

— میدانم که از راه رسیده‌ای و خسته هستی... برو و امروز را به استراحت بگذران... فردا صبح همینجا منتظرت خواهم بود تا با هم درباره امور مملکتی به گفتگو بپردازیم.

* * *

منصور، شب، چندتن از شمشیرداران

محصوص خود را خواست و به آنها گفت
شما فردا صبح درگوشه و کنار بارگاه من مخفی خواهید شد و کوس بزرگ خواهید بود بمحض اینکه من دست بهم زدم از مخفی‌گاه بیرون می‌آیید و ابومسلم را می‌کشید . فراموش نکنید که هرکدام از شما در فرود آوردن شمشیر بر سر ابومسلم تردید کند زیر ضربه‌ی شمشیر من جان خواهد سپرد .
ابومسلم که انتظار اینهمه احترام و ابراز محبت را از منصور نداشت با خود می‌گفت:
— شاید من در درك نیت منصور دچار اشتباه شده بودم
شاید او واقعا سوءقصدی در باره من ندارد و در اظهار محبت صمیمی و یکدل است... شاید واقعاً نسبت به خدمات من بخاندان خود قدردان و حق شناس است و میخواهد همیشه از پشتیبانی و یاری من برخوردار باشد ... شاید هم ... خدا می‌داند ! ... بهرحال ، در دیدار فردا همه چیز روشن خواهد شد .
او تمام شب‌را با اندیشه‌ها گذرانید و صبح به بارگاه خلیفه رفت . منصور منتظرش بود و چون وارد شد به پیشبازش آمد و با مهربانی گفت :
— امیدوارم خوب استراحت و رفع خستگی کرده باشی و درجوارما به شما خوش گذشته باشد .
ودرحالیکه او را دوش بدوش خود می‌برد نگاهی به حمایل وشمشیر ابومسلم کرد وگفت:
— حمایل زیبایی بسته‌ای ابومسلم . . . واین شمشیر ، بنظرم همان شمشیری است که ازعمویم عبدالله گرفته‌ای...
ابومسلم شمشیرش را ازحمایل جدا کردو بدست خلیفه دادوگفت:
— بله یا امیرالمؤمنین ، این همان شمشیر است....

منصور نگاهی به پست وروودسته وتیغه‌ی شمشیر انداخت وآنرا دردست خود نگاه داشت. دراین موقع هردو مقابل تخت خلافت رسیده بودند . منصور ایستاد وبا لبخند از ابومسلم پرسید:
— یا ابومسلم ، بگو ببینم شما این تخت را حق من می دانی ؟ ابومسلم گفت:
— اگر جزاین بود که با شما به خلافت بیعت نمی کردم...
— پس چرا نمی خواستی بزدیک من باشی
— برای اینکه شما را از خود بی‌نیاز می دیدم ومیخواستم بخراسان بروم وبه خدمت خود درآن سرزمین ادامه دهم...
— اما شما از دوران حیات برادرم نسبت بمن بی‌محبت بودی. چرا موقعی که درحضور من فرمان قتل ابن کثیر را صادر کردی مشورتی بامن ننمودی ؟
— شما آنموقع میهمان من بودی ومن نمیخواستم فکر شما را به مسائل داخلی حوزه حکومتی خودم مشغول کنم.
— چرا درسفر حج سعی کردی مرا دربرابر مردم خفیف کنی ؟
— نعوذبالله ! حضرت خلیفه چه فکرهایی میکنند ! من میخواستم تاآنجا که از دستم برمیآید به مسلمانان خدمت کنم وقصد وغرض دیگری نداشتم...
— چرا وقتی فرستاده‌ی من حساب غنایمی را که ازعمویم گرفته بودی خواست ، خشمگین شدی وبدوبیراه گفتی
— اگرعادلانه داوری کنید حق را بجانب من می دهید . فرستاده‌ی شما کوچکتر ازآن بود

که از من حساب بخواهد. من فرمانده سپاه بوده‌ام [illegible] خلافت [illegible] [illegible] بود که [illegible] داشته باشد
منصور [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
منصور دیگر نتوانست تاب بیاورد ودست بهم کوفت که ناگهان چهارنفر شمشیر بدست به وسط تالار ریختند وابومسلم را در میان گرفتند.
ابومسلم درحالیکه همچنان آرام وخونسرد برجای ایستاده بود . منصور را که با ترس ولرز ازاوفاصله می گرفت با تحقیر نگریست وگفت
— ای منصور ! مراچنین نامردانه بکش بدان که مردم ایران ساکت نخواهند نشست و تو واخلاف نسل بعد نسل تقاص پس خواهید

داد ! ابومسلم رادست کم نگیر
منصور باخشم فریاد زد
بکشید او را ، چرا ایستاده‌اید بکشیدش ! وشمشیرداران به ابومسلم حمله کردند واین سردار بزرگ ایران را بیدفاع و نامردانه کشتند.
پایان این داستان

داستان بعدی : خونخواهان ابومسلم

جدول سرگرمی مسابقات

مسابقه اطلاعات عمومی

در این شماره برای سنجش میزان اطلاعات عمومی شما ، ده سؤال طرح کرده‌ایم که برای شرکت در قرعه کشی و بهره‌گیری از جوایز کافی است پاسخ درست پنج سؤال را به « دایره جدول سرگرمی و مسابقه » بنویسید

اینک سؤالات

۱- همسر رستم چه نام داشت
۲- پایتخت آلبانی چه نام دارد
۳- آخرین پادشاه اشکانی که بود
۴- یک اثر از امیلی برونته را نام ببرید
۵- « پپ » کیست
۶- کوهی که کشتی نوح پس از طوفان بر آن قرار گرفت چه نام داشت
۷- ژورا چیست
۸ دهمین امپراتور روم که بود ؟
۹- نام کوهی که گفته‌اند آدم چون از بهشت رانده شد بر آن کوه قرار گرفت ، چیست
۱۰- دریای مرمره و بحر اسود را کدام تنگه بهم مربوط میسازد

کمی از جغرافیا

این سه تصویر هریک سمبل کدام کشور است ؟ پاسخ را به دایره جدول ، سرگرمی و مسابقه‌ها بنویسید و جایزه بگیرید.

حل جدول شماره هشت

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ه	گ	ر	ا	ک	■	ن	ک	ر	ا	ک	۱
م	■	ه	ن	ا	ج	ر	ا	ک	■	ا	۲
ک	ب	■	ا	ل	■	م	ه	■	د	ر	۳
ا	ن	و	ر	■	ج	■	ن	ل	ا	ک	۴
ر	ک	ش	■	ل	ا	د	■	ه	م	ر	۵
■	ا	■	ل	و	■	و	ن	■	ا	■	۶
ت	ر	ح	■	ا	ب	ر	■	ج	ن	ن	۷
ن	■	ا	ل	■	ن	■	ت	ن	■	ا	۸
ب	ر	■	ه	ب	ن	ت	ک	■	ج	ر	۹
ل	ا	ب	■	ن	ا	و	■	م	و	م	۱۰
■	ن	ر	ا	د	ر	ت	ر	ا	ک	■	۱۱

جدول کلمات متقاطع

از جهانگیر پارساخو

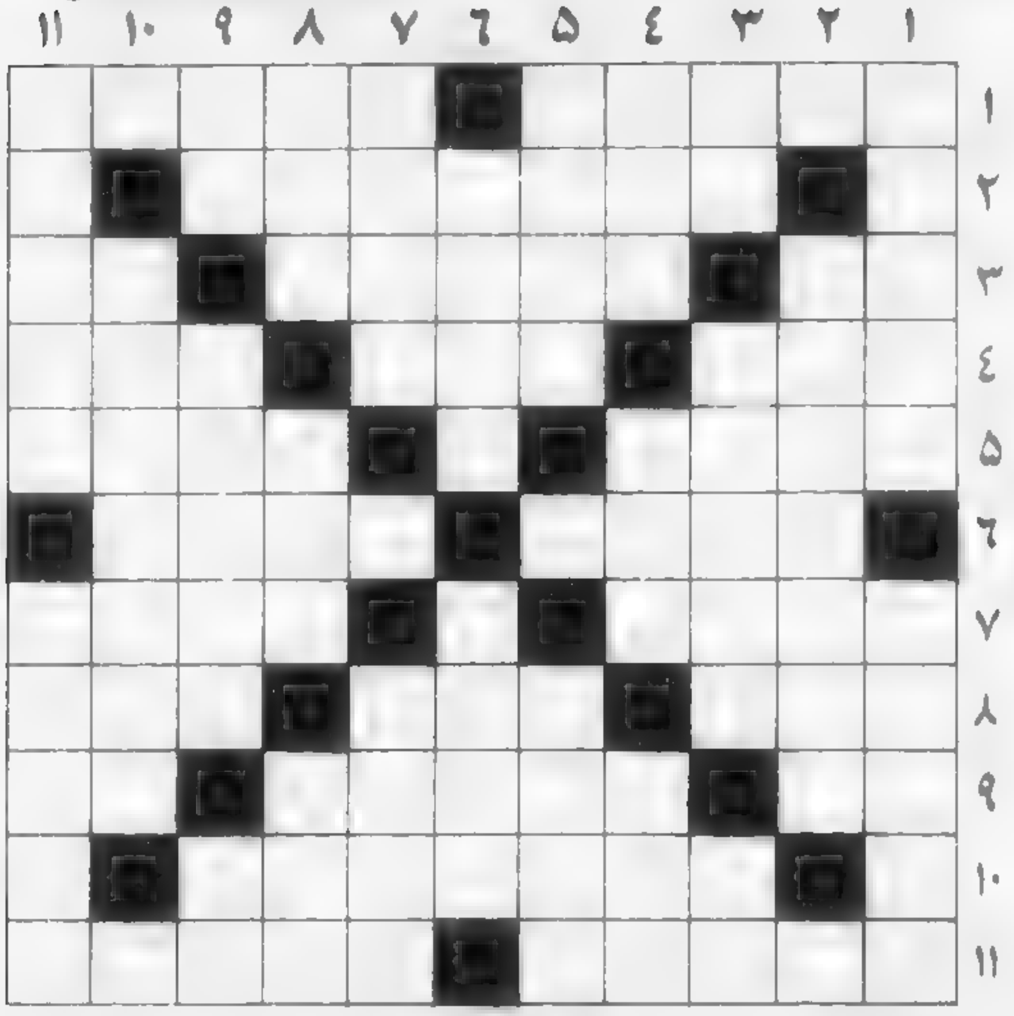

افقی :

۱- خیابان معروفی در تهران - خزنده‌ای نورانی در تاریکی ۲- طبقه شریف کشور در عصر رستاخیز ۳- نوعی غذا - دارای پیکر قوی - اصغر و اکبر آسمانی ۴- سلسله‌ای باستانی - اگر نبود جنگل نبود - نام دیگر دارو ۵- «نو» دلش را می‌آزارد - چیزی از سهل اضافه دارد و معنی راحت نرمیدهد ۶- دست شکسته برای گردن است - پنبه زن ۷- تکیه کلام خیلی از آوازه‌خوانها - یکی از بیتل ها ۸- ملت جمع شده - حرف شب عید - یک سگ ۹- پوشاک بظاهر مردانه - زار - پهلوان ۱۰- عصر شکوفائی ملت ایران ۱۱- دشمن دانا بلندت میکند و چنین دوستی بر زمینت میزند - بیشتر با ترنج همراه است .

عمودی :

۱- نامی برای آقا پسرهای خودمان - مکان جمع شده ۲- انقلاب بزرگ ایران ۳- راست - عقب - بازگرداندن ۴- مخترع ماشین بخار - بدان و آگاه باش - زن ۵- برای رد یابی باید آنرا پیدا کرد - نوعی پارچه ۶- رختشوی - خانه تابستانی - ۷- ناآرام - خانمها به زیبائی و بلندی آن خیلی توجه می کنند ۸- رخصت و اجازه - بزرگترین سرمایه - پدر بزرگ ۹- واحدی برای وزن - نیرنگ ها - فلز گرانبها ۱۰- مجله رستاخیز کارگران چنین منتشر میشود ۱۱- این پرنده نمیتواند پرواز کند - پاکباخته در قمار.

راهنمائی با جایزه

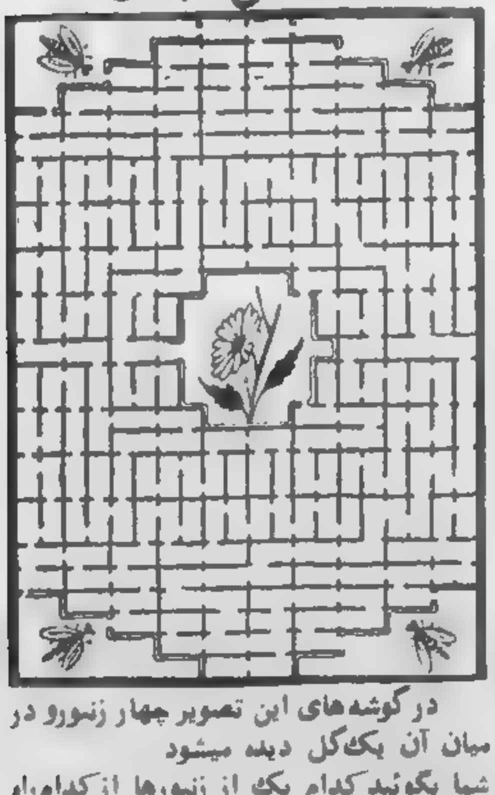

در گوشه های این تصویر چهار زنبور و در میان آن یک گل دیده میشود
شما بگوئید کدام یک از زنبورها از کدام راه میتواند خود را به گل برساند ؟

برندگان مسابقات شماره هشتم

۱ — آقای منوچهر ایزدیار (سکه یک پهلوی طلا) ۲ — بانو فریده هماهنگ (ساعت) ۳— آقای پرویز حاکم (رادیو) ۴ — آقای امیر هوشنگ قاسمی (قلم خودنویس).

جوائز مسابقات دو برابر شد

براثر استقبال بیش از حد خوانندگان عزیز از صفحات جدول ، سرگرمی و مسابقات ، جوایز مسابقات از این شماره دو برابر شد ، بدین شرح :

۱ — دو سکه یک پهلوی طلا.
۲ — دو ساعت مچی.
۳ — دو رادیو ترانزیستوری.
۴ — دو قلم خودنویس.

این جوائز بحکم قرعه به هشت تن از شرکت کنندگان در مسابقات که پاسخ صحیح بدهند تعلق میگیرد. دقت فرمائید که نام ، نام خانوادگی ، تاریخ تولد ، شغل و آدرس دقیق خود را در زیر پاسخ و نام مسابقه و شماره مجله را در بالای پاسخ و روی پاکت قید نمائید.

کاریکاتورشناسی

صاحب این کاریکاتور یکی از چهره های مشهور عالم سیاست در قرن بیستم است ، او کیست ؟ نامش را به « دایره جدول ، سرگرمی و مسابقه » بنویسید و جایزه بگیرید.

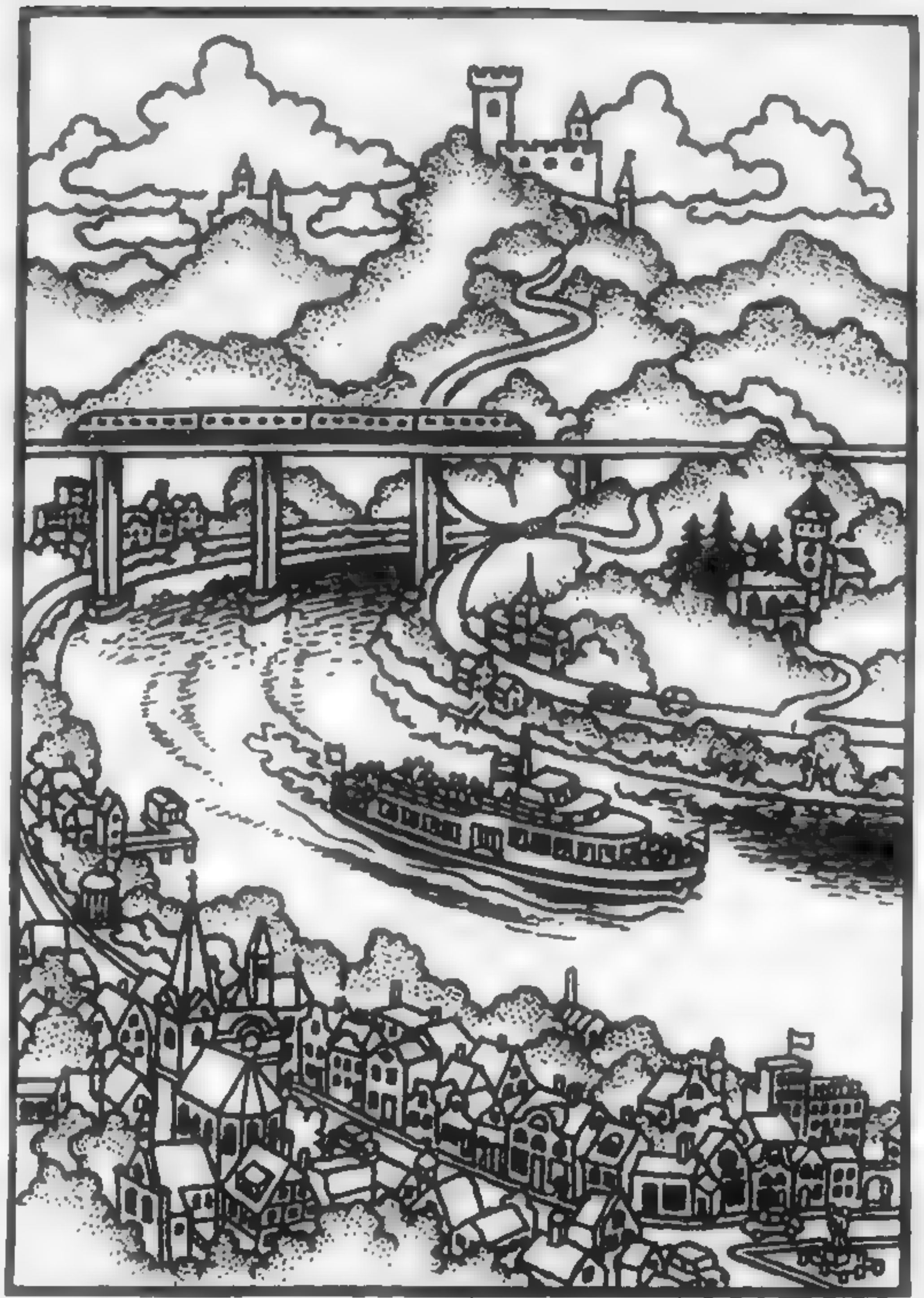

پروانه کجاست؟

درقسمتی از این تصویر پروانه‌ای جاگرفته است و اگر آنرا یافتید جای آنرا به «دایره‌جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

ازهشت تا پنج تا!

این دونقاشی که یکی اصل ودیگری بدل آنست درهشت مورد با یکدیگر اختلاف دارند. برای شرکت درقرعه کشی وبهره‌گیری ازجوایز این مسابقه کافی است پنج مورد از اختلافها را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

اعدادمرموز!

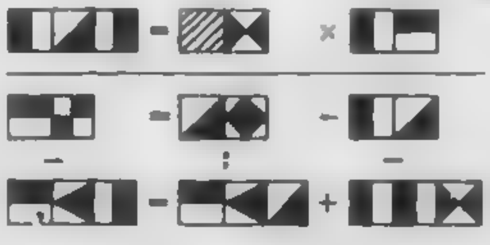

دراین شکل هرمربع نقش عددی را بازی میکند که‌شما این اعداد را از روی علائمی که دراطراف آنها مشاهده مینمائید، میتوانید پیدا کنید.

اگرموفق شدید پاسخ را به «دایره‌جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

فال

ساحر کارگران به‌فال وقرائات اعتقاد ندارد

فروردین

در مورد نامه‌ها و مراودات خود تفکر و تعمق بیشتری بکار برید وسعی کنید با شعور کامل هربرنامه‌ای را مورد بررسی قرار دهید. در این دو هفته نه تنها با مشکل پولی روبرو نمی‌شوید بلکه مبالغ مختصری نیز ازجاهای مختلف دریافت خواهید کرد.

اردیبهشت

در کار موفق هستید و دورنمای جالبی پیش‌رویتان قرار دارد. دوست‌تازه‌ای پیدا خواهید کرد. اگر رفتارتان با اقوام متکی بر اساس صمیمیت و تشریک مساعی است و بیش از حد به آنها میپردازید، در روزهای آینده با نتیجه جالبی روبرو میشوید

خرداد

ممکن است کسی به راهنمائی و کمک شما برای آینده خود نیازمند باشد. کار پر مسئولیت و شلوغی دارید که با انرژی کافی از عهده انجام آن بر می‌آئید و بپاس آن آخر ماه آینده با تشویق و پاداش مورد قدردانی قرار میگیرید.

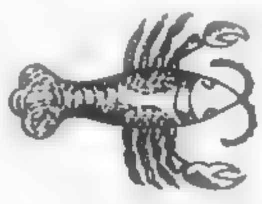

تیر

بین دوستانتان، بخصوص جوان تر ها، اختلالی در میگیرد که بهتر است با همت خود آتش را فرو نشانید. کارشماطوریست که با نامه و تلفن تماس زیادی دارید، بنابراین سعی کنید از ایجاد اشکال وسوءتفاهم جلوگیری بعمل آورید. از نظر مادی بخصوص دو هفته دیگر با وضع خوبی مواجه میشوید.

مرداد

بکار خودتان بپردازید و کمتر غم دیگران را بخورید. ازیک همسایه جدید باتغییرداخلی بعدی خوشحال میشوید که همه را متعجب میسازید. در کار، مشکلی ندارید، و دوستان به کمک شما می‌آیند. اگر مجرد هستید، ازدواجتان خیلی زود سر میگیرد، زودتر از آنچه که فکرش را میکنید.

شهریور

هفته آینده بهترین موقعیت را برای انجام کار‌هایتان بدست می‌آورید واین اشتغال اگرچه تمام وقت شما را میگیرد، ولی باخوشحالی همراه خواهد بود. آخرهفته را در کنار فامیل و خانواده خود میگذرانید و با کسی مواجه میشوید که راست و دروغ فراوان میگوید. اما بهتر است خونسردی خود را حفظ کرده

مهر

هفته خوشی را آغاز میکنید. دوست تازه‌ای می‌یابید. جمعه پیشنهاد گردش و یا سفری بشمامیشود که مدتی فکرتان را بخود مشغول میدارد. با اینکه مشکلی از نظر پولی و کار ندارید. ولی روزهای پر کاری در پیش دارید.

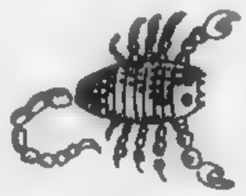

آبان

در دو سه روز اول هفته آینده نامه‌ای دریافت‌میکنید که فکرتان را به دوست‌سفر کرده یا همسایه‌ای که از سفر باز میگردد، معطوف خواهد داشت. در کار احساس خستگی میکنید و احتمالا تصمیم به استفاده ازمرخصی میگیرید.

آذر

این هفته را درفکروخیال سفر بسر خواهید برد. درمورد کارناراحتی درپیش نخواهید داشت. وضع پولی شما درخشان است. اگر درصدد تغییر مکان هستید، با اقوام مشورت کنید. از خرید چیزهای غیر ضروری اجتناب ورزید.

دی

داستانهای عجیبی میشنوید که باید رازدار باشید. احتمالا در کار با توسعه و پیشرفت زیادی روبرو میشوید و خوشبختانه مورد تائید و حمایت دوستان قرار دارید. در روزهای آینده بهترین موقعیت‌ها را از جهت گذراندن ساعات خوش در کنار دوستان در پیش دارید. یک موضوع خصوصی شما را شاد میکند.

بهمن

این روزها براه خود بروید، حتی اگر مردم حرف‌هائی بزنند. البته بشرطی که‌مطمئن باشیدچه میخواهید و تا چه حد به هدف نزدیک هستید. در کارچون بخت‌یار شماست ممکن است نفع زیادی عایدتان شود. خبر مهمی بدستتان میرسد. ازنظر اجتماعی و کاربا درخواست و تقاضاهای فراوانی روبرو میشوید.

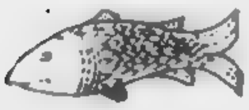

اسفند

روز های خوشی درطالع شماست. اگر از تعطیل و برنامه‌های تفریحی استفاده نکرده‌اید، بزودی این موقعیت پیش خواهد آمد. در مورد کار با مشکلی مواجه نمیشوید. بنابراین لزومی ندارد که نگران باشید، بزودی تغییراتی در کارتان داده می‌شود. خبرهای جالبی بدستتان‌میرسد و اقدامی فوری ازجانب شما بعمل می‌آید.

سیمرغ

به روایت: ن.ه.مغانی

منوچهر [illegible] سوگواری کرد و آنگاه [illegible]
[illegible]

منوچهر [illegible] پهلوان خود [illegible]

و [illegible] پهلوان [illegible]

سام داشت کم کم سنین جوانی را پشت سر می گذاشت وهنوز صاحب فرزندی نشده بود که نگهبان نام‌ووارث پهلوانی وبزرگی او باشد وازاین لحاظ بسیارغمگین بود وپیوسته به درگاه پروردگار التماس می کرد که فرزند پسری به‌وی عطا کند...

سرانجام دعاهای او مستجاب شد ویک روز همسرش باخوشحالی به‌سام مژده داد که انتظارفرزندی رامی کشد.

سام بهترین پرستاران را به‌مراقبت همسرش گماشت تا شب وروز مواظب سلامت او و فرزندش باشند.

ساعت‌ها، روزها وماهها در میان انتظار وامید سام وهمسرش سپری شد تا در روز و ساعت مقرر همسر پهلوان بزرگ زابلستان پسری بدنیا آورد اما این پسر عجیب‌ترین نوزادی بود که تا آنروز آدمیان بخود دیده بودند: او پوستی به‌سرخی ودرخشندگی خورشید وموپی به‌سفیدی برف داشت.

پرستاران مدتها از حیرت انگشت بدندان می‌گزیدند و جرأت نمیکردند حتی او را به مادرش نشان دهند اما مگر میشود مادر را از دیدن روی فرزندمحروم داشت

همسر سام وقتی نوزادش را دید از شدت حیرت ووحشت بیهوش شد وچون بهوش آمد از پرستارانش خواست که فعلا چیزی به‌سام نگویند تا شاید اتفاقی بیفتد واین مشکل عجیب به‌گونه‌ای حل شود.

یک هفته خبر تولد نوزاد را ازسام پنهان داشتند اما سام هرروزازحال همسرش می‌پرسید واز اینکه زایمان او به‌تأخیر افتاده ابراز نگرانی می کرد ومیخواست بدیدن زنش بیاید وپرستاران دیگر بهانه‌ای برای جلوگیری ازاین دیدارنمی‌جستند.

بالاخره یکی از پرستاران که زنی جهاندیده وباشهامت بود دل به‌دریا زد ونزد سام رفت وگفت:

—انتظار پهلوان به‌پایان رسید وپروردگار بزرگ‌فرزند پسری به‌شما عطافرمود.

سام باخوشحالی ازجابرخاست وگفت:

—چه مژده‌ی جانبخشی! میخواهم هم‌اکنون فرزندم را ببینم.

پرستار گفت:

—اما نکته‌یز را باید از پیش به‌آگاهی‌تان برسانم...فرزند هدیه‌ی خداوند است وباید آنرا باجان ودل پذیرفت ودوست داشت.

سام باحیرت پرسید:

—منظورت ازاین‌سخن چیست؟

زن پرستارمکثی کردوگفت:

—شاها پسر شما پوستی به‌درخشندگی و سرخی نگین‌های تاج فرمانروایی وموپی به‌سپیدی بخت شما دارد.

سام در حالیکه شتاب‌زده به‌راه می‌افتاد به‌نگرانی وسوپس گفت:

—چه میگویی زن! من باید فوری او را ببینم...

وباسرعت خود را به‌استراحتگاه همسرش رساند وروپوش گهواره‌ی نوزاد را کنار زد. کودک باپوست سرخ وموهای سفیدش به‌خواب ناز فرو رفته بود. سام مدتی از حیرت نتوانست سخنی بگوید وبعد، بانفرت رویش را برگرداند وفریاد زد:

—خدایا! من چه‌گناهی به‌درگاه تو مرتکب شده بودم که چنین موجود اهریمنی را در دامانم گذاشتی؟! من چگونه میتوانم او را بعنوان فرزند به‌بزرگان نشان دهم؟ چه کسی باور می کند که او یک آدمیزاد است نه دیو وپری!

وآنگاه رو به پرستاران کرد وباخشم گفت:

—نه، او را بهیچکس نشان ندهید! هیچکس نباید از وجود چنین نوزادی در خانه من آگاه شود. چند روزی او را پنهان نگهدارید تا ترتیبی به کارش بدهم...

***

سام دو تن از خدمتگزاران وفادار و رازدار خود را مأمور کرد که این نوزاد عجیب را پنهانی ازقصراو واز شهر بیرون ببرند، به‌البرزکوه برسانند ودر میان صخره‌های بلند کوهسار بگذارند تا طعمه پرندگان ودرندگان شود و اثری ازاوبرزمین نماند.

مأموران امر شاه را اطاعت کردند و نوزاد بیگناه را از آغوش مادر بیچاره وگریانش جدا کردند وباخود بردند بدون اینکه به‌مادر بگویند که فرزندش را کجامی‌برند.

آنها روزها وروزها اسب تاختند تا به‌البرز کوه رسیدند وآنگاه از راههای سخت بالا رفتند ونوزاد را در کنار صخره‌ای در قلب کوهسار تشنه وگرسنه گذاشتند وبی‌اعتنا به‌گریه‌ی بی‌امان او بازگشتند تاپاداش خدمت خود راازسام پهلوان بگیرند.

* * *

کودک لخت وبی‌پناه‌گاه گریه وفریاد میکرد وپاهای کوچکش را بزمین می کوفت و گاه انگشتش را می‌مکید وچون گرسنگی و تشنگی‌اش برطرف نمی‌شد دوباره گریه وفریاد راسرمی‌داد.

سیمرغ، بزرگترین، بلند پروازترین وداناترین پرندگان عالم که بادانش وزبان آدمیان نیز آشنا بود، درقله‌ی البرز کوه آشیان داشت وبچه‌های خود را درآنجا می‌پرورید. او هرروزچند بار بپرواز درمیآمد تا برای بچه‌های خودطعمه‌شکار کند.

آنروز نیز به‌عادت هرروز، چون دید بچه‌هایش گرسنه‌اند بپرواز درآمد تاشکاری بزند وبه‌آشیانه‌اش بیاورد وغذای بچه‌هایش کند...وچون اوج گرفت، باچشمان تیزبینش نوزاد آدمی را در میان صخره‌های وسط کوه دید وبسوی او فرود آمد تا بچنگالش بگیرد و طعمه بچگانش کند اما چون نزدیک او رسید، کودک نوزاد که لحظه‌ای از گریه آرام گرفته بود دستهایش را به‌طرف پرنده‌ی دانا دراز کرد وهمین حرکت محبت او را دردل سیمرغ جای داد، بطوریکه نه بقصد شکار، بلکه چون مادری مهربان او را بملایمت از سر صخره‌ها برداشت وبه‌آشیانه‌ی‌خود برد.

بچه‌های سیمرغ لحظه‌ای باحیرت این نوزاد آدمی را نگاه کردند وسپس باخوشحالی دور ور او به‌جست وخیز پرداختند وسیمرغ از اینکه بچه‌هایش این مهمان ناخوانده را با مهربانی پذیرفته‌اند شادمان شد ودر آشیانه‌ی خود، بابرگ وگل خوابگاهی برای او آماده

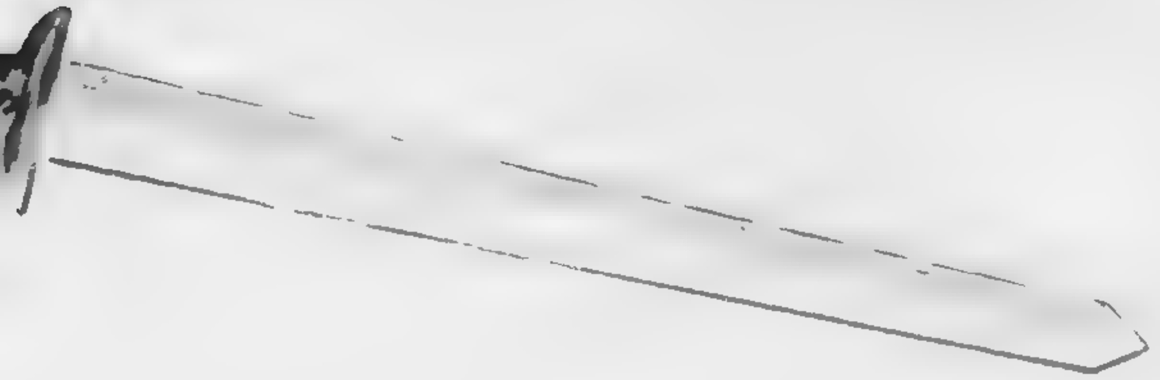

کرد وباشیر خود او را از گرسنگی وتشنگی نجات داد.

بهاین ترتیب پروردگار پرورش این کودك نوزاد را که مورد خشم بی‌دلیل پدر قرار گرفته بود بهعهدهی پرندهی هوشیار خود سیمرغ گذاشت. سیمرغ چون مادری مهربان او را در کنار بچه‌های خود می‌پرورید ومحبتش را بدل گرفته بود.

کودك کم کم بزرگ می‌شد وسیمرغ که از خصال آدمیان آگاه بود سعی میکرد او را نه مثل پرندگان، بلکه چون آدمیان تربیت کند. برای او خوابگاهی چون جایگاه انسانها در میان صخره‌ها ساخته بود وباانواع میوه‌ها بهاو غذا می‌داد وبزبان آدمیان بااو سخن می‌گفت تا وقتی بهمیان مردمان برمی‌گردد احساس بیگانگی نکند.

سیمرغ نام این کودك را دستان گذاشته بود.

سالها گذشت. دستان دیگر بزرگ شده بود و سیمرغ فوت و فن شکار را به او آموخته بود و دستان روزهایش را بگردش درمیان کوهها و به شکار و تفریح می‌گذرانید. و روز به روز برومندتر و پرزورتر می‌شد.

سام که دیگر صاحب فرزندی نشده بود، از اینکه تنها پسرش را بخاطر یك نقص طبیعی — که شاید چندان مهم هم نبود — به کشتن داده بود پیوسته غمگین بود و احساس گناه می کرد.

او فکر می کرد پسر بیگناه و بی پناهش طعمهی درندگان شده است و با خود می گفت:

میدانم که پروردگار این گناه بزرگ مرا هرگز نبخشوده و نخواهد بخشید... برای همین هم من دیگر صاحب فرزندی نشدم...

و آنگاه سر به آسمان برمی‌داشت و التماس می کرد:

— پروردگارا! ای اهورای بزرگ! بمن بگو چه کنم تا این گناه بزرگ من بخشوده شود؟

یکشب که با این اندیشه‌های پریشان بخواب رفت، خواب دید که مؤبدی از سوی البرز نزد او آمد و به او مژده داد که فرزندش زنده است و برای خود پهلوانی شده است.

سحرگاه که از خواب برخاست، مؤبدان و خوابگزاران را نزد خود خواند و خوابش را برای آنها بازگو کرد. یکی از مؤبدان گفت:

— ای پهلوان نامی، شما گناه بزرگی مرتکب شده‌ای که فرزند بیگناه خود را بـه جـرم سپید بودن مـوهایش، از خود رانده‌ای امـا از رحمت خداوندی غافل مشو. کسی که در پناه خداوند بزرگ باشد از هیچ چیز آسیب نمی‌بیند و خداوند در همه حال او را زنده و سالم نگه میدارد. به البرز کوه برو و فرزندت را بجوی، یقین دارم که او را بازخواهی یافت.

دیگران نیز حرف های این مؤبد را تأیید کردند و یکی از آنها گفت:

— راستش من از کاروانهایی کـه از دامنهی البرز کوه می‌آیند تعریفهایی دربارهی پهلوان سپید موی ونیرومندی که گویا بـالای کوهها زندگی می کند شنیده‌ام. شاید این پهلوان همان فرزند شما باشد.

سام تصمیم گرفت کـه روز بعد بـرای جستجوی فرزندش راهی البرز کوه شود و چون شب خوابید، دو باره خواب دید که جوانی برومند و خوش بر و بالا از کوه البرز پایین می‌آید و دو مؤبد او را همراهی می کنند. یکی از این مؤبدان چون چشمش به سام افتاد، جلو آمد و با لحنی سرد و تحقیرآمیز گفت:

— ای مرد ناپاك تو چگونه از پـروردگار بـزرگ شرم نکردی و فرزند بیگناهت را قربانی خودخواهی کردی؟ اگر موی سپید داشتن عیب است پس چرا از موی سپید خود شرم نمی کنی؟ تو پس از سالها التماس و زاری پسری را از خداوند به هدیه گرفتی و آنگاه با ابلهی و بی‌شرمی او را از خود راندی اما غافل بودی که خداوند آنرا که بخواهد خود بمهربانی نگهمیدارد و پرورش می دهد...

سام آشفته و وحشت زده از خواب پرید و همان لحظه خدمتگزاران و سوارانش را خواست و دستور داد اسبها را زین کنند تا فوری بسوی البرز کوه حرکت کنند.

سام وسوارانش شبها و روزها بی توقف اسب تاختند تا در سحرگاهی عطرآگین و دل‌انگیز به کوه البرز رسیدند. سام گفت:

— اینك احساس می کنم قلبم آرامتر می‌زند و روحم آسوده‌تر شده است. می‌توانیم تا برآمدن آفتاب در اینجا استراحت کنیم و سپس راهمان را بسوی قله‌ی کوه ادامه دهیم.

آنها از اسبها پیاده شدند و به استراحت پرداختند.

چون خورشید از تیغه‌ی کوه سربرآورد، سام از جا برخاست و در حالیکه زین برپشت اسبش می‌نهاد گفت:

— هنگام حرکت است. امیدوارم پیش از آنکه آفتاب امروز غروب کند، پروردگار بزرگ دیدگان مرا بدیدار پسرم روشن کند....

«ناتمام»

در کارخانه پلاستیک‌سازی درخشان:

به کارگران کم درآمد کمک مالی میشود

کارخانجات شرکت سهامی درخشان تهران در دیماه ۲۵۲۵ باسرمایه ۵۰ میلیون ریال تأسیس شدو در فروردین ۲۵۲۹ رسماً افتتاح گردیدو محصولات پلاستیک خود را به بازار عرضه کرد.

این کارخانه که در ابتدا با ۷۰ کارگر و روزی ۸ ساعت کار فعالیت تولیدی خودرا شروع کرده بود ، امروز با ۲۲۵ کارگروه ۲ نوبت بصورت دوشیفت ۸ ساعته کارمی کند و توانسته بامدیریت صحیح وهمکاری کارگران ظرف ۵ سال سرمایه خود را به ۲۰۰ میلیون ریال برساند. در برنامه آینده قرار است تعدادنوبت کار در کارخانه به سه شیفت بالغ گردد.

مزایای کارگران

در کارخانه پلاستیک‌سازی درخشان تهران حقوق کارگران طبق طرح طبقه‌بندی‌شده مشاغل ، که به تأئیدوزارت کاروامور اجتماعی رسیده است پرداختمیگردد. براساس این طرح حداقل حقوق کارگران ۱۵۷ ریال در روز است که از اول فروردین‌ماه سال جاری این رقم ، به دستور مدیریت کارخانه به ۱۹۲ ریال بالغ گردید.

کارگر ساده پس از اینکه به استخدام کارخانـه در می‌آید ، یک دوره دوماهـه کارآموزی را پشتسر میگذارد تا ازحالت کارگر ساده خارج گردد.و در کلاسی بالاتر از کلاس کارگر ساده قرار گیرد که در نتیجه حقوق‌و مزایای وی افزایش پیدا می کند. روش‌مدیریت کارخانه درخشان بنحوی است که‌اگر کارگر واقعاً فعال باشد از مزایای‌ویژه‌ای برخوردار مشود. بدین‌معنی که‌مثلا اگر کارگری فعال بود ، بجای‌اینکه گروه‌به‌گروه ارتقاء پیدا کند ، برای تشویق وی چندگروه ارتقاء پیدامی کند و از لحاظ طبقه بندی مشاغل درگروه تازه‌ای‌قرار میگیرد.

از اقدامات دیگری که برای تشویق کارگران در این کارخانه در نظرگرفته شده پاداش اضافه محصول است. بدین‌گونه که اگر کارگری در ساعت اضافه‌بر کاری که ازاو خواسته شده انجام داد ، به کار اضافه‌او مبلغی بعنوان پاداش داده میشود .وبدین ترتیب مدیریت کارخانه پلاستیک‌سازی درخشان راه پیشرفت را برای کلیه کارگران هموار کرده است تا کارگر بتواند کاملا احساس کند که حقی از او ضایع نخواهد شدو هرچه بیشتر کار کند درآمد بیشتری نیزخواهد داشت.

یکی دیگر از برنامه‌های رفاهی کارخانه درخشان برای کارگران ، کمک به کارگران کم درآمد است. دراین برنامه سعی‌میشود که با کمک مادی بـه ایـن نـوع کارگران ، حتی‌الامکان از مشکلات مادی این‌گروه کم کنند.همچنین به‌منظور اینکه کارگران در سهام این کارخانه شریک‌شدمو بااحساس مالکیت بکار خود ادامه دهند ، درسال‌گذشته این شرکت مقررات مربوط به‌شرکت سهامی عام را پشت‌سرگذاشت‌و ازصورت‌شرکت‌سهامی خاص به شرکت‌سهامی عام تبدیل شدو امروز کلیه کارگران با خرید سهام کارخانه دربهبود کمیت‌و کیفیت محصولات شرکت سهیم هستند.

گذشته از این‌مزایا ، کارگران کارخانه مذکور از مزایای بیمه‌های اجتماعی‌و بیمه درمانی — کمک کارگری حق‌اولادومرخصی سالانه استفاده می کنند. بعلاوه‌برای آن‌دسته از کارگرانی که درحین کار حوادثی پیش می‌آید ، کمیته خاصی به حفاظت تشکیل‌شده و کارگران مصدوم را باوسائل کمک‌های اولیه که‌در کارگاه هست درمان کرده‌وبلافاصله به بیمارستان منتقل می کنند.

آقای اخلاقی سرپرست کارخانه پلاستیک‌سازی درخشان هنگام توضیح پیرامون دستگاه کنترل کننده الکترونیکی کارخانه به خبرنگار ما.

نمایی دیگراز کارخانه پلاستیک‌سازی درخشان دراین قسمت بهترین نوع کف‌پوش پلاستیکی ساخته میشود.

این کارگران همچنین از مزایای شرکت تعاونی مصرف‌و دیگرمزایای کارگری استفاده می کنند.

تولیدات

این کارگران درطول فعالیت روزانه خود دراین کارخانه انواع رومیزی — انواع شمیز برای جلد دفاتر—انواع طلق— انواع مشمع های پشت‌پارچه‌و پشت تریکوبرای تودوزی اتومبیل و مبل‌سازی — انواع مختلف کف‌پوش بانام سوپرتایل — انواع مشمع پشت‌پارچه برای مصارف سراجی و کیف وچمدان‌سازی و بالاخره دیگر مشمع های پشت پارچه در طرح‌های مختلف تولیدمی کنند.

نحوه تولید

تولید مشمع و پلاستیک در این‌کارخانه‌با بهره گیری‌ازدوگروه‌ماشین آلات‌مدرن اروپائـی‌و آمریکائی تهیه‌میشود وسپس بوسیله ماشینهای دیگر به اشکال مختلف تکمیل و به بازارعرضه میشود.

گروه اول ماشینهای کالندر نامیده میشود که انواع ورق پلاستیک صنعتی و رومیزی چاپی ومشابه را تولیدمی کند. نحوه کاربوسیله این ماشین‌ها به این شکل است که اول در مخلوط کن‌های مربوطه پودر «پی . وی . سی» را که از پتروشیمی آبادان خریداری میشود میریزند و روغن‌های نرم کننده و موادهای تعاونی و رنگ مورد نظر را به آن اضافه می کنند و بعد ازمخلوط‌شدن به دستگاه دیگری تحویل می‌گردد که بنام «بمبوری» معروف است. و بعداز مخلوط‌شدن ، مجدداً بطور اتوماتیک بوسیله نقاله‌ای وارد دستگاه دیگری بنام «رول میل» حرارتی میشود. دراینجا بازمخلوط‌مجددا صورت‌میگیرد وبوسیله نقاله دیگری‌پس ازگذشتن از دستگاهی بنام صافی در داخل غلطک‌های عظیم و حرارتی «کلندر» وارد وبشکل ورق در میآید. ورقها پس‌ازعبور ازچهار غلطک کلندر، ازعاج‌زنی وسرد کن‌ها وضخامتسنج اتوماتیک وذخیره عبور کرده و برای بسته‌بندی و تحویل به‌بازار آماده میگردد. و یا آنکه برای چاپ نیز باگلهای متنوع و رنگ‌بندیهای مختلف چاپ می‌گردد .وپس ازکنترل ،بسته‌ی و به بازار عرضه میشود .تهیه انواع کفپوش تایل نیزبه‌همین گونه‌است .

گروه دوم‌ماشینهای«کوتینگ» هستند که بوسیله‌آنهامشمع های پشت‌تریکو ویاپارچه تهیه‌میشود.

در این‌قسمت نیز با استفاده از «پی . وی سی» و روغنهای نرم کننده استفاده میشود. این مواد ازماشینهای «رول‌میل» غیر حرارتی عبورکرده و پس‌ازآن بوسیله پارچه یا تریکو با استفاده ازکاغذهای مخصوص پوشانده میشود. ودرمرحله نهائی عملیات‌مجدد روکش کردن‌با«لاک»انجام‌میشود وپس‌از کنترل و بسته‌بندی به بازار عرضه می‌گردد .

لحظه های پرغرور و شکوه سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

سال برگزاری آئین ملی بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت

نمایشگر شورانگیزترین احساسات ملی و میهنی ملت ایران را که با افتخار در سینهٔ تاریخ کهنسال

ایران زمین جاودانه ثبت خواهد شد به پیشگاه مبارک

تهنیت عرض مینمائیم

موسسه عبدالعزیز فرمانفرمائیان و همکاران

گرامی باد نیم قرن سلطنت پرافتخار پهلوی

که خیر و برکت، سعادت و نیکبختی برای

ملت ایران به ارمغان آورد و افتخار به

شاهنشاه آریامهر

طراح کبیر انقلاب دگرگونساز شاه و ملت

که ایران کهن آئین را برای رسیدن

به دروازهٔ تمدن بزرگ رهنمون است.

ویتانا

واکنش ناگوار خشونت به فرزندان

شما هم شنیده‌اید که میگویند همهٔ پدرو مادرها بچه‌های خود را دوست دارند و این مسئله عاطفی را یک اصل مسلم میشمارند. در حالیکه این اصل همیشه بـا بر جا نیست زیرا گاهی دیده میشود که پدر یا مادری از بچه خود تنفر دارد. این تنفر ممکن است بعلتهای مختلف بوجود آید، مثلا وجود بچه مانع از این بشود که پدر یا مادر به‌هدفهائی که در نظر دارند، برسند و یا پدرو مادر را وادار بفعالیت بیشتر برای بدست آوردن درآمد بیشتر بنماید و یا آنکه پیدایش بچه سبب تغییر شغل مادر گردد و یا آنکه شغل خود را از دست بدهد. این حالت‌های تنفر درمورد بچه‌های شرعی است. درمورد بچه‌های نامشروع حالت تنفر بصورت بسیار شدید ظاهر میشود. درحالیکه در تمام این موارد بچه بی‌گناه است زیرا اگر پدرومادر بعلت ضعف خود نمیتوانند بهدفهائی که در نظر دارند برسند بچه چه گناهی دارد؟ اکثراً در میان مردم خرافی نیز دیده میشود که قدم بچه‌ای را شوم میدانند زیرا هم زمان با تولد بچه و یا بعد از تولد او وضع خانواده اتفاقاً بهم خورده است و همین مسئله سبب گشته که پدرو مادر از بچه متنفر گردند و نسبت به او بی‌علاقه شوند. گاهی اوقات هم بی‌مهری پدرو مادر از آشنا نبودن آنها نسبت به احتیاجات روانی کودک ناشی میشود. این پدر و مادرها بی‌علاقگی خود را نسبت به فرزندشان بصورتهای مختلف ظاهر میسازند.

گاهی رفتار خشن در پیش میگیرند. مثلا، بسیار دیده شده که پدر و مادری تمام وظایف خود را نسبت به فرزندشان انجام میدهند ولی در تمام این کارها بی‌حوصلگی بخرج میدهند و علاوه بر اینکه کارهای خوب بچه را تأیید نمیکنند، بلکه به پرسش‌های کودکانه وساده او نیز پاسخ های تندو بی‌قاعده میدهند و ناخود آگاه نسبت به تمام اعمال و رفتار بچه ایراد گرفته بهانه جوئی میکنند و گاهی این بد رفتاریها بصورت تنبیه‌های بدنی بدون‌دلیل نیزظاهرمیگردد.

اثربدرفتاریهای پدرومادردربچه‌ها

اثرات بد رفتاریهای پدر و مادر در بچه‌ها بصورت‌های گوناگون ظاهر میگردد. گاهی بچه‌های محروم از محبت پدر و مادر دچار اختلال روانی وحتی بیماریهای روانی میگردند. این دسته از بچه‌ها پرخاشجو و سرکش بار میآیند.

این بچه‌ها نسبت بزندگی و محیط بد بین شده، همه را دشمن خود فرض میکنند ودرنتیجه در انجام کارهای بد بهیچوجه احساس گناه ندارند، یعنی وجداناً کارهای خود را درمقابل اجتماع، پدرو مادر و همسالان خود صحیح میپندارند.

این دسته همچنین بعضی مواقع درمقابل رفتاربد پدرومادرحالت تسلیم بخود میگیرند. رفتار بد پدرو مادر را تحمل میکنند و با نشان دادن روی خوش سعی میکنند محبت آنها را بطرف خود جلب نمایند درحالیکه درباطن خود جدالی دارند و بهیچوجه نمیتوانند رفتار ناشایست پدر و مادر را نسبت بخود منطقی بدانند و بهمین دلیل با اینکه ظاهراً بردبار هستند ولی باطناً دچارانحرافات فکری باطنی هستند وطبعاً بسیاری از کارهای بد را درباطن خود صحیح ومنطقی میدانند وازهمین‌جا نطفهٔ منطقی بودن بدی‌ها وبدکاریها درمغزشان بصورت یکعمل‌صحیح ووجدانی نقش‌میبندد.

عده‌ای از این بچه‌ها خودرابدست تخیلات میسپارند وباخیالات‌عجیب‌خودراسرگرم‌میسازند وچون از حقیقت بدرفتاریهای پدرومادر، بدامن خیالات واهی‌پناه برده‌اند این دسته نمزبتدریج از واقع‌بینی دورمیگردند وباخصلت‌های عجیب در اجتماع جلوه‌گر میشوند بحدی که‌انسان نمیتواندفکر کندکه ازهمین مغزهائی که‌با اوهام وخیالات بزرگشده وپرورش یافته‌اند چه اعمال غیرمنطقی ومجرمانه وچه‌نقشه‌های شیطانی بروز میکند که‌اصولا مسئله‌وجدان در آنها مطرح نیست .دراین‌میان‌تعدادمحدودی از بچه‌های بسیار باهوش با اینکه‌بدرفتاریهای پدرومادر راکاملا احساس میکنند ولی خودرا بنادانی میزنند .این دسته ازبچه‌ها، نسبتاً از افکارپلیددورترمیمانند وباعقل‌وهوش وفراست از زشتی‌های رفتارپدرومادرپندمیگیرند .باید دانست که ایـن دسته ازبچه‌ها بسیارمحدود وکم هستند.

قبلا نوشتیم گاهی محبت پدرومادر نسبت به فرزند بصورت زیاده ازحدانجام میگیرد .در این قبیل موارد نیز بعلت‌محدویت زیاده‌ازحد، بچه‌ها مثل‌بچه‌های‌طردشده بارمیآیند زیرا مراقبت زیاد از بچه‌ومحبت‌های بیمورد نسبت به‌او، محدودیتهای‌شدیدی‌را بوجود میآورد که مانع رشد طبیعی اومیگردد. بچه‌هائیکه بیش از حد مورد محبت پدر و مادر هستند بیشتر وقت خود را با آنها بسر میبرندو همین امر سبب میگردد که کمتربا بچه‌های همسن وسال‌خود بسر برند و در نتیجه رشد اجتمـاعی آنها عقب میافتد . مواظبت زیاده از حد همچنین سبب میشود که پدرو مادر بیشتر ازحد معمول در کارهای بچه خود دخالت نمایند و در نتیجه آزادی‌فکری‌را ازاوسلب‌می‌کنندوبدین‌ترتیب بچه همیشه منتظر دستورآنها خواهد بود و بعد بهنگامی که پای دراجتماع میگذارد طرفدار فکر و قضاوت و میزانهای اخلاقی و اجتماعی او همه با شک و تردید توأم خواهد بود ، مگر اینکه کسی آنها را راهنمائی کند و حالا اگر این راهنمائی غلط باشد خدا میداند عاقبت کار چنین بچه‌ای دراجتماع بکجا خواهد کشید !

البته باید دانست که این حالت اطاعت کور-کورانه عمومی نیست ، بلکه محبت‌های زیاده ازحد پدرومادردربعضی ازبچه‌ها بصورت‌های زیرظاهر میشودعده‌ای ازبچه‌ها دراثر مراقبت-های شدید و پشت سرهم حالت تسلیم‌واطاعت بخودمیگیرندواستقلال خود راازدست‌میدهند. عده دیگر حالت سرکشی پیدا میکنندآنها علاوه برآنکه ازدستورهای پدرومادرسرپیچی‌میکنند نمیتوانند با بچه‌های دیگر هم بازی باشند و با آنها کنار بیایند . عدهٔ دیگر کم رو و خجالتی بارمیایند و بهمین دلیل وسیلهٔ گروه همسن خود طرد و کنارگذاشته میشوند و همین مسئله پایه یکنوع عقده نسبت به‌اجتماع میگردد و طبعاً تمام این عوامل تربیتی روی طرزفکرو تربیت وجدانی او اثرهای غیرقابل تغییر بجا میگذارد . حال که معایب مراقبت‌های شدید معلوم شد ببینیم این محبت‌های زیاده ازحد چیست ؟

علل مراقبت‌های‌شدیدوالدین

گاهی محبت‌های‌شدید والدین بعلت این است که یک فرزند بیشتر ندارند و فکر میکنند هرچه بیشترمراقب این بچه باشند درتربیت او بهتر کوشیده‌اند ، درحالیکه که علم ثابت کرده است که تربیت باید با خواسته‌های درونی بچه توأم باشد و اصول اجتماعی را نیز باید درآن رعایت کرد ،چون خواه‌ناخواه هربچه‌ای بزرگ میشود و پای دراجتماع میگذارد وحتی روزی به‌اجبار باید زندگی‌مستقل ازپدرومادرتشکیل دهد. دراین زمان است که گرفتاریهای ناشی از تربیت اولیه دامنگیراوشده ودررفتار روزمره‌او و خانوادهٔ جوانش جلوه‌گر میگردد و دشواریهائی بوجود میآورد که شاید بهیچوجه جبران پذیر نباشد .

ادامه‌دارد

دانستنی‌ها

اولین فضانورد

* از آن زمان که بشرگام بر روی زمین نهاد و آسمان آبی را بالای سرخود دید همواره دراین فکر بود که به فضای بیکران بالای سر خود دست یابد و رازهای ناگشوده آسمانها را آشکار سازد و بهمین خاطر نخستین بار کیکاوس پادشاه دوران کیانی را می‌بینیم که سوار بر تختی میشود که چهارعقاب، چهارگوشه آن را بدوش دارند وبال زنان رهسپارآسمانها میشوند. با آنکه تاریخ ازسرنوشت کیکاوس دراین سفر افسانه‌ای هیچ خبری نمیدهد ولی تردید نیست که هیچگاه آدمی از آرزوی دست یافتن به آسمانها غافل نبوده ، مسلم است که همیشه در این راه تلاش کرده، باین ترتیب که نخست با ابداع واختراع دوربین‌های نجومی وتلسکوپ، آسمانها و کرات آنرا کاویده و سپس بوسیله بالن نخستین پرواز را درفضای بیکران اطراف خود انجام داده است. اختراع هواپیما و آنگاه سفاین فضائی نیز یکی بعد از دیگری نمودار تلاش بشر تشنه و کنجکاو به دانش است که نخستین باردردوازدهم آوریل ۱۹۶۱ میلادی بشر توانست تا بالای جو صعود کندو کره زمین

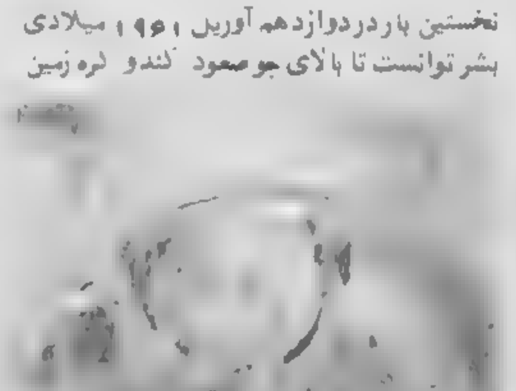

را ازفاصله‌ای که تا آنموقع باور کردنی نبود به بیند . در تاریخ مذکور اولین انسان زمینی یعنی یوری گاگارین با سفینه‌ای بنام وستوک

به فضا رفت و مدت یکساعت و ۴۸ دقیقه بدور زمین گردش کرد و سالم بزمین بازگشت . گاگارین چند سال بعد در حادثه سقوط هواپیما کشته شد ولی او درواقع نخستین انسانی بود که توانست از محدوده جو وجاذبه زمین گام فراترنهد وازآن‌بالاها کهکشانها را به بیند.

* خوب به تقویم بغلی خود یا تقویم دیواری خانه‌تان نگاه کنید ، آیا هیچ میدانید که این

اولین تقویم

جزوه کوچک راچه کسانی برای نخستین بار نوشته و تنظیم کرده‌اند و اساس اندیشه وفکر آن‌ها چه بوده ؟

انسان پس ازآنکه به حرکت وضـــعی و انتقالی زمین پی برد و در نتیجه از پیدایش شب و روز وسرد و گرم شدن هوا و تغییر فصول آگاه گردید ، بفکر افتاد سندی تهیه کند تا این تغییرات درآن ثبت گردد . اما بهر حال پیش از ایجاد تقویم بصورت امروزی ، تاریخ حکایت میکند اولین ملتی که بفکر تهیه چنین سندی افتاد چینی‌ها بودند که دردو هزارسال قبل از میلاد مسیح یعنی کمی کمتر از چهار هزار سال پیش (۳۹۷۶) ازاین توانستند تقویمی را تهیه و تنظیم کنند که درآن کسوف وخسوف پیش بینی‌شده بودوسال وماه‌نیز مشخص .

اولین مذهب

* تکیه کردن به آئین و مذهبی خاص و یا پرستش پدیده و چیزی بعنوان مبدأ وجود، همواره درذات بشر بوده‌و بهمین جهت‌آئین‌ها و مذاهب مختلفی بوجود آمده است که میتوان از بین آنها «توتمیسم» را بعنوان اولین آئین و مذهب آدمی بشمار آورد . دراین آئین آدمی گرایش به حیوان پرستی پیدا میکند و حیوانی مانند «توتم» یا «کانگرو» را مورد ستایش قرار میدهند . با اینکه آئین حیوان پرستی و بت پرستی و غیره در بیشتر جوامع پیشرفته بشری منسوخ شده و ازبین رفته ولی هنوزآئین حیوان پرستی در بدوی‌تـریـن قبایل جزایر اطراف استرالیا ،آمریکاوآفریقا پیروانی دارد .

«مناجات»

الهی . . .
. . .

خواجه عبدالله انصاری

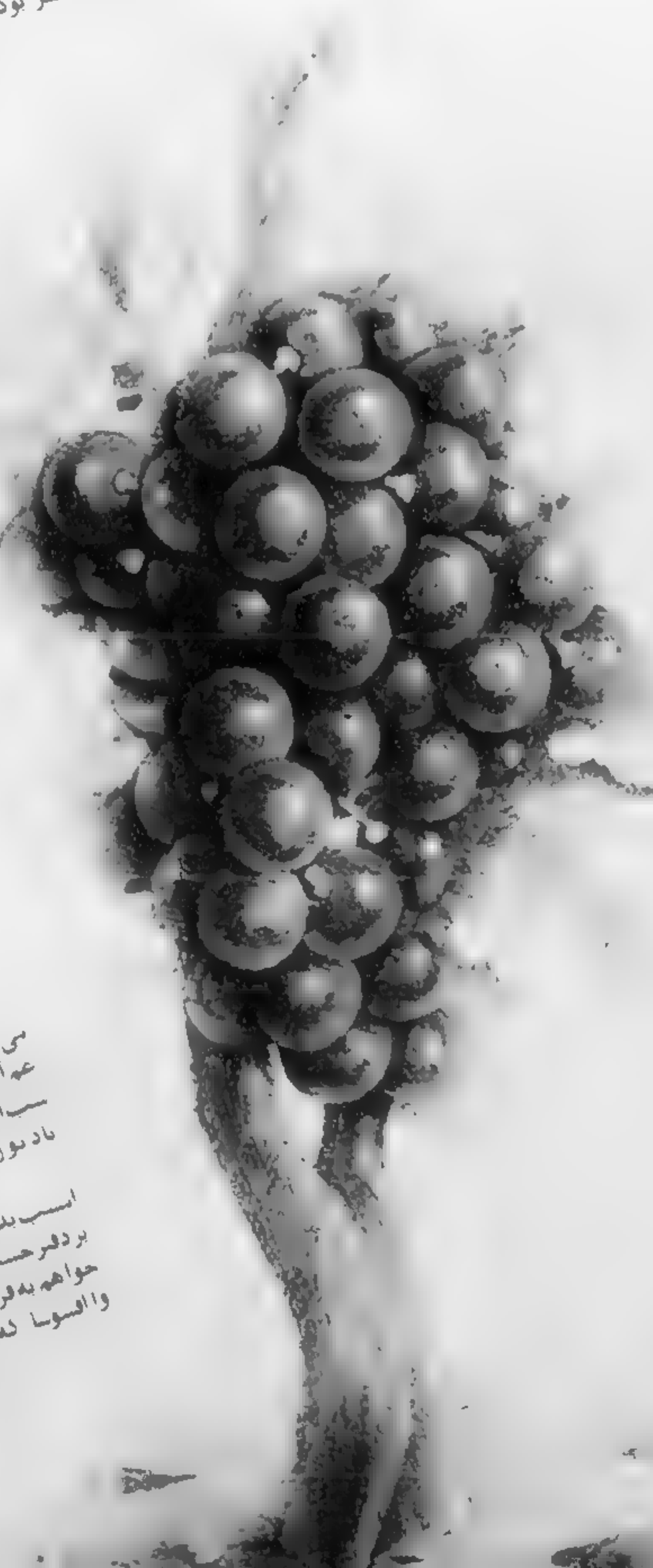

چهره کارگرد شعر فارسی

مرحوم فتح اله شیرازی متخلص به «فتوحی»

«غنچه و گل»

. . . روزی زراه لطف از گلشن گذر کردی
که از سرش و گل بوی برو دوش . . . آید
بهشتی گنجوی

. . . رباب . . . برلاله بهلو سپرید
غنچه در پیش گل روی . . .
صائب

. . . غنچه . . . چراغ . . .
. . . برلب . . . درآتش دارم
شکیبی

همه عمر غنچه ماندیم . . . نکردیم
که دلت نخواست یکدم دل ما شکفته باشد
پژمان بختیاری

. . . غنچه . . . شراب . . .
امشب کدام غنچه لب از گلستان گشت
شوکت

. . . گلاب . . . گرفت
از . . . بوی همدمی گل گرفته ام
نطقی نیشابوری

یک گل . . . که برگردش نبود
اشک شبنم، ناله بلبل، . . . باغبان
«نظام وفا»

د کتر مهدی حمیدی

یاد آن بهار نغز وجوانی و شور عشق
وآن روزها که گل خبر از مهرگان نداشت

آن بامداد تازه که آن نوبهار عمر
اسرار خود زمن سرموئی نهان نداشت

وآن خرمن گلی که بجز جان من نبود
بیمی چنین که دارد، از باغبان نداشت

با بوسمش دو دیده و با نوشمش دو لب
از ناز دلفریب، شکیب و امان نداشت

با صد زبان زعشق سخن گفت چشم او
آن چشمها که آهوی وحشی از آن نداشت

داند خدا که بود دو چشم فسونگرش
گوینده‌ای بلیغ، که تنها زبان نداشت

گل میشکفت و چهر وی آهسته میشکفت
با خنده‌ای که هیچ گلی بر دهان نداشت

گفتم بباغبان که گلش هدیه آورد
شرمنده شد که درخور او ارمغان نداشت

خوشا بهار عمر که با عشق او گذشت
ای کاشکی بهار جوانی خزان نداشت!

می . . . کس و . . . درد بد
. . . آمد و . . . سرا به درد بد.
. . . آمد و خواب . . . در چشمانم
. . . و خوابم درد بد

*

. . . دلم . . . سنگین شده است
بر دفتر . . . و حال سنگین شده است
خواهم به فراغ بال پرواز کنم
واافسوس که بال سنگین شده است

. . . نادان . . .

شنیدم که نادانی . . .
کتابی . . . کساد . . .
یکی گفتش که این جنسی گران بود،
. . . از کف، چنین دادیش آسان
بپاسخ گفت، . . . چه سوداست
. . . بود، در چشم نادان
سعید نفیسی

ساکی از عشوه و بهانه‌ی تو
چند از این لابه و فسانه‌ی تو

کعبه‌ی عاشقان سوخته دل
هست امروز آستانه‌ی تو

عاشقانت همی طواف کنند
گرد کوی و سرای و خانه‌ی تو

ای همایون همای کبک‌خرام
دل عشاق، آشیانه‌ی تو

عاشقانت، همی بجان بخرند
اندر عشق جاودانه‌ی تو

ای «سنائی» همیشه عشق تو زیست
فارغ از بند و دام و دانه‌ی تو
سنائی غزنوی»

در نخستین نیم قرن سلطنت

خاندان افتخار آفرین پهلوی

سرزمین کهنسال ما، با دگرگونیهای ارزنده ای روبرو شد، ایران از عقب ماندگی به اوج سربلندی رسید و به سرزمین پرقدرت و آزاد و آباد امروز تبدیل گردید. ضمن عرض صمیمانه ترین سپاس به پیشگاه مبارک

شاهنشاه آریامهر

از خدای بزرگ دوام سلطنت افتخار آفرین و بقای عمر رهبر خردمند و توانای ایران زمین را آرزومنداست.

شرکت ساختمانی ایران راه ـ خوزستان

شرکت ساختمانی ایران راه   شرکت مقاطعه کاری خوزستان   شرکت خانه سازی اهواز

سپاس به خاندان جلیل پهلوی که در طول ۵۰ سال سلطنت دگرگونساز خود

ایران در هم پاشیده را به اوج افتخار و توان رهنمون شد با عرض صمیمانه ترین

سپاس و ابراز شاهانه ترین تهنیت ها نیم قرن شاهنشاهی پهلوی را به پیشگاه

شاهنشاه آریامهر تقدیم میدارد.

از طرف کارکنان شرکتهای:

ماشین وی - ارکان ماشین - ماشین رول - رولر - هیدروماشین - تکنوسیتی

امروز کارگر نیروی خود را

بقیه از صفحه ۲۱

پرجمعیت ترین مناطق کارگری واقع است، یکی دیگر ازمسائلی است که لازم است بآن توجه شود. این درمانگاه فقط ۷ پزشک عمومی دارد که با تعداد مراجعین، متناسب نیست و بدون شک، قادر نخواهد بود بخوبی مراجعان رامعاینه و درمان کند، ازطرفی بیمار ناچار است مدتی درانتظار بایستد تا نوبت معاینه اوفرا رسد، حال که با تصویب قانون جدید تأمین اجتماعی کارگران، دگرگونی خاصی در وضع بیمه کارگران ایجاد شده، چه بهتر که اقداماتی نیز درجهت رفع کمبود درمانگاهها بعمل آید وهمزمان با افزایش تعداد پزشکان و سایر عوامل فنی، تجهیزات این مرکز تکمیل شود.

نورالله کیا شمشکی (عضو هیأت مدیره اتحادیه): درباره بهره‌وری کاروازدیادتولید، من معتقدم، مدیران بخشهای خصوصی باید برای ماشینی کردن کار خود، سرمایه گذاری کنند، زیرا، این امرموجب خواهد شد که هم نیاز به نیروی انسانی کمترشود و هم راندمان کاربالا رود.

تذکر این نکته را نیز بکارفرمایان لازم میدانم که کارگران امروز با توجه به معلوماتی که کسب کرده‌اند، با کارگران قبل ازانقلاب تفاوت بسیاردارند، زیرا کارگرامروزبدان جهت که خود درسود ویژه کارخانه سهیم است، براستی سعی درازدیاد تولید می کند، بعلاوه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و از همه مهمتر هدفهای ملی که در شرایط کنونی، مورد دلبستگی خاص کارگران است، این طبقه را بر آن خواهد داشت که تاسرحد امکان برای تولید بیشترومرغوب تر تلاش کنند، زیراازاین طریق نه تنها نیاز کشور تامین میشود، بلکه محصولات صنعتی ایران را با صنایع مشابه خارجی قابل رقابت خواهدساخت.

مساله دیگری که از نظرعموم کارگران حائز اهمیت است، وامی است که از سوی سازمان گسترش مالکیت صنعتی برای خرید سهام کارخانه ها دراختیار کارگران قرارمیگیرد واقعیت این است که میزان وام چشمگیرنیست. مخصوصاً پرداخت آن درسه نوبت انجام میگیرد، بنابراین بجا خواهد بود که مسؤولین امرترتیبی اتخاذ کنند که مبلغ وام افزایش یابد، تا کارگران بتوانند با قدرت خرید بیشتری دراین امرشرکت جویند. بعلاوه‌شرایط وام طوری است که کارگران میتوانند، اقساط آنرا بخوبی بپردازند.

حبیب‌اله حسامی (مدیرکل نظارت بر فروش سهام و نماینده وزارت کار و اموراجتماعی): بطورقطع آقایان درروزنامه ها ملاحظه کرده‌اند که چندی پیش، جناب آقای وزیر کارو اموراجتماعی درمصاحبه با خبرنگار یکی از روزنامه ها گفتند ازاردیبهشت ماه آینده آموزش حرفه‌ای رایگان دربعضی ازحرف مانند بنائی، تعمیراتومبیل، کارهای مربوط به برق و نظائرآن برای تمام افراد کشور، آماده خواهد بود (این میز گرد چندی پیش برگزار شد و اکنون این آموزش انجام می شود - رستاخیز کارگران) و تحت برنامه های معینی به افراد آموزش داده خواهد شد، البته توجه دارید که این برنامه علاوه بر برنامه آموزش حرفه‌ای است که در حال حاضر درمراکز آموزش حرفه‌ای دراختیار کارگران ومخصوص آنان است.

بعلاوه مرکز آموزش حرفه‌ای بسیارمجهز و بزرگی با شرکت یکی از کشورهای صنعتی اروپائی آماده خواهدشد که درآن زمان میشود ادعا کرد آموزش فنی کارگران در حد اعلا وبمیزان مورد نیازامکان پذیراست.

درمورد تغییرسن بازنشستگی گرچه این موضوع مربوط به قانون تأمین اجتماعی و وزارت رفاه است ولی احتمالا میتوان گفت بازنشسته کردن کارگران درسنین متوسط مثلا ۴۰ یا ۴۵ سالگی بصلاح افراد و صنعت نوپایه کشور سرمایه نیست، زیرا دراین سنین افراد مهارت پیدا کرده‌اند و میشود از کارجسمی، مغزی و فکری آنان برای طرح ریزی از تجربیات آنان استفاده کرد که این امر برای پیشبرد صنعت جوان ما ضرورت وارد و کنار گذاشتن چنین افرادی بصلاح هیچکس نیست.

درمورد تعطیلات و مرخصی کارگران و تفاوتی که ازاین جهت با کارمندان دارند، باید عرض کنم که این تفاوت لازم است، زیرا تأثیر کار این دو دسته درصنایع و در بازدهی سرمایه‌وبازسازی کشورمتفاوت‌است نتیجه کار یک معلم، همیشه برای ده سال بعد بدست میآید درحالیکه دست آورد کار یک کارگر اتومبیل سازی برای همان روزاست. این تفاوت بین ساختن یک آدم و یک اتومبیل است، اگر فرض آنرا خیلی ساده‌بگیریم، چند روز کارزیادتر یا کمتر درساختن یک آدم آنقدر محسوس نیست که کار در ساختن یک اتومبیل که کارخانه آن روزانه ۱۰۰ یا ۲۰۰ یا ۵۰۰ دستگاه باید بسازد، برای نوسازی و رسیدن بهدف مطلوب که رسیدن به تمدن بزرگ است باید ازتعطیلات و هدر رفتن زمان کاست و هرچه بیشتر کار کرد.

مطلب دیگر مربوط به افزایش استراحتگاه‌ها است که توسعه این قبیل اماکن و زائرسراونظائرآن که بمنظور رفاه کارگران، گامهائی درجهت آن برداشته شده مورد توجه وزارت کارواموراجتماعی نیز هست و خواهد بود تغییروضع محمودآباد درشمال، اضافه شدن محل اختصاصی کارگران دربندرپهلوی و ایجاد آسایشگاهها در شهرستانهای مختلف نیز از جمله اقداماتی‌است که بعمل خواهد آمد.

مساله وام آخرین مطلبی است که باید به آن پاسخ گویم، وام ده هزارتومانی که ظرف سه سال برای خریدسهام کارخانجات بکارگران داده میشود، جنبه راهنمائی و درواقع آشنا کردن کارگران بسرمایه گذاری دارد، ولی اگر کارگران مایل بخرید سهم و شریک شدن در صنعت مملکت باشند، همین حالا هم میتوانند تا پانصد سهم خریداری کنند و سرمایه خود را بکار اندازند، اجازه فرمائید بطورقاطع عرض کنم استقبال کارگران بسیارخوب بودداوطلب خرید سهم بصورت نقدی فراوانند، بطوریکه در ابتدای کارما هم مثل شما انتظارنداشتیم وفکر میکردیم باید ازطریق دادن وام بسوی جلوگام برداریم، خوشحالیم که زمان و عمل، خلاف این تصور را ثابت کرده است و کارگران عملا نشان دادند، قدرت خرید خوب و فکر روشن دارند.

ورزش های تفریحی زاده میشوند

ناصر ـ اسطاع

شاید هم روزی برسرشاخه درختی به‌طمع چیدن میوه رفته بود که شاخه تاب سنگینی‌اش را نیاورده و شکسته و با خود او بدرون رودخانه افتاده بود. و آنگاه بود که دریافت می‌تواند به کمک این شاخه درخت بر روی آب شناور باشد.

بهرصورت، آغاز کار هرچه‌بود، آدمی رفته رفته با کمک دستها وسپس با سود بردن از برگهای پهن جنگلی و شاخه‌های پربرگ، روش راهنمائی تنه شناور درخت را فرا گرفت و «ورزش قایقرانی» زاییده‌شد.

ولی درجریان این «آب پیمایی»ها، بسیار روی می‌داد که تنه درخت ناگهان می‌چرخید و [illegible] خود را به میان موجهای خروشان آب درمی‌غلتانید.

آنهایی که با زدن‌دست و پایی چند، از کام مرگ می‌جستند وخود را دوباره به تنه درخت یا کرانه رودخانه می‌رسانیدند کم کم دریافتند که می‌توان با دست و پا زدن‌های پی‌درپی، از [illegible] آب به سلامت بیرون آمد [illegible].

[illegible]

با یادگرفتن قایقرانی و شنا، جهان برای انسان نخستین بسیار گسترده و پهناور رسد. هرچند که دراین آب نوردی‌ها وسرزمین یابی‌ها بشر قربانی‌های بیشمار نیز داد. اما هر کوششی بی‌گمان بی‌ارج نخواهد بود، و در راه رسیدن به‌هرهدفی می‌باید شکست‌ها وناملایم‌ها را نیز پذیرفت.

وزنه‌برداری

[illegible]

***

آنچه را تاکنون گفتیم، ورزشهایی بود که آدمی در پهنه‌ی نبرد پی‌گیر خود، برای ادامه زندگی براثرنیاز، بدانها دست زد.

بگفته‌ی دیگر باید دانست که «نیاز»، مادر اکثریت نزدیک به‌اتفاق ورزشهایی است که امروز می‌بینیم. اما توجه داشته باشید که گفتیم: «اکثریت نزدیک به‌اتفاق» نگفتیم همه‌ی‌ورزشها». زیرا درست است که‌ورزشهای پایه‌ای و ریشه‌دار، چون: دو، شنا، اسب‌سواری کوهنوردی، مشت‌زنی کشتی، وزنه‌برداری، پرتاب‌وزنه، پرشهای طول و ارتفاع، پرتاب وزنه و نیزه و.. و.. و.. همه دارای آنگیزه‌های نیازی اجتماعی و زیستی» بوده‌اند. و آدمی برای ایستادگی در برابر خطرهای گوناگون و بیشماری که او را در بر گرفته بودند، ناگزیر از دست‌زدن به‌آنها بود. اما امروز دسته‌ای دیگر از ورزشها رامی‌بینیم که با نیازهای فوری اجتماعی و زیستی رابطه‌ای ندارند. و تنها برای فرو نشانیدن حس تفریح و سرگرمی‌آدمیان پدید آمده‌اند. یعنی ورزشهایی هستند که پس از رسیدن آدمیان به دوران شهرنشینی، و پس از رفع خطرهای طبیعی و نخستین، پدیدآمده‌اند. ونبودن آنها هیچگونه زیانی به ادامه زندگی بشر نمی‌رساند.

پیش ازآنکه وارد «گفتارشناسایی» اینگونه ورزشها بشویم. دوباره دنبالهٔ تاریخ زندگی آدمی رامی‌گیریم وپیش می‌آییم.

دانستیم که پس‌از آغاز دوران کشاورزی و دامداری، یعنی پس‌از اینکه آدمی به کنار رودهای پرآب رسید و توانست با سودگرفتن از [illegible] خود را از دل [illegible] بیرون بکشد و دربه‌دری [illegible] و اسب و گاو خود احساس مالکیت کرد، روزبه‌روز جامعه‌های انسانی‌گسترده‌تر وگسترده‌تر شد، تا جایی که شهرها پدید آمدند و ملتها بنیاد نهاده شدند و مرزها فاصله‌ی ملت‌ها و کشورها را روشن کردند.

این‌گسترش‌ها و پیدایی‌ها، این درهم فرو رفتن‌ها و جوشش‌ها، این همبستگی‌ها و داد و ستدها این مرزها و حدها، میان آدمیان مسئله‌های گوناگونی را پدید آورد. یعنی آدمی روزبه‌روز با قاعده‌ها و قانون‌ها بیشتر و پیچیده‌تر اجتماعی که زاییده فکر خود او بود، روبروشد. قاعده‌هایی که برای ادامه‌ی زندگی اجتماع وضع می‌شد. وبشر ناگزیر بود ازآنها پیروی کند.

به موازات این قاعده‌ها وقانون‌های دست‌وپاگیر و درعین‌حال ضروری، مغز پرکار انسان نیز هر روز اختراعی تازه می‌کرد و ماشینی نو می‌ساخت که هر یک از این اختراع‌ها و ماشین‌ها، باری را از دوش ماهیچه‌های آدمی برمی‌داشتند و روزبه‌روز کار زندگی روزانه را آسان‌تر، و ماهیچه‌ها را بیکارتر می‌ساختند.

یعنی بعکس دوران پیش از تمدن وبعکس دوران پیش‌ازشهرنشینی که همه کارزندگی را ماهیچه‌ها انجام‌می‌دادند و همین کارها و نیازها، ورزشها رامی‌ساختند. اینک دیگرمغزها وماشین‌ها کارمی کردند.

اگر درگذشته، کشاورزی به آدمی «اسب سواری ودامداری» می‌آموخت وورزش اسب‌سواری وگاوبازی را پدید می‌آورد. اگر درگذشته تجاوز همسایه به او جنگ‌تن‌به‌تن و استفاده از جنگ‌افزارتیز و برنده رامی‌آموخت. و «کشتی و بوکس وشمشیربازی» را درست می کرد. اگر درگذشته نیاز فرار از چنگ حریف زورمند و خونخوار به او پریدن از روی مانع‌ها و گودالها را می‌آموخت و ورزش «پرش‌طول و ارتفاع» زاییده می‌شد، اینک دیگر آنگونه نبود. اینک دیگر دورانی بود که آدمی بهیچ روی برای‌ادامه زندگی، ورزش را نمی‌خواست. بلکه براثر گسترش زندگی ماشینی و پیشرفت تمدن برای ادامهٔ «تندرستی» به ورزش نیاز داشت. یعنی

بقیه درصفحه ۸۴

با مدیریت صحیح و همکاری کارگران ظرف ۱۲ سال:

سرمایه کارخانه قرقره زیبا،

*** تعداد کارگران این کارخانه ۱۱۵۰ نفر است که از این تعداد ۸۰۰ نفر زن هستند.**
*** کارگران زن در کلیهٔ امور مرجوعی لیاقت شایسته‌ای از خود نشان داده‌اند**
*** از سال آینده قرقره زیبا انواع محصولات خود را به خارج از کشور صادر خواهد کرد.**

کارخانه قرقره زیبا از سال ۱۳۳۹ ، فعالیت خود را آغاز کرد و در اردیبهشت ماه سال ۲۵۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲ شمسی هجری) بدست توانای اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر افتتاح گردید.

این کارخانه که در آغاز با سرمایه ۲۰۰ میلیون ریال و ۲۸۲ کارگر شروع بکار کرده بود، در حال حاضر در نتیجه مدیریت صحیح و با همکاری کارگران سرمایه آن صد درصد افزایش یافته و به ۴۰۰ میلیون ریال رسیده است. تعداد کارگران نیز به ۱۱۵۰ نفر بالغ شده که از این تعداد ۸۰۰ نفر زن هستند در حالی که در نخستین روز فعالیت این کارخانه، تعداد کارگران زن ۸۰ نفر بود. علت این افزایش طبق اظهار نظر مقام مدیریت کارخانه لیاقت شایسته‌ای است که زنان کارگر در کلیه امور مرجوعی از خود نشان داده‌اند.

مزایای کارگری

روزی که کارخانه قرقره زیبا افتتاح شد، کارگران فقط از مزایای بیمه های اجتماعی استفاده می کردند ولی در نتیجه مساعی کارفرمایان و مسؤولان کارخانه، اکنون کارگران از کلیه مزایای کارگری بهرمند شده‌اند. بطوری که هم اکنون برای کارگران سرویس رفت‌وآمد به شهر و کارخانه دائر شده و علاوه بر استفاده از مزایای بیمه‌های درمانی لباس کار به آنها داده میشود. برای کارگران حمام در کارگاه دائر شده و میتوانند از مزایای شرکت تعاونی مصرف استفاده کنند. به هر کدام از کارگرانی که ازدواج کرده‌اند حق اولاد تعلق میگیرد و حداقل حقوق طبق ضوابط وزارت کار و امور اجتماعی به آنها داده میشود.

همچنین کارگران از مرخصی سالانه استفاده کرده و تغذیه روزانه آنان بطور رایگان است. سراسر کارگاه لوله کشی شده و آب سرد کن های بهداشتی در قسمت‌های مختلف کارگاه برای استفاده کارگران نصب شده است.

هرسال در فروردین و مردادماه از طرف کارخانه سرویس رایگان مسافرت به شهرهای مختلف زیارتی واستراحتی دائر میشود و کارگران همراه خانواده خود می‌توانند از این موقعیت استفاده کنند. همچنین کلیه کارگران در سندیکاهای کارگری عضو هستند.

برای حوادث‌ناشی از کار نیز تدارک درمانی وسیعی دیده شده است و حتی برای حوادث خارج از محیط کارگاه پیش‌بینی هائی به عمل آمده و در این گونه موارد به کارگران کمکهای مالی میشود. و به همین منظور از دو سال پیش به این طرف کمیته‌ای بنام کمیته حفاظت در کارخانه ایجاد شده است تا به این مسئله رسیدگی کند.

نکته مهم و جالب توجه اینکه برای رفع هرگونه مشکل در کار کارگران، کمیته سازشی در کارگاه تأسیس شده است که به کلیه مسائل کارگری حتی مسائل خصوصی کارگران رسیدگی می کند.

حتی برای اینکه کلیه کارگران در سود سهام کارخانه سهیم بوده و با احساس مالکیت به کار خود ادامه دهند ترتیباتی اتخاذ شده که کارخانه از صورت شرکت سهامی خاص بیرون آمده و هم اکنون بصورت شرکت سهامی عام اداره میشود و امروز کارگران هر یک علاوه بر اینکه تا ۴۰ هزار ریال سهام غیر نقدی دارند، گروهی نیز سهام نقدی خریداری کرده‌اند.

تولیدات کارخانه قرقره زیبا

اما ببینیم که این کارگران با فعالیت شبانه روزی خود چه محصولاتی را روانه بازار می کنند...

کارخانه قرقره زیبا که انواع مختلف نخ پنبه و الیاف مصنوعی و نخ اکرولیک یا نخ کاموا و همچنین انواع نخ های رنگی و پنبه هیدروفیل به بازار عرضه میدارد، در ابتدا کار روزانه ۴/۵ تن نخ پنبه و ۱/۵ تن نخ قرقره آغاز بکار کرد و در حال حاضر روزانه ۱۴ تن نخ پنبه و ۳ تن نخ قرقره تولید می کند.

تصویری از چهره های جوان وفعال کارخانه ریسندگی قرقره زیبا

نحوه تولید

نحوه تولید نخ در کارخانه قرقره زیبا بصورت زنجیری است. به این معنی که ماشین‌آلات طوری زنجیروار تعبیه شده است که تا پنبه والیاف را به اولین ماشین میدهند تا آخر کار که نخ بیرون می‌آید احتیاج به زحمت زیاد کارگر ندارد وپنبه والیاف خود بخود بصورت نخ از طرف دیگر کارخانه بیرون می‌آید.

مراحل تولید انواع نخ پنبه

پنبه ابتدا که به دستگاه داده میشود، بوسیله ماشینی مدلهای مختلف پنبه حلاجی و مخلوط میشود و سپس در ماشینی دیگر پنبه حلاجی‌شده تبدیل به‌لت میشود. در مرحله سوم پنبه از صورت لت خارج شده و بوسیله ماشینی دیگر برای موازی کردن الیاف فیله‌سازی میشود.

آنگاه فیله به قسمت هشت لاکنی، جهت موازی کردن و کشش الیاف منتقل میشود و سپس در قسمت دیگر فیله کلفت بصورت فیله نازك درمی‌آید و بالاخره در قسمت تمام تاب فیله نازك شده بصورت نخ درمی آید. و در پایان نخ آماده شده به دیگر قسمتها فرستاده میشود تا بسته بندی شده و برای فروش صادر گردد.

تولید نخ قرقره

برای تولید نخ قرقره نیز ابتدا پنبه را به دستگاهی می دهند تا در آن دستگاه مدلهای مختلف پنبه خوب حلاجی و مخلوط شود. سپس پنبه حلاجی شده به لت تبدیل می گردد و در مرحله بعد پنبه از صورت لت خارج شده و به قسمت فیله سازی برای موازی کردن الیاف منتقل می گردد.

پس از موازی کردن الیاف، در مرحله چهارم، الیاف بصورت توپ درمیآید. در مرحله بعد توپ توسط ماشین ویژه‌ای از الیاف کوتاه پاك شده و به دستگاه هشت لاکنی فرستاده میشود.

سپس به قسمت تمام تاب یا رینگ منتقل میشود تا در آن قسمت الیاف تبدیل به نخ شود. آنگاه نخ به دستگاه چند لاکنی منتقل میشود.

پس از اینکه نخ چند لا شد، در ماشین دولاتاب، تاب خورده و بصورت کلاف درمی‌آید کلاف آماده شده سپس به قسمت رنگرزی منتقل

صد درصد افزایش یافت

پای صحبت کارگران نمونه

[illegible]

آقای فضل‌اله والا

[illegible]

خانم آذر عالمی

[illegible]

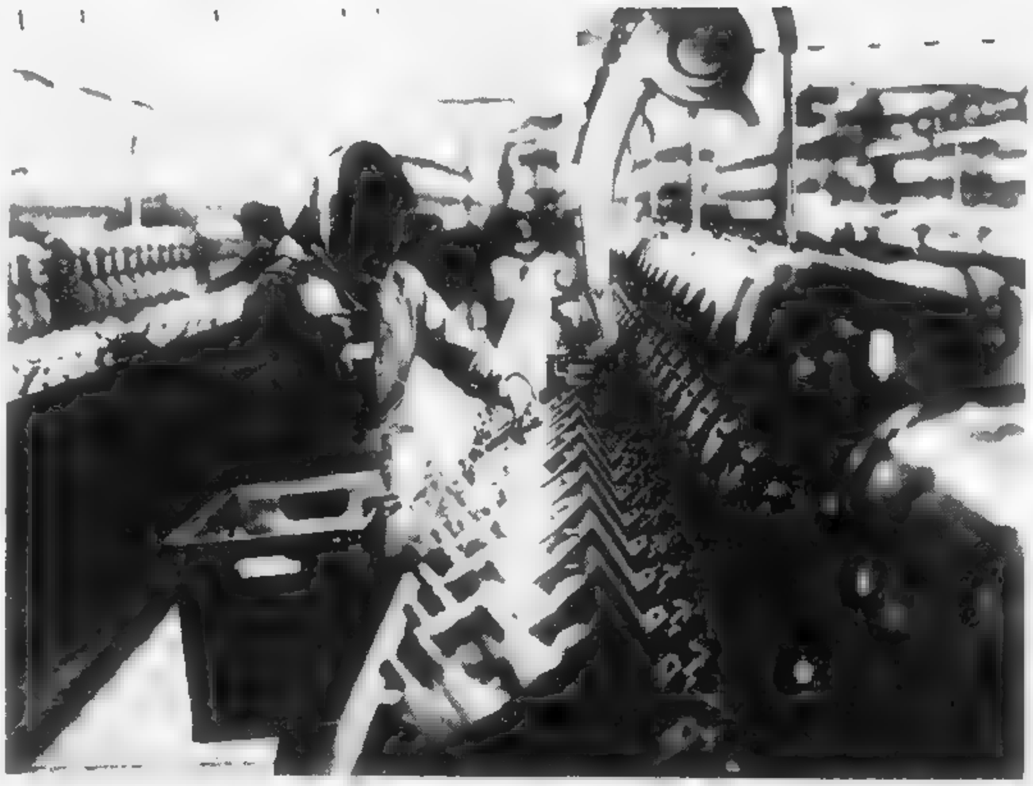

خانم آذر عالمی یکی از کارگران نمونه کارخانه قرقره زیبا هنگام کار روزانه دیده میشود

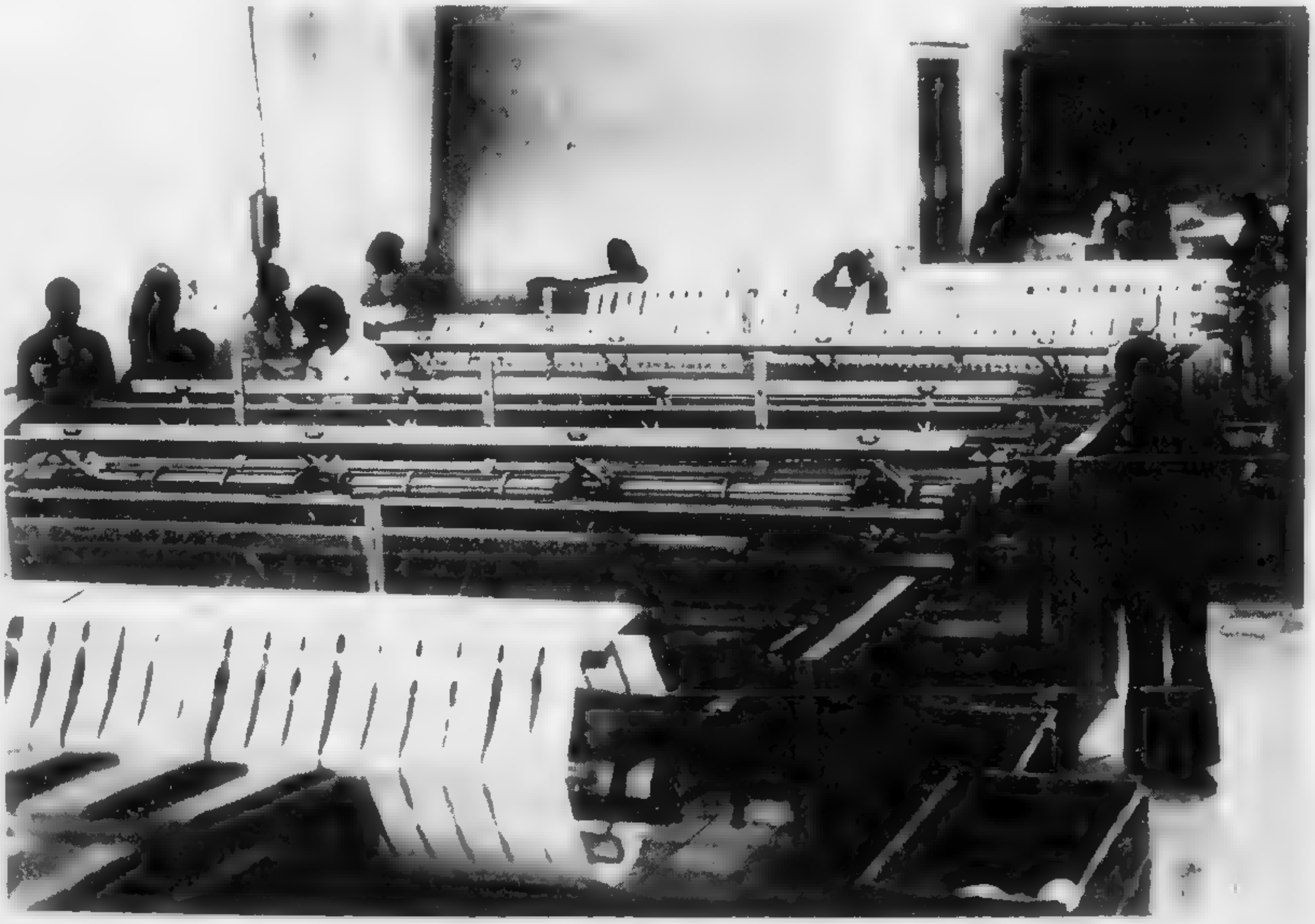

گوشه ای از همکاری کارگران زن و مرد در کارخانه قرقره زیبا به هنگام کار روزانه

میشود. پس از رنگرزی کلاف به قسمت کلاف بارکن منتقل می‌شود تا کلافهای رنگین باز شده و خشک شود. در قسمت بعدی کلاف آهار زده میشود و سرانجام به قسمت قرقره‌پیچی منتقل می‌گردد تا پس از بسته شدن نخ بر روی قرقره، قرقره‌ها بسته بندی شده و روانه بازار گردد.

برنامه‌های آینده

در برنامه های آینده این کارخانه پیش بینی شده است که از سال ۲۵۳۶ انواع محصولات این کارخانه به خارج از کشور صادر گردد. از چند سال پیش که ماشین آلات مدرن در کارخانه قرقره زیبا مستقر گردید، مدیران کارخانه پیش بینی کردند که تنها با استفاده از مدرنترین و لوکس‌ترین تکنولوژی است که میتواند سطح تولید خود را بالا برده و بصورت یکی از کارخانه‌های صادر کننده انواع نخ درآیند.

مواد اولیه

کلیه مواد مصرفی کارخانه، به غیر از پنبه، از خارج از کشور تأمین میشود. از قبیل انواع رنگها و الیاف مصنوعی. اما پنبه بدلیل اینکه کیفیت پنبه ایران بمراتب بهتر از دیگر کشورها است و به علاوه ارزانتر تمام میشود، از داخل خریداری می‌گردد. بویژه که این امر در نهایت قیمت تمام شده کالا را پائین می‌آورد و از افزایش قیمت‌ها جلوگیری می‌کند.

بهره کارگر

تمام این مطالبی که گفته شد بازدر نهایت هدف رفاه کارگر است. امروز اگر به کارخانه قرقره زیبا گام بنهیم می‌بینیم که گوشه و کنار کارخانه وسائل تهویه کار گذاشته شده است تا ذرات آزاد شده پنبه در هوا را به خارج از محیط کارخانه هدایت کند و بدین ترتیب کارگران در هوائی سالم به کار خود ادامه داده و هیچگاه دچار بیماری ناشی از محیط کارخانه نشوند. و در حقیقت این سالم‌سازی محیط و نوعی مبارزه با آلودگی هوا است. همچنین برای اینکه حرارت داخلی کارخانه یکنواخت شده و کارگران دچار بیماریهائی از قبیل سرماخوردگی ناشی از سردی محیط کار یا گرمازدگی نشوند، سیستم حرارت مرکزی کار گذاشته شده است و این دستگاه خودبخود حرارت داخل کارگاه را کنترل می کند. و بدین سان است که تمام فعالیت‌های مدیران کارخانه متوجه رفاه کارگر شده است تا با برخورداری از محیط مناسب کار، کمیت و کیفیت کالا بالا رود و روی ایران را در ردیف کشورهای عمده صادر کننده نخ قرار دهد.

شاهنشاها

آغاز پنجاه و یکمین سال سلطنت دودمان افتخارآفرین پهلوی همچون نیم قرن گذشته منشاء خیر و برکت برای ملت ایران است.

ضمن ابراز صمیمانه‌ترین سپاس به پیشگاه باعظمت

شاهنشاه آریامهر

از خدای بزرگ دوام سلطنت خاندان پهلوی و بقای شاهنشاهی ایران را آرزومندیم.

[illegible]

سپاس به خاندان جلیل پهلوی که در طول ۵۰ سال سلطنت دگرگونساز خود ایران درهم پاشیده را به اوج افتخار و توان رهنمون شد با عرض صمیمانه‌ترین سپاس و ابراز شادمانه‌ترین تهنیت‌ها نیم قرن شاهنشاهی پهلوی را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم میدارد.

شرکت سهامی عام صنعتی سپنتا

غذای سالمتر

بقیه از صفحه ٤٤

ویتامین (آ) : ویتامین رشد و نمو و ویتامین پوست.

منبع ویتامین آ هویج، زردک، جعفری، اسفناج، کاهو، آندیو، گوجه‌فرنگی، سوهٔ گل‌نسترن، هلو، مرکبات (پرتقال، نارنگی، لیمو، پرتقال امریکائی (گریپ‌فروت) روغن کبد ماهی مورد، ساردین، کره، شیر، پنیر، زرده تخم مرغ.

عوارض کمبود ویتامین آ در بدن: عبارتست از توقف رشد، کم‌شدن وزن، (لاغری)، نقص احساس آرامش خاطر در شبها، خستگی چشمها، خشکی و ورم‌حدقه چشمان، سفت‌وسخت‌شدن پوست و مخاط‌مجاری تنفسی روده‌ها و مجاری ادرار.

ویتامین «آ» چه امراضی را درمان‌میکند: بیماریهای باردو Basedow (بیماریهائی است که در اثر شدت کار غده تیروئید پیدا میشود. علائم آن عبارت از تواتر، بیماری قفسه‌سینه، لاغری شدید، بیماریهای روانی و افراط در متابولیسم بازال) زیادی مترشحه، ازدست دادن اشتها.

علائم آن:

تحلیل مواد و پیری سلولها و دستگاه بدن است.

ویتامین «د» ویتامین ضد سستی استخوانها است (ضد راشی‌تیک).

منبع تهیه ویتامین «د»: روغن ماهی مورد، کره، شیر، زردهٔ تخم‌مرغ، قارچ‌های خوراکی، برگ‌سبزی‌ها.

عوارض کمبود ویتامین «د»: سستی استخوانها و سستی ... دندانها، ... استخوانها مخصوصاً در زمان حاملگی و سن های بالا (پیران سالخورده)

ویتامین «د» چه امراضی را درمان میکند : علائم تحلیل مواد تنفس کسانیکه مبتلا به سل یوسی و یا سودا و جرب شده‌اند.

ویتامین «إ» E: نام ویتامین باروری شناخته شده است.

منبع تهیه ویتامین «إ» E: در روغن مایع جوانه گندم، جوانه گندم، آرد تازه و کامل غلات سبزیهای سبز.

عوارض کمبود ویتامین «إ» چیست؟: سقط جنین و یا زایمان پیشرس، اختلالات تخمدانها سستی عضلات و اعصاب.

ویتامین «إ» چه امراضی را درمان میکند؟: اختلالات ... در جریان خون، زخم عضلات قلبی، رماتیسم عضله‌ای، کرمخوردگی دندانها، التیام زخمهای مختلف.

ویتامین «اف» F: ویتامین «اف» آثاری بر روی دستگاه بدن دارد که هنوز کاملاً شناخته نشده است.

منبع تهیه ویتامین اف: تمام سبزیهای سبز دارای ویتامین «اف» هستند.

عوارض کمبود این ویتامین: تا کنون بخوبی شناخته نشده‌است.

چه امراضی را ویتامین «اف» معالجه میکند؟: ویتامین «اف» اگزما، کورک ودمل، سودای پوست وسوختگیها رامعالجه میکند.

ویتامین کا K: ویتامین «کا» خاصیتش اینست که خون را منعقد میکند.

منبع تهیه ویتامین کا: سبزیهای سبز، گوجه فرنگی، جگر. در روده‌های انسانی این ویتامین توسط ... باکتریها ... مسود و چنانکه میدانید کلی باسیلها باکتری ومیکروبهائی هستند که در روده بزرگ وجود دارند و همیشه در خاک، آب، شیر و بعضی اغذیه وجود دارد. طبیعتاً در روده‌های انسان و حیوانات نیز زندگی میکنند و گاهی ممکن است به بعضی ازاعضاء بدن حمله برند و میکروبی و مضرشوند.

عوارض کمبود ویتامین «کا»: اختلالات انعقاد خون را تولید میکند.

ویتامین «کا» چه امراضی رامعالجه میکند: انواع خون ریزیها، مخصوصاً انواع یرقانها را معالجه و درمان میکند.

ویتامین «ب/۱» B ویتامین «ب/۱» بنام ویتامین ضد نوریت معروف شده است و بطوریکه میدانید «آنتی نوریت» یعنی ضد ورم و درد عصب است.

منبع تولید ویتامین «ب/۱»: مخمر آبجو، گندم جوانه زده (جوانه گندم) وچاودار چلتوك (پوست برنج) عدس، فندق، گردو، جگر، گوشت (باکتریهای آسید لاکتیک اغلب ویتامین های مبدأ رامیسازند و چنانکه میدانید غده‌های سیری پستانها منبع اصلی ویتامین ب/۱ میباشد).

عوارض کمبود ویتامین ب/۱: انواع دردها و تورم عصب هاست که اغلب بصورت درد فلج ضعف و ناتوانی، خستگی مفرط، ضعف اعصاب اختلال فعالیت قلب، ورم های مختلف بدن، اختلالات معده (عدم اشتها، چاقی، تنبلی معده وروده‌ها، یبوست) او بتامیوز معمولی که بنام بربری خوانده‌میشود مرضی است که در هندوستان، ژاپن ودر کشورهای دیگرمناطق حاره در اثر خوردن برنج پوست‌گرفته پیدا میشود و علتش اینست که ویتامین ب/۱ در پوست برنج است، نه درخود برنج.

وجدان کار

بقیه از صفحه ۷۱

چون تنها بچهٔ خانواده‌است‌ نباید عزیز دردونه بار بیاید بازهم متأسفانه بعلت ندانستن عواقب این نوع تربیت او را مورد محبت های بی‌اندازه و بیجا قرار میدادند. بعضی ازپدر و مادرها بعلت اینکه فرزند قبلی خود را ازدست داده‌اند فرزند بعدی را مورد محبت بی‌پایان قرار میدهند غافل ازاینکه اینکار برای او در زندگی آینده مشکلات جبران ناپذیری بوجود خواهد آورد. بعضی از خانواده‌ها بعلت اینکه پس از چندین سال صاحب اولادی میشوند مرتکب این خطای محبت زیادی درحق او میگردند. گاهی هم پدرو مادر نمیتوانند احتیاجات عاطفی خود را نسبت بهم برآورده سازند بهمین دلیل بچه را وسیله رفع احتیاجات عاطفی خود قرار میدهند و با تمام احساس به او مهر میورزند و از او مراقبت مینمایند. در بعضی ازمواقع زنهائی که ازمحبت شوهر محروم هستند فرزند خود راجانشین شوهر میکنند و او را بیشتر از اندازه مورد محبت قرار میدهند. این مورد بیشتر در خانواده‌هائی رخ میدهد که ازدواج اجباری کرده‌اند، یا ازدواج مصلحتی، ووجود یک فرزند موجب قوام و دوام و تحمل این قبیل زندگی‌ها میگردد. ولی زندگی آینده فرزند بعلت همین محبت‌های بی‌جهت و مراقبت‌های بیش از حد دستخوش نوسانات غیرطبیعی میگردد و درحقیقت این قبیل پدرو مادرها زندگی آیندهٔ فرزندانشان را ندانسته فدای راحتی و آرامش باطن خود میکنند. مسائلی که دربالا به‌آنها اشاره‌شد از نظرعاطفی بود، حال جادارد موضوع را از نظر هدفهای اجتماعی پدر و مادر در تربیت فرزند نیز مورد بررسی قرار دهیم.

ورزشهای تفریحی....

بقیه از صفحه ۷۹

ورس رانه برای کشتن کسی می‌خواست، و نه برای جلوگیری از کشته‌شدن خود.

انسان متمدن، ورزش را برای جلوگیری از تنبلی ماهیچه‌ها، برای تصفیه خون از کثافتها برای سلامت دستگاه‌گوارش، برای خوب کارکردن دستگاه‌گردش خون، برای آرامش اعصاب و برای درازای زندگی می‌خواست. زندگی‌ای که ماشین و کارماشینی آن را تهدید می‌کرد.

به‌گفتهٔ دیگر، اینک زمانی فرا رسیده بود که آدمی ورزش را برای رفع نیاززیستی انجام نمی‌داد. بلکه به ورزش از دریچهٔ تفریح و تفنن و تندرستی نگاه‌می‌کرد.

این بود که «توپ» را اختراع کرد و فوتبال و والیبال و بسکتبال و واترپولو و مانند آنها را ساخت. وگروههای بیشماری را به تماشای این ورزشها وادار کرد، تا خستگی و یکنواختی زندگی خسته کننده و یکنواخت را از نشان بیرون‌آورد.

از این‌جا بود که دستهٔ تازه‌ای از ورزشها پیدا شدند. ورزشهایی که از نظر تأمین‌سلامت و تندرستی هیچ فرقی با ورزشهای پایه‌ای نداشتند. وما این دسته ازورزشها را، «ورزشهای تفریحی» یا «ورزشهای دوران تمدن آدمی» می‌نامیم.

ورزشهای تفریحی، خود به دو دسته بخش می‌شوند.

ورزشهای تفریحی‌گروهی، و ورزشهای تفریحی‌فردی.

«ورزشهای تفریحی‌گروهی» عبارتند از: فوتبال، بسکتبال، والیبال، چوگان، واترپولو، راگبی و مانند اینها. که در اینگونه ورزشها، فردبخشی از پیکر «تیم» وگروه خود است. و برای پیشرفت و پیروزی گروهی که خود عضوی ازآن‌است، کوشش‌می‌کند.

در اینگونه از ورزشها، همکاری یکایک اعضای‌گروه با یکدیگر، شرط مهم پیروزی است

از دید جامعه‌شناسی، خصلت اجتماعی بودن انسان و عشق به نیرومندی و برتری در پدیدآمدن اینگونه ورزشها، نقش عمده‌ای داشته است. زیرا این دو خصلت درآنها بخوبی نمایان است. اما فراموش که نکنیم انسان، سرانجام یک «انسان» است. یعنی خوی خود— خواهی ویکه‌پسندی وجاه‌طلبی او، ازدورانهای پیش از اجتماعی شدن وشهرنشینی در نهاد او ریشه دوانیده و مایل است تنها نام او بعنوان «مرد پیروز» یا «زن پیروز» بر سر زبانها باشد.

اینجا است که «ورزشهای تفریحی فردی» خودنمائی می‌کند. و «اسکی» اتومبیل‌رانی، دوچرخه‌سواری. موتورسیکلت‌رانی، حرکات زمینی. ورزشهای با اسباب (بارفیکس و پارالل وخرك) پدیدمی‌آیند.

درست است که «نیاز» اینگونه ورزشها را پدید نیاورده است و تمدن زاییده‌آنها است. اما حس خودخواهی فردی وتنها ایستادن برقله افتخار و پیروزی انگیزه‌ی‌اصلی آدمیان در روی آوری به اینگونه کوششها است.

یادآوری این نکته نیز ضروری است که آدمی نخست ورزش را برای فراگیری «هنرادامه زندگی» و فرار از خطرها انجام می‌داد. و بهیچ روی قصد نیرومندی و ارضای حس خودخواهی و یکه‌شناسی را نداشت، اما با آزمون و تجربه فراوان دریافت که انجام‌دادن این کارها (که بعداً ورزش نامیده شد) و پی‌گیری و ایستادگی درآن، ماهیچه‌های اندامش را ستبر و نیرومند و پرجنبش می‌کند. و او را از دیگران یک سرو گردن بالاتر نگهمیدارد.

این بود که پس از رسیدن به تمدن و اجتماعی‌شدن، بازهم ورزش را رها نکرد و به‌آن روی آورد تا همگان بدانند که برتر است. او بالاتر است، اوسریع تر است و او نیرومندتر است و چون بسیاری ازآدمیان این خواست راداشتند و آنها نیز بدنبال برتری و نام‌آوری بودند، «مسابقه» پدیدآمد.

«مسابقه» پیشینه‌ای به درازای تمدن آدمی دارد. و تا آنجا که از سنگ‌نبشته‌ها و مانده‌های باستانی برمی‌آید، از دورانهای بسیار بسیارکهن میان ورزشکاران، مسابقه ترتیب داده‌می‌شد و هنوز هم این شیوه ادامه دارد و «مسابقه» های‌گوناگونی درشهرها، در استانها در کشورها و درقاره‌ها برپا می‌شود. تا انسان برتر. انسان نیرومندتر و انسان سریع‌تر را بشناسند و او را بردوش نهند وارج گذارند.

دنباله‌دارد

شب‌مراد

بقیه از صفحه ٤٣

وقتی‌جواد یک دفعه سرش را از روی دخل بلند کردوآقای نیک منش، پدرلقارا رودرروی خودایستاده دید، مثل درخت خزان زده لرزید. درگذشته چند باردیگر هم آقای نیک منش را جلوی بساط خود دیده بود، ولی هرگز با ایـــن شدت از دیدار او به هیجان نیامده بود. پیرمرد دستش را دراز کرد، یک روزنامه را برداشت و آنرالوله کردوزیربغلش گذاشت. یک سکه یک تومانی روی بساط‌جواد انداخت وگفت: «جواد آقا، ازت یک خواهش دارم. وقتی کارت‌رو تموم کردی، بیا بالا باهات یک کاری دارم.

بالا.... معنای بالا چه بود؟.. آیا آقـای نیک منش اورا به خانه‌اش دعوت میکرد؟

— بله، منظورم خانه است. حتماً بیا.... باید با هم حرف بزنیم...

ازآن لـحظه، تـا لحظه‌ای که جـواد از سرسرای وسیع خانه مجلل آقای نیک منشـی گذشت و به سالن مجلل‌ترآن پای گذاشت، فقط یک ساعت گذشت، ولی این یک ساعت برابر با تمامی عمرجواد بود... چه لحظاتی، چـــه ثانیه هایی... چه افکاری... چه عذابی.!

و حالا آقای نیک منش داشت بعد از یک مقدمه طولانی میگفت: «من خیلی در مورد تو تحقیق کردم جواد. توجوون نمونه‌ای هستی، درس هم به اندازه کافی خوندی. وانگهی، در کارما درس زیادی خواندن هیچ فایده‌ای ندارد. مهم شرافت، امانت، و زرنگی است که تو هر سه اون‌روداری... میدونی،من‌چندماه پیش به نذری کردم. برای تنها دخترم حادثه‌ای پیش آمده بود که داشت من و مادرش رو دیوونـــه میکرد. نذر کردم اگه خدا اون دیوونگی‌رو از دخترم بگیره و اورو نجات بده، بگردم فقیرترین و نجیب‌ترین جوون محل‌رو پیدا کنم و دخترمو به اون بدم.... اتفاقاً خداوند نذرمو اجابت کرد حالا دیگه حال دخترم خوب شده و قول داده هر که رومن انتخاب کنم، به شوهری قبول کنه خوب، من هم تورو انتخاب کردم. بگو ببینم آقا جواد دخترم لقارا دیده‌ای یا نه؟ لقای مـن خیلی دخترخوبیه. منتهی‌چندماه پیش...

آقای نیک منش هنوز حـــرف میزد، اما سالن بزرگ خانه، دورسر جواد میچرخید و آن صدای عجیب را که از آن گوشه نامرئی می‌آمد، میشنید که می‌گفت: «بله، اگر آرام باشی وصبر کنی، بالاخره‌خدامرادت رومیده.

پایان

باشادمانی وسرور نیم قرن
سلطنت سرنوشت ساز
دودمان جلیل پهلوی راجشن
می‌گیریم وصمیمانه ترین
سپاس رابخاطر رهبریهای
خردمندانه وپرتوان
شهریاربزرگ ایران زمین
به
شاهنشاه آریامهر
تقدیم می‌دارد.

نماینده رسمی شرکت ایران ناسیونال
شرکت تضامنی مصطفی گلپایگانی - پسران وبرادران
شرکت تولیدی وصنعتی برادران گلپایگانی

گرامی باد نیم قرن سلطنت پرافتخار پهلوی

که خیر و برکت، سعادت و نیکبختی برای

ملت ایران به ارمغان آورد و افتخار به

شاهنشاه آریامهر

طراح کبیر انقلاب دگرگون‌ساز شاه و ملت

که ایران کهن آئین را برای رسیدن

به دروازهٔ تمدن بزرگ رهنمون است.

Atlas Copco

گفتگو با «بیتا» چهره‌قدیم‌وجدید موسیقی ایرانی

در ترانه‌ها و آهنگ‌های ایرانی باید دگرگونی تازه‌ای بوجود آورد

«بیتا» گرچه این روزها به‌عنوان چهره تازه‌یی در موسیقی شناخته شده، اما او از دوازده‌سالگی قدم به‌دنیای موسیقی گذاشت وبمدت دهسال در وزارت فرهنگ وهنر بعنوان خواننده کار کرد وبا آهنگ‌هائی از عمادرام وعباس خوشدل، در دنیای موسیقی بکار ترانه‌خوانی مشغول بود واکنون درباز گشت دوباره بعنوان یک چهره تازه در موسیقی ازاو نام میبرند. ترانه‌های جدیدی که‌از اوپخش‌شده و ترانه‌های آماده‌ای که‌دارد امکان شهرت بیشتری را برایش فراهم‌آورده، باتوجه به‌اینکه ازیک سوگرفتار بچه‌داری است‌وازسوی دیگر همسرش آهنگهای او را میسازد، وقتی ازموسیقی ومسأله گل کردن در ترانه‌خوانی حرف میزنیم، میگوید: من کارم را ازدوازده‌سالگی باعطاءالله خرم شروع کردم وطبق معمول که‌خرم دوست دارد «زوج هنری» درست کند، برای من نام «بیتا» را انتخاب کردوبا خواننده دیگری بنام «بیژن» گروه «بیتا وبیژن» را ترتیب دادیم. توجه‌داشته باشیم، غیراز من راشش ورامین وعارف ونارملا وتملا وصبا، ازخوانندگان آموزش دیده او بودند.

درفرهنگ‌وهنر

بیتا اضافه‌می کند.

از هیجده‌سالگی به‌وزارت‌فرهنگ وهنر رفتم وجزو خوانندگان فرهنگ وهنر تنها در برنامه‌ائی که‌ازطرف این وزارتخانه ترتیب میبافت شرکت‌می کردم. درمدت حدود دهسال فعالیت، بیست‌ترانه خواندم که آهنگ‌های آنها راعمادرام وعباس‌خوشدل می‌ساختند. ازترانه‌های مشهورمن در این زمان میتوان از« بهارگذشته»، «نقش‌من» و«خسته دل» رانام‌برد.

می پرسم:

—چه‌شد که‌پس از ده سال فعالیت به‌قول خودت ناگهان فرم کارت راعوض کردی و برای مطرح‌شدن بیشتر به کاردر رادیو و تلویزیون پرداختی؟

—فکرمی کنم فعالیت‌های واقعی من از دوسال قبل شروع شده‌است .چراکه با مردم بوده‌ام وبین‌مردم. البته یک‌توفیق دیگری‌هم داشته‌ام، چون‌آهنگهائی راکه بایدترانه‌هایش را میخواندم، توسط شوهرم ساخته میشد ومیشود. مسأله دیگراینست که من‌به کارایرانی علاقه‌دارم، نه باآن‌غم‌هائی که‌درباره موسیقی غم‌انگیز مطرح کرده‌اند، بلکه آنچه برایم مطرح است وجود حرف و بیان درکارموسیقی است. البته آنطورکه غالب‌آهنگسازان درباره صدایم میگویند برای خودم جالب است،چراکه‌آنها عقیده دارند دارای صدا وتحریرمناسب برای‌خواندن در ریشه‌های موسیقی ایرانی‌هستم. این برایم مایه‌خوشحالی است ودیگر اینکه بمن امکان بیشتری میدهد تابه‌فعالیتم بیفزایم.

میگوییم:« از ترانه‌های تازه‌ات بگو. آنطورکه‌شنیده‌ام داری پول خرج میکنی ومرتب ترانه‌است‌پشت ترانه که‌از تو ضبط میشود.

باخنده‌میگوید:

—بهرحال یک‌خواننده بدون ترانه مطرح نیست ویک ترانه را نیز نمی‌شود بارها وبارهاخواند. اینست که باتوکل، شوهرم، تصمیم گرفتم به کارم بیفزایم و بهمین جهت در حال حاضر چهار ترانه آماده داریم که ضبط شده است:

ازیادرفته—غریبه— «وسوسه» و«شکسته دل».آهنگ‌ها از توکل‌است باشعاری از

معینی کرمانشاهی، تورج نگهبان وتوکل ودوترانه تازه را هم‌دارم تمرین می کنم.

سعر یکی ازترانه‌ها رابرایم میگوید... این‌ترانه را معینی کرمانشاهی ساخته‌است ازیادرفته

ای همیشه بیاد من مانده
ای همیشه سرازخود رانده
ای همیشه سکوت من دیده
ای همیشه نگاه‌من خوانده

عاقبت دیدی، رفتم ازیادت
گرشدی آتش، در تو افتاده
بی تو ویرانم، با تو آباده
گرشدی توفان، در تو پیچیده
حوس بودن را درتومی دیده.
* * *
عاقبت دیدی رفتم ازیادت
* * *

سرا ازمن، جدا کردی
ببین بامن، چها کردی، چه‌ها کردی
شکستی‌چون غرورم را
دل‌دائم صبورم را
رها کردی، رها کردی

میپرسم: «آنطورهاهم‌که میگوئی ترانه هایت بوی‌شادی ندارد، نمونه‌اش همین ترانه، نمی‌خواهی ترانه‌های شاد بخوانی؟» کمی فکرمیکند، وبعدمیگوید:

—متأسفانه مایه‌های ایرانی آرام است، ولی من ترجیح میدهم چند کارشاد هم‌داشته باشم. چون‌از ایستادن وبی‌حرکت‌خواندن زیاد هم خوشم نمی‌آید، ولی چون ترانه‌هائی که تابحال خوانده‌ام آرام بوده، بنابراین ناچار بودم تقریباً بی‌حرکت بخوانم، ولی‌دوتا از ترانه‌هائی‌که بزودی پخش‌میشود، در مایه‌های شاد است ومن هم‌راحت‌ترمیتوانم آنهارا اجرا کنم. میگویم : اینها جای خود اززندگی داخلی‌ات بگو.

باشوهرم وپسرم، باهمسان زندگی میکنـــــــم ومادرم‌هم نزد ما است. تابحال بزرگترین گرفتاری من رفتن بچه‌اولم بود، چون در ازدواج بی‌سرانجام قبلی فرزندی داشتم کـــه ازکنـارمن‌رفت وا کنون در یک‌پانسیون خارجی زندگی میکند. غیرازاین بزرگ کردن پسرم نیز از مسائلی بود که وادارم میکرد بیشتر به کارخانه بپردازم وا کنون که نگهداری او زیاد مشکل نیست دوباره به کارخوانندگی روی‌آورده‌ام. لازم است توضیح بدهم چون ترانه‌ها وواهنگهایم را غالباً شوهرم میسازد، تمرین ما بیشتر درخانه است، وجالب‌اینجاست که‌وقتی کارمی‌کنیم. فقط دوهمکارهستیم وبس وهنگام وظایف همسری وخانه‌داری فقط یک‌زن خانه‌دار هستم، منتهای اینکه متأسفانه آشپزی بلدنیستم

در مورد فعالیت‌های خارج از خانه تابحال ناراحتی برای تو وشوهرت پیش نیامده

—نه، او باعلم به‌اینکه من فقط به خوانندگی وکارم علاقه دارم، مسأله را بین خودمان‌حل کرده‌ایم، وقتی که ماازدواج کردیم، قول‌و قرارهاگذاشته‌شد، اویک آهنگساز بود ومن خواننده وباتوجه بهمه‌این مسائل، زندگیمان را شروع کردیم.

در مورد خوانندگان روز چه عقیده‌ای داری

در دنیای موسیقی ناخواننده‌ای کارش، صدایش ونحوه‌زندگیش مـــــــورد قبول مردم واقع نشود، اصولا مطرح نیست واگر

خوانندگان امروز مطرح شده‌اند، دلیلش اینست که توانسته‌اند در قلب مردم جائی برای خود بازکنند. ومن‌در میان خوانندگان ایرانی ازصدای دلکش—حمیرا—هایده—مهستی.

ودر کارهای تندازگوگوش خوشم‌می‌آید، وباتوجه باینکه آهنگسازان وترانه‌سرایان سهم‌مهمی‌در موقعیت وشهرت خوانندگان دارند، میتوانم از جهانبخش‌پازوکی—تحویدی—انوشیروان‌روحانی در آهنگسازی و معینی کرمانشاهی، تورج نگهبان— جنتی عطائی واردلان سرفراز درترانه‌سرائی نام ببرم.

میگویم: باتوجه به‌اینکـــه غالب خوانندگان به‌سینما راه بازکرده‌اند و پابه کاباره‌ها روی آورده‌اند، دراین میان توجه خواهی کرد؟

—در مورد سینما باید بگویم در دوفیلم بازی کرده‌ام، البته این‌مربوط میشود بسالها قبل، اولین کارم باوحدت بوددر فیلم«زبون بسته» وبعددر فیلمی بنام «تعقیب خطرناک» به کارگردانی رضاصفائی بازی کردم، وباتوجه به‌اینکه فکرمیکنم سینمای ماداردبه‌مراحل تازه‌ای میرسد، درصورتیکه موقعیت تازه‌ای پیش بیاید، از بازی در فیلم بدم نمی‌آید، و درمورد کاباره نیز حرفی ندارم، وقتی یک کاباره‌دار ازخواننده‌ای خواست که روی صحنه برود، معلوم‌است که‌مردم او را خواسته‌اند ومسایل سینما وموسیقی وکاباره کاملا بهم مربوط هستند. البته اگر شرایط مناسبی برای رفتن روی صحنه کاباره وجودداشته باشد، بخاطرمردم خواهم‌پذیرفت.

از توکل‌گهگاه بمیان حرف می‌آید، میپرسم : «تابحال چه‌آهنگهائی راساخته‌ای میگوید:

—آهنگهای ترسم فراموشم کنی، خواهم که‌رسوایشی‌و یادم نمیره را به حمیراداده‌ام، قهروناز—دل‌بی‌قرار— نقش غم‌ودل‌نامهربون، آهنگ‌هائی بودکه برای گلپایگانی ساختم و ترانه راضی‌مشو راهم برای‌هایده، وغیراز این ترانه‌هائی‌که بیتا اجرا کرده است، از کارهای‌من‌است.

آخرین حرف از شوهای تلویزیونیست که‌بیتامیگوید:

—من‌شوهائی مثل دنیای خوب ما، برنامه شهرآواز وآدم‌های شهرشاد را دوست دارم. وحرف‌آخراینکه‌بیتا نیز به‌صف‌خوانندگان ویژه برنامه‌های هنری کارگران درستاخیز کارگران افزوده‌شد....

اصفهان—آقای علی اکبر جواهری

پسرخاله‌جان، سرکار و دیگر صاحبان امضاء را به تن‌لرزان منارجنبان «اصفهون!» سوگند که اگر از آن خانه‌های کارگری یا به عبارت بهتر آپارتمانهای ناقص بانک رفاه که به شما کارگران زحمتکش عرضه شده چیزکی ولو به صورت انباری باقیمانده، حقیر فقیر در به‌در تر از نسیم زمهریر را خبر کنید که زیرفشار اجاره‌بهای سمحهارهزار تومانی تهران از دست رفتم. خدا شاهد است که اگر شما و دیگر سروران از وضع خانه در تهران باخبر بودید، آن آپارتمانهای دروازه‌شیراز را روی ملاج کله می‌گذاشتند و حلواحلواسی کردید!

خلاصهٔ کلام اگر زعمای امر خانه‌سازی اصفهان، کارگذاشتن راه‌پلهٔ ساختمان‌های مرحمتی را فراموش کرده‌اند، آنها را متوجه سازید که مسلماً جا رمجونی خواهند کرد.

خداوند پلمسار شما باد.

تهران—آقای اسدالله صادق محمدی

الهی دورت بدوم میرزاعضنفرخان اسد صولت — این دیگر چه جور پیشنهادی است. بمجان؟! جناب مدیر و سردبیر و سایر همکاران ماهها چله نشستند و دورخیز کردند تا توفیق [illegible] را بدست آوردند. حالا تو برادر عزیز [illegible] پیشنهاد می کنی که یک کلمه [illegible] هم بدنبالش اضافه کنیم تا مجله‌مان بشود رستاخیز کارگران و کارمندان. لابد دوصباح دیگر دوست دیگری تقاضا می کند که لطفاً یک «کارفرمایان» هم پشت سرش بگذاریم که بی‌بردبد بواش نوبت به «مدیرکلان [illegible]» و خلاصه کلام تمام مردم ایران می‌رسد! باری درباره پرسش‌های آنجناب باید معروضم! که:

۱— کتابهایی که در بخش «حرفه و فن» معرفی می‌شود، هریک نام ویژه‌یی دارد که اگر حضرت اجل بخواهد درصدد تهیه آنها برآید باید هنگام مراجعه به کتابفروشی از ذکر نام کتاب موردنظر غافل نشود. وگرنه با ادای عبارت «کتاب حرفه‌وفن می‌خواهم» حضرتت صاحب کتاب نخواهد شد.

۲— جدا کردن یا رونوشت‌گرفتن از جدولها، مسابقات و سرگرمی مجله، در اصل قضیه که حل صحیح آنها و ارسالشان به دفتر مجله است، کوچکترین تأثیری ندارد. اما اگر حال‌وحوصله و وقت کافی داشته باشی و رونوشت آنها را برفستی! به سالم ماندن مجله کمک بزرگی کرده‌ای.

۳— فدوی تا این لحظه فکر می کردم که حل مسابقات و دیگر رموز آن برای آگاهی علاقمندان در مجله چاپ می‌شود. حالا که سرکار مدعی عدم درج آن هستی، بچشم. مطمئن باش که همین روزها گریبان المیز جهانگیرخان پارسال خوب را می‌گیرم.

۴— ضمن تقدیم علیکم‌السلام، درود جنابعالی را به تمامی همکاران مجله اعم از مؤنث و مذکر رساندم.

مشهد—آقای محمد داود نفاس

آفرین به شما کارگر پشتکاردار وجدی که توانسته‌اید درعین کارکردن دیپلم خود را هم بگیرید. خدا شاهد است که من یکنفر با تمامی وجود به داشتن هموطنانی مثل شما افتخار می کنم. اما اجازه بدهید فضولتاً وجسارتاً نکته‌یی را خاطرنشان سازم که نخست گمی بنظر می‌آید. حقیقت اینست که جناب داودخان تحصیل در رشتهٔ پزشکی با گرفتن دیپلم کلاس ششم از زمین تا آسمان فرق دارد. درست است که آنجناب به این رشته علاقه دارید و می‌خواهید پزشک قابلی شوید. لیکن باید بدانید تا معدل عالی و کافی نداشته باشید بهرجای دنیا که بروید توفیق راه یافتن به این دوره را پیدا نخواهید کرد. باتوجه به تعداد روزافزون داوطلبان کنکور و بالارفتن سطح معدل راه یابی به رشته پزشکی کار ساده‌یی نیست. البته ممکن است که در بعضی از کشورهای عقب‌مانده یا درحال توسعه چنین امکانی برای شما باشد، اما مطمئن باشید که در آنصورت پزشک حاذقی از کار در نمی‌آید. زیرا نکتهٔ غیرقابل انکار اینست که سطح دانشکده ومیزان دانش استادان در تحصیل دانشجویان تأثیر بسزایی دارد.

بنابراین اگر از جان‌نثار دلفکار می‌شوید، بدون درنگ در رشته مناسبی نام نویسی کنید و بدین ترتیب از اتلاف عمر خود جلوگیری بعمل آورید. ضمناً این راهم عرض کنم که دادن تعهد تحصیلی، تنها برای مدارس داخل کشوراست نه خارج.

درخاتمه ضمن آرزوی توفیق بیشتر سرکار ازکرسی چانه خود پوزش می‌طلبم!

آبادان—آقای اسماعیل قالندیان

هرچند که جنابعالی پرتاب سلام گرم و سوزان خود را از شهر روغن‌درار آبادان فراموش کرده‌اید، معهذا جان‌نثار با صدایی برطنین‌تر از فریاد تارزان جنگلی سلام عرض می کنم و توفیق روزافزون شما را در [illegible] نامه‌های خصوصی و دو رنگ از کار در آوردن [illegible] آرزومندم!

بهر تقدیر همانطور که بارها [illegible] شده‌ایم مجلهٔ رستاخیز کارگران برای [illegible] برادران گرامی و تأمین خواسته‌ها و پیشنهادهای تمامی کارگران وطن منتشر می‌شود. بنابراین تردید نیست که همکاری ارزندهٔ آنجناب و سایر همکارانتان برای ما بی‌نهایت ارزنده و مسرت‌بار است. مضافاً به اینکه مدعی شده‌اید سابقهٔ همکاری با نشریات را نیز دارید. [illegible] و آگاه باشید که فدوی و تمامی همکاران [illegible] در انتظار دریافت [illegible] حضرتعالی هستیم. [illegible] صفحات مجله [illegible] خدای نخواسته [illegible] دستاورد. [illegible] آرزوی ماست.

قزوین—آقای سید محمد موسوی

به‌به‌به‌به، جناب آقای حمزه‌جان گروینلو! حال جنابعالی «هاوآریو» بالامجان اگر اشتباه نکنم قرار ما دو نفر این بود که حضرتعالی بهمان عللی که خودمان می‌دانیم ازکارخانه مربوطه استعفا کنی، نه از نامه نوشتن و یاد دوستان کردن. بهرحال و خالی از جدی! بیهاب خوشحالم که سرانجام توانستی ریش خود را ازچنگ رئیس قبلی خلاصه کنی و در سازمان ابدالی استخدام شوی. هرچند اگر غلط نکنم گویا حریف اسیر مهلکه‌یی شده و به این ترتیب تو اگر چند روزی دندان روی جگر می گذاشتی خلاص خدائی بودی!

دربارهٔ پیشنهادت با جناب سردبیر مذاکره کردم. یعنی خودشان بمجرد دیدن نامهٔ سرکار باب سخن را باز کردند و با تمام وجود قول مساعد دادند. بنابراین بعید نیست در آینده [illegible]

[illegible]

[illegible] بیرخانه کافی نباشد آنوقت ناچاریم این [illegible] را از وسط به دونیم کنیم. یعنی نامه به سردبیر یک صفحه‌یی بدهیم خدمت سرکار و دوستان هرچند که فعلا میزان نامه‌ها بسیار [illegible] زیاد هم می‌آورد.

[illegible] پیشنهاد کردی [illegible] در ماه مقدور نباشد، سه شماره‌یی‌اش کنیم و ده روز یکبار مجله را بکوبیم روی میز روزنامه‌فروش.

در پایان اجازه می‌خواهم بروم وسلام گرم وصمیمانهٔ تورا به آقایان مهندس کردبچه، شاهرخ نویسرکانی وجهانگیر پارسا خو تقدیم کنم.

خداحافظ و یگه‌دار تو باد.

مشهد—آقای حسن [illegible]

آفرین به نوجوان برومند وپنج کشتی‌گیر باشنوای دیگر که بحق مایهٔ صعود آبروی ورزش وطن‌اید که توانسته‌اید درسایهٔ جدیت وپشتکار دایمی تیم کشتی کرولالهای خراسان را تکمیل کنید. اما افسوس که رعمای کارخانه نان رضوی شما را یکدستی گرفته‌اند و رضا نمی‌دهند که باقراردادن همه‌تان در یک شیفت موجبات آزادی اوقات ورزشی ۶ نفری را امکان‌پذیر سازند. ما [illegible] داریم که مسئولان محترم کارخانه به این خواست مشروع شما توجه کنند. اما [illegible] نکردند تو یکی در نامه‌نگاری به این صفحه غافل مشو. منظورم اینست که تو بنویسی ما چاپ کنیم و آنها مورد توجه قرار بدهند. معهذا بالاخره یک جوری می‌شود. به این معنی که براثر این نوع نامه‌نویسی، یا شما ۶ نفر دسته‌جمعی قهرمان کشتی جهان می‌شوید یا گردانندگان کارخانه بدون تیم کشتی! توفیق تمامی ورزشکاران خراسان را از صمیم قلب خواهانم.

[illegible]—آقای عبدالله [illegible]

ای بندهٔ خدا که با خط خوش ودلچسب و دلنشین خودت، پاک مرا شیفته ووالهٔ خویش کرده‌یی، بهمان ارباب یکتایت قسم که اگر دید وبازدید تمام نشدنی عید مجال میداد، هم اکنون بعرضت می‌رساندم که در کدام شماره از شماره‌های چاپ شدهٔ مجله جواب نامه‌هایت را دادم وبا خط «حلی!» زحمت افزا شدم که اشعار سرکار مستطابعالی به مسئول محترم صفحهٔ شعر مجله تحویل شد. ببین عبدالله جان، وظیفهٔ جان نثار که میرزا نویس جناب سردبیر باشم، مطالعهٔ نامه‌ها، پاسخ دادن به آنها ودر صورت لزوم تحویل هریک از این نامه‌ها به بخش های مربوط است. بنابراین وقتی که عرض می کنم شعر تو دوست عزیز را به نظر مسئول صفحهٔ شعر رساندم، بدان که رسانده‌ام. حالا اگر ایشان درچاپش کوتاهی فرموده، یا به‌عللی آن را درخورچاپ نیافته، بنده‌مسئول آن نخواهم بود. لذا (لغت را باش!) بله، لذا سرکار دراین مورد کوچکترین نیازی به فرستادن قبض چاپارخانه جهت اثبات ارسال نامه شعرآمیز نداشتی و با کمی حوصله وتأمل می توانستی جواب خود را در صفحهٔ نامه به سردبیر ملاحظه فرمایی. هر حند که بافرستادن نامهٔ احم‌وارانه مجدد دستخط یاریس، حقیر فقیر زهوارددرفته‌تر از حصیر را محظوظ ومکیف کردی. توفیق روزافزونت را در سرودن شعر ونوشتن خط آرزومندم.

شهسوار—خانم آلاله—الف

چه فرق می کند آبجی جان؟ درست است که مجلهٔ ما اختصاصاً برای کارگران عزیز کشور منتشر می‌شود، اما برای پذیرش پیشنهادها وطرح پرسش های دیگر خوانندگان ارجمند نیز آمادگی دارد. از این رو حقیرفقیر بیحال تر ازپنیر به آگاهی سرکارعلیه می‌رسانم که اروپایی‌ها واصولا خارجی زبانان، کلمهٔ یونان را «گریک» تلفظ می کنند. بنابراین آن دختر خانم امریکایی که ناگهان در

تابستان گذشته » مقیم منزل تو بوده ، حق داشته است که درمقابل یونان یونان گفتن شماچهار شاخ بماند. سایهٔ مبارکه کم کم، کم‌شود.

اصفهان—آقای محسن وکیلی

حالا که سرکار مستطابعالی بدون سلام و علیک وابراز علاقه واشتیاق وامثالهم، نام خداوند را به زبانهای مختلف دنیا فرستاده‌یی، منهم بی هیچ تواضع وتعظیم و تکریمی، آن‌را تحویل مسئول صفحهٔ خودمون می‌دهم تا در صورت کسب اطمینان از صحت آن چاپش فرماباد. خداحافظ، بی خداحافظ!

پیشنهاد می کنیم که....

*آقای سردبیر

[illegible]
هرچه بهتر این مجله [illegible] پیشنهاداتی را بمنظور رفع برخی مشکلات تقدیم می‌دارد و آرزومندم آنجناب با بهره‌گیری از امکانات موجود درباره نحوهٔ انجام این پیشنهادها با مسئولان امور تفحص وشوری داشته باشید.

۱ — برای تمام طبقات جامعه بویژه اصناف که قسمتی از کارگران کشور [illegible] می دهند، سازمان مخصوصی [illegible] نوع شغل هردسته بوجود [illegible] امور مردم رسیدگی شود.

۲ — اعضای هرصنف از اصناف مختلف کشور [illegible] صندوقهای تعاونی سرمایه‌گذاری کنند وبدینوسیله مجتمع‌های متعدد صنفی بوجود آورند.

۳ — برای تمام [illegible] اوراق [illegible] عموم، یک قسمت باید تعیین [illegible] هر جنسی ثابت ومشخص بماند.

۴ — کلیه شرکتهای مسافربری غیرشهری در یکدیگر ادغام شود وباتشکیل سازمان واحد مسافربری ضوابط ومقرراتی در این امر حیاتی بوجود آید.

۵ — هرشهر وروستای کشور بحد منطقه تقسیم گردد وهرمنطقه موظف باشد که تمامی

مرا کز مورد نیاز مردم منطقه را تأمین کند. منظور اینست که مردم مجبور نشوند برای استفاده از بیمارستان، درمانگاه، مسجد، مدرسه وامثالهم به مناطق دیگر بروند.

۶ — در پایان تقاضا دارم بار دیگر روشن فرمائید که آیا دارندگان دفترچه بیمه درمانی هنگام مراجعه به پزشک یا داروخانه پولی هم بایدبپردازند یا نه؟ با تشکر مجدد.

تربت‌حیدریه—اکبرصابرنژاد

* خوانندهٔ ارجمند،

[illegible]

موفق باشید.

*آقای سردبیر گرامی،

با عرض سلام مجدداً شروع سال جدید را تبریک‌می‌گویم وامیدوارم که شما و همکارانتان در عرصهٔ هرچه بهتر این نشریه پرمطلب و آبرومند موفق باشید. غرض از تقدیم این نامه طرح چند پیشنهاد است که بشرح زیر بنظرتان می‌رسد:

اولا، ضروری است که درشمارهٔ آینده یا شماره‌های آتی تمثالی از خاندان جلیل سلطنت به‌صورت تابلوئی چهاررنگ چاپ کنید تا تمامی خریداران مجله بتوانند این تمثال گرانقدر را قاب کرده در برابر دید خود و فرزندانشان قرار دهند.

ثانیاً، در هر فصل یک تقویم سه ماهه دیواری ضمیمهٔ مجله کنید تا از گذران روزها دقیقاً مطلع شویم.

ثالثاً، مگر قرار نبود که برای دوستداران مکاتبه، ستون مخصوصی دایر کنید تا آنان بتوانند با بعضی از هموطنان خود درد دل کنند؟ راستی چرا این عهد فراموش شد؟

کرمان—محمود بازقلعه‌یی

دوست ارجمند، به‌گواهی شماره‌های موجود مجله، ما بارها افتخار چاپ تمثال شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل سلطنت را یافته‌ایم. بدیهی است بازهم به انجام آن مبادرت خواهیم ورزید. دربارهٔ گشایش ستون «مکاتبه» تصور می کنم که برای شما اشتباهی رخ داده باشد، چرا که ما هیچگاه قول دایر کردن چنین ستونی را نداده بودیم. بدیهی است فعلا نیز به عللی از اجرای این پیشنهاد شما معذوریم. شادکامی سرکار را آرزومندیم.

* جناب آقای سردبیر،

ضمن ابراز خرسندی از انتشار این مجلهٔ خوب از اینکه با نوشتن نامه وقت گرانبهای شما را می‌گیرم بی‌نهایت عذر می‌خواهم. گناه من دوری از مرکز است که باعث این جسارت شده است. والا اگر در تهران بودم پیشنهاد خود را تلفنی مطرح می کردم و کمتر موجب تضییع اوقات شریف سرکار میشدم. بهرحال، غرض از تقدیم این نامه طرح پیشنهادی است که امیدوارم مورد توجه قرار گیرد. به این‌معنی که می‌خواستم ازشما خواهش کنم اگر ممکن است در صفحه «خود ساخته‌ها»، از هموطنان نیز یادی بکنید. بی‌شک تعداد ایرانیانی که براثر نبوغ و پشتکار به مقامات عالی رسیده‌اند کم نیست.

دوست گرامی،

با عرض تشکر از الطاف صمیمانهٔ شما ناگزیر از توضیح هستیم که اگر سرکار خوانندهٔ دایمی مجله ما بودید و یا چند شمارهٔ اول را مورد مطالعه قرار می‌دادید متوجه می‌شدید که ما در صفحه خود ساخته‌ها هموطنانمان را فراموش نکرده‌ایم. بدیهی است در آینده باز هم به چاپ زندگینامه چهره‌های خود ساختهٔ ایرانی دست خواهیم زد. ضمن تمنای تندرستی شما در انتظار دریافت پیشنهادهای سازنده‌تان هستیم.

*آقای سردبیر،

احتراماً خواهشمند است به پیشنهادهای زیر توجه فرمائید:

۱ — یک صفحه را به تعمیرات رادیو و تلویزیون و ماشین اختصاص دهید تا کارگران درصورت نیاز بتوانند شخصاً درمقام تعمیر این نوع وسایل خود برآیند. به عقیدهٔ‌من این تنها راه آموزش است و چه بهتر که مجلهٔ ستاخیز کارگران مبتکرش باشد.

۲ — صفحه‌یی را نیز به آموزش عکاسی و فیلمبرداری منحصر کنید، زیرا آموختن این هنرها و بهره‌گیری از آنها بهترین چیز برای پر کردن ساعات بیکاری کارگران و فرزندان آنها است که ازگرایش افراد به سرگرمی‌های مضر جلوگیری مینماید.

۳ — لطفاً هنگام معرفی کتابهای فنی محل فروش آنها را نیز اعلام کنید. به عنوان مثال من بهر جا مراجعه می کنم کتاب آقای مهندس مقدم را نمی‌یابم با تشکر بسیار

مازندران—جواد خداداد

* کارگر ارجمند،

با ابراز تشکر از توجه شما به مندرجات مجله، پیشنهادهای سرکار را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا بنحوی ترتیب انجامش داده شود.

مکتب کارگر!

تهران—دوشیزه مهوش

چشم، اطاعت می‌شود. نه تنها تو خواهر عزیز بلکه هر خواننده بزرگواری خواهش کند نامش را محفوظ بداریم، ما اطاعت می کنیم. البته به شرطی که نام‌ونشان کامل خود را برای ما بنویسند. دودیگر اینکه چه کسی گفته است ادامهٔ تحصیلات عالیه برای دختران کارگران وطن ضروری نیست؟ دختر کارگر هیچ فرقی با دیگر دختران کشور ندارد. ضمناً ادامهٔ تحصیل دختران بستگی دارد به وضع آنان. به این معنی که اگر دختری پیش از رسیدن به دورهٔ عالی به خانهٔ بخت برود و شغل شریف خانه‌داری را پیشه کند، بدیهی است که چندان احتیاجی به ادامهٔ تحصیل ندارد. اما اگر به این مرحله نرسیده باشد به راحتی می‌تواند تحصیلاتش را ادامه دهد. البته بهتر است که به جلب رضایت پدرو مادرش نیز بپردازد. حالا که این مسأله حل‌شد بهتراست بدانیکه تشریح نحوهٔ کارسینما با یکی دوستون عملی نیست، چرا که تکلف فنی زیاد دارد و باید دقیقا توجیه گردد، اما همینقدر می نالم که وقتی نور یا تصویری روی چشم ما می‌افتد، وجودش درنظر بیننده تنها $\frac{1}{16}$ ثانیه باقی میماند. درنتیجه اگر در کمتر از این مدت تصویر قطع شود، ما هرگز قطع آنرا نمی‌بینیم.

رشت—آقای شجاع اخترطلب

آشجاع آقاجان، هرکس به جنابعالی گفته است که مجلهٔ کارگران در بیست سال پیش هم منتشر می‌شده، سخت بی‌لطفی فرموده است. البته بعید نیست که یکی از سازمانهای وابسته به وزارت کار نشریه‌یی بهمین نام به عنوان بولتن داخلی یا ماهیانه منتشر می کرده است. اماآنچه که انکارناپذیر است وجود مجله‌یی به نام کارگران، با این قطع و کمال هرگز دروطن ما چاپ نمی‌شده است. دیگر اینکه لسان الغیب خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، حدود یکصد سال پیش از نورالدین عبدالرحمان جامی زندگی میکرده است. بنابراین جامی نامی که همعصر حافظ بوده، شیخ معین‌الدین محمد جامی است که حقیرفقیر کج و کوله‌تر از حقیر از نسبتش با جامی شاعر بلند پایهٔ دورهٔ تموری چیزی نمی‌داند. بهمین علت اجازه مرخصی می‌طلبد و آنحضرت را بخدا می‌سپارد.

پرسش های دراز، و پاسخهای کوتاه

پیرانشهر—آقای احمد حقگویی

مدارک آنجناب که برای صدور کارت خبرنگاری ارسال‌شده‌بود، دریافت‌شد. مخلص عین مدارک ارسالی را تحویل قسمت مربوطه دادم تا اقدامات لازم را بعمل آورند. بدیهی است که اگرمسؤولان امر ازصدور کارت خودداری کنند، بنده‌مسؤول آن نخواهم بود.

شیراز—آقای مجتبی روسفید

برادرجان هرچه سرکار مستطابعالی روسفیدی، جان‌نثاربی‌بخار روسیاهم که کارت جنابعالی دیر بدستم رسید و چاپ شعر شما که سبب انقضای موقع میسر نشد. اما خودمانیم عجب شعر با حالی بود، ها! توفیق آنجناب را با تمامی وجود خواهانم.

مسجدسلیمان—آقای رضامهدیلوترکمانی

چرا چاپ نمی کنیم برادرجان؟ تمامی نیت دست‌اندرکاران مجله ما اینست که استعدادهای نهفته کارگران و دیگر هموطنان عزیز را «کشف!» کنند. بنابراین تو دوست عزیز هم که مدعی هستی کاریکاتوریست قابلی خواهی شد، می‌توانی نمونه‌یی از کارهایت را بفرستی تا مورد بررسی کارشناسان قرارگیرد.

کرمان—آقای کرامت بلوچ زاده

داداش جان، جنابعالی که چهار سال سابقه کارقنادی داری ومی‌توانی باساختن نان خامه‌یی فرد اعلا کام خلایق را شیرین کنی، دیگر چرا دنبال کار اداری می‌گردی که از داشتن معافیت پزشکی بترسی؟ مطمئنا با نمی پشتکار می‌توانی از لطف همشهریان مهربان و شیرین زبانت برخوردارشوی و نزد قناد دیگری بکار بپردازی بهرحال، بنده تصور نمی کنم دنبال کار کشوری که لابد همان اداری است، رفتن برای تو نتیجهٔ مطلوبی داشته باشد. توفیقت را آرزومندم.

تبریز—آقای امیرمهدی رحمانی

قربان، مرقومه شریف آنحضرت را که شکوائیه‌اش باید نامید با رغبت و حوصلهٔ تمام خواندم وتا مسئول مربوطه راهی پیش‌پای سرکار بگذارد. امیدوارم نتیجهٔ کار رضایت‌بخش باشد.

رامسر—آقای ملهمی

ضمن تمنای توفیق شما که به عنوان خبرنگار نشریات ستاخیز سرگرم فعالیت هستید، باید به عرض برسانم که عین خبر ارسالی را به قسمت اخبار شهرستانها فرستادم. ضمناً احساسات خالصانه آقای امیر اصلانی را می‌ستاییم.

تهران—آقای رضا مهاجر

آقا رضا جان، والله مخلص جز اینکه دربرابر اینهمه لطف جنابعالی عرق ازجبین بزدایم کار دیگری نمی‌توانم بکنم. بهرحال، لطف و احساسات شما سروران عزیز برای تمامی کارکنان مجله موهبتی بزرگ‌به‌حساب‌میآید. از این‌رو خواهش میکنم نمونهٔ کارهایتان را بفرستید تا درصورتی که در حد مورد نظر باشد چاپ‌شود. خدا یار و یاورتان باد.

آغاجاری—آقای حسین بهشتی

نامهٔ مفصل ومستدل جنابعالی که حاکی از بی توجهی مسئولان مربوط نسبت به وضع کارگران منطقه بود به قسمت قانون کار تحویل شد. بدیهی است درآن بخش با توجه به ضوابط ومقررات موجود، شما را راهنمایی خواهند کرد

توفیق سرکار را در حل وفصل مشکلات همکارانتان مسئلت دارم.

پیام شاهنشاه ... بقیه از صفحه ۳۱

بقیه از صفحه ۳۱

میداند که فردی آزاد و نیروئی فعال است و تا آنجا که امکان دارد بایستی در بهره‌وری و استفاده صحیح از وسائل تولید کوشا باشد.

در اینجا سؤال شد همانطوریکه مطلع هستید با تشکیل حزب فراگیرنده ملت و دست آوردهای آن مجله رستاخیز کارگران به عنوان ارگان کارگری این حزب انتشار یافت.

ممکن است برای بهبود وظیفه‌ای که این مجله بعهده دارد نظر خودتان را بفرمائید؟

آقای هویدا گفتند: بدون تردید این مجله نقش مؤثری در بالا بردن سطح دانش و اطلاعات فنی کارگران ایفا میکند اما آنچه که بیشتر باید به آن توجه شود این است که شما هرچه بیشتر بمیان کارگران و صنایع مملکت بروید و کارگران قهرمان و نمونه‌ایکه در واحدهای تولیدی بکار خلاق و سازندگی صنایع مملکت مشغول هستند معرفی کنید و بهتر است واحدهای تولیدی نیز ضمن معرفی اینگونه افراد برای تشویق معنوی آنان وسیله‌ای فراهم نمایند تا آنان به بهترین وجه ممکن به دیگر برادران و خواهران خود معرفی شوند.

اسم کارگر را ... بقیه از صفحه ۵

بقیه از صفحه ۵

قسمت معنوی و [illegible] و امور اجتماعی، ضمن گزارشی به عرض پیشگاه رسانیدند.

جای افتخار دارد به شرفعرض شاهنشاه آریامهر برسانیم که برای نمایندگان کارگران، مسئولان سندیکاهای کارگری سراسر کشور و اعضای سومین کنگره کارگران ایران موجب نهایت مسرت و سرافرازیست که در روز کارگر سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی، همزمان با برگزاری شکوهمند جشن‌های پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی افتخار شرفیابی به پیشگاه مبارک رهبر والای انقلاب شاه و ملت را یافته‌اند.

شاهنشاها، کارگری که در این جشن شکوه از جانب پر افتخار کارگری به زیارت شاهنشاه آریامهر خود نائل شده‌اند، جشن از بنیانگذار شاهنشاهی پهلوی اعلیحضرت رضاشاه کبیر پایه‌های سازنده این سردار بزرگ را در پی ریزی بنیادهای سیاسی و نظام اقتصادی ایران امروز می‌شناسند. و بخاطر تمامی مهر و عنایتی که در طول ۳۵ سال سلطنت شاهنشاه آریامهر خاصه در دوران شکوهمند انقلاب شاه و ملت از جانب ذات مقدس ملوکانه شامل حال جامعه کارگری شده است، سپاس خویش را به خاکپای مبارک تقدیم می‌دارند.

شاهنشاها، سومین کنگره کارگران ایران که در سال ۲۵۳۵ با شرکت نمایندگان کارگران و مسئولان سندیکاهای کارگری سراسر کشور با حضور [illegible] ایران و نمایندگان اتحادیه‌های کارگری دوازده کشور خارجی روز ششم اردیبهشت ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی با پیام شاهنشاه آریامهر که افتتاح شده و [illegible] حضوری [illegible] کار تشکیل شد [illegible] کنگره علاوه بر بررسی وضعیت اعضای شورای [illegible] بر مسائل و مشکلات و رشد سازمان کارگران ایران [illegible] دولتی بررسی در جلسات موفقیت‌ها و پیشرفتهای جامعه کارگری، بخصوص در دوران پرشکوه انقلاب شاه و ملت مؤکد گردید. آنچه امروز به عنوان دست‌آوردهای پربار انقلاب نصیب جامعه کارگری ایران گردیده، مرهون پشتیبانی و حمایت رهبر بزرگ انقلاب، شاهنشاه آریامهر به میلیونها زن و مرد کارگر شریف و آزاده این سرزمین بوده است. حمایت و پشتیبانی رو بوداد [illegible].

عده‌ای از کارگران شرکت کننده در سومین کنگره کارگران ایران فوق العاده رستاخیز کارگران را مطالعه میکنند.

تا بدان حد بود که اعضای شرکت کننده در سومین کنگره کارگران ایران سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی را سال طلائی صنعت ایران نامیدند و نمایندگان اتحادیه‌های کارگری دوازده کشور میهمان که ناظر فعالیتهای این کنگره عظیم بودند، پیشرفتهای سریع و شگرف این مملکت را در کلیه شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تحت رهبریهای داهیانه شاهنشاه آریامهر ستودند و آرزوی کسب موفقیتهای بیشتر نموده [illegible] شاهنشاه ایران [illegible] بزرگ جهان بشمار برند.

شاهنشاها، کارگران ایران [illegible] سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی [illegible] تجربه [illegible] خاطره‌ای گرامی [illegible] شاهنشاه آریامهر را در سرلوحه [illegible] ملی آزاد که در کنگره‌های [illegible] بزرگ [illegible] حضور به جمع قدرتمندان جهان [illegible] است می‌شناسند.

میلیونها زن و مرد کارگر [illegible] انقلاب شاه و ملت و از راه اجرای [illegible] کارگران در منافع کارگاههای تولیدی، صنعتی و جز سیزدهم انقلاب شاه و ملت، گسترش مالکیت واحدهای تولیدی به ارزنده‌ترین حقوق انسانی و نیل به عدالت اجتماعی و رفاه‌مندی دست یافته‌اند، خواهند کوشید که به پاس این همه عنایت و حمایت شاهنشاه آریامهر و [illegible] کار و تلاش افزونتر و کسب مهارت‌های برتر و افزایش هرچه بیشتر سطح تولید دین خویش را به خاکپای اندیشمند انقلاب به شایستگی ادا کنند.

شاهنشاها، جا دارد شاهی و مفتخر است به شرفعرض مبارک برساند که عنایات کارگران بخصوص کارگران جوان که می‌کوشند کلیه مشکل روابط کار و کارگری و صنعت این مملکت را حتی در اندیشه خود مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند به مراتب اسناد و آثار جاودان [illegible] شاهنشاهی پهلوی است که کارگران در مراجعه به این مراتب و مطالعه [illegible] و آثار هستند، خود نشان داده‌اند که برای روشنگری این حقیقت است که کارگران ایران در چه سطحی از تحولات فکری [illegible] دریافته‌اند به یقین دستیابی به چنین [illegible] مدرک ارزشهای کارگران [illegible] [illegible] و تفسیری بر آن [illegible] که در اندیشه صنعت و روابط کارگری [illegible] [illegible] امروز عنوان صنعت و سندیکاهای صنعتی و روابط کار و کارگری بر روی اوست و موضوع [illegible] کارگری را کاملاً دانسته و این [illegible] را بعنوان سند حرمت و شرافت خویش به نسلهای آینده بسپارند.

شاهنشاها، مسئولان سندیکاها و نمایندگان کارگران سراسر کشور که همانطور افتخار [illegible] رهبر والای خویش نائل شده‌اند به نمایندگی از طرف میلیونها زن و مرد کارگر ایرانی میثاق همیشگی را که با خدای خویش در جانبازی در راه حفظ و حراست نظام شاهنشاهی احترام به قانون اساسی و پاسداری از انقلاب شاه و ملت بسته‌اند تجدید می‌نمایند و از پیشگاه مبارک استدعا دارند تا با قبول توجه سپاس که به خاکپای مبارک شاهنشاه آریامهر تقدیم می‌گردد بحسن روز کارگر سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی برج و سرمشق خود داده‌اند چند.

[illegible] بعرض گزارش وزیر کار و امور اجتماعی ۱۴ نفر از کارگرانی که در عمر سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر حرفه کارگری داشتند، توجه ملوکانه کارگران پیر را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم کردند.

شاهنشاه آریامهر هنگام قبول توجه سپاس کارگرانی را که افتخار تقدیم آن را به پیشگاه معظم له داشتند مورد مرحمت قرار دادند و با یکایک آنان گفتگو کردند.

توجه سپاس کارگران ایران در محل دائمی [illegible] در حزب رستاخیز ملت ایران نگهداری خواهد شد.

سپاس سومین کنگره ... بقیه از صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱۲

کارگران نشان دادند که پس از سالها [illegible] تاریخ کارگری ایران هیچ نوع موجودیتی نداشته است.

وزیر کار افزود: از موضوعات دیگری که در جلسات مختلف سومین کنگره کارگران ایران مطرح شد، یکی تجدید نظر در برخی از مواد قانون کار ـ بیمه‌بیکاری ـ سهیم شدن کارگران ـ افزایش بهره‌وری کار ـ طبقه‌بندی مشاغل بوده است و من فرصت را مغتنم شمرده به کارگران عزیز و ارجمند در سراسر کشور اعلام میدارم که مسؤلان وزارت کار و امور

اجتماعی در کنار من وسایر همکاران، کلیه پیشنهادات و نظریات نمایندگان شمارا دقیقاً مورد بررسی قرار خواهیم داد و همواره آماده پذیرفتن پیشنهادات مفیدو عملی هستیم. شما کارگران عزیز اطمینان داشته باشید، من وهمه همکارانم با تمام قوا وتوان همواره آماده خدمت بشما کارگران وسربازان این مرزوبوم هستیم. خوشبختانه همکاری نزدیک سازمان کارگران ایران - وزارت کار وامور اجتماعی -وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی و سایر مؤسسات زیربط درامورشما کارگران عزیز، روز بروز صمیمانه تر و مستحکم تر میگردد. زیرا

هدف اساسی رفاه هر چه بیشتر زندگانی کارگران سراسر کشوراست.

وزیر کارواموراجتماعی ادامه داد:

یکی دیگر از مسائل قابل توجه در کارگاهها، موضوع آموزش حرفه‌ای وسواد آموزی توام با حرفه (تابعی) است، البته دراین موارد تابحال کارفرمایان و کارگران همکاری داشته‌اند ولی باید این همکاری وهمفکری در آینده وسیع تر وقوی تر باشد تا با افزایش مهارت کارگران هم‌سطح تولیدات کشورافزایش وهم میزان درآمد کارگران افزونی یابد. هم اکنون درنقاط مختلف میهن عزیزمان صدوپنجاه مرکز اسناد وآمار پنجاه سال سلطنت پهلوی تشکیل گردیده‌است که مروربه اسناد موجود درمرا کز مذکوروسنجش مینماید که کارگران ایران در ۵۰ سال شاهنشاهی پهلوی تاچه حد جهش وترقی وتکامل فکری، اجتماعی و اقتصادی و رفاهی داشته‌اند وازاین رو بجا است در این سال فرخنده و ساعاتی که سومین کنگره کارگران ایران در جریان است، این همه موفقیت‌های کارگران را بهمه کارگران تبریک وتهنیت بگویم، امیدوارم نیروی کاروسدیریت‌صنایع در کنار همه سازمانهای مسئول وموظف مملکتی بتوانند روز بروز گامهای بلندتری درراه اجرای منویات‌شاهنشاه‌آریامهر بردارند.

در این جلسه قطعنامه سومین کنگره کارگران ایران بشرح زیر قرائت شد وبه اتفاق آراء بتصویب رسید.

قطعنامه سومین کنگره کارگران ایران

سومین کنگره کارگران ایران از هفتم لغایت نهم اردیبهشت ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی با شرکت نمایندگان کارگران، دبیران وروسای سندیکاها واتحادیه‌های کارگری سراسر کشور درمجموعه آریامهر تشکیل گردید.

کنگره سپاس بی پایان خود را به پیشگاه رهبر بزرگ انقلاب شاهنشاه آریامهر که با پیام الهام بخش کنگره را ارشاد ومفتخر فرمودند تقدیم میدارد.

سومین کنگره کارگران ایران تقارن پنجاهمین سال شاهنشاهی را با تشکیل جلسات خود بفال نیک گرفته و بار دیگر فداکاری و جانبازی کارگران ایران را در راه نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه وملت اعلام میدارد.

کنگره پس از بحث سه روزه درجلسات خود و بررسی گزارشات و پیشنهادات واصله انجام اقدامات لازم نسبت بموارد زیر را توصیه میکند:

۱- بمنظورایجاد روابط عادلانه‌ترین نیروی کاروسرمایه و همچنین ایجاد تامین شغلی بیشتر برای کارگران توصیه میشود نسبت به تجدید نظر درقانون کارو تقدیم لایحه قانونی آن به مراجع قانونگزاری تسریع شود.

۲- درقانون کارمقررات خاصی برای الزام تشکیل شوراهای سازش دو جانبه و تفویض اختیارات قانونی باین شورا پیش بینی شود.

۳- در ارتباط بهره‌وری کار بالسمزد، کارفرمایان نسبت به بهبود روش مدیریت و ایجاد سازمانی برای اندازه‌گیری بهره‌وری کار درهرواحداقدام نمایند.

۴- چون بهبود روش مدیریت وورود تکنولوژی جدید تغییرشغل و کسب مهارتهای جدید برای بعضی از کارگران راایجاب میکند. بمنظور حمایت از کارگران در دوران بیکاری توصیه میشود قانون بیمه بیکاری هرچه زودتر تنظیم وبمراجع قانونگزاری تقدیم‌شود.

۵- موجبات تعمیم اصل‌سیزدهم انقلاب(گسترش مالکیت واحدهای تولیدی) که در حقیقت مکمل اصل‌چهارم انقلاب میباشد نسبت به کارگران واحدهای غیرمشمول هرچه زودترفراهم شود.

۶- برنامه‌های وسیع آموزش اصول سندیکائی درسطوح مختلف تهیه و بمورد اجرا گذارده‌شود.

۷- حمایتهای قانونی از اعضای هیات مدیره سندیکاهای کارگری کارگاهی به سندیکاهای حرف واتحادیه‌ها نیز تسری داده شود.

۸- با پیشرفت سریع صنعتی کشور ولزوم افزایش و تجدید مهارت‌ها بمنظور تامین نیاز-های صنایع کشور و همچنین بی نیاز کردن صنایع از خدمات فنی کارگران و متخصصان خارجی آموزشگاهها و مراکز تعلیمات حرفه‌ای منطبق با نیازهای‌صنعتی توسعه یابد.

۹- با توجه به افزایش روز افزون تعداد کارگران ونیازآنها به خدمات رفاهی بیشتر نسبت بتوسعه مراکز ورزشی واردوهای کارگری‌وهمچنین بهبود وضع مراکز موجود از نظر کمی و کیفی اقدام شود.

۱۰- نظربانیکه قسمت مهمی از درآمد کارگران صرف اجاره‌مسکن میشود با توجه به فرمایشات رهبر اندیشمند ملت ایران مقررات خاصی برای تهیه مسکن سازمانی ازطرف کارفرمایان مخصوصاً در کارگاههائی که جدیداً احداث میشود، وضع‌وبمورد اجرا گذارده شود.

۱۱- امکانات‌درمانی از نظر کمی و کیفی گسترش یابد.

۱۲- بندماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم ناظر به بخشودگی مالیاتی بنفع شرکتهای تعاونی اصلاح شود تاگام مؤثری بنفع شرکت‌های تعاونی‌مصرف کارگری برداشته‌شود.

۱۳- برای بهبود محصولات صنعتی ازنظر کمی وکیفی و همچنین افزایش درآمد کارگران در پیمانهای دستجمعی سهیم کردن اصل بهره‌وری کاروافزایش تولیدمورد توجه دقیق ترقرارگیرد.

۱۴- با توجه به‌اینکه گسترش تعاونیهای مصرف در رفاه زندگی کارگران اثرات غیرقابل انکاری دارد، پیشنهاد میشود ترتیبی داده شود که کارفرمایان اقدامات کافی در جهت فراهم کردن تسهیلات لازم برای تقویت تعاونیهای مصرف کارگری مانند در اختیار گذاردن‌محل مناسب بعمل آورند.

سپس آقای هادی الهی رئیس کنگره‌طی سخنانی از شرکت کارگران در این کنگره و اینکه آقای هویدا نخست وزیر درمراسم افتتاح و مراسم اختتام این کنگره شرکت کرده‌اند سپاسگزاری کرد و از همکاری دستگاههای مختلفی که در برگزاری کنگره نقش مؤثری داشته‌اند اظهارامتنان کرد.

آقای الهی سپس به فعالیت مسئولان و نویسندگان مجله «رستاخیز کارگران» اشاره کرد و اظهار داشت: «همانطوریکه کارگران عزیزملاحظه کردند، «رستاخیز کارگران» دراین سه روز، درویژه‌نامه‌ای مطالب ومباحث این کنگره را به نحو مطلوب و مفیدی منعکس کرد و لازم است ازگردانندگان این نشریه کارگری کمال تشکر وقدردانی بشود.»

دراین هنگام آقای تقی زنوزی نایب رئیس کنگره متن تلگرام سپاس سومین کنگره کارگران را به پیشگاه رهبر اندیشمند انقلاب شاه‌وملت، قرائت کرد.

درپایان‌این‌جلسه آقای‌عباس‌میرزائی، نماینده کارگران در مجلس شورایملی پشت تریبون قرار گرفت و طی مراسمی برای پایداری سلطنت شاهنشاهی ایران و دودمان جلیل پهلوی و سومین کنگره در گسترش هدفهای انقلاب شاه و ملت تلاش خواهد [illegible]. سپس با نواختن سلام شاهنشاهی، سومین کنگره کارگران ایران بکار خود پایان داد.

کارگران امروز بقیه‌ازصفحه۱۳

کارگران امروز بقیه‌ازصفحه۱۳

شورای‌عالی‌سازمان را تسریع کردند.
آقای هویدا گفتند:

دوستان کارگر، اعضای شورایعالی سازمان کارگران

برگزاری موفقیت آمیز سومین کنگره سازمان کارگران ایران را— که با نظم وشکوه خاصی همراه بود، به همه‌ی شما دوستان کارگر شادباش می‌گویم و ازاینکه مرا بسمت رئیس شورایعالی این سازمان — که یکی از ارکان دمکراتیک درجامعه صنعتی است— برگزیده‌اید—تشکرمیکنم.

تشکیل کنگره سوم سازمان کارگران ایران، مظهری از تشکل و همبستگی عمیق کارگران این سر زمین است که به یاری آن می‌توانیم— وباید— هرلحظه بر سرعت پیشرفت و کارآئی خود بیفزائیم.

مسائلی که در این کنگره عنوان شد و توصیه های آن—چه بدولت وچه به سازمانهای کارگری— بدون تردید پس از بررسی‌های لازم مورد اقدام قرار خواهد گرفت و امیدوارم، از نتایج این اقدامات، تمام کارگران ایران، تاقبل ازتشکیل کنگره‌چهارم، آگاه‌شوند.

من بارها تأکید کرده‌ام که کارگران امروز، سازندگان ایران فردا هستند. همانطور که کارگران عصر رضاشاه کبیر، با ساختن راه آهن، دانشگاه‌و کارخانه‌های‌صنعتی، نام خود را درتاریخ کار کشور، بعنوان سازندگان بنیادهای یک جامعه نو، جاودانه ساختند، شما کارگران امروز نیز، با شرکت فعالانه در سازندگی ایران بزرگ‌وپیشرو، نقش برجسته‌ای را درتاریخ بخوداختصاص داده وخواهیدداد.

همه‌ی ما می کوشیم — در پرتو فرماندهی پرثمر شاهنشاهمان—سرزمین آباد وجامعه‌ای مرفه و نمونه بسازیم، بنابراین وظیفه فرد فرد است که برای ایفای نقشی هر چه برجسته‌تر در این زمینه، سطح مهارت و کارآئی خود را افزایش دهیم.

شاهنشاه آریامهر در پیام الهام‌بخش خویش به کنگره‌بزرگ شمافرمودند: «تشکیل این کنگره فرصت‌مناسبی برای کارگران ایرانی است تاپیروزیهای اقتصادی ایران امروزودرجه شرکت و همکاری خود را درحصول باین پیروزیها، آگاهانه مورد ارزیابی قرار دهند و چگونگی اتحاد گسترده‌تری را — چه از نظر فکری وچه ازلحاظ‌علمی—درپی ریزی موفقیت های آینده بررسی کنند ودرراه ایفاء این تلاش پرافتخارسندیکاهای کارگری‌می‌باید با همفکری صاحبان صنایع و کارخانه‌ها درجه بهره‌وری کارخود را— چه از نظر کمیت وچه از نظر کیفیت— بیشترو باز هم بیشتر کنند تا از این راه، نه تنها سطح تولید کشور را بالا ببرند بلکه درعین حال درآمد بیشتری را نیز برای خود کارگران تأمین نمایند».

در این زمینه — یعنی افزایش سطح کارآئی و بهره‌وری کارگران — آنچه مربوط بدولت است با ایجاد و توسعه مراکز آموزش حرفه‌ای بسرعت انجام گرفته و دنبال خواهد شد. امیدوارم درسال جاری نیز شاهد گشایش چند مرکز آموزش حرفه‌ای دیگر باشیم، اما فراموش نکنید که نقش اصلی را دراین زمینه شما کارگران برعهده دارید که باید با فراگرفتن مهارتهای اساسی، در ایجاد بنیادهای صنعتی کشور، هرچه مؤثرتر‌مشارکت‌جوئید.

دراین دوران رستاخیزملی— که جامعه ما با سرعت درحال پیشرفت است— هر یک ازما در برابرجامعه، دینی‌بزرگ برعهده داریم که باید با کار بیشتر و سازنده‌تر و شرکت مؤثرتر در سازندگی ایران‌بزرگ، آن راادا کنیم. اطمینان دارم شما کارگران پر تلاش نه تنها رسالت خطیر خود را بخوبی بازشناخته‌اید، بلکه برای انجام‌آن‌حتی لحظه‌ای را ازدست‌نخواهیدداد. زیرا، باین نکته مومن و معتقدم که کارگر ایرانی، ازخلاقیت وفداکاری، بکمال بهرمند است.

سازمان کارگران ایران باید — با توجه باساسنامه جدید خود— درجهت تشکیل بیشترو گسترش واحدهای سازمان بکوشد و بیش از پیش منعکس کننده‌خواستهای کارگران‌باشد، بعلاوه‌سازمان‌بایدفعالیت‌خود رابیشتر درتحقق هدفهائی چون تشکیل کمیته‌های مختلف با عضویت افراد بصیر بمنظور بررسی مسائل کارگری، آشنا ساختن کارگران با وظائف و مسئولیت‌های خود جهت ارائه کار بهتر و بیشتر، همکاری با دستگاههای اجرائی بمنظور تشکیل و گسترش تعاونی‌ها، تجدید نظر در سازمان شعبه‌های موجود و تشکیل شعبه‌های جدید در استانها و شهرستانهای فاقد شعبه سازمان، تشریح هدفهای سازمان در سراسر کشور از طریق آموزش مسئولان شعبه‌ها و سندیکاها واتحادیه‌های عضوسازمان وبالاخره تشکیل کمیته ملی همکاری با مشارکت نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن متمرکزسازد.

دراین جا باید اضافه کنم که همبستگی شما درحل وفصل مسائل اجتماعی وگسترش سندیکاهای کارگری، نمونه بارزی از رشد تشکیلاتی سازمان کارگران است که باید نقش رهبری وارشاد کننده خود را، در کلیه واحدهای کارگری—وحل وفصل مسائل آنان —به نحو مطلوبتری ایفاء کند.

البته جلسات شورایعالی و هیئت اجرائی بطور مرتب تشکیل خواهد شد تا نظرات کارگران در زمینه مسائل کارگری — مورد بررسی قرارگیرد — این نظرات می‌تواند برای دولت و وزارتخانه های کار و امور اجتماعی و تندرستی ورفاه اجتماعی، راهنمای مفیدو سازنده‌ای باشد تا ضمن بر طرف ساختن نقائص کارخود، درجهت رفاه بیشتر جامعه کارگری بکوشند.

با آرزوی کامیابی روزافزون برای سازمان کارگران ایران، امیدوارم شما دوستان کارگر، درخدمت هر چه بیشتر به شاهنشاه و این آب و خاک، همیشه موفق ومؤیدباشید.

کارخانجات پارس توشیبا ـ رشت مورد بازدید

وزرای صنایع ومعادن ومسکن وشهرسازی قرارگرفت

وزیر صنایع و معادن دربازدید از کارخانه پارس توشیبا به خبرنگار رستاخیز گفت:

کارخانجات پارس توشیبا از نظر تولیدات خوب جلو رفته است

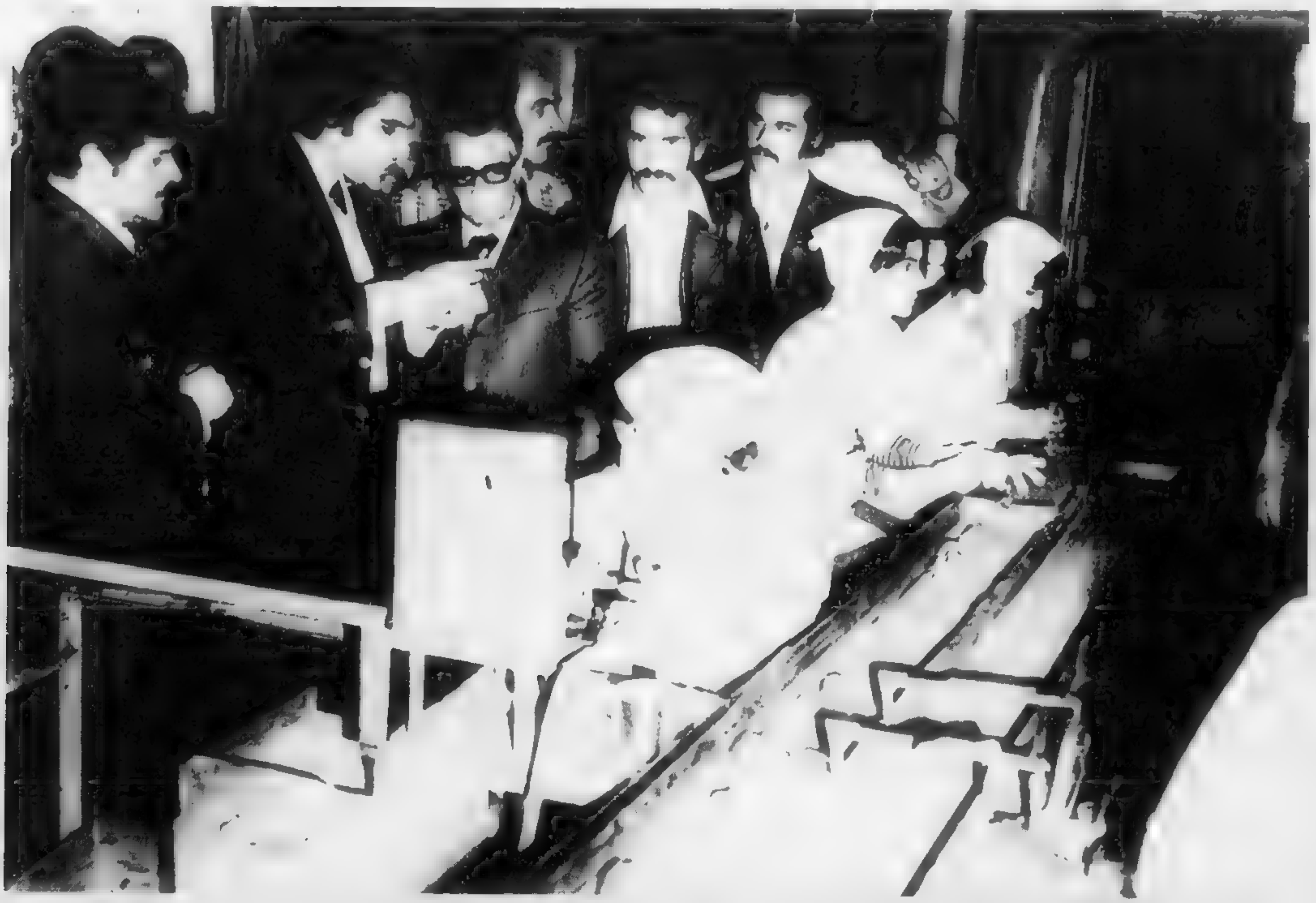

وزیر صنایع و معادن و همراهان در قسمت کارخانه لامپسازی پارس توشیبا درحال بازدید میباشد — دراین قسمت مهندس احمد ریاضی رئیس کارخانه لامپ پارس توشیبا درحال توضیح دادن چگونگی ساختن لامپ معمولی میباشد

ساعت ۱۰ صبح آقای نجم‌آبادی **و همایون جابر** انصاری وزرای صنایع **ومعادن و**مسکن وشهرسازی در معیت همراهان به رشت **از کارخانجات** پارس توشیبا رشت بازدید **بعمل آوردند.**

در لحظه ورود **وزرای** صنایع ومعادن و مسکن و شهرسازی **و همراهان به** کارخانجات پارس توشیبا از طرف **مهندس بهروز** بوشهری رئیس هیئت مدیره و رئیس **کارخانه** صنعتی و مهندس احمد ریاضی رئیس **کارخانه لامپ** و ابراهیم رحمانی مدیر امور اداری کارخانجات پارس توشیبا و دیگر مهندسین کارخانه و کادر اداری مورد استقبال قرار گرفتند و کارگری دختر خوش آمد گفت و دسته گلهائی تقدیم وزرای صنایع ومعادن ومسکن وشهرسازی کرد.

وزرای صنایع ومعادن و مسکن وشهرسازی وهمراهان بعد از مطالعه نقشه کارخانجات پارس توشیبا وآمار تولیدات کارخانجات [illegible] نور از کارخانه صنعتی پارس توشیبا بازدید بعمل آوردند وآقای مهندس بهروز بوشهری رئیس کارخانه درهرقسمت توضیحاتی در اختیار وزراودیگر همراهان قرار می‌دادند دراین بازدید آقای نجم‌آبادی درهرقسمت سؤالات فنی از کارگران و تکنسین‌و مهندسین میکرد که به سؤال‌هایشان جواب داده می‌شد.

دومین قسمت بازدید وزرای صنایع ومعادن مسکن و شهرسازی وهمراهان از کارخانجات لامپ بود در این قسمت بازدیدآقای مهندس احمد ریاضی رئیس کارخانه توضیحاتی در مورد نحوه کار کارخانه در اختیار آقایان وزراء و دیگر همراهان قرار دادند

بازدید وزرای صنایع ومعادن ومسکن وشهر سازی و همراهان از کارخانجات پارس توشیبا نزدیک به دوساعت طول کشید. کارخانجات معظم پارس توشیبا رشت که یک واحد موفق تولیدات صنعتی است که به پشتکار وعلاقمندی کارگران و تکنسینها و مهندسین و دیگر کادر اداری توانسته است بسیاری از نیازمندیهای رفاهی خانوادههای ایرانی را تأمین کرده وحتی به خارج از کشور هم صادر نماید بیش از ۳ هزار نفر کارگر و تکنسین و مهندس و کارمند به نیروی از منویات شاهنشاه آریامهر بمنظور سرعت رشد انقلاب صنعتی کشور در این واحد بزرگ صنعتی بدون وقفه و با تلاشی مداوم و ناگسسته در پی نیازی صنعتی مملکت میکوشند.

هم اکنون تولید بیش از ۷۰ درصد قطعات محصولات ساخته شده در این کارخانه یک موفقیت چشمگیر بدست آورده است برای اطلاع خوانندگان و آشنائی بیشتر با تولیدات کارخانجات پارس توشیبا با مسؤولین این کارخانه آقایان مهندس بهروز بوشهری معاون ارشد مدیر عامل و رئیس کارخانه پارس توشیبا و مهندس احمد ریاضی رئیس کارخانه لامپ و ابراهیم رحمانی مدیر امور اداری کارخانجات پارس توشیبا به گفتگو نشستیم و اینست حاصل گفتگوی ما:

کارخانجات پارس توشیبا از دو قسمت تشکیل میگردد یکی کارخانه صنعتی و یکی کارخانه لامپ. کارخانه صنعتی در سال ۲۵۲۹ شاهنشاهی در زمینی بمساحت ۸۶ هزار متر مربع که از مالکین خصوصی خریداری شده ایجاد شد در این کارخانه پنکه — پلوپز در اندازههای مختلف چرخ گوشت — آبمیوهگیری — بخاری برقی — هواکش تولید میگردد و در حدود ۱۳۳۰ کارگر تکنسین ومهندس و کادر اداری مشغول بکار میباشند. مواد اولیه این کارخانه مقداری از داخل کشور ومقداری از خارج تأمین میشود.

انتظار میرود با گسترش صنعت در مملکت وکمک دستگاههای اجرائی تمام مواد اولیه آن در ایران تهیه گردد لازم به یادآوری میباشد که در سالهای اول تأسیس این کارخانه تمام کارها و مدیریت بدست خارجیها بود و هم اکنون تمام کار و خرج صنعت این کارخانه بدست کارگران [illegible] خارجی بعنوان مشاور در این کارخانه مشغول بکار میباشند سهامداران این کارخانه ۶۰ درصد ایرانی و ۴۰ درصد خارجیها تشکیل میدهند محصولات این کارخانه علاوه از اینکه نیاز داخل کشورها را تأمین میکند به کشورهای نیجریه — لیبی — بحرین — اردن — عربستان سعودی — قطر صادر میگردد.

در سال گذشته سود سهام ویژه کارگران بالغ به ۳۰ میلیون ریال بود که بین کارگران - تکنیسینها و مهندسین و کادر اداری تقسیم گردید کار ساعت کارگران مختلف میباشد و در نوبتهای مختلف این کارخانه در ۲۴ ساعت کار میکنند. قسمت دوم کارخانه - کارخانه لامپ میباشد که در زمینی به مساحت ۴۴ هزار مترمربع زیربنا میباشد شروع بهرهبرداری از واحد تولیدات لامپ کارخانه پارس توشیبا رشت از ۲۵۳۱ شاهنشاهی شروع شده و محصولات این کارخانه — لامپ معمولی لامپ فلورسنت در وانهای مختلف و رنگهای مختلف میباشد لامپ شمعی یکی دیگر از محصولات این کارخانه میباشد افرادی که در این کارخانه از کارگر — تکنیسین — مهندسین گرفته تا کادر اداری ۹۰۷ نفر میباشد در این کارخانه تمام کارها و مدیریت بدست توانای کارگران ایرانی انجام میگیرد.

ولی در گذشته تمام کار این کارخانه حتی مدیریت آن بدست خارجیان بود و خوشبختانه فقط چند نفر خارجی در کارخانه بعنوان مشاور کار میکنند.

محصولات این کارخانه علاوه بر احتیاجات داخلی کشور به خارج صادر میگردد.

وحتی لامپ فلورسنت بخود را نیز صادر کرده و ظرفیت تولیدی این کارخانه طوری است [illegible] احتیاجات داخل کشور و حتی بعضی از کشورهای خارج را تأمین نماید در مورد آموزش کارگران و تکنسین و مهندسین هر سال تعدادی افراد نامبرده را جهت کارآموزی و بازدید از صنایع کشورهای مشابه سازنده باهزینه کارخانه به خارج فرستاده میشوند. بعلاوه کارخانجات پارس توشیبا راسأ و باهمکاری صندوق کارآموزی یک صندوق کارآموزی در محل کارخانه دایر کرده و برنامههای آموزشی منظمی تحت نظر متخصصین در رشتههای مختلف کارگران کارخانه را آموزش میدهند در مورد کارهای رفاهی کارخانجات پارس توشیبا تمام امکانات رفاهی را در کارخانه ایجاد کرده است هم اکنون در در کارخانجات پارس توشیبا علاوه به رستوران موجود اقدام به احداث یک رستوران مجهز با همه تجهیزات که با ۱۰۳۵ متر مربع زیربنا در دوطبقه با هزینه بالغ بر ۳۰ میلیون ریال کرده که گنجایش پذیرائی از ۲ هزار نفر کارگر و دیگر کادر کارخانجات پارس توشیبا را دارد [illegible] رستوران [illegible] خود [illegible] و برای رفاه بیشتر [illegible] کارخانه بوجود [illegible] کارگران [illegible]

[illegible]

کارخانه [illegible] مصرف مجبور واقع [illegible] در خارج از کارخانه در [illegible] کارگران [illegible] سهامدار [illegible].

کارخانجات پارس توشیبا [illegible] دادن وام [illegible] کارگران [illegible] مصرف [illegible].

۹۰ درصد قطعات [illegible] ۷۰ درصد قطعات [illegible] ۶۰ درصد قطعات [illegible] و مهندسین ایرانی در [illegible] ساخته میشود. همچنین [illegible] لامپ [illegible] کارگران ایرانی ساخته میشود. [illegible] کارخانجات [illegible] مسؤولین [illegible] کارخانه هم برطرف گردد.

[illegible] آرزوی [illegible] و در [illegible] انقلاب [illegible] و خورشید [illegible] رستاخیز و رهبری اندیشمندانه پرچمدار بزرگ ایران شاهنشاه آریامهر تمام قطعات تولیدی این کارخانجات عظیم و دیگر کارخانههای ایران بدست توانای کارگر ایرانی ساخته شود. وبه بازارهای جهانی صادر گردد.

مهندس فرخ نجمآبادی وزیرصنایع ومعادن باتفاق همراهان در ادامه بازدیدهای خود از کارخانجات پارس توشیبا از قسمت پنکهسازی بازدید بعمل میآورند و دراین قسمت مهندس بهروز بوشهری معاون ارشد مدیرعامل ورئیس کارخانه صنعتی پارس توشیبا توضیحاتی درمورد ساختن پنکه به وزیر صنایع و معادن و همراهان میدهد.

ورزش کارگر

تحول ورزش کارگری را از هفتمین کنفرانس ملی کار [illegible]

ورزش بعنوان یک عامل تامین سلامت و یک وسیله افزایش تولید می تواند در دستور کار کنفرانس قرار گیرد

شماره آینده رستاخیز کارگران همزمان با برگزاری کنفرانس ملی کار منتشر خواهد شد وبنابراین بسیار بجاست که بار دیگر بضرورت توجه به امر حیاتی «ورزش» در کنفرانس ملی کار وبحث پیرامون اهمیت ونقش اساسی آن در تولید تاکید کنیم، به این امید وانتظار که مسئولان وگردانندگان کنفرانس ملی کار، در برنامه کار کنفرانس مکان شایسته‌ای به «ورزش کارگر» اختصاص دهند.

شاهنشاه که خود از نوجوانی به ورزش پرداختند وپیوسته به ورزشکاران عنایت وتوجه مبذول فرموده‌اند، بارها به اهمیت ورزش، بخصوص در جوامع کارگری مهر تأیید زده‌اند واز هیچ فرصتی برای یادآوری این هم فروگذار نفرموده‌اند. در تحلیل مشکلات کارگران ورزشکار، چنانکه در میز گرد کارگران ورزشکار گیلان در همین شماره میخوانیم، بی‌توجهی و بی‌علاقه‌گی کارفرمایان به امر ورزش معضل بزرگی است. ابکاش دشواری تنها به بی‌توجهی محدود میشد. دردآور اینکه در برخی موارد تبعیض بین کارگر ورزشکار با دیگر کارگران، آنهم به زیان کارگر ورزشکار چشم میخورد. مدیران و کارفرمایانی باچنین روحیه‌ای واقعاً قابل مطالعه هستند!

دوسال پیش آقای «ویلیام . ل . دلانی» آمریکائی که دارای فوق لیسانس رشته مدیریت ورئیس رشته کامپیوتر یکی از شرکتهای بزرگ آمریکائی است ضمن بررسی درباره موفقیت مدیران عالیمقام با سی‌نفر از مقامات سازمانهای مختلف آمریکا از طریق نمونه‌گیری آماری مطالعات جالبی انجام داد که برای مدیران عالیمقام سازمانهای مختلف کشورما میتواند آموزنده باشد.

سئوالهای آقای «دلانی» که در مجله «دوره مدیریت‌ها» چاپ رسید، به امر ورزش نیز مربوط میشود. ضمن بررسی، یک رشته سئوالات انجام شد تا معلوم شود مدیران بعنوان یک گروه ممتاز اداری، چه طرز فکر و گرایشی نسبت به ورزش دارند. نتایج حاصله جالب بود:

۹۲ درصد پاسخ دادند که ورزش را دوست دارند. ۹۱ درصد گفتند که زمانی در یک رشته ورزشی فعالانه شرکت داشته‌اند. معذلک بنا به ارزیابی خود آنها قدرت وقابلیت ورزش آنان به اندازه علاقه ورزشی‌شان قوی نبود ۵۶ درصد پاسخ دادند که به ورزش‌های گروهی بیشتر متمایل بودند تا به ورزشهای انفرادی. بهرحال، این بررسی نشان میدهد که «ورزش» در زندگی اکثر مدیران عالیمقام سازمانهای بزرگ آمریکا جای مشخصی دارد. بعبارت دیگر، اهمیت ورزش برای چنین مدیرانی کاملا آشکار وتاثیر آن در پیشبرد کارها انکار ناپذیر است. البته در گزارش این محقق آمریکائی نیامده است که آیا این مدیران در محیط کار خود به ورزش همانقدر اهمیت میدهند که در دوره تحصیل بدان عشق میورزیدند. ولی ناگفته پیداست که این اکثریت عظیم مدیران آمریکائی بهیچ شکل بخاطر ورزش از افراد زیر دست خود روی گردان نیستند!

شاید، هنوز برای برخی از مسئولان ما «ورزش» بعنوان یک مساله اساسی قابل بحث درچنین کنفرانسهائی نیست.

سیمای واقعی ورزش کشور، چنین برداشت برخی از عالیمقامان را از «ورزش» توجیه میکند. آیا چنین روحیه‌ای، در عصر رستاخیز برازنده جامعه صنعتی ماست؟ آیا هنوز وقت آن نرسیده است که «ورزش» بعنوان یک وسیله مطمئن ثابت سلامت ونشاط کارگر، و نیز یک عامل مؤثر در افزایش تولید مورد بحث وتحلیل قرار گیرد؟

این کار بالاخره نقطه آغازی میخواهد و به اعتقاد من بهترین نقطه حرکت، همین کنفرانس ملی کار است.

اسماعیل یگانگی

کشتی گیران مشهدی برای مسابقه [illegible] به عراق رفتند

تیم کشتی خراسان، قهرمان مسابقه‌های کارگری کشور، روز پنجشنبه گذشته برای انجام چند مسابقه به عراق رفتند.

کشتی گیران مشهدی که خود درجوار مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه زندگی میکنند، بعد از مسابقه با حریفان عراقی خود توفیق زیارت قبور ائمه اطهار در خاک عراق را بدست خواهند آورد.

کشتی گیران اعزامی عبارتند از آقایان محمدعلی ایزدپناه (سرپرست هیئت) — حسن رلستگو ۴۸ کیلو — محمدحسن عبدالهی ۵۲ کیلو — حسنعلی اسماعیل پور ۵۷ کیلو — علی اصغر فهمی ۶۲ کیلو — سیدحسین معرب ۶۸ کیلو — خدابخش عفت دار ۷۴ کیلو — حسنعلی صحرائی ۸۲ کیلو — علی روحانی ۹۰ کیلو — عباسعلی صحرائی ۱۰۰ کیلو و محمدحسین قادریه ۱۰۰ کیلو به بالا — حبیب غفاری مربی — نصرالله حسین زاده داور — محمدیان نماینده فدراسیون کشتی — باشی زاده فخار سرپرست باشگاه کارگران مشهد.

کشتی گیران مشهدی احتمالا چهار مسابقه در عراق انجام خواهند داد.

وزیر کار، مدالهای کارگران قهرمان را به سینه هایشان ز[د]

مقارن ظهر روز شنبه چهارم اردیبهشت ماه، شصت نفر از کارگران کشتی گیر شرکت کننده در ششمین دوره مسابقات قهرمانی کارگران ایران که مقام های اول تا سوم را حائز گردیده بودند، باتفاق تیم کشتی کارگران خراسان که قرار است هفته آینده به عراق عزیمت کنند، در دفتر کار آقای امیرقاسم معینی حضور یافتند. لازم بیاد آوری است که این کشتی گیران پیش از این مراسم، در مراسم افتتاح مسابقات قهرمانی کشتی کارگران ایران بحضور والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی معرفی شدند.

در این مراسم خانم دکتر حجازی معاون امور اجتماعی وزارت کار وآقای محمود بیاتی مدیر کل تربیت بدنی و تفریحات سالم وزارت کار وامور اجتماعی حضور داشتند.

ابتدا مدیر کل تربیت‌بدنی گزارشی از ششمین دوره مسابقات قهرمانی کشتی کارگران ایران باطلاع رسانید. آقای وزیر کار و امور اجتماعی سخنانی خطاب بورزشکاران ایراد کرد و اظهار داشت اقداماتی که در جهت توسعه و بهبود برنامه های رفاهی کارگران شده در اجرای منویات عالیه شاهنشاه آریامهر بوده، و اضافه نمود درجریان گشایش مسابقات کشتی والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ریاست شورای عالی ورزش و تفریحات سالم کارگران ایران دستوراتی در مورد توجه بیشتر بورزشهائی مثل کشتی باستانی و غیره که در بین کارگران علاقمندان بیشتری دارد، در کارخانه ها صادر فرمودند.

در پایان مراسم ورزشکاران مدالهای خود را از آقای وزیر کار و امور اجتماعی دریافت داشتند.

ورزشکاران و قهرمانانی که در این مراسم حضور داشتند، عبارت بودند از:

حسن معرب — علی اصغر فهمی — حسن رلستگو — محمدحسین عبدالهی — حسنعلی اسماعیل پور — حسنعلی صحرائی — محمدحسین قادریه — علی روحانی — عباسعلی صحرائی — فریدون باشی زاده فخار (سرپرست تیم) — نصرالله حسین زاده داور — خدا بخش عفت دار — حبیب‌الله غفاری (مربی)

چهرهٔ درخشان کشتی جنوب

غلامرضا قصاب کارگر جوان دزفولی از چهره های درخشان کشتی جنوب و ورزش خیز کشور ماست.

قصاب درچهارچوب مسابقه های کشتی فرنگی جوانان ایران کلیه حریفان خود را ضربه فنی کرد و بار دیگر ثابت کرد که بهترین ۶۲ کیلوئی کشتی فرنگی ایران درحال حاضر میباشد.

قصاب تاکنون درمسابقه‌های کشتی در بلغارستان، مصر وشوروی شرکت کرده است.

وی امیدوار است بتواند در المپیک مونترال کشتی بگیرد

ششمین دوره مسابقات کشتی آزاد و فرنگی کارگران برگزار شد

کشتی گیران کارگران خراسان، به حضور والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی معرفی شدند.

ششمین دوره مسابقات کشتی کارگران هفته گذشته در حضور والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی، در تالار ورزشی کارگران تهران آغاز شد.

در این مسابقه جمعاً ۱۰۲ کشتی‌گیر کارگر از شش منطقه ایران به زورآزمائی پرداختند که نتایج مسابقات نفرات اول تا سوم بشرح زیراست:

کشتی آزاد:

۴۸ کیلو: هاشم بیاتی — احمد کاوه — فریدون علی اصغرزاده.

۵۲ کیلو: محمد کرمانی — عبدالعلی عبدالهی — علی اصغر عبدالهی.

۵۷ کیلو: قنبرعلی مدانلو — محمد شجری — غلامحسین گودرزی.

۶۲ کیلو: ابوالقاسم حقشناس — حسنعلی اسماعیل پور — مریدعلی عباسی.

۶۸ کیلو: فرخ ناصرگلزار — منصور چکینی — نبی ابراهیمی.

۷۴ کیلو: اکبرقربانی — محمدحسین بابائی — ابراهیم جباری.

۸۲ کیلو: حسینعلی نوروزیان — مصطفی توکلی — فضل اله توکلی.

۹۰ کیلو: محمدزینعلی — امان اله فولادوند — نقدعلی خدابندلو.

۱۰۰ کیلو: ابوالحسن میرواحدی — نصراله اصل دهقان — حسین بیگلری.

سنگین وزن: غلامرضا خلج — محمدعلی کتیرائی — محمدعلی سالاروند.

کشتی فرنگی:

۴۸ کیلو: حبیب کاکاحاجی — عبدالرضا قربتی.

۵۲ کیلو: حسن قویدل — منوچهر قابل — محمدحسین عزیری.

۵۷ کیلو: سیدمرتضی لسیسی — حسین زندی — حسین مکاری.

۶۲ کیلو: رحیم قصاب — علی امینی — ناصر جارستان.

۶۸ کیلو: محمدولی شیخی — احمد غشوری — محمدتقی حسین زاده.

۷۴ کیلو: منوچهر تقی زاده — علی عسگری — حسین بابازاده.

۸۲ کیلو: حسن جعفرجو — رضا تخواری — محمود سلمانی.

۹۰ کیلو: علی کرم حسن پور — ابوالحسن میرواحدی — علی اکبر مهری روشن.

۱۰۰ کیلو: غضنفر جوری — احمد روشن — حسین باغبان.

سنگین وزن: محمدعلی کتیرائی — محمد سرلکه — ایرج هدایتی.

که در کشتی آزاد تهران با ۳۴ امتیاز و در فرنگی با ۳۲/۵ امتیاز اول شد و تیم های استان مرکزی و منطقه اول، دوم و منطقه سوم، سوم شدند.

تیم والیبال باشگاه کارگران اراک در مسابقات دسته دوم باشگاههای استان مرکز (زیرگروه جام پاسارگاد) بمقام قهرمانی رسید. این مسابقات بمدت چهار روز از پنجم تا هشتم اسفندماه گذشته در سالن ورزشی ۲۸ مرداد اراک برگزار شد و پس از چهار روز تلاش و مبارزه سرانجام تیم باشگاه کارگران اراک بمقام اول رسید و تیمهای گرمسار — قزوین — بترتیب مقامهای دوم و سوم را کسب کردند.

کاراته و کاراته بازی

کاراته و کاراته بازی، که این روزها در مرکوی و برزن مقبول جوانها و نوجوانهاست، مدتی است از انحصار باشگاههای عمومی در آمده و در باشگاههای خصوصی نیز جا باز کرده است. از جمله در باشگاه کارگران اراک که یک دو مسابقه دوستانه هم بین کاراته بازان کارگر برگزار کرد. ظاهراً باشگاه کارگران اراک اولین باشگاه کارگرای است که مقدم «کاراته» را در محیط کارگری گرامی داشته است.

ازطرف باشگاه، به برندگان این مسابقه جوائزی نیز داده شد.

ورزش کارگر

تقویم مسابقه های قهرمانی کارگری منتشر شد

رضائیه، مشهد، خرمشهر، اهواز، اصفهان، ساری میزبان مسابقات نهائی

تقویم ورزشی کارگران به مناسبت جشن های پنجاهمین سال سلطنت پهلوی انتشار یافت. این مسابقه که همراه با هفتمین دوره مسابقات قهرمانی کارگران کشور خواهد بود. از نیمه اول ماه آینده شروع خواهد شد. ازآنجا که آگاهی از این برنامه ها برای کارگران ورزشکار و ورزشدوست جالب خواهد بود. بدرج آن مبادرت میکنیم.

الف:

۱ — **دوومیدانی مردان**، نیمه اول خرداد (مقدماتی استانهاو شهرستانها) نیمه دوم خرداد (مرحله نیمه نهائی — منطقه ای)

۲ — **دوچرخه سواری مردان**، نیمه اول خرداد (مقدماتی استانهاو شهرستانها) نیمه دوم خرداد (مرحله نیمه نهائی — منطقه ای)

۳ — **والیبال مردان**، نیمه دوم خرداد (مقدماتی استانهاو شهرستانها) نیمه اول تیر (مرحله نیمه نهائی — منطقه ای)

۴ — **شناو شیرجه مردان**، نیمه اول تیر (مقدماتی استانهاو شهرستانها) نیمه دوم تیر (مرحله نیمه نهائی — منطقه ای)

۵ — **بسکتبال مردان**، نیمه دوم خرداد (مقدماتی استانهاو شهرستانها) نیمه اول تیرماه مرحله نیمه نهائی — منطقه ای)

مسابقات نهائی پنج رشته فوق در نیمه اول مردادماه با شرکت بیش از صد قهرمان کارگر منتخب ازمناطق ششگانه کشور درشهرستان رضائیه برگزار میشود.

ب:

۱ — **کشتی آزاد**، نیمه اول مرداد (مقدماتی استانهاو شهرستانها) نیمه دوم مرداد (مرحله نیمه نهائی منطقه ای)

۲ — **کشتی فرنگی**، نیمه اول مرداد (مقدماتی استانهاو شهرستانها) نیمه دوم مرداد (مرحله نیمه نهائی منطقه ای)

۳ — **وزنه برداری**، نیمه دوم مرداد (مقدماتی استانهاوشهرستانها) نیمه اول شهریور (مرحله نیمه نهائی — منطقه ای)

۴ — **پرورش اندام**، نیمه دوم مرداد (مقدماتی استانهاو شهرستانها) نیمه اول شهریور (مرحله نیمه نهائی — منطقه ای)

۵ — **ژیمناستیک مردان**، نیمه اول شهریور (مقدماتی استانهاو شهرستانها) نیمه دوم شهریور (مرحله نیمه نهائی — منطقه ای)

مسابقات نهائی پنج رشته فوق در نیمه دوم شهریورماه با شرکت بیش از ۲۵۰ نفر کارگر قهرمان منتخب از مناطق ششگانه کشور در شهرستان مشهد برگزار میشود.

ج:

۱ — **ساززنان**، نیمه اول مرداد ماه (مقدماتی استانها و شهرستانها) نیمه دوم مرداد نیمه نهائی — منطقه ای ودر نیمه دوم مردادماه مرحله مناطق در تهران برگزار میشود.

۲ — **قایقرانی مردان**، نیمه دوم شهریور (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه اول مهر (نیمه نهائی — منطقه ای) ودر نیمه دوم مهرماه مرحله نهائی آن در خرمشهر انجام میگردد.

د:

۱ — **والیبال زنان**، نیمه دوم آبانماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم آبان ماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

۲ — **بسکتبال** نیمه دوم آبانماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم آبانماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

۳ — **دو ومیدانی**، نیمه دوم آبانماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم آبان ماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

۴ — **شطرنج**، نیمه دوم آبانماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم آبانماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

۵ — **ژیمناستیک**، نیمه دوم آبانماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم آبانماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

۶ — **دوچرخه سواری**، نیمه دوم آبانماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم آبانماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

۷ — **پینگ پنگ**، نیمه دوم آبانماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم آبانماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

مسابقات هفت رشته فوق، در نیمه اول آذر ماه با شرکت بیش از یکصد وپنجاه نفر ورزشکار کارگر در شهرستان اهواز برگزار میگردد.

ه:

۱ — **فوتبال مردان**، نیمه اول مهرماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم آبانماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

۲ — **پینگ پنگ مردان**، نیمه اول آذرماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم آذرماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

۳ — **شطرنج نیمه اول**، آذرماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم آذرماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

۴ — **بوکس**، نیمه اول دیماه (مقدماتی استانها وشهرستانها) نیمه دوم دیماه (نیمه نهائی — منطقه ای)

مسابقات نهائی چهار رشته فوق در نیمه دوم بهمن ماه با شرکت بیش ازسیصدنفر کارگر قهرمان منتخب از مناطق ششگانه کشور در شهرستان اصفهان برگزارمیشود.

مسابقه دو صحرانوردی جام رضاشاه کبیر، در نیمه دوم بهمن ماه درشهرستان ها ودر نیمه اول اسفند، دراستانها ودر نیمه دوم اسفند ماه، مرحله نهائی آن در شهرستان ساری برگزار می شود.

ضمناً یادآور میشود که مسابقات نیمه نهائی یا منطقه ای در مرکز شش منطقه ۱ کرمان — ۲ — مشهد ۳ — اهواز ۴ — تبریز ۵ — اراک ۶ — تهران انجام میگردد.

کارفرما

کارگرور

خانم فاطمه اخلاق پسند

خانم سیدبانوموسوی

نساء عباسی

ورزش کارگران در «رستاخیز کارگران» مقام والائی دارد. توجه خاص به مسایل و رویدادهای ورزشی کارگری توام با بیان خواست ها و کمبودها ومسابقات ورزش کارگری با اقبال صمیمانه و ستایش انگیز کارگران ورزشکار و ورزشدوست روبرو شد. نامه ها، عکسها و خبرهای ورزشی کارگری و نیز درد دلهائیکه دراین زمینه با سرویس ورزشی ما می شود مؤید نظر ماست.

رستاخیز کارگران در زمینه های ورزشی به نقش سازنده واساسی خود درپیشبرد برنامه ها و هدف های ورزش کارگری توجه کامل دارد.

ازاین روست که به انعکاس خواست های منطقی کارگران در رفع مشکلات و کمبودهای ورزشی محیط کار و زندگیشان علاقه خاصی دارد.

دراین هفته گروهی از کارگران ورزشکار گیلانی در یک گرد همائی مشکلات کارخود را با خبرنگار ما در رشت، آقای بهرام نوائی، درمیان گذاشتند که ذیلاً نکات اصلی وبرجسته اظهارات کارگران را بنظرتان میرسانیم واز دیگر همکاران خود درشهرستانها انتظارداریم دراین زمینه قدم های اساسی بردارند.

«سرویس ورزشی مجله»

ورزش درمیان کارگران گیلان، گسترش قابل ملاحظه ای یافته است. استعداد و همت کارگر گیلانی در ورزش، مثال زدنی است. وقتی با یک کارگر ورزشکار گیلانی از ورزش سخن به میان می آید، بچنان سوز و شوری از آن حرف می زند که هرشنونده ای راتحت تأثیر قرارمیدهد. باوجود این، استعداد کارگران، چنانکه باید وشاید به کارگرفته نمی شود. این را کارگران شرکت کننده در گردهمائی خود در دفتر مجله دررشت بیان کردند.

شرکت کنندگان دراین میزگرد:

۱ — علیرضا فیروزشاد — از کارخانه توشیبا
۲ — خانم فاطمه اخلاق پور — از کارخانه توشیبا
۳ — رقیه یگانه — از کارخانه ابریشم نمی
۴ — سیدبانوموسوی — از کارخانه توشیبا
۵ — نساء عباسی — از کارخانه ابریشم نمی
۶ — محمدابراهیم آقائی — از کارخانه توشیبا

درآغاز علیرضا فیروزشاد درمورد فعالیتهای ورزشی خود گفت:

«از سن ۱۴ سالگی شروع به ورزش کردم وفعالیتهای خود را با پرورش اندام شروع نمودم، اما پس ازمدتی، علاقه خود را در زمینه بوکس یافتم و به این ورزش روآوردم. درسال گذشته درمنطقه تبریز به مقام اول رسیدم و پس از آن به مسابقه نهائی راه یافتم که در پایان به مقام دوم بوکس مسابقات کارگران ایران نائل آمدم.

مشکلات ما نداشتن تمرین است. کارفرما به ما اجازه فعالیتهای ورزشی نمیدهد.

مرخصی ورزشی نیز برای ما صادر نمیشود. حتی کارخانه ما برای کارگرانی که به ورزش میپردازند یا عازم مسابقات ورزش کارگری میشوند، تفاوتهائی نیز از نظر حقوقی قائل میشود که این به چرخش زندگی عادی ما لطمه میزند. هیچگونه فرصت تمرین برای ما وجود ندارد. اصلاً در محیط کارخانه فرد مسئولی را نداریم که برنامه های ورزشی ما را زیر نظر داشته باشد. اداره کار در محل هم مسائل ورزشی را جدی نمیگیرد و چنانکه باید ما را همراهی و پشتیبانی نمی کند. تنها میماند فعالیت و علاقمندی خودمان که موجب میشود تاهمین حدهم پیشرفت نمائیم. اگر تاحدودی به تمرینات دراین سال برسم و

امکانات برایم تاحدی فراهم باشد، رسیدن به مقام قهرمانی بو نس نارگران ایران دور از دسترس من نخواهد بود.

فاطمه اخلاق‌پسور: من سه‌سال است که به دوچرخه‌سواری روی آورده‌ام . در سال ۵۳ که تمرینات بهتری داشتم، به‌مقام قهرمانی کارگران ایران رسیدم . اما در سال ۵۴ بعلت کمی تمرینات، به‌مقام دوم تنزل یافتم....

مشکل ما زنان کارگر در امر ورزش، در مرحله اول سختگیری کارفرما است که هیچگونه مجال فعالیتهای ورزشی را بما نمیدهند . بهمین جهت با کمبود تمرین روبرو هستیم مربی نیز در اختیار نداریم.

باشم ، میتوانم صاحب مدال طلا شوم.

رقیه یگانه : دوسال است که در رشته دوو میدانی فعالیت میکنم.سال گذشته درمسابقات قهرمانی کارگران ایران در دویست‌متر سرعت ، دوم ودر پرش طول سوم شدم . از کمبود تمرین رنج میبرم . اداره کار گیلان موجباتی برای رفع این مشکل ما فراهم نمی کند. علاقه بـــه ورزش در ما دختران کارگر خیلی زیاد است . از نداشتن تأسیسات وامکانات ورزشی رنج میبریم . سالن ورزش نداریم در صورتیکه کارخانه ابریشم کشی امکانات احداث یک سالن ورزش وتأسیسات دیگر را دارد . گرفتن سالن از تربیت بدنی هم مشکل است ، چرا که

پیشرفت سریعی دراین رشته داشته‌ام . پس از ۶ ماه تمرین سال گذشته در مسابقات قهرمانی کارگران ایران شرکت کردم ودر پرش خرک مدال طلا ، در حرکات روی چوب‌موازنه مدال برنز ودر حرکات زمینی نیز مدال برنز دریافت نمودم . در مجموع چهار وسایل (قهرمان قهرمانان) — مقام سوم را کسب کردم . گذشته از این عضو تیم والیبال دختران کارگر نیز بودم که در این رشته بمقام دوم رسیدیم و منهم صاحب یک مدال نقره شدم.

نداشتن وقت کافی برای تمرین وعدم موافقت کارفرما با تمرینات ما موجب‌شد کهمن نتوانم باندازه کافی در رشته‌های ورزشی خود

مرخصی ورزشی ، خارج از محیط کارخانـه بسر میبرد ، ازلحاظ حقوقی تفاوت قائل میشوند. درصورتیکه مسئله باید عکس این باشد.

بهرحال آنچه در شرایط فعلی باید برای ورزشکاران کارگر بوجود آید ، امکانات لازم ورزشی و اجازه‌دادن حداقل روزی یکساعت توسط کارفرما است که ما بتوانیم در این فرصت محدود کمی تمرین کنیم. نداشتن مربی و سرپرست امور ورزشی که احتیاجات ما را در این زمینه برآورده نمایند هم خود مطلب دیگری است که باید به‌آن رسیدگی شود.

آنچه در بالا از زبان کارگران ورزشکار نوشتیم ، نشان‌دهنده این است که اگر این

زشکار رادوست ندارد!

خانم رقیه یگانه

محمدابراهیم آقائی

علیرضافیروزشاد

از راست بچپ : آقای علیرضا فیروز شاد ، خانم‌فاطمه‌اخلاق‌پسند ، رقیه یگانه سید بانو موسوی ، نساء عباسی ومحمدابراهیم آقائی.

دوسال پیش اگر موفقیتی نصیب‌من شده است ، روی فعالیتهای فردی بدست آمده و هیچکس دراین راه مرایاری نکرده‌است.

هیئت دوچرخه‌سواری استان مانیز که میتواند دراین راه به کمک ما شتابد وموجبات پیشرفت وترقی این ورزش را در منطقه گیلان برآورد ، هیچگونه اقدامی انجام نمیدهد . حتی برای یکبار هم که شده باما تماس نگرفته‌اند تااز این راه با مشکلات این رشته ورزشی آشنا شوند. ازآن عجیب‌تر اینکه من اصولا سرپرست امورورزشی خود رانمیشناسم .شاید چنین فردی باسم باشد ، اما درعمل وجودخارجی ندارد.

اگر امسال فرصت تمرین کافی داشته

علاوه براشغال این سالن توسط دانش‌آموزانو بازی کنان دیگر ، بعلت نداشتن سرپرست ورزشی ، نمیتوانیم در هفته حداقل چندساعت ازسالن ورزشی تربیت بدنی استفاده کنیم . اگر مسئول ورزشی داشتیم ، میتوانستیم چند ساعتی در هفته را درسالن شهر و ورزشگاه رشت به تمرین بپردازیم . تربیت‌بدنی می‌گوید تقاضای تمرین درورزشگاه باید توسط کارخانه شود ودر روز تمرین با مسئول ورزش خود به ورزشگاه بیانند.

سیدبانوموسوی(از بانوان پرتحرک و بسیارمستعد دررشته ژیمناستیک): خیلی زود به ورزش ژیمناستیک علاقمند شدم ونسبتاً هم

فعالیت نمایم ومدال‌های طلای بیشتری را تصاحب کنم . فکر میکنم با تمرینات کافی بتوانم صاحب ۶ مدال طلا در تمام حرکات ژیمناستیک بشوم.

نساء عباسی : سه سال است که بورزش دو ومیدانی رو آورده‌ام و در رشته پرتاب نیزه فعالیت‌می کنم.

در سال ۱۳۵۳ که تمرینات مرتبی داشتم ، بمقام اول مسابقات کارگران ایران نائل آمدم وسال گذشته بعلت کمبود تمرینات دوم شدم . میتوانم جرأت بگویم که حتی بدون تمرین دراین دوره ازمسابقات شرکت کردم.

کمبود وقت ومشکلاتی که برسر تمرینات ما وجود دارد تنها مشکلات ما در پیشرفت بیشتر وموفقیت کاملتر است . ما اگر تمرینات مرتبی داشته باشیم ، تمام عناوین قهرمانی کارگران را بخود اختصاص خواهیم داد . در چنین شرایطی تمرینی ونداشتن مربی کارآزموده ، تیم دو ومیدانی دختران گیلان بمقام نخست رسید. حریف جدی برای ما فقط تیم دختران تهران است.

محمدابراهیم آقائی : از ۱۲ سال پیش یعنی از سن ۱۲ سالگی تاکنون در رشته ژیمناستیک فعالیت دارم . سال گذشته بـا بدست آوردن ۳ مدال طلا ، ۲ مدال نقره و۲ مدال برنز بمقام اول ژیمناستیک مسابقات قهرمانی کارگران ایران نائل شدم .

ورزش کارگری در استانی چون‌گیلان برای پیشرفت و ترقی خیلی جا دارد . بویژه استعداد دختران کارگر این استان مثال زدنی است.

ما تنها ۲ یا ۳ماه به مسابقات مانده ، روزی ۲ ساعت اجازه برای تمرین داریم. بهمین‌جهت چون تمرینات ما بطور مداوم نیست ، پیشرفت و ترقی بیش ازاین برای ما امکان‌پذیرنیست.

چه خوبست که هریک از کارخانه‌ها ، محلی برای تمرین داشته باشند، درتمام کشورهای جهان آنطورکه من شنیده‌ام ، درکنار تأسیسات خود کارخانه باید محل ورزش نیز وجود داشته باشد ، اگرنه آن کارخانه اجازه فعالیت‌نمیگیرد. درکشورما نیز لازم است باین مسئله که با سلامت و بازده بیشتر کار کارگران مربوط‌میشود ، توجه کامل مبذول گردد.

بعضی کارفرمایان نظر خوبی با کارگر ورزشکار ندارند. بعضی اوقات دیده شده کـه یک کارگر ساده با کارگر ساده دیگری که ضمن انجام وظایف کاری خود و ورزش نیزمیکند تنها بخاطر اینکه هرسال چندروزی را باگرفتن

تنگناهای آنها که چندان هم مشکل نیست رفع گردد ، آنوقت میتوانیم افق روشنی ازورزش کارگری درگیلان داشته باشیم. این دیگر کاریست که مربوط به کارفرمایان و اداره‌کار میشود تا این نارسائی‌ها را بررسی و در رفع فوری آن اقدام نمایند.

نیم‌ساعت‌ورزش در روز

معرفی کارگر ورزشکار

غلام‌امانی ، کارگر صنایع هواپیمائی ،طی نامه‌پرشوری‌ضمن معرفی‌خود، ازهمه‌ی کارگران بخصوص جوانها خواست که‌بانیم‌ساعت ورزش درروزسلامتی وشادی خود راتأمین و تضمین کنند.

غلام امانی ، ۳سال داردوازده‌سال پیش به ورزش زیبائی اندام روآورده است .وی دوسال درمسابقه زیبائی اندام دردسته‌متوسط قهرمان شدو کاپ دریافت کرد.

«غلام» دربلشگاه‌نادر ورزش میکند و عقیده دارد که ورزش بهترین سرگرمی در اوقات فراغت‌جوانان است.

نیم قرن طلائی ، نیم قرن سرشار از سازندگی ، نیم قرن شوکت و برکت

شاهنشاهی دودمان پهلوی

را با سربلندی و غرور گرامی میداریم

و آغاز شکوهمند آئین ملی بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت پرافتخار سلسله پهلوی را به

پیشگاه شاهنشاه آریامهر

و فرد فرد ملت شریف ایران تهنیت میگوئیم

طرح بیمه بیکاری

ضمن ستایش از تهیه و اجرای این طرح ،معتقد که اگر قرار است درصدی از دستمزد کارگر برای این منظور کسر شود ، رقم آن از یک درصد حقوق و دستمزد کارگران تجاوز نکند تا لطمه ای بـه زندگی کارگران وارد نیاید و نیز باید ترتیبی داده شود که کارگران بیکار شده ،در مدت بیکاری تحت آموزش قرار گیرند تا هم اوقات را به بطالت نگذرانند و هم بتوانند با آموزشی که فرا میگیرند بکاری بهتر که طبعاً درآمد بیشتری هم دارد ، گمارده شوند.

***مسئله ای بنام انتقال کارگر:**

آقای حسن محسنی مقدم کارگر تراش کار در گفتگوی کوتاه خویش ، توجه به امر توزیع جغرافیائی منابع کار و مسئله انتقال کارگران را به این مراکز ، در حسن اجرای بیمه بیکاری امری انکار ناپذیر دانست و افزود : من ضمن آن که این طرح را اقدامی مؤثر برای دگرگونی بیشتر وضع کارگران و بهزیستی هرچه بیشتر آنان میدانم و همه زمینه های آنرا تائید میکنم ، این پرسش برایم مطرح است که اگر مثلا یک کارگر تراش کار شیرازی آنطور که لایحه بیمه بیکاری میگوید ، بطور نا خود آگاه و ناخواسته کار خود را از دست بدهد ،آیا مجدداً وی را در شیراز بکار خواهند گمارد ؟ اگر جز این باشد ، یعنی اگر نتوانند در شهر خویش ، کاری کـــه متناسب با دانش حرفه‌ای او باشد برایش پیدا کنند و در عوض مثلا در تبریز و یا مشهد و دیگر شهرهای ایران محلی برای اشتغال خالی باشد،

بقیه از صفحه ٤١

آیا مجبور به پذیرفتن آن و عزیمت به شهر تازه خواهـــد بـود ؟ اگر چنین است وضع زندگی او خصوصاً اگر در شهر خود علائقی داشته باشد؟ چه خواهد شد ؟ این مسئله مهمی استکه نباید در تهیه طرح نهائی بیمه بیکاری از نظر دور ماند.

***مسئله کارگران سالخورده**

توسعه آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای و توجه به امر آموزش کارگران ، از جمله نکات و مسائلی بود که از سوی آقای حسین توحیدی دبیر سندیکای کارگران گروه صنعتی بهشهر نیز مورد تائید قرار گرفت .وی هم چنین معتقد بود باید میزان حقوقی که در ایام بیکاری ناخواسته به کارگر تعلق میگیرد به اندازه‌ای باشد که بتواند زندگی وی و افراد خانواده او را تامین کند و هزینه زندگی و سایر نیازمندیهای وی را تکافو باشد .وضع کارگران سالخورده و مسن نیز از جمله نکاتی است که نمی توان بی تفاوت از کنار آن گذشت .زیرا کارگران سالخورده که طبعاً بعلت بالا بودن سن ، مقداری از کارآئی خود را از دست داده‌اند ،مقبول بازار کار نیستند و نمی توان برای آنان به آسانی کار دیگری دست و پا کرد و از طرف دیگر ، مدت استفاده از مزایای بیمه بیکاری هم مسلماً محدود خواهد بود .بنابراین در لایحه بیمه بیکاری خصوصاً در این هنگام که بازار کار با کمبود کارگر روبروست ، باید به مشکل این قبیل کارگران توجه خاصی مبذول شود .

تعطیلات و مرخصی ها

جمعه «اضافه برمزد هر ساعت و با اضافه برمزد روزانه » را بکار برده است و نشان میدهد که منظور قانونگزار این بوده است که این اضافات بعکس تبصره ۲ ماده ۳۱ ، ۲ مزد تلقی نمی‌شود . وانگهی در ماده ۳ بهنگام تعریف مزد میگوید : «مزد یا حقوق عبارتست از وجه نقد یا هرگونه مزایای غیرنقدی که درمقابل انجام کار بـــه کارگر داده میشود » بدین ترتیب تکلیف مزد معلوم میشود و منظور انجام کار ، مدت کار قانونی یعنی ۸ ساعت در روز و ۴۸ ساعت در هفته است و وجه یا مزایائی که بابت کار در این ۸ ساعت پرداخت شود مزد تلقی میشود و بقیـــه اضافات مزد است . بدین ترتیب با دلائل مذکور هرگاه کارگری روز جمعه اضافی کاری نماید علاوه بر ۴۶۳ ریال یاد شده براساس مزد روزانه ۰ . ۲ ریال ساعات اضافه کار وی نیز تعیین میگردد . بموجب نظر دوم که بیشتر جنبـــه اجتماعی دارد : اولا اضافـــه کاری در روز- های جمعه مطلقاً غیر منطقی است . زیرا این روز قانوناً و عرفاً برای استراحت و نظافت و سایـــر مسائلی که بدان اشاره شد بعنوان تعطیل تعیین شده است . حال اگر ضرورت ایجاب کند که آن روز کارگر کار خود را ادامه دهد دیگر اضافه کاری ضروری نخواهد بود و در این زمینه رضایت کارگر را هم نباید در نظر گرفت .ثانیاً بر همین اساس چون کارگر بیش از اندازه کار و فعالیت کرده است لذا ضرورت ایجاب میکند که بمنظور جبران این زحمات اضافه کاری وی نیز بر اساس ۴۷۰ ریال پرداخت گردد.

سؤال دیگری که مطرح میگردد اینست که آیا این اضافات که در مورد تعطیل هفتگی

بقیه از صفحه ۳۹

بیان شد ، در مورد تعطیلات رسمی نیز قابل پرداخت است ؟ بدین معنی هرگاه کارگری یکی از روزهای تعطیل رسمی خود را استفاده نکند آیا ۱۳۵ درصد بوی پرداخت خواهد شد. ویا ۱۰۰ درصد ؟ پاسخ اینست که فقط ۱۰۰ درصد زیرا قانون این اضافه را فقط در مورد تعطیلات هفتگی بیان کرده است.

با توجه به آنچه بیان گردید ، این مساله مطرح میگردد که آیا کلیه کارگران با توجه به تعریف ماده ۲ قانون کار از لحاظ تعطیلات و مرخصی ها ، تابع قانون کار هستند و مقررات ماده ۴ ، و تبصره آن در مورد آنها اجرا میشود ؟

بعقیده ما بجز کارگرانی که در مواد ۷ و ۸ و نیز تبصره ۲ ماده ۶ ، از شمول تمام یا قسمتی از قانون کار معاف گردیده‌اند و در مورد آنهـــا مقررات دیگری اجرا میشود ، بقیه مشمول مقررات مذکور بوده و باید بر طبق ماده ۴ ، و تبصره آن از تعطیلات هفتگی استفاده کنند.

رعدوبرق بقیه از صفحه ٤٤

روستایی حمله کرد وگوشت خوکی را که در آشپزخانه آویزان بود ، سوزاند ، همهٔ ظرف ها را ذوب کرد وهمهٔ اهل خانه را بی حس به جا گذارد ، اما کمترین آسیبی به آن ها وارد نکرد.

*** در اسپانیا رعد وبرق همهٔ سیب زمینی های یک روستایی را کباب کرد.**

به هرحال اگر شما در توفان ورعدو برق غافلگیر شدید ،سخت از خود مراقبت کنید ، اما خیلی نترسید ، زیرا احتمال می رود بیماری تان معالجه شود !

شاهنشاها

آغاز پنجاه و یکمین سال سلطنت دودمان افتخارآفرین
پهلوی همچون نیم قرن گذشته منشاء خیر و برکت برای
ملت ایران است.

ضمن ابراز صمیمانه ترین سپاس به پیشگاه باعظمت

شاهنشاه آریامهر

از خدای بزرگ دوام سلطنت خاندان پهلوی و بقای
شاهنشاهی ایران را آرزومندیم.

از طرف کارگران ـ کارمندان و مدیران

شرکت صنعتی جنرال «سهامی عام»

مهندس عنایت بهبهانی رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل